



عنوان طرح:

راهکارهای جلب و توسعه مشارکت‌های مردمی در حوزه کاهش خشونت‌های اجتماعی با تاکید بر طرح یک مدل بر اساس سرمایه‌های اجتماعی

کارفرما:

معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری چهارمحال و بختیاری

مجری:

دانشگاه شهرکرد

ناظر:

دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری

دکتر شهرام مقدس

پژوهشگر طرح:

دکتر ستار صادقی

همکاران طرح:

دکتر عزیز الله آقابابایی، آقای اکبر شفیعی

خانم طوبی نجفی، خانم الهام آزادیان

آذر ماه ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

روح مطهر شهدا، آنانی که با ایثار خون خود آزادی و امنیت و سلامت اجتماعی را به کشور عزیزمان ایران اهداء کردند و تبلور حضورشان و عطر شمیم ایثارشان در فضای کشور طنین انداز است. جامعه بهداشت و درمان و شهدای مدافع سلامت که خلوص و مردم دوستی خود را در ایام گرفتاری مردم به ویروس کرونا نشان دادند.

و

همه کسانی که بی دریغ با مشارکت خود در حل گرفتاری‌های مردم تلاش می‌کنند.

قدردانی:

این تحقیق پس از اولویت بندی استانداری و به سفارش دفتر امور اجتماعی و فرهنگی حوزه معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری چهارمحال و بختیاری و طرح در کارگروه پژوهش و فناوری و نوآوری استان در سال ۹۹-۱۳۹۸ مصوب و انجام شده است.

در انجام این پژوهش؛ دستگاه‌ها، سازمان‌ها، مدیران، اندیشمندان، اساتید دانشگاه، کارشناسان و شخصیت‌های حقوقی و حقیقی مختلفی ما را یاری نمودند همین جا از همه ایشان تشکر می‌کنم: معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری، دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، دانشگاه شهرکرد، دفتر مطالعات نیروی انتظامی استان، بویژه:

جناب آقای مهندس اقبال عباسی استاندار محترم استان

جناب آقای علی شه‌ریارپور رئیس محترم سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان

جناب آقای جعفر مردانی معاون محترم سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار

سرکارخانم لیلا محمدیان معاون محترم توسعه مدیریت و منابع انسانی استاندار

جناب آقای دکتر کریمی رئیس محترم دانشگاه شهرکرد

جناب آقای دکتر مبینی معاون محترم پژوهش و فناوری دانشگاه شهرکرد

جناب آقای دکتر مقدس مدیرکل محترم دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری و کارشناسان محترم ایشان در

دبیرخانه کارگروه ذریبط. (آقایان سلطانی و خواجوی)

جناب آقای مرداس طاهری فرماندار محترم شهرستان فارس

جناب آقای دکتر مهدی کرمی استاد محترم دانشگاه شهرکرد

جناب آقای سرهنگ غلامعلی شکری از فرمانده محترم نیروی انتظامی شهرستان فارس

جناب آقای سرهنگ بهمنی مدیر محترم مطالعات نیروی انتظامی استان

سرکارخانم سامیه اعلایی مدیر کل محترم دفتر برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری استانداری

جناب آقای دکتر محمد ربیعی استاد محترم دانشگاه دولتی شهرکرد

جناب آقای دکتر نادر پورارشد استاد محترم دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد

سرکارخانم دکتر فرحناز فردوسیان. استاد محترم جامعه شناسی

جناب آقای دکتر عزیزالله مولوی استاد محترم دانشگاه شهرکرد

جناب آقای دکتر افراسیاب صادقی استاد محترم دانشگاه شهرکرد

جناب آقای دکتر بیژن خلیل مقدم استاد محترم دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد

سرکارخانم سیده زینب حجازی کارشناس محترم پژوهش استانداری

جناب آقای لقمان سلطانی کارشناس محترم امور اجتماعی استانداری

جناب آقای شهرام خواجوی رئیس محترم گروه امور اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌های مردم نهاد استانداری

چکیده:

جوامع انسانی در عصر جدید بر اثر تحولات همه جانبه ای که بر اثر: شهری شدن، صنعتی شدن، رشد علم و پویایی چون جهانی شدن و مانند آن با مسائل و پیچیدگی های بسیاری مواجه شده و از طرف دیگر منابع سنتی اجتماعی نیز دستخوش انحلال و یا تغییر شده اند. از اینرو ایجاد منابع جدید فرهنگی اجتماعی برای بقای جامعه و تداوم آن ضروری می نماید. یکی از این منابع، مشارکت های همه جانبه اجتماعی است که در جامعه سنتی از اعتبار و میزان بالای برخوردار بود و اکنون نیز باید با شرایط جدید، بازیابی و بکارگیری شود. مسلماً برای تداوم حیات اجتماعی و در نظر مدیران اجتماعی، افراد بیتفاوت بعنوان یک مساله مطرح اند که باید برای آن در جامعه اقدام نمود. یکی از زمینه های ضروری برای مشارکت اجتماعی، مشارکت در کاهش اختلافات، برخوردها و کاهش خشونت هاست که براساس اعلام دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری؛ در سالهای اخیر در استان افزایش یافته و نیاز به مشارکت مردمی برای کاهش آن احساس می شود. رویکرد، استفاده از منابع اجتماعی (اجتماع محور) و استفاده از ظرفیت های مردمی برای برنامه ریزی و حل مسائل، از جمله رویکردهای مورد تأیید و توجه علوم اجتماعی است.

در این راستا این پژوهش به منظور بررسی وضعیت مشارکت مردم استان در کاهش خشونت ها با تاکید بر مدل سرمایه اجتماعی، انجام شده است. برای انجام این تحقیق از دو روش کمی (پیمایش) و روش کیفی (مصاحبه و تحلیل محتوای نظرات) استفاده شده است. در روش پیمایش از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و در روش کیفی از تکنیک مصاحبه استفاده، و نظرات ۲۷ نفر از صاحب نظران، اساتید دانشگاه از رشته های مختلف علوم انسانی، مدیران ذیربط و افراد درگیر و شهروندان عادی که بصورت هدفمند انتخاب شدند، جمع آوری و تجزیه و تحلیل شد. اطلاعات پرسشنامه نیز از طریق *spss* و *amos* یا معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج بطور خلاصه نشان داد:

الف. بین متغیرهای سودمندی (دیدگاه اقتصادی داشتن)، داشتن انگیزه، اعتماد اجتماعی، ارزش های مثبت و نگرش نسبت به مشارکت کنندگان با متغیر مشارکت در کاهش خشونت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد ($Sig \leq 0/05$). با توجه به مقادیر ضریب پیروسون می توان گفت شدت رابطه بین متغیرهای سودمندی، ارزش های مثبت و نگرش نسبت به مشارکت کنندگان با متغیر مشارکت در کاهش خشونت ضعیف و شدت رابطه متغیرهای داشتن انگیزه و اعتماد اجتماعی با این متغیر در حد متوسط برآورد شده است.

ب. رابطه بین متغیرهای ارزش های منفی، بی تفاوتی و احساس نابرابری (گرچه در جامعه میانگین بی تفاوتی و احساس نابرابری رو به افزایش است) با متغیر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار نیست ($Sig > 0/05$). به عبارت دیگر مقدار ضعیف ضریب همبستگی بین این متغیرها با متغیر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه گیری برآورد می شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد. به عبارتی بی تفاوتی و احساس نابرابری در جامعه باعث کاهش مشارکت نمی شود.

در مجموع: مدل معادلات ساختاری برای مجموعه متغیرها نشان می دهد:

الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = 0/37$) است. به بیان دیگر ۳۷ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیرهای مستقل پژوهش قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بالایی برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل پژوهش در حد بالایی؛ توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارند.

ب. اثر متغیرهای سودمندی، انگیزه، اعتماد اجتماعی، بی‌تفاوتی و احساس نابرابری بر متغیر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). با توجه به مقادیر مربوط به ضرایب تأثیر این متغیرها می‌توان گفت اثر متغیرهای سودمندی، انگیزه و احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت مستقیم و در حد ضعیف و اثر متغیر اعتماد اجتماعی (بعنوان مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی) مستقیم و در حد متوسط به بالاست. اثر متغیر بی‌تفاوتی معکوس و در حد ضعیف برآورد شده است. ج. اثر متغیرهای ارزش‌های مثبت، ارزش‌های منفی و نگرش نسبت به مشارکت-کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار نیست ($P > 0/05$). به عبارت دیگر مقدار اثر ضعیف این متغیرها بر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

فهرست مطالب

نمودار ۴-۴ نمودار ۴-۲ برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین مردان و

زنان.....	۱۲۵
ض.....	
فصل اول.....	۱
کلیات تحقیق.....	۱
۱-۱- مقدمه:	۲
۲-۱- بیان مسأله:	۴
۳-۱- اهمیت و ضرورت مسأله:	۶
۴-۱- اهداف و دست آورد های قابل حصول:	۷
۵-۱- سؤالات:	۷
۵-۱-۱- سؤالات فرعی.....	۷
۶-۱- فرضیه های پژوهش.....	۸
۷-۱- تعاریف نظری متغیرها:	۹
فصل دوم:	۱۱
مبانی نظری و پیشینه تحقیق.....	۱۱
مقدمه فصل:	۱۲
بخش اول: مبانی نظری پژوهش.....	۱۲
۱-۲- تعاریف.....	۱۲
۱-۱-۲- تعاریف مشارکت.....	۱۲
۲-۱-۲- تعریف واژه مشارکت:	۱۲
۳-۱-۲- تعاریف مفهوم مشارکت:	۱۲
۲-۱-۲- ویژگیهای مشارکت:	۱۵
۱-۲-۱-۲- انواع مشارکت:	۱۶
۲-۱-۲-۲- انواع مشارکت برحسب چگونگی عضویت:	۱۶
۳-۲-۱-۲- انواع مشارکت بر حسب زمینه فعالیت.....	۱۷
ب- مشارکت اقتصادی.....	۲۱
ج- مشارکت فرهنگی.....	۲۲
د- مشارکت اجتماعی.....	۲۳
۴-۲-۱-۲- پیشینه موضوعی مشارکت:	۲۶
۴-۲-۱-۲- پیشینه تاریخی مشارکت اجتماعی در ایران:	۲۷
۵-۲-۱-۲- دیدگاه های نظری پیرامون مشارکت اجتماعی.....	۳۱

۳۱	الف- نظریه‌های روانشناختی مشارکت:.....
۳۱	۱- نظریه دیوید سیلز.....
۳۲	۲- نظریه تسری گرونبرگ.....
۳۴	ب- نظریه‌های جامعه‌شناختی مشارکت:.....
۳۴	۲-مشارکت و انسجام اجتماعی.....
۳۷	۲-۱-۲-۶-مشارکت و اعتماد اجتماعی.....
۳۸	جدول ۲-۱- محیط‌های اعتماد و مخاطره در فرهنگ‌های مدرن و ماقبل مدرن از نظر گیدنز.....
۴۰	۲-۱-۲-۷- ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی:.....
۴۳	مشارکت با توجه به مکاتب و دیدگاهها.....
۴۸	۲-۱-۲-۸- سایر نظریه‌های جامعه‌شناسی:.....
۵۰	شکل ۲-۱- گرایش و رفتار از دید فیش باین و آیزن.....
۵۱	۲-۱-۲-۹- عوامل مؤثر بر میزان مشارکت.....
۵۵	۲-۱-۱۰- نظریه‌های بیگانگی اجتماعی.....
۵۶	۲-۲-۱۱- نظریه‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی.....
۵۶	۲-۱۱-۱- دیدگاه‌های پیشگامان مباحث سرمایه اجتماعی.....
۶۳	۲-۲-۲- نظریه پردازان اخیر سرمایه اجتماعی.....
۷۳	۲-۲-۴- اعتماد اجتماعی.....
۷۴	شکل ۱-۲- نمونه ای از یک شبکه اجتماعی.....
۷۶	۲-۲-۴- پارادایم واقعیت اجتماعی.....
۷۶	۲-۲-۴-۱- پارادایم تعریف اجتماعی.....
۷۷	۲-۲-۴-۲- پارادایم رفتار اجتماعی.....
۷۷	۲-۲-۴-۳- پارادایم ترکیبی.....
۷۷	۲-۲-۵- مشارکت و آسیب‌شناسی اجتماعی.....
۷۹	۲-۲-۷- خشونت.....
۸۰	۲-۲-۶-۱- دولت و خشونت نمادین.....
۸۰	۲-۲-۶-۲- حذف خشونت.....
۸۲	۲-۲-۸- پژوهش‌های انجام شده دیگران.....
۸۹	۲-۲-۷- چارچوب نظری تحقیق.....
۹۳	شکل ۱-۲: مدل نظری انواع مشارکت.....
۹۴	نمودار شماره ۲-۱) عوامل مؤثر بر میزان مشارکت علوی تبار، ۱۳۷۹:۴۷.....
۹۵	نمودار ۲-۲- مدل اصلی ونظری پژوهش.....
۹۶	فصل سوم:.....
۹۶	روش پژوهش.....

۹۷	۱-۳-مقدمه
۹۷	۲-۳-روش پژوهش
۹۸	۱-۲-۳-محل اجرای طرح:
۹۸	۲-۲-۳-جامعه مورد مطالعه
۹۹	شکل ۱-۳-نقشه استان چهارمحال و بختیاری
۹۹	۲-۲-۳-جامعه و نمونه آماری
۱۰۰	۳-۳-شیوه نمونه گیری، ابزار گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات
	نمونه تعیین شده (۴۲۲ نفر) بر حسب جمعیت هر شهرستان به شیوه سهمیه ای متناسب برحسب جمعیت بالای ۱۸
۱۰۰	سال تعیین و پرسشنامه ها توزیع و تکمیل گردید
۱۰۰	جدول ۱-۳-توزیع نمونه ها برحسب جمعیت شهرستان ها
۱۰۰	۱-۳-۳-پرسشنامه و تعریف عملیاتی متغیرها (تعیین گویه ها)
۱۰۱	جدول ۲-۳-گویه های مربوط به مشارکت
۱۰۲	جدول ۳-۳-گویه های مربوط به اقتصاد (سود) و انگیزه
۱۰۲	جدول ۴-۳-گویه های مربوط به سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی)
۱۰۳	جدول ۵-۳-گویه های مربوط به ارزش های مثبت و منفی
۱۰۳	جدول ۶-۳-گویه های مربوط به بی تفاوتی (بلازه)
۱۰۴	جدول ۷-۳-گویه های مربوط به احساس نابرابری
۱۰۴	جدول ۸-۳-گویه های مربوط به احساس نابرابری
۱۰۵	جدول ۹-۳-گویه های مربوط به راهکاره
۱۰۶	۱-۱-۳-۳-تعیین بارهای عاملی و پایایی (آلفا)
۱۰۶	جدول ۱-۳-نتایج آلفای کرونباخ برای شاخصها
۱۰۶	۲-۱-۳-۳-روایی
۱۰۷	فصل چهارم:
۱۰۷	تجزیه تحلیل
۱۰۸	مقدمه:
۱۰۸	۱-۴-بخش اول نتایج توصیفی تحقیق:
۱۰۸	جدول شماره ۱-۴-توزیع پاسخگویی بر حسب جنسیت
۱۰۸	جدول شماره ۲-۴-توزیع پاسخگویی بر حسب وضعیت تاهل
۱۰۹	جدول شماره ۳-۴-توزیع پاسخگویی بر حسب سکونت
۱۰۹	جدول شماره ۴-۴-توزیع پاسخگویی بر حسب سن
۱۰۹	جدول شماره ۵-۴-توزیع پاسخگویی بر حسب تحصیلات
۱۱۰	جدول شماره ۶-۴-توزیع پاسخگویی بر حسب اشتغال
۱۱۰	جدول شماره ۷-۴-توزیع پاسخگویی بر حسب نوع شغل

- جدول شماره ۴-۸- توزیع پاسخگویی بر حسب قومیت..... ۱۱۰
- جدول شماره ۴-۹- توزیع پاسخگویی بر حسب مسکن..... ۱۱۱
- جدول شماره ۴-۱۰- توزیع پاسخگویی بر حسب طبقه اجتماعی و اقتصادی ۱۱۱
- جدول ۴-۱۱- با توجه به گویه های زیر میزان مشارکت خود را معلوم نمائید..... ۱۱۲
- البته نظر محققان این است که با توجه به روند کاهشی که ما در جامعه در خصوص کاهش همکاری ها و مشارکت ها داریم اگر بتوانیم مشارکت مردم در برنامه های خانوادگی و فامیلی را هم در همین سطح نگه داریم در برنامه ریزی مشارکت شهروندان در این قسمت موفق بوده ایم، زیرا جامعه به شدت تحت تاثیر جهانی شدن، رشد علم، صنعتی شدن و سایر زمینه های تجدد در حال تغییر است و روند کاهش مشارکت های اجتماعی بصورت مکانیکی (به تعبیر دورکیم) در حال افزایش است. با اینحال نتایج بطور مربوط به گویه ها، نشان می دهد: ۶۰ درصد پاسخگویان در حد بسیار زیاد و زیادتر، در مسایل خانوادگی بیشتر شرکت می کنند. ۲۶/۳ درصد اعلام کرده اند که در حد کم در امور محله زندگی مشارکت دارند. ۳۱ درصد در حد زیاد اعلام کرده اند در حل درگیری های اطرافیان مشارکت دارند. ۲۴/۹ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کم، ۲۲/۷ درصد در حد زیاد و ۲۰/۸ درصد در حد متوسط معتقدند که مشارکت در مناسبت های ملی باعث غرور می شود. ۳۳ درصد در حد متوسط اعلام داشته اند در حل و فصل دعاوی مردم مشارکت دارند. ۲۹/۴ درصد از پاسخگویان در حد متوسط از برنامه های دولت حمایت می کنند. ۴۵ درصد پاسخگویان در حد بسیار زیاد معتقدند افرادی که به وظایفشان عمل نمی کنند باید تذکر داد. ۳۰ درصد پاسخگویان در حد متوسط معتقدند اگر در خیابان شاهد دعوا باشند، در حل آن مشارکت می کنند و تنها ۸/۶ درصد در حد بسیار زیاد اقدام به این کار می کنند..... ۱۱۳
- جدول ۴-۱۲- تا چه حد موافق یا مخالف هستید..... ۱۱۳
- جدول ۴-۱۳- اعتماد اجتماعی..... ۱۱۵
- جدول ۴-۱۴- به نظر شما تا چه حد ارزشهای و ضد ارزشها زیر در جامعه رواج دارد..... ۱۱۶
- جدول ۴-۱۵- تا چه حد موافق یا مخالفید؟..... ۱۱۷
- جدول ۴-۱۶- به نظر شما تا چه حد ارزشهای زیر در جامعه وجود دارد..... ۱۱۸
- جدول ۴-۱۷- در ذیل راهکارهایی برای کاهش خشونت ارائه شده است شما تا چه حد با این موارد مخالف یا موافق هستید؟..... ۱۱۹
- جدول ۴-۱۸- توزیع گویه های مربوط به نگرش نسبت به مشارکت کنندگان..... ۱۲۱
- ۴-۲- بخش دوم: نتایج استنباطی تحقیق (آزمون فرضیه ها. معادلات ساختاری و مدل ها)..... ۱۲۳
- ۴-۲-۱- یافتههای استنباطی..... ۱۲۳
- جدول ۴-۱۹- برآورد آزمون تی تکنمونهای جهت بررسی میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت..... ۱۲۳
- نمودار ۴-۱- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش..... ۱۲۳
- جدول ۴-۲۰- برآورد آزمون تی جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در بین مردان و زنان..... ۱۲۴
- نمودار ۴-۲- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین مردان و زنان..... ۱۲۴
- جدول ۴-۲۱- برآورد آزمون تی جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد مجرد و متأهل..... ۱۲۵

- نمودار ۳-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد مجرد و متأهل ۱۲۵
- جدول ۲۲-۴. برآورد آزمون تی جهت مقایسه مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد ساکن شهر و روستا. ۱۲۶
- نمودار ۴-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد ساکن در شهر و روستا ۱۲۶
- جدول ۲۳-۴. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب سن ۱۲۷
- جدول ۲۴-۴. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت ۱۲۷
- جدول ۲۵-۴. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب تحصیلات ۱۲۹
- جدول ۲۶-۴. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت ۱۲۹
- نمودار ۶-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروههای تحصیلی ۱۳۱
- جدول ۲۸-۴. برآورد آزمون تی جهت مقایسه مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد شاغل و غیرشاغل ۱۳۱
- جدول ۲۸-۴. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب نوع شغل ۱۳۲
- جدول ۲۹-۴. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۲
- نمودار ۸-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروههای شغلی ۱۳۳
- جدول ۳۰-۴. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب قومیت ۱۳۳
- نمودار ۹-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین قومیتها ۱۳۳
- جدول ۳۱-۴. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب تعلق طبقاتی ۱۳۴
- نمودار ۱۰-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد با تعلق طبقاتی متفاوت ۱۳۴
- جدول ۳۲-۴. برآورد ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با مشارکت ۱۳۵
- شکل ۱-۴- مدل معادله ساختاری اثر وضعیت اقتصادی بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۶
- جدول ۳۳-۴. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری ۱۳۶
- جدول ۳۴-۴. برآورد مقادیر اثر متغیر وضعیت اقتصادی بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۶
- شکل ۲-۴- مدل معادله ساختاری اثر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۷
- جدول ۳۴-۴. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری ۱۳۷
- جدول ۳۵-۴. برآورد مقادیر اثر متغیر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۷
- شکل ۳-۴- مدل معادله ساختاری اثر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۸
- جدول ۳۶-۴. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری ۱۳۸
- جدول ۳۷-۴. برآورد مقادیر اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۸
- شکل ۴-۴- مدل معادله ساختاری اثر رواج ارزشهای مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۳۹
- جدول ۳۸-۴. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری ۱۳۹
- جدول ۳۸-۴. برآورد مقادیر اثر متغیر رواج ارزشهای مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۴۰

شکل ۴-۵- مدل معادله ساختاری اثر رواج ارزشهای منفی بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۰
جدول ۴-۳۹- برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری	۱۴۰
جدول ۴-۴۰- برآورد مقادیر اثر متغیر رواج ارزشهای منفی بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۱
شکل ۴-۶- مدل معادله ساختاری اثر بیتفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۱
جدول ۴-۴۱- برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری	۱۴۱
جدول ۴-۴۲- برآورد مقادیر اثر متغیر بیتفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۲
شکل ۴-۷- مدل معادله ساختاری اثر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۲
جدول ۴-۴۳- برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری	۱۴۲
جدول ۴-۴۴- برآورد مقادیر اثر متغیر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونتها	۱۴۳
شکل ۴-۸- مدل معادله ساختاری اثر نگرش مردم به مشارکتکنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۴
جدول ۴-۴۵- برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری	۱۴۴
جدول ۴-۴۶- برآورد مقادیر اثر متغیر نگرش مردم به مشارکتکنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۴
جدول ۴-۴۷- برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری	۱۴۵
جدول ۴-۴۸- برآورد مقادیر اثر متغیرهای مستقل پژوهش بر مشارکت در کاهش خشونت	۱۴۵
جدول ۴-۴۹- برآورد آزمون تی تکنموهای جهت بررسی میانگین راهکارهای کاهش خشونت	۱۴۶
نمودار ۴-۱۲- برآورد میانگین راهکارهای کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش	۱۴۷
۳-۴- روش کیفی تحقیق (بخش کیفی - ثبت مصاحبه ها)	۱۴۸
۳-۴-۱- مقدمه:	۱۴۸
۳-۴-۲- مصاحبه ها	۱۴۸
۳-۴-۴- یافته های کیفی:	۱۸۶
نمودار ۴-۱۳- مشارکت در کاهش خشونت بعنوان کنش معطوف به	۲۰۱
جدول ۴-۵۱- تم ها یا گویه های نهایی در خصوص مشارکت مردم در کاهش خشونت ها	۲۰۱
نمودار ۴-۱۴- مشارکت در کاهش خشونت	۲۰۳
فصل پنجم	۲۰۵
نتیجه گیری و پیشنهادات	۲۰۵
نتیجه گیری	۲۰۶
۳-۳-۴- پیشنهادات:	۲۱۱
محدودیتهای پژوهش	۲۱۷
منابع فارسی	۲۱۸
منابع لاتین	۲۳۱
پیوست	۲۳۳

فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲- محیط‌های اعتماد و مخاطره در فرهنگهای مدرن و ماقبل مدرن از نظر گیدنز.....	۳۸
جدول ۱-۳- توزیع نمونه هابرحسب جمعیت شهرستان ها.....	۱۰۰
جدول ۲-۳- گویه های مربوط به مشارکت.....	۱۰۱
جدول ۳-۳- گویه های مربوط به اقتصاد (سود) و انگیزه.....	۱۰۲
جدول ۴-۳- گویه های مربوط به سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی).....	۱۰۲
جدول ۵-۳- گویه های مربوط به ارزش های مثبت و منفی.....	۱۰۳
جدول ۶-۳- گویه های مربوط به بی تفاوتی (بلازه).....	۱۰۳
جدول ۷-۳- گویه های مربوط به احساس نابرابری.....	۱۰۴
جدول ۸-۳- گویه های مربوط به احساس نابرابری.....	۱۰۴
جدول ۹-۳- گویه های مربوط به راهکاره.....	۱۰۵
جدول ۱۰-۳- نتایج آلفای کرونباخ برای شاخصها.....	۱۰۶
جدول شماره ۱-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب جنسیت.....	۱۰۸
جدول شماره ۲-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب وضعیت تاهل.....	۱۰۸
جدول شماره ۳-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب سکونت.....	۱۰۹
جدول شماره ۴-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب سن.....	۱۰۹
جدول شماره ۵-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب تحصیلات.....	۱۰۹
جدول شماره ۶-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب اشتغال.....	۱۱۰
جدول شماره ۷-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب نوع شغل.....	۱۱۰
جدول شماره ۸-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب قومیت.....	۱۱۰
جدول شماره ۹-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب مسکن.....	۱۱۱
جدول شماره ۱۰-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب طبقه اجتماعی و اقتصادی.....	۱۱۱
جدول ۱۱-۴- با توجه به گویه های زیر میزان مشارکت خود را معلوم نمائید.....	۱۱۲
جدول ۱۲-۴- تا چه حد موافق یا مخالف هستید.....	۱۱۳
جدول ۱۳-۴- اعتماد اجتماعی.....	۱۱۵
جدول ۱۴-۴- به نظر شما تا چه حد ارزشهای و ضد ارزشها زیر در جامعه رواج دارد.....	۱۱۶
جدول ۱۵-۴- تا چه حد موافق یا مخالفید؟.....	۱۱۷
جدول ۱۶-۴- به نظر شما تا چه حد ارزشهای زیر در جامعه وجود دارد.....	۱۱۸
جدول ۱۷-۴- در ذیل راهکارهایی برای کاهش خشونت ارائه شده است شما تا چه حد با این موارد مخالف یا موافق هستید؟.....	۱۱۹
جدول ۱۸-۴- توزیع گویه های مربوط به نگرش نسبت به مشارکت کنندگان.....	۱۲۱
جدول ۱۹-۴- برآورد آزمون تی تکنمونهای جهت بررسی میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت.....	۱۲۳

- جدول ۴-۲۰. برآورد آزمون تی جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در بین مردان و زنان.....۱۲۴
- جدول ۴-۲۱. برآورد آزمون تی جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد مجرد و متأهل....۱۲۵
- جدول ۴-۲۲. برآورد آزمون تی جهت مقایسه مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد ساکن شهر و روستا.....۱۲۶
- جدول ۴-۲۳. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب سن.....۱۲۷
- جدول ۴-۲۴. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۲۷
- جدول ۴-۲۵. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب تحصیلات.....۱۲۹
- جدول ۴-۲۶. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۲۹
- جدول ۴-۲۷. برآورد آزمون تی جهت مقایسه مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد شاغل و غیرشاغل.....۱۳۱
- جدول ۴-۲۸. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب نوع شغل.....۱۳۲
- جدول ۴-۲۹. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۳۲
- جدول ۴-۳۰. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب قومیت.....۱۳۳
- جدول ۴-۳۱. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب تعلق طبقاتی.....۱۳۴
- جدول ۴-۳۲. برآورد ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با مشارکت.....۱۳۵
- جدول ۴-۳۳. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۳۶
- جدول ۴-۳۴. برآورد مقادیر اثر متغیر وضعیت اقتصادی بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۳۶
- جدول ۴-۳۴. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۳۷
- جدول ۴-۳۵. برآورد مقادیر اثر متغیر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۳۷
- جدول ۴-۳۶. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۳۸
- جدول ۴-۳۷. برآورد مقادیر اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۳۸
- جدول ۴-۳۸. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۳۹
- جدول ۴-۳۸. برآورد مقادیر اثر متغیر رواج ارزشهای مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۴۰
- جدول ۴-۳۹. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۴۰
- جدول ۴-۴۰. برآورد مقادیر اثر متغیر رواج ارزشهای منفی بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۴۱
- جدول ۴-۴۱. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۴۱
- جدول ۴-۴۲. برآورد مقادیر اثر متغیر بیتفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۴۲
- جدول ۴-۴۳. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۴۲
- جدول ۴-۴۴. برآورد مقادیر اثر متغیر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونتها.....۱۴۳
- جدول ۴-۴۵. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۴۴
- جدول ۴-۴۶. برآورد مقادیر اثر متغیر نگرش مردم به مشارکتکنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۴۴
- جدول ۴-۴۷. برآورد مقادیر شاخصهای ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری.....۱۴۵
- جدول ۴-۴۸. برآورد مقادیر اثر متغیرهای مستقل پژوهش بر مشارکت در کاهش خشونت.....۱۴۵
- جدول ۴-۴۹. برآورد آزمون تی تکنموهای جهت بررسی میانگین راهکارهای کاهش خشونت.....۱۴۶
- جدول ۴-۵۰. تم ها یا گویه های نهایی در خصوص مشارکت مردم در کاهش خشونت ها.....۲۰۱

فهرست نمودارها

- نمودار شماره ۱-۲- عوامل موثر بر میزان مشارکت علوی تبار، ۴۷:۱۳۷۹..... ۹۴
- نمودار ۲-۲- مدل اصلی و نظری پژوهش..... ۹۵
- شکل ۱-۳- نقشه استان چهار و محال و بختیاری..... ۹۹
- نمودار ۱-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش..... ۱۲۳
- نمودار ۲-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروههای تحصیلی..... ۱۳۱
- نمودار ۳-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد مجرد و متأهل..... ۱۳۲
- نمودار ۴-۴- نمودار ۲-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین مردان و زنان..... ۱۲۵
- نمودار ۵-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروههای سنی..... ۱۲۹
- نمودار ۶-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروههای تحصیلی..... ۱۳۱
- نمودار ۷-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد بیکار و شاغل..... ۱۳۲
- نمودار ۸-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروههای شغلی..... ۱۳۳
- نمودار ۹-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین قومیتها..... ۱۳۳
- نمودار ۱۰-۴- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد با تعلق طبقاتی متفاوت..... ۱۳۴
- نمودار ۱۱-۴- مشارکت در کاهش خشونت..... ۲۰۳
- نمودار ۱۲-۴- برآورد میانگین راهکارهای کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش..... ۱۴۷
- نمودار ۱۳-۴- مشارکت در کاهش خشونت بعنوان کنش معطوف به..... ۲۰۱

فهرست اشکال

- شکل ۱-۲- گرایش و رفتار از دید فیش باین و آیزن..... ۵۰
- شکل ۲-۲- نمونه ای از یک شبکه اجتماعی..... ۷۴
- شکل ۱-۴- مدل معادله ساختاری اثر وضعیت اقتصادی بر مشارکت در کاهش خشونت..... ۱۳۶
- شکل ۲-۴- مدل معادله ساختاری اثر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت..... ۱۳۷
- شکل ۳-۴- مدل معادله ساختاری اثر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت..... ۱۳۸
- شکل ۴-۴- مدل معادله ساختاری اثر رواج ارزشهای مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت..... ۱۳۹
- شکل ۵-۴- مدل معادله ساختاری اثر رواج ارزشهای منفی بر مشارکت در کاهش خشونت..... ۱۴۰

شکل ۴-۶- مدل معادله ساختاری اثر بیتفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۴۱

شکل ۴-۷- مدل معادله ساختاری اثر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۴۲

شکل ۴-۸- مدل معادله ساختاری اثر نگرش مردم به مشارکت کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت ۱۴۴

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه:

در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، عموماً بحث درباره دو موضوع: ۱- فرد و ۲- جامعه و تأثیر متقابل این دو؛ دور میزند ... بر این نگرش دوسیستمی، سیستم طبیعت یا نظام آفرینش افزوده شده است تا بررسی و شناخت جامعه و نگرش نسبت به آن کامل شود. در بحث نظام آفرینش این نکته مد نظر قرار می‌گیرد که انسان نه نقشی در آفرینش اش داشته و نه در رفتن اش و در این مورد کاملاً بی‌اراده است، علاوه بر آن پیدایش جامعه نیز محصول نظام آفرینش است. انسان بر اساس حداقل دو نیاز فطری (منبعث از نظام آفرینش) مجبور به زندگی اجتماعی است. از یک طرف نیاز جنسی و از طرف دیگر نیاز به روابط اجتماعی. (ر-ک رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۹) از این رو در تبیین روابط و کنش‌های انسانی و اجتماعی بر سه بعد فرد، جامعه و نظام آفرینش در جامعه‌شناسی تأکید شده است. برای مثال کارل اسمیت و آندرسن (۱۹۷۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که شورش‌های اجتماعی در روزهای گرم افزایش می‌یابد. یا بین میزان قتل و دزدی و درجه حرارت (روزهای گرم) رابطه وجود دارد. همچنین دیدگاه‌ها و نظریه‌های علوم اجتماعی و رفتاری بر روابط بین متغیرهایی چون ناکامی، ضعف روابط و پیوندها، نیازهای جسمی، جنسی و تغییرات اجتماعی (شهری شدن، صنعتی شدن، پیچیدگی‌های اجتماعی و رشد مسائل و ...) و افزایش خشونت‌ها و جرائم تأکید دارد. بیان رسمی و غیر رسمی از وضعیت خشونت در جامعه ایران بخصوص در استان چهارمحال و بختیاری حکایت از افزایش میزان خشونت در این استان داشته است که به دلیل وجود نگرانی‌ها و پیامدهایی که در جامعه داشته، متولیان اجتماعی را به طرح این مساله و انجام اقدامات به موقع و لازم در جهت شناخت، کاهش و کنترل خشونت‌ها در جامعه ترغیب نموده است. برای متولیان و سیاستگذاران اجتماعی، این نکته اولویت دار است که جامعه در کلیت آن، شکل بهنجار پیدا کرده و روابط و کنش‌های فردی و اجتماعی، تنظیم و جامعه به حیاط طبیعی خود دست یافته تا بتواند تداوم یابد. از این رو افزایش خشونت‌ها به عنوان یک مساله اجتماعی مطرح و حضور و مشارکت مردم در تداوم حیاط جمعی اجتناب ناپذیر است. بر اساس دیدگاه دوانگاری جامعه‌شناسانی چون: دورکیم و تونیس از جوامع سنتی و مدرن که مشارکت در جوامع سنتی مبتنی بر شناخت متقابل، احساسات و عواطف، مشابهت و اموری از این قبیل است. بر این اساس مردم در جوامع سنتی به دلایل فوق و وابستگی‌های عاطفی، مشارکت بالایی در همه امور دارند ولی این مشارکت در جوامع مدرن به دلیل اینکه آن ویژگی‌های جامعه سنتی وجود ندارد، کمتر شده است. هرچه مردم بیشتر با هم باشند و در رفع مشکلات هم مشارکت کنند مسائل آنها هم کمتر می‌شود. جامعه‌شناسان امروزه این مشارکت‌ها را یک سرمایه اجتماعی می‌دانند. سرمایه‌ای هستند زیرا سرمایه‌های اجتماعی، هزینه کنش را کم می‌کنند. به عبارتی دیگر با حضور سرمایه‌های اجتماعی، هزینه‌هایی که جامعه برای کنش‌هایش باید پرداخت کند، کاهش می‌یابد. برای مثال مشارکت و همکاری، سرمایه‌اند زیرا سبب می‌شوند انسانها با هزینه کمتر، کارشان را انجام دهند وقتی هزینه کمتر می‌شود، سود فرد بیشتر می‌شود. از این رو به مشارکت به عنوان یک منبع سرمایه اجتماعی نگاه می‌شود.

براساس مساله شناسی دفتر اموراجتماعی و فرهنگی استانداری چهارمحال و بختیاری، یکی از زمینه‌های اساسی کاهش معضلات اجتماعی مانند: اعتیاد، خشونت، طلاق و سایر مسائل اجتماعی، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت مردم است. همانطور که میدانیم یکی از مهمترین محورهای سیاستگذاری اجتماعی (social policy)، اجتماع محور (social base) نمودن برنامه‌هاست. که در این رویکرد برنامه ریزان اجتماعی به مردم و مشارکت آنها توجه ویژه دارند.

دراین راستا این پژوهش در صدد برآمده تا به دو روش کمی (پیمایش) و کیفی (مصاحبه عمیق و تحلیل محتوی) در میان شهروندان استان چهارمحال و بختیاری به تبیین و تشریح زمینه‌های مشارکت در کاهش خشونت‌ها در جامعه بپردازد. در تدوین این پژوهش، ادبیات موضوع، طرح فرضیه‌ها، و جمع آوری پیشینه موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد. در روش پیمایشی به تنظیم پرسشنامه محقق ساخته و در روش کیفی از تکنیک‌های تحلیل کیفی استفاده شده است. و در نهایت اطلاعات بخش پیمایش از طریق معادلات ساختاری، spss, (amos) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا در نهایت مدل مورد نظر بر حسب یافته‌های هر دو پژوهش تنظیم و ارائه گردد. در بخش کیفی؛ اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق با نمونه‌ای هدفمند، انجام و تحلیل محتوی صورت پذیرفته است.

گزارش این پژوهش در فصول زیر تنظیم گردیده است:

در فصل اول کلیات پژوهش شامل: طرح مساله و سؤالات، اهداف، فرضیه‌ها، اهمیت و ضرورت و تعاریف نظری.

در فصل دوم مبانی نظری تعیین فضای مفهومی مشارکت، انواع و تقسیمات مشارکت، نظریه‌های مطرح و جایگاه مشارکت در پارادایم‌های جامعه‌شناختی، دیدگاه‌های عمده در زمینه سرمایه اجتماعی و اعتماد و پیشینه پژوهش و چارچوب و مدل نظری پژوهش ارائه گردیده است.

در فصل سوم، روش شناسی پژوهش شامل جامعه آماری، حجم نمونه، شیوه نمونه‌گیری، شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات، تعاریف عملیاتی متغیرها، تعیین شاخص‌ها و معرف‌ها و تعیین بارهای عاملی و پایایی و روایی شاخص‌ها و معرف‌ها ارائه گردیده است.

در فصل چهارم تجزیه و تحلیل اطلاعات، حداقل توصیفی و تبیینی و آزمون فرضیه‌ها و ارائه مدل معادلات ساختاری و نتایج تحلیل محتوای بخش کیفی (منتج از مصاحبه‌ها) ارائه گردیده است.

و درفصول پایانی، نتیجه‌گیری و پیوست‌ها و ضمائم پژوهش آمده است.

۱-۲- بیان مسأله:

جامعه‌شناسان بخصوص جامعه‌شناسان کارکردگرا بر این عقیده‌اند برای اینکه جامعه شکل بگیرد و تداوم یابد به یک سری لوازم کارکردی نیاز دارد از جمله این لوازم عبارتند از: وجود جمعیت، مردمی مشارکت جو نه بی تفاوت، وفاق و همدلی، نقش‌های تفکیک شده، نظام ارزشی، نظام فرهنگی مشترک، هدف‌های مشترک، تنظیم عواطف، نظارت بر رفتارهای مخرب و انسجام و... (ر-ک ریتزر ۱۳۸۰:۱۲۷). همچنین بر این عقیده‌اند که جامعه بر خشونت و جنگ همیشگی پایدار نمی‌ماند. با این همه بر این عقیده نیز هستند که جوامع از حداقلی از خشونت نیز برخوردارند. هر چه جوامع مدرن‌تر می‌شوند به یک سری لوازم کارکردی از جمله مشارکت و همدلی، عقلانیت ارتباطی و سرمایه‌های اجتماعی، چسبندگی اجتماعی و تداوم حیات خود نیاز بیشتری پیدا می‌کنند زیرا جوامع با پیچیدگی بیشتر به سمت فردگرایی در حرکتند و این مسأله باید با سازوکارهای اجتماعی برطرف می‌گردد. از این میان خشونت و پرخاشگری از جمله موارد مضر به تداوم حیات اجتماعی است.

پرخاشگری مفهوم بسیار پیچیده‌ای است که از یکسو تحت تأثیر عوامل موقعیتی و روانشناختی و از سوی دیگر تحت تأثیر عوامل ژنتیکی قرار دارد (آستین و همکاران، ۲۰۱۶:۱۲۰).

پرخاشگری و تجاوز، یک مسأله اجتماعی و سلامت عمومی است که ممکن است به آسیب فیزیکی، مشکلات روانی و رفتاری منجر گردد (ونگ، و همکاران، ۲۰۱۷).

از مجموعه عواملی که می‌تواند در بروز یا تعدیل پدیده خشونت بین فردی مؤثر باشد می‌توان به متغیرهایی اشاره کرد که مفهوم سرمایه اجتماعی به خوبی آن‌ها را در بر می‌گیرد (گلچین، ۱۳۹۱:۱۷۷) سرمایه- اجتماعی مجموعه‌ای از نهادها، روابط و هنجارهایی به هم پیوسته است که نقشی اساسی در شکل‌دهی به کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی افراد جامعه دارد؛ به گونه‌ای که در کوتاه مدت، برای شبکه‌های اجتماعی، ارزشی ویژه ایجاد می‌کند تا بین افراد مشابه و مختلف پلی ارتباطی برقرار گردد (ترنتاکوزتی، ۲۰۱۱). در جایی رفتارهای خشونت آمیز وجود دارد یا کسانی که بیشتر به این گونه اعمال دست می‌زنند که مفهوم سرمایه اجتماعی مانند فضای خانواده و محیط‌های آموزشی، حرمت و احترام متقابل، اعتماد، مشارکت اجتماعی، در نوعی نظام تقسیم یا فعالیت‌های گروهی عام‌المنفعه، همدلی، هماهنگی و رضایت متقابل از یکدیگر به طور محسوس و چشمگیری کمتر است (گلچین، ۱۳۹۱:۱۷۸).

مشارکت به معنای شرکت کردن در یک موقعیت زندگی اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت‌های گوناگون است که واجد سه مؤلفه‌ی داوطلبانه بودن، یاری دادن و مسئولیت‌پذیری است. بنابراین مشارکت،

جزء ضروری و جدایی ناپذیر زندگی روز مره هر فرد بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است (نیکخواه، ۱۶۰:۱۳۹۶).

مشارکت، فرآیندی است که در آن اجزاء و عناصر متشکله نظام به گونه‌ای کار کرد دارند که به ثبات و موازنه اجتماعی منجر می‌شود. نظریه پردازان این رویکرد در قالب الگوی نوسازی بر این باورند که بدون رشد شخصیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی آگاهانه و داوطلبانه تحقق پیدا نمی‌کند. بنابراین با تغییر در نظام تمایلات افراد در فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، باید به بسط اخلاق مسئولیت، خردورزی، خوداتکایی، فعال‌گرایی، عام‌گرایی و میل به پیشرفت، که زمینه‌ساز مشارکت اجتماعی هستند اقدام کرد. آن‌ها با تاکید بر اراده‌گرایی بر این باور هستند که مردم قادرند دنیای اجتماعی خود را شکل دهند بدون اینکه تابع محدودیت‌های ساختارهای اجتماعی باشند. بر این اساس، مشارکت قبل از اینکه نمود عینی پیدا کند پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و خلاصه در فرهنگ مردم جست و جو کرد. (غفاری، ۱۳۹۱: ۲۷).

رسیدن به پیشرفت بدون وجود زندگی جمعی و داشتن همکاری با دیگر هم‌نوعان و به نوعی وجود فرآیند تعاملی چندسویه میسر نخواهد بود؛ به بیان دیگر، با فرض وجود یک جامعه، برای رسیدن به توسعه باید یکی از شرایط مهم و اساسی آن، یعنی وجود مشارکت، فراهم شود (ادریسی، ۲۶:۱۳۹۱).

مشارکت بیشترین سهم و نقش را در رویارویی با مسائل و مشکلات و کاهش آنها دارد؛ از جمله این آسیب‌های اجتماعی (بزهکاری، خشونت، اعتیاد و...) اشاره کرد (غفاری، ۲۰-۲۳: ۱۳۹۱). مشارکت در دهه‌های اخیر همواره مورد توجه صاحب نظران اجتماعی بوده است. مشارکت مدنی موجب انسجام نیروهای مردمی و توانمندی آن‌ها می‌شود. وجود مردمی بی تفاوت، زمینه‌های گسترش آسیب‌ها را بیشتر می‌کند. از این رو حضور و مشارکت مردم در تمامی اجزای یک جامعه به تداوم و بهبود وضعیت و کیفیت زندگی اجتماعی می‌انجامد. آنچه امروز به عنوان یک دغدغه اساسی مطرح است این است که از یک طرف میزان خشونت‌ها به انحاء مختلف در جامعه افزایش می‌یابد و از طرف دیگر میزان مشارکت‌ها کمتر شده است و تداوم چنین روندی، حیات و تداوم اجتماعی را با مشکل مواجه می‌سازند.

استان چهار محال و بختیاری با ترکیب اجتماعی و قومی: بختیاری، فارس و ترک که اکثریت غالب جمعیتی و قومی آن را تشکیل می‌دهد گرچه در سالهای اخیر شاهد تحول و نوسازی بوده ولی به لحاظ برخوردار از ساختار ایلی و سنتی هنوز دارای زمینه‌های قومی و قبیله‌ای است و علی‌القاعده به تعبیر دورکیم، دارای همبستگی مکانیکی است که در این همبستگی شاهد شباهت‌ها و روابط صمیمانه است ولی در همین ساختار، گاه شاهد نزاع‌ها و خشونت‌های قومی قبیله‌ای هستیم که حتی سالها در جامعه مشکل ایجاد کرده است. برای مثال داستان تلخ هالو زال در ایل بختیاری و جنگ‌های هفت لنگ و چهارلنگ از جمله این موارد بود. گرچه در ساختار سنتی وجود رسم‌ها (خون بس) و احترام بزرگ فامیل باعث مشارکت و کاهش خشونت‌ها می‌شد اما امروزه این قبیل زمینه‌ای و سرمایه‌های سنتی نیز کاهش یافته و مساله را بغرنج‌تر می‌نماید. از طرف دیگر بر اساس شواهد و مطالعات وزارت کشور در سالهای اخیر شاهد افزایش انواع دیگری از

خشونت‌ها که مخصوص جوامع پیشرفته است نیز هستیم از جمله خشونت علیه کودکان، خشونت‌های خانگی و سایر. این است که برنامه ریزان اجتماعی، با رشد جوامع و کاهش وابستگی‌های سنتی، به این فکر افتاده‌اند که بایستی برای کاهش خشونت‌ها سرمایه‌های اجتماعی را مجدد به روز و بکار برد.

بر این اساس در این پژوهش این سؤال مطرح است که:

*میزان مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها در جامعه چگونه است؟

*زمینه‌های مشارکت مردم یا عدم مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها کدامند؟

*وضعیت سرمایه‌های اجتماعی در ارتباط با خشونت‌های اجتماعی چگونه است؟

* و راهکارهای جلب مشارکت مردم در کاهش خشونت‌های اجتماعی مبتنی بر سرمایه‌های اجتماعی کدامند؟

۱-۳ اهمیت و ضرورت مساله:

در تئوری‌های مربوط به سرمایه‌های اجتماعی، چنین عنوان شده که روی مقابل سرمایه‌های اجتماعی، وجود آسیب‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر در هر جامعه‌ای که میزان آسیب‌های اجتماعی بالاست، می‌توان به این نتیجه رسید که میزان سرمایه‌های اجتماعی در آن جامعه کم است این دیدگاه نشان دهنده اهمیت و اثر سرمایه‌های اجتماعی در کاهش آسیب‌های اجتماعی است.

در مطالعات سازمان جهانی بهداشت که بعد از تحقیقات بانک جهانی انجام شده، مشخص شد که سرمایه اجتماعی نه تنها در بحث سلامت روانی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بلکه در سلامت جسمی هم اثر دارد. می‌دانید که یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، شبکه و بافت اجتماعی است که به واسطه آن مردم از یکدیگر حمایت می‌کنند؛ مثلاً وقتی یک فرد احساس نیاز می‌کند که به دیدن دوستی برود و از او کمک بگیرد (کمک لازم نیست حتماً مالی باشد، فرد گاهی برای تقویت عزت نفسش نزد دوستش می‌رود)، این کمک‌ها به نوعی سلامت روان را در جامعه ترویج می‌دهد. (شهنی، ۱۳۹۱) و می‌تواند باعث جلوگیری از بیشتر آسیب‌ها اجتماعی از جمله خشونت شود. در جهانی که محیط خانواده و جامعه می‌بایست پناهگاهی باشد تا ساکنانش و مخصوصاً کودکان و زنان در آن به آرامش دست یابند، بعضی افراد با خشونت دست به گریبانند. خشونت علاوه بر آن که سلامت جسمی و روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، احتمال خودکشی و بزهکاری را در آینده افزایش داده و باعث مشکلاتی در موفقیت‌های تحصیلی، شغلی و خانوادگی آنان خواهد شد (۱). بر اساس شواهد در برخی از کشورها ۱ تا ۵ درصد تولید ناخالص ملی صرف هزینه‌های درمانی خشونت می‌شود (۲). آسیب‌رساندن به رشد فیزیکی و عاطفی کودک (۳) توانایی یادگیری را کاهش داده و احتمال رفتارهای مخاطره آمیز سلامتی در آینده از جمله استعمال دخانیات، مصرف الکل و چاقی را افزایش می‌دهد (۴). اضطراب، افسردگی، احساس گناه، اعتماد به نفس پایین (۵)، گوشه‌گیری و بیش‌فعالی (۶)، مشکلات سازگاری و سوءمصرف مواد از دیگر

آثار و پیامدهای آن به شمار می‌رود. (بر اساس آمارسازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۲ پنجاه و سه هزار کودک و نوجوان ۱۷-۰ ساله در اثر خشونت فیزیکی و غفلت کشته شده. اند (قاند امینی، ۱۳۹۴:۱۷۸). با توجه به مطالب گفته شده، تحقیق در مورد راهکارهای جلب و توسعه مشارکت‌های مردمی در حوزه کاهش خشونت‌های اجتماعی با تاکید بر طرح یک مدل بر سرمایه‌های اجتماعی از جمله از ضرورت‌ها پژوهش می‌باشد که بر اساس آن می‌تواند اقدامات مناسب برای مشارکت بیشتر مردم را بکار برد، به نحوی که مردم خودشان در حل و فصل خشونت‌ها مشارکت کنند و جامعه را اصلاح و سالم نمایند.

۱-۴-اهداف و دست آورد های قابل حصول:

بررسی و شناخت میزان مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها.

بررسی و شناخت و مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها بر حسب زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی

شناخت موانع مشارکت اجتماعی در پیشگیری از خشونت‌ها

راهکارهای کاهش و کنترل خشونت‌های اجتماعی (رسمی و غیررسمی)

ایجاد مدل ساختاری مشارکت و کاهش خشونت اجتماعی مبتنی بر سرمایه‌های اجتماعی

دست یابی به میزان و مقدار مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی در و اثر آن بر کاهش خشونت‌ها

بر اساس مبانی نظری و دلایلی که جهت طرح مساله بیان شد با تاکید بر تئوری‌های مسائل و آسیب‌های اجتماعی و مبانی نظری مشارکت‌های اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی بویژه نظریه‌های: دورکیم، آلموند و وربا، پاتنام، فوکویاما، پیر بوردیو، جیمز کلمن، گیدنز و مرور پژوهش‌ها، سؤالات و فرضیه‌های زیر طراحی گردید. مسلماً در انجام مطالعات در حین تحقیق و مطالعات بیشتر، احتمال ویرایش و تنظیم سؤالات و فرضیه‌های جدید وجود دارد.

۱-۵-سؤالات:

میزان مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها در استان چهارمحال و بختیاری چگونه است؟

موانع مشارکت اجتماعی بویژه در کاهش خشونت‌ها کدام اند؟

راهکارهای جلب و توسعه مشارکت‌های مردمی در حوزه کاهش خشونت‌های اجتماعی کدام است؟

۱-۱-۵-سؤالات فرعی

راهکارهای کاهش و کنترل خشونت اجتماعی (رسمی و غیر رسمی) کدام اند؟

وضعیت شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی از جمله: اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و مشارکت‌های مدنی

(NGO) ها چگونه است؟

میل و نگرش مردم نسبت به مشارکت‌های اجتماعی چگونه است؟
تا چه مقدار مردم نسبت به خشونت‌های اجتماعی بی تفاوت‌اند؟
آیا بین انگیزه و مشارکت مردم در کاهش خشونت رابطه وجود دارد؟
آیا بین وضعیت اقتصادی و مشارکت در خشونت رابطه وجود دارد؟
آیا بین احساس نابرابری مشارکت در خشونت رابطه وجود دارد؟
آیا بین وضعیت ارزش‌های اجتماعی و مشارکت در کاهش خشونت رابطه دارد؟
آیا بین سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم در کاهش خشونت رابطه وجود دارد؟
آیا بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات و...) و مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد؟

۱-۶- فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد خشونت‌های اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری بالاتر از متوسط است.
 - میزان مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها در استان چهارمحال و بختیاری در حد متوسط است
 - موانع مشارکت اجتماعی بویژه در کاهش خشونت‌ها با وضعیت اقتصادی و انگیزه افراد در رابطه است.
 - شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی از جمله: اعتماد اجتماعی، ارزش‌ها و مشارکت‌های مدنی (NGO) ها در ارتباط است.
 - بین نگرش مردم نسبت به مشارکت کنندگان در کاهش خشونت و مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد.
 - بین انگیزه و مشارکت مردم در کاهش خشونت رابطه وجود دارد.
 - بین وضعیت اقتصادی و مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد
 - بین احساس نابرابری و مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد.
 - بین وضعیت ارزش‌های اجتماعی و مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد.
 - بین سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم در کاهش خشونت رابطه وجود دارد.
 - بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات و...) و مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد.
- خشونت در استان چهارمحال و بختیاری متنوع و قابل سنخ بندی است.
- خشونت‌های اجتماعی بر حسب جنسیت، مشکلات اقتصادی، وضعیت تأهل و متغیرهای زمینه‌ای یکسان است.

۱-۷- تعاریف نظری متغیرها:

واحد/رو ش اندازه گیری	تعریف	وع متغیر	دیف
پرسشنامه (طیف لیکرت) و مصاحبه	خشونت: خشونت حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی یا غیر فیزیکی فرد خشن خواسته خود را به دیگران در وضعیتی بر خلاف خواستشان تحمیل می‌کند. (شیری:۱:۱۳۹۶)	ابسته	-
	مشارکت: اصطلاح مشارکت را به معنای سهمی در چیزی یافتن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن تعریف کرده است. وی افزوده است که باید میان مشارکت به عنوان حالت و یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان تعهد و عمل (عمل مشارکت) تمیز قائل شد (بیرو، ۱۳۷۰:۲۵۷).	ابسته	
پرسشنامه (طیف لیکرت)	مشارکت: مشارکت به معنای احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن که به فعالیت اجتماعی منجر می‌شود، حائز اهمیت است. از این نظر، مشارکت، فرآیند سازمان یافته‌ای است که فرد در آن به فعالیتی ارادی و داوطلبانه دست می‌زند. (حسینی، ۱۳۹۵: ۲۵)	ستقل	-
طیف لیکرت	طرد: واژه "طرد" به این معناست که کسی یا چیزی توسط دیگری رانده شده است. (گیدنز، ۱۳۸۶) طرد اجتماعی نیز به معنای محروم شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی تعریف شده است. (غفاری، ۱۳۸۴).	ستقل	-
پرسشنامه (طیف لیکرت). مصاحبه	سرمایه‌های اجتماعی: سرمایه اجتماعی از آن مفاهیم چندبعدی در علوم اجتماعی است که در بسیاری از حوزه‌های جامعه تأثیرگذار است و در ادبیات مرتبط با توسعه نیز جایگاهی ویژه یافته است. به گونه‌ای که اگر چه هنوز، برخی آن را حلقه مفقوده توسعه می‌دانند (خوشفر و همکاران، ۱۳۹۲).	ستقل	-
طیف لیکرت	نگرش: عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیاء و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیاء را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند (میرشکاری، ۱۳۹۲).	ستقل	-
طیف لیکرت	ناهنجاری اجتماعی: عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی‌های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه‌های پیش گیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. (ستوده، ۱۳۷۹:۱۴)	ستقل	-

<p>پرسشنامه (طیف لیکرت)</p>	<p>اعتماد: به طور کلی، اعتماد اجتماعی را می‌توان انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دانست که افراد نسبت به نهادها و سازمان‌های مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند. (ازکیا و همکاران، ۹۹: ۱۳۸۰).</p>	<p>ستقل</p>	<p>-</p>
<p>پرسشنامه (طیف لیکرت)</p>	<p>نابرابری اجتماعی: به موقعیت‌های نابرابر بین افراد اشاره دارد که می‌تواند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی باشد. نابرابری اجتماعی، بنیان‌های متعددی می‌تواند داشته باشد. عده‌ای از محققان معتقدند که بنیان‌های اصلی نابرابری، تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی است. دیدگاه دیگر معتقد است نابرابری در اصل، مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با افراد بین آن‌ها قائل می‌شود. علت این فرق‌گذاری مشخصه‌هایی همچون طبقه اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است که به طریق اجتماعی تعریف شده‌اند. (کمالی، ۱۳۷۹).</p>	<p>ستقل</p>	<p>-</p>
<p>طیف لیکرت</p>	<p>ناکامی: به حالت روحی‌ای گفته می‌شود که هرگاه راه دست‌یابی به یک هدف خواستنی بسته شود یا دست‌یابی به آن به تاخیرافتد، روی می‌دهد. هر فرد در طول زندگی خود، با موانعی روبرو می‌شود که باعث می‌شود به اهداف خود نرسد. به همین دلیل ممکن است ناکامی به او دست بدهد.</p>	<p>ستقل</p>	<p>-</p>

فصل دوم:

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مقدمه فصل:

به لحاظ نظری، رویکردهای نظری مختلف: فلسفی، جامعه شناختی و روانشناختی به تبیین مشارکت و خشونت پرداخته‌اند. این پژوهش مشارکت را به عنوان یک پدیده اجتماعی، مطرح و درصدد تبیین موانع مشارکت اجتماعی در کاهش خشونت‌ها برآمده است از اینرو در مبانی نظری آن از رویکرد جامعه شناختی بهره برده است، گرچه مشارکت اجتماعی، خود به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مطرح است از آنجا که جهت تدوین مدل نیاز به طرح نظریه‌های سرمایه اجتماعی است لذا در این تحقیق اهتمام بر این است که در قالب نظریه‌های سرمایه‌های اجتماعی از مؤلفه‌های مورد نیاز جهت تبیین موضوع نیز بهره برداری گردد. بنابراین مبانی نظری این پژوهش را نظریه‌های کنش اجتماعی (مشارکت به عنوان یک کنش)، نظریه‌های مشارکت اجتماعی و انواع آن و دیدگاه سرمایه اجتماعی تشکیل می‌دهد.

بخش اول: مبانی نظری پژوهش

۱-۲- تعاریف

۱-۱-۲ تعاریف مشارکت

تا کنون از مشارکت اجتماعی تعاریف و تفسیرهای بسیاری به عمل آمده است. گستردگی مفهوم مشارکت و تفسیرهای متعدد از آن یکی از ویژگی‌های خاص این مفهوم بوده و قدمت این واژه به دیرینگی زندگی اجتماعی انسان‌ها بر می‌گردد. بر این اساس در ابتدا تعاریف واژه و سپس تعاریف مفهوم مشارکت آورده شده است:

۲-۱-۲- تعریف واژه مشارکت:

مشارکت کلمه‌ای است عربی و از باب مفاعله است و معادل فارسی آن انبازی، همیاری و همراهی می‌باشد و معنای دیگر آن شریک شدن، همدست شدن در کاری، اجتماع حقوق مالکان متعدد در یک شیء و به عنوان اشاعه و همکاری کردن است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۲۶).

مشارکت معادل اصطلاح *participation* انگلیسی است. این کلمه از ریشه *part* به معنای قسمت، جزء و بخش گرفته شده و از ریشه‌ی لاتین *participatia* به معنای «با خود داشتن»، «در نفس خویش چیزی از غیر داشتن» و «سهمی در چیزی غیر از خود داشتن» اخذ شده است و به معنای سهمی شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است (آریانپور، ۱۳۷۴: ۲۸۵).

۳-۱-۲- تعاریف مفهوم مشارکت:

به دلیل وسعت و دامنه مفهوم مشارکت و وجود ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، در مورد مفهوم اصطلاحی علمی مشارکت تعاریف متعددی مطرح گردیده که قبل از ورود به بحث انواع مشارکت به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

آلن بیرو^۱ اصطلاح مشارکت را به معنای سهمی در چیزی یافتن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن تعریف کرده است. وی افزوده است که باید میان مشارکت به عنوان حالت و یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان تعهد و عمل (عمل مشارکت) تمیز قائل شد (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

● سالمیا عمر:

فرایند مشارکت را به مداخله و کنترل بیشتر به تعیین آنچه از دیدگاه خود مردم، یک زندگی بهتر را تشکیل می‌دهد، تعریف می‌کند (به نقل از طوسی، ۱۳۷۰: ۵).

● فرنچ^۲:

مشارکت را عبارت از درگیر شدن ذهنی و عاطفی یک فرد، در یک وضعیت گروهی می‌داند که این درگیری او را تشویق و برانگیخته می‌کند تا به هدفهای گروه کمک کند و خود را در مسئولیت‌های آن گروه سهیم و برای به انجام رساندن مقصود گروه تلاش کند. در این تعریف نکات زیر وجود دارد:

- درگیری ذهنی و عاطفی:

در مرتبه نخست و شاید بیش از هر چیز دیگر، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده، و تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود. در مشارکت خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانائی‌های وی و یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست.

- انگیزش برای یاری دادن:

شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده نماید. از این رو مشارکت با موافقت فرق می‌کند. در موافقت، موافقت کننده یاری ویژه‌ای نمی‌کند، بلکه تنها آنچه را که پیش رویش می‌گذارند، تصویب می‌کند. در موافقت نقش اصلی را تصمیم گیرنده بازی می‌کند که می‌کوشد تا با استفاده از توانائیهای خویش، جمع را به موافقت وادارد اما مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته شده است. مشارکت یک داد و ستد اجتماعی دو سویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادست، در واقع در مشارکت نقش اصلی با مشارکت کننده است که می‌کوشد تا توانائیهای خویش را آشکار سازد.

- پذیرش مسئولیت:

مشارکت اشخاص را بر می‌انگیزد تا در کوشش‌های خود مسئولیت بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی تفاوتی و بی مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم سرنوشتی و مسئولیت بدهد (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۴).

1- Allen Biro

2 - French

● وار^۱

وار مشارکت را درگیری در فعالیت و تاثیرپذیریهای اجتماعی تعریف کرده است (آزادارمکی، ۱۳۷۲: ۱۸).

● آلموند و پاول^۲

از نظر آلموند و پاول «فعالیت مشارکت جویانه^۳ به آن دسته از فعالیت‌هایی گفته می‌شود که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر روی سیاست گذاری اعمال نفوذ کند» (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

برخی از تعاریف مشارکت به نقش مشارکت در توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی در روند توسعه جامعه جامعه تاکید دارند که به دو نظر در این خصوص اشاره می‌گردد:

● عبدالحی:

از نظر عبدالحی «مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره‌ی فرصت‌ها با منظور مشارکت در تصمیم‌گیری اجتماعی، کمک به توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن است» (عبدالحی، ۱۳۷۲: ۳۳).

● آرنشتاین^۴

آرنشتاین، مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت قلمداد می‌کند که به سبب آن شهروندانی که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۲۳).

● درام گای^۵

درام گای از صاحب‌نظران توسعه روستایی در تعریف مشارکت می‌نویسد: «هرچند مفهوم مشارکت نیز مانند مفهوم توسعه دارای ابهام‌های زیادی است اما می‌توان بین سه تعریف و تفسیر از مشارکت تمایز قائل شد:

الف) تعریف معمول مشارکت که به بسیج مردم برای بر عهده گرفتن پروژه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی اشاره دارد و پروژه‌هایی را شامل می‌شود که از بالا اندیشیده شده و مردم برای اجرای آنها بسیج می‌شوند.

ب) در تعریف دیگر می‌توان مشارکت را به معنای تمرکز زدایی در دستگاه دولتی یا در سازمانهای مربوط به آن در نظر گرفت که در این حالت منظور از مشارکت توزیع منابع و قدرتهای تصمیم‌گیری به سطوح پایین‌تر از قبیل مقامهای رسمی محلی است.

ج- در تعریف سوم می‌توان مشارکت را به عنوان فرایند اختیار دادن به جدا افتادگان و محروم ماندگان از قدرت تعریف کرد (درام گای، ۱۳۷۱: ۶۳-۶۲).

1- Warr

2- Almond & powel

3 - Participation Activities

4- Arneshtein

5- Daram Ghai

● پیران

از نظر پیران مفهوم مشارکت به تنهایی بنا به ماهیت خود، مفهومی اجتماعی است زیرا برای آن فعالیت هم جهت و هدفمند بیش از یک نفر ضرورت دارد و از این رو بیان کننده نوعی از رابطه اجتماعی است و در واقع اکثریت قریب به اتفاق فعالیت‌های جمعی از هر نوع و برای هر هدفی در بر گیرنده نوعی مشارکت است (پیران، ۱۳۷۶، به نقل از سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۲۳) وی ادامه می‌دهد که در بحث از مشارکت هدفمند بودن فعالیت جمعی باید از وجه مشترک دیگری که به آگاهی افراد مشارکت کننده باشد نیز یاد کرد. با پذیرش آگاهی به عنوان یکی از عناصر مستمر در مفهوم مشارکت معلوم می‌گردد که فرایند مشارکت جریانی است آزادی، شکل گیری و راه افتادن آن امری آزادانه است. لازم به ذکر است که مشارکت اجباری که در آن ویژگی آزادی، غایب است با نفس مشارکت فعال در تناقض است و مشارکت فعال (آزادانه) در مقابل مشارکت منفعل (اجباری) می‌باشد. مشارکت فعال دو خصیصه دارد:

مشارکتی است که از متن جامعه می‌جوشد و به مشارکت از پایین معروف است.

مشارکت فعال، مشارکتی است نامحدود که تمامی عرصه‌های سیاسی را در برمی‌گیرد (همان: ۲۴).

● ساروخانی:

ساروخانی مشارکت را هر کنش متقابل اجتماعی می‌داند که در آن افراد یا گروه‌ها کار و فعالیت خود را به صورتی کم و بیش سازمان یافته و با کمک متقابل به هم می‌آمیزند تا هدفی مشترک تحقق پذیرد. از منظری دیگر وی مشارکت را شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات می‌داند. از این رو تشویق به مشارکت و تسهیل در فرآیند تحقق آن، همواره مورد توجه برنامه ریزان و مصلحان اجتماعی بوده است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۶۸).

۲-۱-۲- ویژگیهای مشارکت:

محققان برخی از ویژگیها را برای مشارکت برشمرده‌اند که به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌گردد:

- بسیاری از محققان آزادی و برابری انسانها را ویژگی اصلی مشارکت می‌دانند. در یک نظام مشارکتی فرض براین است که مردم باید فرصت مناسب برای تاثیرگذاران بر سیاستها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت را بر اساس شایستگی‌های افراد ترتیب دهد (نویمان، ۱۳۷۳: ۶۷).

- مشارکت یک فرآیند است نه یک محصول ثابت و نهایی توسعه، مشارکت عامه در ارتباط با نوعی دموکراسی سیاسی و نیز به کارگیری فرآیندهای تغییر اجتماعی و رشدی که واژه توسعه به آن اشاره دارد، مفهوم پیدا می‌کند (اوکلی ومارسدن، ۱۳۷۰: ۳۱).

- مشارکت دارای پیامدهای دوسویه می‌باشد و چنانچه بنا باشد مؤثر واقع شود، مستلزم تغییراتی بنیادی در اندیشه و عمل است که باید از درون جامعه بجوشد و در قالب‌های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد. ایده‌های مشارکت یک نقطه‌ی مشترک دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منافع قدرت است (همان: ۶۷).

- مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیز، نیازمند اقدام آگاهانه آنهاست. مشارکت امری تحمیلی و یا دعوتی نیست، بلکه نوعی توانبخشی به گروههای ضعیف که توأم با مشکلات خود نقش داشته باشند، چنین نقشی نه فرمایشی است و نه وضع کردنی، بلکه باید آن را به دست آورد، یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش دهد، بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۴).

- اگرچه مسأله مشارکت در معنای وسیع کلمه در برگیرنده انواع کنشهای فردی و گروهی و به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری دربارهی امور عمومی است اما اغلب منابع و متون موجود در زمینه مشارکت آن را بیشتر سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار می دهند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۳۰).

۲-۱-۲-۱- انواع مشارکت:

پدیده مشارکت به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سرزده است با شکل گیری جوامع بشری پدیده مشارکت هم شکل گرفت، چرا که لازمه زندگی اجتماعی همکاری و تعاون بین افراد و گروههاست. اما مفهوم مشارکت در معنای خاص که مبتنی بر هدفمندی و سازماندهی علمی تر است را می توان در نیمه دوم قرن بیستم در ابعاد سیاسی و دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی به عنوان محور اساسی در برنامه توسعه دنبال کرد. گستردگی و عمق مفهوم مشارکت، امروزه دسته بندی و تعیین انواع آن را ناگزیر می سازد. در دیدگاههای گوناگون این طبقه بندی مطرح گردیده که به برخی از آنها اشاره می گرد:

۲-۱-۲-۲- انواع مشارکت برحسب چگونگی عضویت:

الف- مشارکت طبیعی^۱:

ریشه مشارکت طبیعی را می توان در مدنی الطبع بودن انسان یافت. زیرا انسان به عنوان یک موجود اجتماعی گرایش به زیستن در جمع هموعان خویش دارد و این مستلزم پذیرش پیش فرضهایی است که مشارکت و رفتارهای مشارکتی از محوری ترین آنهاست. لذا بر مبنای همین نوع مشارکت است که برخی از محققین و صاحب نظران فرض را بر این گرفته اند که مشارکت به معنای عام آن قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارد. زیرا بقای نوع انسان در گرو همکاری با یکدیگر در مقابله با خطرات و دفع آفات طبیعی از یک سو و در دوستی خانواده، همسر، فرزندان، همسایه و هموعان خویش از سوی دیگر است (تاج زاده، ۱۳۷۴: ۱).

طالب، ریشهی این مشارکت را در سنت های اجتماعی می داند و معتقد است که این نوع مشارکت در جوامع سنتی از شیوع و گستره قوی برخوردار است (طالب، ۱۳۷۶: ۴).

از ویژگی های این نوع مشارکت غیر ارادی بودن آن است. اگر چه مشارکت چون مستلزم تصمیم گیری است، دلالت بر اراده دارد ولی اعمال اراده تحت الشعاع فشارهای محیطی و هنجاری است که از سنت های اجتماعی بر فرد تحمیل می شود لذا اراده فرد حائل میان سنت های اجتماعی و فشارهای هنجاری و کنش

مشارکتی وی قرار دارد. از شاخص‌های این مشارکت می‌توان مشارکت اعضای خانواده، فامیل، محله و حتی مشارکت در مراسم مذهبی را نام برد (اخلاقی پور، ۱۳۷۹: ۲۶).

ب- مشارکت تحمیلی یا اجباری^۱

در این نوع مشارکت افراد به دلیل جبر و اضطرار، تن به مشارکت می‌دهند. لذا منشاء شکل‌گیری این نوع مشارکت عامل خارجی است. این نوع مشارکت به ویژه در کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کارکردی که این نوع مشارکت می‌تواند داشته باشد ایجاد تغییرات احتمالی از طریق رفتارها و شیوه‌هایی است که توسط متولیان توسعه تعیین می‌گردد. مشارکت روستائیان در غالب عضویت در شرکت‌های تعاونی را در دهه ۴۰ هجری شمسی می‌توان از این نوع مشارکت دانست یا عضویت اجباری افراد در احزابی چون رستاخیز در قبل از انقلاب نمونه‌هایی از این مشارکت هستند. (همان: ۲۷).

ج- مشارکت داوطلبانه یا ارادی^۲

مشارکت ارادی در واقع کاملترین و در عین حال کاراترین نوع مشارکت از نظر صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی و سیاست محسوب می‌شود. این نوع مشارکت به دلیل ارادی بودن حاوی پتانسیل انگیزشی بالایی می‌باشد که قادر است کارکردهای محوله را به نحو احسن انجام دهد. در این نوع مشارکت فعالیت‌ها وسیله‌ای جهت نائل شدن به اهداف گروه مشارکت‌کننده قلمداد می‌شوند. آنچه حائز اهمیت است این نکته اساسی است که گذر از جامعه سنتی به سوی جامعه مدرن موجب می‌شود تا افراد از مشارکت در گروه‌های طبیعی به سوی مشارکت‌های ارادی حرکت نمایند (همان: ۲۸).

۲-۱-۲-۳- انواع مشارکت بر حسب زمینه فعالیت

با توجه به حیطه‌های متنوع فعالیت‌های انسانی می‌توان به چند نوع عمده از مشارکت بر حسب زمینه‌های فعالیت اشاره کرد:

الف- مشارکت سیاسی^۳

مشارکت سیاسی از مهم‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی است و در اغلب منابع و متون موجود در زمینه مشارکت جایگاه وسیعی را اشغال کرده است. با اوج بحث توسعه سیاسی این مفهوم جایگاه ویژه‌ای را در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به خود اختصاص داد و جنبه‌های مختلف آن مورد بحث و بررسی پژوهشگران قرار گرفت. به اختصار منظور از مشارکت سیاسی این است که هر فرد علاوه بر این که می‌تواند سرنوشت خود را با اراده و تدبیر خود تعیین کند یک حق انتخاب و حق مشارکت و آزادی دیگری هم دارد و آن این است که با مشارکت و همسویی دیگران بتواند نقشی در تعیین سرنوشت جمعی داشته باشد. منتهی مشارکت در سرنوشت جمعی یک امر بسیط نیست و برای تعیین سرنوشت جمعی باید یک سلسله نهادها و تاسیسات اجتماعی در

1- Imposed Participation

2- Voluntary Participation

1- Political Participation

جامعه مدنی وجود داشته باشد تا افراد با شرکت در آن نهادها نقش کلی در سرنوشت جمعی‌شان ایفا کنند بر این اساس مشارکت سیاسی به دو نوع تقسیم می‌شود:

- مشارکت به صورت مستقیم مانند همه پرسی

- مشارکت غیر مستقیم که مردم در تعیین و تشکیل نهادهایی که می‌توانند در سرنوشت آنها نقش مستقیم ایفا کنند مشارکت دارند مانند انتخابات نمایندگان مجلس (علیخانی، ۱۳۷۷: ۲۹).

ساموئل هانتینگتون^۱ مشارکت سیاسی را در کوشش‌های شهروندان عادی برای تأثیر گذاری بر سیاست‌های عمومی می‌داند. وی تلاش‌های مردم عادی در هر نوع نظام سیاسی جهت نفوذ بر حاکمان و تغییر دادن آنان را از وجوه مشارکت سیاسی می‌داند (به نقل از مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰).

آنتونی گیدنز^۲ در بحث مشارکت سیاسی به مردم سالاری مشارکتی اشاره کرده و آن را نظامی می‌داند که در تصمیمات به طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگیشان تاثیرگذار است گرفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳: ۳۰۴).

آلن دوبنوا، مشارکت سیاسی را اصل دموکراسی معرفی می‌کند. از نظر وی دموکراسی چیزی نیست جز یک قالب سیاسی که در آن اکثر مردم می‌توانند در امور عامه شرکت جویند (دوبنوا، ۱۳۷۳: ۵۸).

از جمع بندی تعاریف مختلف در مورد مشارکت سیاسی می‌توان تعریف زیر را ارائه داد:

«هر گونه کنش یا واکنشی که دارای مضمون یا پیامد سیاسی است و با هدف تأثیر گذاری بر عوامل برخوردار از قدرت و منابع صورت می‌گیرد». در این تعریف چند نکته لحاظ شده است: (۱) لازم نیست که اقدام مورد نظر اولاً و با الذات سیاسی باشد، بلکه ممکن است جنبه اجتماعی یا فرهنگی داشته باشد اما دارای مضمون سیاسی باشد یا پیامد آن جنبه سیاسی پیدا کند. (۲) دولت تنها هدف مطرح برای تأثیر گذاری نیست. طیف عوامل برخوردار از قدرت و منابع ممکن است گروهها، مسئولان و دستگاههای داخلی تا شرکت‌های چند ملیتی، نهادهای بین المللی و حتی دولت‌های خارجی را در بر گیرد. لذا علاوه بر عوامل دارای قدرت و منابع سیاسی، سایر اشکال قدرت و منابع (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) نیز حائز اهمیت است (۳) اقدامات اعتراضی و اشکال نوظهور فعال گرائی نیز در این تعریف جای می‌گیرد (تاج مزینانی، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

سطوح مشارکت سیاسی:

مشارکت افراد در عرصه سیاست ممکن است اشکال مختلفی به خود بگیرد، رأی دادن، نوشتن نامه به مسئولان، شرکت در تظاهرات، اعطای پول و یا صرف وقت برای گروهها یا احزابی که در جهت آرمانهای مورد اعتقاد فرد فعالیت می‌کنند، پیوستن به سازمان اجتماعی یا جنبش‌های سیاسی و ... انواع مختلفی از فعالیت یا مشارکت سیاسی هستند. در طبقه بندی سطوح مشارکت سیاسی افراد مختلف نظریات گوناگونی را ارائه نموده‌اند که به طور مختصر معدود نظراتی ارائه می‌گردد:

میلبراث و گوئل^۳ افراد را به لحاظ سطح فعالیت یا مشارکت سیاسی به هفت دسته تقسیم می‌کند:

1- Hantington

2- Giddens

3- Milbrath & Goel

(۱) غیرفعالان بی تفاوت که دست به هیچ فعالیت مشارکتی (از جمله رأی دادن) نمی‌زنند.

(۲) حمایت کنندگان منفعل: که به طور مرتب رأی می‌دهند، در مناسبت‌های میهن پرستانه شرکت می‌کنند، تمامی مالیات‌ها را می‌پردازند و به «کشورشان عشق می‌ورزند».

(۳) متخصصان تماس: که با مسئولان در سطوح محلی، ایالتی و ملی در مورد مسائل خاص تماس برقرار می‌کنند.

(۴) افراد ارتباطی: که خود را پیوسته از سیاست مطلع نگه می‌دارند، در بحث‌های سیاسی مشارکت می‌کنند، به سردبیران روزنامه‌ها نامه می‌نویسند و پیام‌های حمایت یا اعتراض برای رهبران سیاسی ارسال می‌نمایند.

(۵) کارکنان حزبی و مبارزاتی: که برای حزب یا کاندیدای مورد نظر خود فعالیت می‌کنند، دیگران را متقاعد می‌سازند که چگونه رأی بدهند، در میتینگ‌ها شرکت می‌کنند، به حزب یا کاندیدای مورد نظر خود کمک مالی می‌نمایند، به یک حزب سیاسی خاص پیوسته و از آن حمایت می‌کنند، به عنوان کاندیدای حزب به فعالیت می‌پردازند.

(۶) فعالان اجتماعی: که همراه با دیگران در مورد مسائل محلی تشکیل گروه می‌دهند، در سازمانهای اجتماعی عضویت فعال دارند و در مورد موضوعات اجتماعی، با مقامهای رسمی تماس برقرار می‌نمایند.

(۷) اعتراض کنندگان: که در تظاهرات خیابانی عمومی شرکت می‌جویند، اگر دولت کاری را که به لحاظ اخلاقی اشتباه است، انجام دهد به شدت اعتراض می‌کنند، به میتینگ‌های اعتراض آمیزی می‌پیوندند و از اطاعت قوانین غیرعادلانه طفره می‌روند (تاج مزینانی، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

مایکل راش^۱ سلسله مراتب زیر برای مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد که منظورش از آن، توصیف انواع گوناگون مشارکت سیاسی است:

- داشتن مقام سیاسی یا اداری
- جستجوی مقام سیاسی یا اداری
- عضویت فعال در یک سازمان سیاسی
- مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و غیره
- عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی
- عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی
- مشارکت در بحث‌های سیاسی غیر رسمی
- اندکی علاقه به سیاست
- رأی دادن
- عدم درگیری سیاسی

وی خاطر نشان می‌کند که تعلق فرد به یک سطح یا نوع از مشارکت بدین معناست که این سطح از مشارکت، رایج‌ترین سبک رفتار سیاسی وی را تشکیل می‌دهد و در کنار آن فرد ممکن است در فعالیت‌های مربوط به

سایر سطوح نیز شرکت نماید. از طرف دیگر میزان اهمیت مختلف مشارکت در کشورها و در نظام‌های مختلف، متفاوت است. کی لاوسون (۱۹۹۷) اظهار می‌دارد که صرف‌نظر از رأی دادن، رایج‌ترین شکل کنش سیاسی در امریکا و بریتینا، امضای طومار است، در فرانسوی‌ها، آمادگی برای شرکت در تظاهرات سیاسی، در هلندی‌ها، برقراری تماس با یک مقام محلی، در شهروندان نیجریه و هندوستان، شرکت در سازمان‌های اجتماعی محلی، در اتریشی‌ها و ژاپنی‌ها، شرکت در راهپیمایی‌های سیاسی است (تاج مزینانی، ۱۳۸۲: ۲۹-۱۲۸). از منظری دیگر می‌توان اشکال مشارکت سیاسی را به دو دسته، اشکال متعارف و غیر متعارف به صورت زیر طبقه بندی نمود:

- اشکال متعارف مشارکت سیاسی:

این دسته از سطوح مشارکت سیاسی به صورت زیر قابل تفکیک هستند:

- ۱- رأی دادن (همچنین امتناع از رأی دادن و دادن رأی باطله به عنوان اشکالی از اعتراض، رأی دادن الکترونیکی) در انتخابات در سطوح مختلف سازمانی همچنین در همه پرسیها.
 - ۲- فعالیت حزبی مستمر (شرکت در میتینگ‌های حزبی، فعالیت جدی در داخل یک گروه حزبی و کمک به مبارزات حزبی و مباحثات و مناظرات حزبی، برقرار کردن تماس با مسئولان).
 - ۳- فعالیت در مبارزات حزبی که شامل (شرکت در رویدادهای مبارزاتی، توزیع جزوه و بروشور، اعطای پول، امتناع دیگران برای چگونگی رأی دادن).
 - ۴- فعالیت‌های اطلاع رسانی (انتشار، و ارائه مطلب در یک جزوه یا بروشور، خبرنامه سیاسی یا ایمیل، نوشتن نامه به سردبیران، انتشار اطلاعات سیاسی در یک پایگاه اینترنتی و...).
- اشکال غیرمتعارف مشارکت سیاسی:

در جایی و زمانی می‌توان از مشارکت سیاسی سخن گفت که حقوق سیاسی افراد به عنوان یک حق طبیعی برای زندگی اجتماعی و تداوم آن شناخته شده باشد. بدین ترتیب حکومت‌ها تا هنگامی مشروعیت خواهند داشت که حقوق سیاسی افراد جامعه را رعایت کنند و گرنه مردم می‌توانند بر پایه حق شورش به عنوان یک حق طبیعی به تعویض آن حکومت اقدام کنند. این موارد می‌تواند شامل شرکت در تظاهرات، اعتصابات، بستن خیابانها، تحصن‌ها، اقدامات سیاسی، خیابانی، امضای طومار، جمع آوری امضاء، مصرف گرایبی سیاسی (خرید یا تحریم کالاهای خاصی به علت مسائل سیاسی)، مشارکت خشونت آمیز و غیر قانونی (شرکت در اعتصابات و تظاهرات غیرقانونی، بستن جاده‌ها، اشغال ساختمانها، درگیری با پلیس، تخریب اموال عمومی و...) باشد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۹).

ب- مشارکت اقتصادی^۱

در ادبیات اقتصادی مشارکت اقتصادی را در قالب دو معنی می‌توان به کار بست:

۱) مشارکت اقتصادی به معنای درجه سهم شدن نیروی کار فعال جامعه در بازار نیروی کار که در ادبیات اقتصادی به عنوان نرخ مشارکت نیروی کار^۲ شناخته می‌شود. نرخ مشارکت نیروی کار بیانگر درصدی از نیروی کار جامعه است که یا شاغل بوده و یا اینکه فعالانه به دنبال کار هستند.

۲) مشارکت اقتصادی به معنای اثرگذاری و یا شکل دهی مستقیم به مدیریت و فرایندهای کاری توسط کارگران در یک بنگاه اقتصادی.

در معنای اول نرخ بالای مشارکت نشان دهنده آن است که نیروهای فعال بیشتری مایلند خود را به عنوان نیروی کار به بازار عرضه کنند. در مقابل، نرخ پائین مشارکت اقتصادی نشان دهنده آن است که نیروهای فعال جامعه علی‌رغم توانایی خود در عرضه نیروی کار مایل نیستند به این بازار راه یابند. اما در معنای دوم بیشتر توجه به قدرتی است که خواسته یا ناخواسته در اختیار نیروی کار قرار می‌گیرد تا آنها بتوانند بخشی از حقوق انحصاری مدیریت یا سرمایه را از آن خود سازند. برای مشارکت اقتصادی نیروی کار اشکال مختلفی را برشمرده‌اند که از آن جمله می‌توان به اشکالی مانند اعتراض و اعلام نارضایتی^۳، مذاکره یا چانه زنی جمعی، تسهیم سود، مشاوره و یا تبادل دیدگاه و اطلاعات، و تو و در نهایت مشارکت در تصمیم‌گیری اشاره کرد که نیروی کار چه به عنوان اقلیت یا اکثریت و چه در جایگاه تساوی و هم‌ارزی در تصمیم‌گیری بنگاه تجاری سهم می‌شوند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶).

از منظری دیگر مشارکت اقتصادی را در رابطه با استقلال اقتصادی و مدیریت دولت می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

مشارکت یا همکاری اقتصادی که انجام آن مدیریت فردی را از بین نمی‌برد و هر مشارکت‌کننده در مالکیت بر عوامل تولید و در مدیریت واحد اقتصادی استقلال دارد و همیاری شامل انجام فعالیت مشترک در انجام برخی از فعالیتهای ذیربط می‌شود. به طور مثال همکاری گروهی از زارعان در نشاء محصول یکدیگر و یا وجین و حتی برداشت آن هیچگاه موجب مشترک شدن محصول نمی‌گردد. بلکه در این میان فقط بخشی از نیروی کار مورد نیاز هر واحد با همیاری یکدیگر صورت گرفته و همواره مدیریت واحد اقتصادی را صاحب و یا متصرف عوامل تولید بر عهده دارد (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۵۵).

مشارکت یا همکاری اقتصادی که انجام آن مستلزم گذشتن بخشی از مدیریت فردی و استقلال فردی است. مشارکت گروهی در منبع آب زراعی (قنات و یا چاه عمیق) از نوع مشارکتی است که ضمن احترام به سهم مشاعی هر یک از همیاران از منبع آب محدودیتهائی برای هر کدام از شرکاء قائل می‌شود. به این ترتیب که مدارهای آب (دوره تقسیم آب و فاصله بین دو نوبت آب) و ترتیب نوبت هر یک را، مدیریت گروهی تعیین می‌کند. این نوع مشارکت بخشی از استقلال واحد اقتصادی را از بین می‌برد و دسته سوم مشارکت اقتصادی

1- Economic Participation

2- Labour Force Participation rate

3- Grievance

و همیاری هائی را موجب می‌شود که مدیریت فردی و استقلال هر یک از شرکاء در اختیار مدیریت گروهی قرار می‌گیرد. در این نوع مشارکت فعالیت به صورت گروهی و تحت اراده جمعی انجام می‌گیرد. مطالعه‌ی شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران نشان می‌دهد که این نوع مشارکت عمدتاً در نیروی کار و طبق خواسته مالکان آب و زمین صورت می‌گرفته است. جدول زیر انواع مشارکت اقتصادی و منشاء آن‌ها را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۲-۱): انواع مشارکت اقتصادی و منشاء آن‌ها منبع (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۵۶).

نوع مشارکت	منشاء	انگیزه مشارکت	کارکردها	غایت و هدف
کار گروهی (مبادله نیروی کار در بیل زدن و ...)	رسوم	ارادی و داوطلبانه	اقتصادی کردن تولید	خود باوری از طریق جمع
مبادله محصول (گروه‌های مبادله)	رسم و سنت	ارادی و داوطلبانه	اقتصادی کردن تولید و امکان تبدیل و نگهداری	خود باوری از طریق گروه
مبادله ابزار تولید (مبادله کار و...)	رسم و سنت	ارادی و داوطلبانه	اقتصادی کردن تولید و کاهش هزینه‌ها	خود باوری از طریق گروه
مشارکت در تأمین آب زراعی	رسم و سنت	نیمه طبیعی، وجود محدودیتها	اقتصادی کردن تولید و کاهش هزینه‌ها	همیاری

ج- مشارکت فرهنگی^۱

در تعریفی ساده مشارکت فرهنگی عبارتست از بهره‌گیری و بهره‌مندی عموم مردم از منابع فرهنگی در معنای وسیع کلمه، مجموع کالاها و اشیای در دسترس است که انجام فعالیت‌های فرهنگی را ممکن یا تسهیل می‌کند. فعالیت‌های فرهنگی فعالیت‌هایی هستند که اعضای یک جامعه از طریق آن خودشان را محقق می‌سازند، استعدادهای خود را توسعه و شخصیت خود را گسترش می‌دهند (رجب زاده، ۱۳۷۶: ۱۶).

مشارکت فرهنگی تنها در میزان استفاده از کتاب، مجله، تلویزیون خلاصه نمی‌شود، بلکه ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که شامل مشارکت در تولید، توزیع و مصرف و مبادله می‌شود. مشارکت در بعد تولید فرهنگی به این معناست که نهاده‌ها و ابزارهای لازم برای پرورش خلاقیت‌ها و توان‌های انسان‌ها در راستای آفرینش فرهنگی فراهم گردد. این بعد از مشارکت فرهنگی سطوح مختلفی دارد. برای نمونه در سطح خرد شامل فعالیت‌های فردی مانند نقاشی و خوشنویسی است و در سطح کلان و جمعی، فعالیت‌های سازمان یافته برای

تولید فرهنگی مانند تولید فیلم سینمایی و اجرای یک نمایش را در بر می‌گیرد. در بعد توزیع مشارکت فرهنگی منظور این است که افراد در توزیع کالاهای فرهنگی نقش و مشارکت داشته باشند. البته این بعد بیشتر ویژگی اقتصادی دارد و ممکن است بیشتر اصول و قواعد این حوزه بر آن حاکم باشد. برای نمونه، صاحب یک مغازه کرایه فیلم‌های ویدئویی یا صاحب سینما بیش از آنکه دغدغه فرهنگ داشته باشد، در پی افزایش سود و کاهش هزینه‌هاست. مفهوم مبادله فرهنگی به عنوان یک بعد دیگر از مشارکت فرهنگی، به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که حوزه تبادل فرهنگی قرار دارد. فرهنگ به عنوان عالی‌ترین دستاورد آدمی و ویژگی انتقال پذیری دارد. در این میان آنچه حرف اول را می‌زند روابط نخستین در این حوزه می‌باشد تأثیرپذیری فرهنگی زمانی میسر است که از مجرای مردمی هدایت و انتقال یابد از این رو بهترین جایگاه برای تبادل فرهنگی کانون مردمی و نه دولتی است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۳۵).

اما در بحث مشارکت فرهنگی باید توجه کامل به تغییرات اقتصادی- اجتماعی داشت. روشن است بهره‌مندی و بهره‌گیری از منابع فرهنگی جامعه برای تمامی افراد یکسان نیست، صاحبان درآمدهای بالا با اتکا به توان مالی خویش، بهره‌گیری از برخی منابع فرهنگی را مختص خود کرده‌اند، پس در مجموع مفهوم مشارکت فرهنگی پیچیده، چند بعدی و چند سطحی است و متغیرهای اقتصادی- اجتماعی و همچنین برخی ویژگی‌های فردی بر آن موثرند، پس سیاست‌گذاری در این زمینه نیاز به آگاهی از پیچیدگی‌ها و ظرایف کار دارد. در مصوبات شورای فرهنگ عمومی ایران اهم موضوعات در زمینه‌ی مشارکت فرهنگی عبارتند از:

- کتاب و کتابخوانی و تألیف و تصنیف
- مطبوعات
- سینما
- هنرهای مختلف (تئاتر، موسیقی، نقاشی، خط و ...)
- تبلیغات (صداوسیما، مساجد، نماز جمعه و جماعت)
- آداب و رسوم و سنت‌های ملی و قومی
- اعیاد و مراسم مذهبی و ملی
- مسائل فرهنگی اقلیت‌های مذهبی و قومی
- خانواده و مسائل آن
- ورزش و تفریحات سالم (همان: ۳۷).

د- مشارکت اجتماعی^۱

آنچه در این پژوهش مد نظر می‌باشد این بعد از مشارکت است. مفهوم مشارکت اجتماعی نسبت به مفهوم مشارکت سیاسی و دیگر ابعاد مشارکت کمتر محور مباحث و سرزبانهاست. برای تعریف این مفهوم ابتدا بایر حوزه اجتماعی را توصیف کرده و آن را از سایر حوزه‌ها تمیز داد. زیرا معنای اصطلاح «مشارکت اجتماعی» اساساً در کلمه دوم آن یعنی "اجتماعی" نهفته است. آشکار است که تفکیک کامل و دقیق بخش‌های مختلف

اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و فرهنگی یک نظام کلی و ارائه تعریف بر حسب هر یک از این بخش‌ها کاری مشکل است. یعنی توصیف و تبیین هر بخش مستلزم استفاده از عناصر، اجزاء و زیر بخش‌های سایر بخش‌هاست. اما جامعه‌شناسی به عنوان علمی که به مطالعه روابط اجتماعی فی مابین انسان‌ها می‌پردازد جایگاه ویژه‌ای در مطالعات مربوط به مبحث مشارکت دارد «در تعریفی مشارکت اجتماعی را چنین آمده است: مشارکت اجتماعی به معنای شرکت دادن در فراگردهای اجتماعی مختلف به صورت ارادی و آزادانه و از روی علاقه می‌باشد» در تعریف فوق مشارکت اجتماعی در سه سطح به هم پیوسته مد نظر قرار گرفته است:

- سطح اول این که شرکت در فراگردهای اجتماعی

- سطح دوم اینکه همکاری با دیگران

- سطح سوم اینکه مشارکت بایستی از روی علاقه و انتخابی ارادی و آزادانه باشد.

مشارکت را باید حائز دو بعد دانست یکی بعد مستقیم و دیگری بعد غیرمستقیم آن، تعاریف ذکر شده به بعد مستقیم مشارکت یعنی عضویت و همکاری آشکار افراد در انجمن‌های رسمی و غیر رسمی که مستقیماً بر فعالیت‌های جامعه مؤثر است، توجه شده است. حال آنکه برخی خصائص نظیر قانون پذیری، مسئولیت پذیری اخلاقی و انسانی در قبال اعمال و رفتارهای اعضای جامعه، اموال و دارائیهای عام المنفعه و ملی، نوعی مشارکت اجتماعی هستند که با واسطه و غیرمستقیم بر رشد و تعالی اخلاقی و مادی جامعه تأثیر می‌گذارند. بنابراین مشارکت اجتماعی عبارتست از شرکت کم و بیش آشکار، مستقیم یا غیرمستقیم انسانها در حیات اجتماعیشان از عضویت، همکاری یا فعالیت‌های فردی و جمعی در انجمنها، تشکلهای دولتی و غیر دولتی گرفته تا تقبل مسئولیت‌های سیاسی، مدنی و یا احساس مسئولیت در قبال هموعان از طریق احترام به حقوق مشروع و قانونی آنان، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس اعیاد ملی - مذهبی (اخلاقی پور، ۱۳۷۹: ۳۰).

از زمانهای قدیم تا کنون جوامع بشری شاهد انواع و مظاهر گوناگون مشارکت بوده‌اند. مشارکت اجتماعی افراد، خانواده‌ها، قشرها و گروههای مختلف عامل تداوم حیات و رشد و نوسازی آن جامعه بوده است. از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت نمودن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروه خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. مشارکت اجتماعی را می‌توان در دو معنا به کار برد: یکی معنای عام مشارکت و دیگری معنای خاص. در معنای عام مشارکت اجتماعی را می‌توان چنین تعریف کرد:

- تقبل آگاهانه انجام امری در شکل همکاری با میل و رغبت و نیاز، با هدف بهبود زندگی اجتماعی
- همکاری و شرکت در کار یا فعالیتی یا حضور در گروه یا سازمانی به منظور بحث یا تصمیم‌گیری و پذیرش نقش

• تعامل و ارتباط متقابل با سایر افراد جهت شرکت در کار یا برنامه‌ای با هدف مشخص و معین در این معنای کلی و عمومی همه گونه مشارکت یعنی مشارکت سیاسی - اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر

می‌گیرد اما در معنای خاص مشارکت اجتماعی، مشارکت اجتماعی پیوند نزدیکی با بهره‌مندسازی اجتماعی^۱، مشارکت مدنی^۲، حمایت اجتماعی^۳ و داوطلب شدن^۴ دارد. اگر جهت‌گیری علائق و احساس رضایت و لذت فرد به امور مرتبط با سیاست و قدرت باشد مشارکت مدنی شکل می‌گیرد. در این حالت فعالیت در طیف متنوعی از سازمانها را می‌توان تحت عنوان مشارکت مدنی قرار داد. از جمله فعالیت در اتحادیه‌های تجاری، سازمان‌های حرفه‌ای و یا انجمن محلی، احزاب سیاسی، سازمان یا گروه اجتماعی یا مدنی، اقداماتی چون حمایت از فعالیت یا گروه‌های هوادار منطقه‌ای یا جهانی، شبکه‌های ایمیل، عمومی ساختن اقدامات یک روز خاص مانند روز درختکاری، نامه‌نگاری با شورا، تماس با یک عضو پارلمان، تماس با مشاور محلی، امضاء طومار، حضور در راهپیمایی و نشست اعتراض آمیز، نوشتن نامه جهت درج در روزنامه، شرکت در رقابت سیاسی، تحریم یا خرید کالای شخصی به دلایل زیست محیطی، اخلاقی یا سیاسی، مشارکت در مشاوره اجتماعی یا حضور در ملاقات عمومی، شرکت در اعتصاب یا زنجیره‌های رنج از جمله اشکال جدید مشارکت مدنی بر شمرده می‌شوند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۳).

از منظری دیگر مشارکت می‌تواند با اشکال و درجات گوناگونی نظیر تعاون، همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی بیان شود. ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقشها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش‌ها، تجلی اراده انسان‌ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۵-۱۰۳).

کلی و برین لینگر^۵ مشارکت را نوعی عمل جمعی دانسته‌اند و تبیین‌های مربوط به آن را در سطح فردی و فرافردی مورد توجه قرار داده‌اند. برخی دیگر چون هلی^۶ مشارکت اجتماعی را این گونه تعریف کرده‌اند: مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. پس انواع مشارکت داوطلبانه و عضویت در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمانهای سیاسی و گروه‌های فشار جزء مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود (به نقل از یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

اشکال مشارکت اجتماعی (داوطلبانه) را می‌توان به دو صورت زیر مورد مطالعه قرار داد: الف- نهادی (رسمی) که در برگیرنده عضویت در سازمانها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است و ب- مشارکت غیررسمی، که خود در برگیرنده دو نوع است: ۱- درگیری اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود. ۲- مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده مند و

1- Social Inclusion

2- Civil Participation

3- Community Support

4- Volunteering

5- Kely & Brain Liger

6- Helly

فعالیت در گروههایی است که به صورت موسسه و سازمان نیستند ولی نسبتاً دائمی و همیشگی اند. ضمناً با توجه به هدف نیز دو نوع مشارکت را می‌توان نام برد:

الف- ابزاری که شامل فعالیت‌هایی است که خارج از گروه مشارکت کننده هدایت شده یا می‌شود.
ب- هدفمند که مشارکت اجتماعی به صورت خود کفا، هدفمند و جذاب و تحت نظارت خود اعضاء است (همال: ۱۰۷).

برخی از نظریه پردازان اجتماعی انواع مشارکت اجتماعی را چنین دسته بندی نموده‌اند:

- مشارکت اجتماعی نخستین:

این مشارکت در شکل گفت و گو با مردم است. این مشارکت قرن‌ها از سوی رهبران مذاهب و طرفداران انواع ایدئولوژیها برای جلب مردم به کار رفته و در برگیرنده تمامی مشارکت‌های افراد برای اعمال و مناسک مورد نظر بوده است. چنین مشارکت‌هایی را مشارکت‌های آئینی نیز می‌توان نام نهاد.

- مشارکت اجتماعی رفتارگرایانه یا مشروط:

این مشارکت به نوعی از مشارکت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که در پی بسیج اجتماعی از راه به کارگیری روش‌های روانشناسی اجتماعی و کاربرد رسانه‌ها و سازوکارهای فرهنگی برای جلب همگان به مشارکت است.

- مشارکت اجتماعی انسجام گرا:

این مشارکت در شکل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها تحقق می‌یابد و بر پایه ادغام اجتماعی و فرهنگی و جامعه پذیری فرهنگ مشارکت جویانه پیش می‌رود.

- مشارکت اجتماعی برای توسعه:

این نوع مشارکت را فرایند اجتماعی، جهانی تام و تمام، چند بعدی و چند فرهنگی تلقی می‌کنند و افراد را در آن برای توسعه ملی به مشارکت فرا می‌خوانند (پیران، ۱۳۷۶، به نقل از شادی طلب، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

۲-۱-۲-۴- پیشینه موضوعی مشارکت:

با مروری بر زندگی اجتماعی انسان در ادوار گذشته درمی‌یابیم که مشارکت در همه دورانها با مردم بوده و تقریباً از زمانی که انسان‌ها به زندگی اجتماعی روی آورد، مشارکت نیز به عنوان جزء لاینفک زندگی انسان‌ها در آمده و در سراسر روزگار راه پیشرفت نموده است. مشارکت یکی از مسائل مهم و دیرینه زندگی اجتماعی و ابزارهای زندگی انسان به شمار می‌رود. هر چند مفهوم مشارکت به معنای امروزی آن چند دهه‌ای است که در گفتمان سیاست و جامعه شناسی به عنوان یکی از محوری‌ترین مباحث طرح شده است اما اگر فضای مفهومی مشارکت را بسط داده و با دیدی کلی‌تر به آن بنگریم و معانی وسیعی همچون همکاری، تعاون، یاری‌گری و همیاری را از آن استنباط کنیم آن گاه خواهیم دید که مشارکت ریشه‌ای دیرینه در مباحث اهل نظر بالاخلاص فلسفه اجتماعی داشته است. قدمت بحث مشارکت را می‌توان در آراء و دیدگاه‌های فلاسفه سیاسی یونان یافت، سقراط، افلاطون و ارسطو و به پیروی از آنان سایر فلاسفه سیاسی در تاریخ، چرائی و چگونگی مشارکت انسان را در امور سیاسی - اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند (علیخانی، ۱۳۷۷: ۷۷).

ارسطو از جمله فلاسفه‌ای است که پیرامون حقوق شهروندی و لزوم و فلاسفه مشارکت در اجتماع انسانی سخن گفته است. وی به رغم آنکه دموکراسی را نمی‌پسندید اما نوعی مشارکت فعال در سیاست را شرط شهروندی می‌دانست و این حداقل فعالیت را شرکت در کارهای مشورتی و قضائی معرفی می‌کرد (نویمان، ۱۳۷۳: ۱۱۱).

دین اسلام نیز به عنوان دینی جامع و الهی همچون سایر ادیان الهی تاکید خاصی بر بحث مشارکت انسانها در سرنوشت اجتماعیشان دارد، به طوری که در سوره رعد، آیه ۱۱ خداوند متعال بطور صریح بر تاثیرات مشارکت انسانها در تغییر سرنوشتشان اشاره دارد و می‌فرماید خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن قوم خود سرنوشتشان را تغییر دهند (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) در نظام سیاسی صدر اسلام به خصوص حکومت حضرت رسول (ص) در مدینه و حکومت حضرت علی (ع) در کوفه که دورانی بسیار درخشان از شکوفائی اندیشه سیاسی و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر اسلام به شمار می‌رود بارزترین ویژگی‌های این دوران مشارکت فعال مردم در سرنوشت سیاسی- اجتماعی خویش می‌باشد (علیخانی، ۱۳۷۷: ۱۲).

اندیشمندان و فلاسفه اسلامی نیز با تأثیرپذیری از منویات دین اسلام و بر معنای تعقل نظریات جامعی پیرامون ضرورت مشارکت انسانها در اجتماع انسانی ارائه کرده‌اند که از شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان از محمد غزالی، زکریای قزوینی، ابن خلدون و بسیاری دیگر از اندیشمندان نام برد. به عنوان نمونه غزالی هرچند مشارکت را در معنای تعاون بکار برده است اما آن را از ضرورت‌های زندگی آدمی دانسته و خانواده را نهاد آغازین مشارکت و تعاون معرفی می‌کند. ابن خلدون اندیشمند و مورخ اجتماعی قرن هشتم با ششم تحلیلی- تبیینی ژرفی که از آن برخوردار بوده مشارکت اجتماعی ما بین انسان‌ها را به عنوان یکی از مسلمات بقاء و دوام عمران بدوی و حضری می‌داند که روح حاکم بر آن عصبیت است. هر چند مشارکتی که مد نظر ابن خلدون بوده، امروزه از لحاظ نوع شناسی انواع مشارکت در زمره مشارکت طبیعی قرار می‌گیرد اما این امر ارزش کار وی را به لحاظ تحلیل و شناخت ماهوی مسأله مشارکت کم رنگ نمی‌سازد (اخلاقی پور، ۱۳۷۹: ۱۰). مسأله مشارکت و موضوعیت تاریخی آن هر چند قدمتی دیرینه دارد و اعتقادات زمینه ساز مشارکت در بطن هر جامعه‌ای وجود داشته است، اما توجه به مشارکت زمانی به عنوان اصل محوری در برنامه ریزیهای توسعه جایگاه خود را بازیافت که نگاه به توسعه دچار دگرگونی گردیده از دهه ۱۹۸۰ که توسعه مفهومی گسترده‌تر یافت مسأله مشارکت‌های مردمی در فرایند توسعه برای نهادینه کردن اهمیت انسان در تحولات اقتصادی- اجتماعی از جایگاه خاصی برخوردار شد تا جایی که برخی از صاحب‌نظران توسعه را مترادف با مشارکت قلمداد نمودند (فرناندسن و تاندون به نقل از اخلاقی پور، ۱۳۷۹: ۱۰).

۲-۱-۲-۴- پیشینه تاریخی مشارکت اجتماعی در ایران:

در بررسی تاریخچه مشارکت اجتماعی در دو بعد رسمی و غیر رسمی می‌توان گفت که در ایران مشارکت غیر رسمی از دیرباز وجود داشته است و با وجود دگرگونی‌ها و تحولاتی که جامعه طی صد سال اخیر به خود دیده است، هنوز هم با قدرت در بسیاری از شهرهای این کشور حیات دارد. عزاداری‌های مذهبی

برگزار شده در ماهها و ایام خاص و ساختن مسجد که باعث مشارکت مردمی انجام می‌گیرد نمونه‌ای این مشارکت‌هاست و در زمینه‌های مربوط به گذراندن زندگی عادی و تأمین خدمات، وضعیت جغرافیایی، ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه سبب پیدایش فعالیت‌هایی شد که بر محور مشارکت مردم شکل گرفته است. کمک‌های متقابل مردم در عروسی‌ها، جشن‌ها، عزاداری‌ها و آبیاری نمونه‌ای از این مشارکت‌ها در گردش امور به شمار می‌روند (علوی تبار، ۱۳۶۹؛ پیران، ۱۳۷۴؛ رضایی، ۱۳۷۳؛ محسنی تبریزی، ۱۳۶۹).

نگاهی به تجربه‌های بیان شده در میان عشایر و روستائیان و حتی در شهرهای ایران در گذشته نشان می‌دهد که مشارکت افراد بیشتر در زمینه امور مربوط به تولید اقتصادی و کمتر داوطلبانه و معمولاً به دلیل جبر جغرافیایی بوده است. از طرف دیگر با توجه به اهمیت وجود نهادهای تقویت کننده مشارکت جهت ایجاد روحیه مشارکت در میان شهروندان، مخصوصاً در حیطه فعالیت‌های اجتماعی و کمبود یا فقدان آن به واسطه ساختار سیاسی - استبدادی در طی تاریخ گذشته ایران نیز فقط می‌توان به چند فعالیت نیمه تمام و انجام نشده نظیر تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های بلدی و انجمن‌های شهر و شکست تجربه این انجمن‌ها و عدم تحقق اهداف آنها قبل از انقلاب و شروع حرکت نهایی نظیر تشکیل شوراهای شهر و روستا و به وجود آمدن سازمانهای غیردولتی بعد از انقلاب نام برد (یزدان پناه، ۱۳۸۲؛ علوی تبار، ۱۳۷۹؛ پیران، ۱۳۷۴؛ محسنی تبریزی، ۱۳۶۹).

در ارتباط با تاریخچه مشارکت اجتماعی در ایران باید گفت تاریخ جامعه ایران در مورد وضعیت اجتماعی و نحوه مدیریت و مشارکت مدنی دارای ویژگی‌هایی است که نیازمند بررسی جامع و بنیادی است. جامعه ایران به دلیل پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ناشناخته مانده است، لذا ارزیابی در مورد ماهیت روند و عملکرد مدیریت جامعه و نحوه و میزان مشارکت مردمی در فعالیت‌های اجتماعی امری مشکل به نظر می‌رسد. در زمینه سابقه مشارکت در ایران باید گفت در ایران باستان در میان اقوام مختلف آریائی و مشارکت‌هایی به صورت عشیره‌ای و محلی صورت گرفته است همچنانکه ایران زاده (۱۳۷۵) بیان داشته است در ایرانیان باستان در بین اقوام آریایی، انتخابات وجود داشته است و سالمندترین شخص به عنوان رئیس عشیره انتخاب می‌شد. در هر روستا، بزرگ روستا توسط اهالی به عنوان کدخدا انتخاب می‌گردید. چند عشیره دور هم جمع می‌شدند و یک جغرافیایی به نام ده یورا تشکیل می‌دادند شوراهایی که در بین اقوام آریایی وجود داشت آنها را به اهمیت کار جمعی آشنا کرده بود. حتی در زمان اشکانیان نیز این کار ادامه داشت و شاه اشکانی را مجلس انتخاب می‌کرد (ایران زاده، ۱۳۷۵: ۲۱).

به طور کلی در ارتباط با مشارکت ایرانیان سه دیدگاه وجود دارد:

۱- در دیدگاه اول ایرانیان اساساً افرادی فردگرا و غیر مشارکتی معرفی شده‌اند. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند روند تاریخی و ساخت سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران موجب عدم رشد فرهنگ مشارکت گردیده است.

۲- در دیدگاه دوم برخلاف دیدگاه اول این نظر وجود دارد که ایرانیان افرادی جمع‌گرا و مشارکت‌جو هستند و بدون روحیه و فعالیت مشارکتی اساساً قادر به رشد مراحل تمدنی نبوده‌اند.

۳- در دیدگاه سوم به تناقصی مهم در مورد مشارکت ایرانیان اشاره شده است. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند که ایرانیان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی نا مشارکت جو و در عرصه‌های خصوصی و محلی و مذهبی به شدت مشارکت جو هستند (نیازی، ۱۳۸۰: ۱۵).

حال به توضیح و تفسیر دیدگاه‌های فوق از منابع مختلف می‌پردازیم:

صاحب‌نظران دیدگاه اول معتقدند ایرانیان به واسطه ساخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارای روحیه فردگرایی بوده و اکثریت مردم اعتقادی به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و امور اجتماعی نداشته‌اند. این صاحب‌نظران در ارتباط با عدم تحقق توسعه در ایران به عواملی چون حاکمیت دائمی حکومت‌های مستبد، انحصار و تسلط دولت بر مالکیت، عدم تضمین امنیت و ناپایداری اوضاع، فقدان قانون و حقوق شهروندی، وجود مشروعیت مبتنی بر قهر و غلبه، تمرکز قدرت در دست دولت و فقدان گروه‌های اجتماعی و اقتصادی مستقل از دولت تاکید داشته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۶۰). از نظر معتقدان این دیدگاه ساختار استبدادی سلطنتی در ۲۵ قرن به هیچ وجه اجازه مشارکت فعال اجتماعی و سیاسی را به توده‌ها نداده است. از این جهت شخصیت قدرت طلب‌گویی اساس جامعه ایرانی بوده و نوعی روحیه قبیله‌گرایی، اسطوره‌سازی، گریز از قانون، عدم مسئولیت و مشارکت اجتماعی وجود داشته است. همچنین از نظر این دیدگاه نظام اجتماعی ایران با خصیصه‌های فرهنگی ذهن‌گرایی و عدم تعادل بین ابعاد ذهنی و عینی کنش، باعث ترویج نوعی فرهنگ می‌گردد که در آن اصالت احساسات به جای عقل، اصالت منافع فردی به جای منافع جمعی، اصالت منافع آنی بجای منافع آتی ترویج می‌گردد. در چنین نظامی کنش اجتماعی مردم عمدتاً حالتی ذهنی و مبتنی بر احساسات داشته و لذا صورت و وضعیت ظاهری پدیده‌ها و تبلیغات و هیجان‌ها می‌توانند تأثیر شدید ولی با دامنه کوتاه بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی مردم داشته باشند. بنابراین نوعی روحیه جامعه‌گریزی به مفهوم بی تفاوتی نسبت به حقوق اجتماعی، قانون و مسئولیت اجتماعی از یک سو و روحیه قبیله‌گرایی و اسطوره‌سازی از سوی دیگر و تبلیغ تسلیم در برابر سرنوشت از سوی ساختار استبدادی مانع مشارکت گروه‌های مختلف بوده است (نیازی، ۱۳۸۰: ۱۶). علاوه بر این در بررسی تاریخی جامعه ایران و مقایسه آن با جامعه غربی در می‌یابیم که کلان‌ترین قالب تجمع در غرب در طی قرون اخیر کشور- ملت بوده است که انسانها و افراد اجزای تشکیل‌دهنده این کشور- ملت‌اند. با نگاه به جامعه غرب در پیدایش و تکوین مقوله مشارکت سیاسی- اجتماعی، عوامل گوناگونی نقش‌آفرینی کردند. یکی از این عوامل وجود طبقه متوسط بوده است در جامعه ایران بر خلاف جوامع غربی طبقه متوسط از یک مسیر طبیعی برخوردار نبوده است. در اروپا طبقه متوسط پیش‌برنده مؤلفه‌های مدرنیته از جمله مشارکت سیاسی بود در حالی که در ایران طبقه متوسط تابعی از دولت نوین بوده است. وجود حکومت مرکزی قدرتمند در زمان پهلوی اول و بهره‌مندی دولت از درآمدهای نفتی و عدم اتکاء به گروه‌های مردمی و برخی دیگر از عوامل مانع از پیدایش و گسترش طبیعی و آزادانه طبقه متوسط گردید (قادری، ۱۳۷۷: ۶۸).

یکی دیگر از ابعاد مهم در بررسی فرهنگ و وضعیت مشارکت در ایران، بررسی پدیده امنیت است. پیوندهای جمعی نیازمند وجود امنیت است امنیت در گسترده‌ترین تعریف تمامی حیطه‌های امنیتی چون روانی- فکری، شغلی، مالی، جسمی و حیثیتی را در بر می‌گیرد. در مشارکت سیاسی _ اجتماعی فرض بر این

است که انسان‌ها بتوانند فارغ البال به آشکارسازی خود و استعدادهایشان و امکاناتشان مبادرت ورزند. در تاریخ ایران عدم امنیت ناشی از حکومت‌های زور و قدرتمندان، وضعیت جغرافیایی و هجوم گسترده اقوام و طوائف از قسمت‌های آسیای مرکزی و تشدید نظام استبدادی منجر به عقب ماندگی نهادهای مدنی و شهری گردیده است. علاوه بر مؤلفه‌های ساختارسیاسی، استبدادی و عدم امنیت، تلقی خاصی از مذهب نیز تحت الشعاع مؤلفه‌های یاد شده قرار گرفته است. فرهنگ تشویق و ترویج فردگرایی منفی و بی توجهی به مصالح جمعی در قالب برخی از نحله‌های صوفی‌گری، درویشی، زهدمآبی و سه شکل وعظ، ناپایداری دنیا و سکوت در مقابل اعمال ناعادلانه قدرت و بی تفاوتی نسبت به امور اجتماعی گسترش یافته است (همان: ۱۷۵).

- در دیدگاه دوم، روحیه ایرانی و شخصیت اساسی ایرانیان روحیه و شخصیت جمع‌گرا معرفی شده است. در این دیدگاه میل به مشارکت و انجام کار گروهی یکی آر الگوهای فرهنگی غالب در فرهنگ جامعه ایران بیان شده است. از این منظر، تاریخ اجتماعی کشور، تاریخ مشارکت‌ها و فعالیت‌های جمعی است و اصناف به عنوان یکی از مؤسسات و نهادهای اجتماعی و مهم‌ترین تشکل اجتماعی خودجوش، غیردولتی و داوطلبانه فعالیت داشته‌اند. بنیان‌های مشارکت اجتماعی مانند تعاون و فرهنگ تعاونی، واحدهای برداری جمعی و نیز سنت‌های مشارکتی در ایران سابقه طولانی دارد. در این دیدگاه مسائلی چون مسائل جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی از مهم‌ترین عوامل گسترش مشارکت در ایران قلمداد شده است به گونه‌ای که اقلیم خشک و کم باران ایران و کمبود آب در اکثر نواحی مرکزی، جنوبی و شرقی زمینه را برای ایجاد تشکل‌های مشارکتی در خصوص چگونگی تقسیم آب و زمین فراهم آورده است. همچنین بسیاری از سنت‌های اجتماعی که ریشه در روابط اجتماعی جامعه ما دارد به کمک‌های متقابل مردم در عروسیها و عزاداریها و مانند آن انجامیده است. علاوه بر آن، پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان و تاکید این دین بر انسجام اجتماعی، مشارکت و همیاری، تشکل‌هایی مانند شوراها، مزارعه، مضاربه، تعاون، وقف، مشاع و ... را پدید آورده و سبب ایجاد واحدهای جمعی و مشارکتی در جامعه گردیده است (ابراهیم زاده، ۱۳۷۳: ۴۱).

- در دیدگاه سوم این نکته مورد توجه قرار گرفته است که ایرانیان از دیرباز در زمینه مشارکت با تناقضی عمده روبرو بوده‌اند آنان در گستره تاریخ خود به علت حاکمیت زورمداری و شناخته نشدن به عنوان شهروندان صاحب حقوق از عرصه‌های رسمی اجتماعی چشم پوشیده‌اند و آنها را متعلق به حکومت خودکامه دانسته‌اند و حتی گاهی به تخریب چنین عرصه‌هایی پرداخته‌اند. برعکس در حیطة غیر رسمی یعنی حیطة خانوادگی، محلی و مذهبی و در قالب صدها نهاد و سازمان غیر رسمی، مشارکت ایرانیان فوق العاده بوده است (پیران، ۱۳۷۶: ۵۱).

در این دیدگاه به این نکته توجه شده است که هر چند در تاریخ ایران شاهد رشد فرهنگ تعاون و همیاری در امور اقتصادی- اجتماعی بوده‌ایم، لیکن مشارکت در زمینه‌های سیاسی و برخی از ابعاد اجتماعی از یک وضعیت حداقلی برخوردار بوده است. همچنانکه قادری (۱۳۷۷) می‌نویسد در ازمنه قدیم به ندرت شاهد حضور گسترده مردم در امور سیاسی خود بوده‌ایم. مردم همچون نیروهای یک جنبش، یک دگرگونی یا حتی یک انقلاب در صحنه حضور یافته‌اند ولی از این حضور تا مشارکت به گونه نهادی شده آن فاصله بسیار است.

مردم ایران تجلیات جمعی در زمینه‌های عاطفی و دینی داشته‌اند ولی از تجربه مستمر و مستقر دخالت در امور سیاسی همچون یک حق رسمی و معمول بهره‌ای نداشته‌اند (قادری، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

از مجموع این پیشینه تاریخی می‌توان چنین نتیجه گرفت.

- مشارکت مردمی در جامعه ایران بیشتر به صورت تشکلهای غیر رسمی در جهت مدرسانی و همدردی فرهنگی بوده است.
- گروه‌های اجتماعی در ایران، اغلب مشارکتهای مردمی را در امور خانوادگی، خویشاوندی، محله‌ای و قومی تجربه کرده‌اند و کمتر در مشارکتهای اجتماعی سازمان یافته و گسترده در سطح شهر و استان یا کشور همکاری داشته‌اند.
- اغلب اشکال مشارکت دریافت و ساختار ارزشهای مذهبی صورت گرفته است و مشارکتهای مردمی اغلب در صورتی رونق یافته است که رنگ و بوی مذهبی را دارا باشد.
- در طول تاریخ مردم و گروههای اجتماعی در ایران نسبت به مدیریت جامعه و قانون و مقررات اعمال شده از سوی نظام سیاسی و اداری به دیده تردید و سوءظن نگریسته‌اند، لذا در مشارکت مربوط به نظامهای سیاسی و مدیریتی با اکراه همکاری داشته‌اند.

۲-۱-۲-۵- دیدگاه‌های نظری پیرامون مشارکت اجتماعی

همانطور که گفته شد مشارکت اجتماعی یک پدیده چند بعدی می‌باشد، بنابراین تئوریه‌ها و نظریه‌های گوناگون و از زوایای متعدد به بررسی آن پرداخته و عوامل متعددی را برای آن برشمرده‌اند لذا ارائه یک مدل نظری که بطور کامل در تبیین مشارکت اجتماعی مؤثر باشد وجود ندارد ولی می‌توان از جمع بندی نظریات یک مدل نظری نسبتاً مناسب ارائه نمود در این بخش از پژوهش دو دسته نظریه در مورد مشارکت اجتماعی ارائه می‌شود دسته اول نظریات روانشناختی و دسته دوم نظریات جامعه شناختی می‌باشد که بطور اختصار به آنها اشاره می‌گردد:

الف- نظریه‌های روانشناختی مشارکت:

۱- نظریه دیوید سیلز^۱

سیلز تا حدودی از منظر روانی در پی تبیین عوامل تاثیرگذار بر مشارکت می‌باشد. به نظر او اولاً افراد در متن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم و تربیت و مذهب و...) محاط شده‌اند ثانیاً تفاوت‌های شخصیتی از نظر توانمندیها و استعدادها موجب می‌شود که افراد از نظر آمادگی برای پاسخ دادن به محرکهای اجتماعی متفاوت باشند، ثالثاً پیش شرطهای روانشناختی بر فعالیتهای اجتماعی افراد تا حدود زیادی بستگی به محیطهای اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، الگوی باورها، اعتقادات، ارزش‌های فرهنگی و سیاسی دارد (محسن تبریزی، ۱۳۷۹: ۴۳).

۲- نظریه تسری گرونبرگ^۱

طبق این نظریه، انسان‌ها رضایت یا عدم رضایت خود از یک بخش از زندگی را به سایر بخش‌ها اشاعه داده و منتقل می‌کنند. به عنوان مثال کسانی که از خانواده خود راضی هستند و یک محیط آرام خانوادگی دارند، ناملايمات شغلی را بهتر تحمل کرده و شغل خود را منفی ارزیابی نمی‌کنند. شهروندانی که از وضع زندگی راضی هستند، بیشتر تمایل خواهند داشت در زندگی اجتماعی مشارکت نمایند. بنابراین زمانی که رضایت اجتماعی حاصل نشده و نارضایتی جمعی وجود داشته باشد، انسان‌ها به دنبال مقصر می‌گردند و به شخص یا گروه مقصر به عنوان دشمن مشترک و عامل نابسامانی وضع موجود می‌نگرند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۵۲۶).

۳- نظریه کلندرمن^۲

وی در بحث مشارکت اجتماعی مدل ارزش- انتظار را مطرح می‌نماید که در بردارنده دو مولفه بسیج آگاهی و بسیج کنش است. بسیج آگاهی فرایندی است که به واسطه آن، یک گروه یا اتحادیه اعضایش را نسبت به اهداف معطوف به کنش و کوشش‌های حمایتی که باید برای نیل به اهداف صورت گیرند، آگاه می‌سازد. به نظر او این فرایند برای تحقق کنش کافی نیست، زیرا اعضاء فقط به اهداف فکر نمی‌کنند، بلکه هزینه و فواید تحقق اهداف را نیز لحاظ می‌نمایند بنابراین، نیاز به بسیج برای کنش مطرح می‌شود و اتحادیه یا گروه تلاش می‌کند اعضایش را نسبت به هزینه‌های مشارکت متقاعد نماید. کلندرمن برای مشارکت در کنش جمعی سه انگیزه را مطرح می‌کند، انگیزه‌های هدف، اجتماعی و پاداش. انگیزه‌های اجتماعی را در قالب واکنش دیگران مهم به عمل مشارکت می‌بیند و انگیزه‌های هدف و پاداش را در قالب اعتقاد به مشارکت و توجه به هزینه‌ها و فواید مشارکت در نظر می‌گیرد (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۲).

۱- نظریه انتظار وروم^۳

بر اساس نظریه انتظار، وروم معتقد است که افراد قبل از آنکه تصمیم بگیرند چگونه رفتار کنند معمولاً ارزش احتمالی پیامدهای اعمالشان را ارزیابی می‌کنند. مفروضات اصلی این نظریه چنین است:

الف- رفتار به وسیله ترکیبی از نیروهای فردی و محیطی تعیین می‌شود.

ب- افراد مختلف دارای نیازها، آرزوها و اهداف متفاوتی هستند.

ج) افراد تصمیم می‌گیرند از میان رفتارهای جانشین، رفتاری را انتخاب کنند که پاداش بیشتری دریافت داشته باشد. برپایه نظریه وروم، افراد در کار و رسیدن به هدف هنگامی از خود میل و علاقه نشان می‌دهند که اولاً فکر می‌کنند هدف مورد نظرشان ارزشمند است. ثانیاً میان تلاش و کوششهایی که می‌کنند و رسیدن به هدف رابطه‌ای نیابند (کونتر^۴ ۱۳۷۴: ۲۶۸).

1- Gronberg
2- Klnderman
3- Vroom
4- conter

۵- رابرت دال^۱

رابرت دال در کتاب تجزیه و تحلیل جدید سیاست به این نتیجه رسید که افراد در صورت داشتن پاداش، موجه بودن مشارکت آنان و اطمینان از تأثیر آن در تصمیمات و رضایت بخش بودن نتایج کارها و همچنین آگاهی از موانع و سدها، نداشتن هراس و برخوردار بودن از انگیزه وجود مشوقها و تجارب مثبت در امور مشارکت می کنند (محسن تبریزی، ۱۳۷۷: ۱۸).

رابرت دال با ارائه تصویری از عدم علاقه افراد نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی می کوشد با دلایلی نشان دهد که چرا مردم در امور اجتماعی خود را درگیر مشارکت نمی کنند. این دلایل به شرح زیر هستند:

- هر چه مشکلات وارد شدن در فعالیتهای اجتماعی بیشتر باشد، احتمال مشارکت در آن کمتر خواهد بود.

- هر گاه شخص فکر کند دانش او محدودتر از آن است که بتواند با مشارکت و داخل شدن در امور اجتماع به کارایی کافی در مسائل اجتماعی برسد، ترجیح خواهد داد کمتر در آن مشارکت کند.

- اگر مردم معتقد باشند که بدون مشارکت آنها، نتایج اقدامات اجتماعی - سیاسی رضایت آنان را تأمین خواهد کرد، احتمال مشارکتشان کمتر است.

- هرگاه مردم در ارزیابی و ارزشیابیهای خود متوجه شوند که پاداشی که از درگیریهای اجتماعی به دست می آید از پاداشهای دیگر فعالیتها ناچیزتر است، خود را کمتر در مسائل و امور اجتماعی درگیر خواهند کرد. (سالاری، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

۶- نظریه مک کله لند^۲

هرچند تحقیقات گستردهای درباره روشهای آزمون کنش انسانها صورت گرفته است لیکن پژوهشهای مک کله لند مخصوصاً درباره نیاز به کسب موفقیت^۳ از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سه نیاز قدرت، وابستگی و کسب موفقیت با مدیریت ارتباط خاصی دارند. برای اینکه یک موسسه بهتر اداره شود نیازهای مزبور را باید تشخیص داد. تحقیقات مک کله لند نشان داده است که نیاز قوی به کسب موفقیت به این امر مربوط می شود که چگونه افراد در جهت انجام وظایفشان ترغیب می شوند. نیاز به موفقیت عبارتست از تمایل به برتری طلبی یا توفیق در موقعیت هائی که در آنها رقابت وجود دارد. بدین ترتیب افراد دارای نیاز قوی به کسب موفقیت، گرایش دارند که با کار معاوضه جوینان و در موقعیت رقابتی برانگیخته شوند. این امر سبب می شود که عملکرد قابل توجهی داشته باشند. شواهد تحقیقی نشان داده است که بین انگیزه کسب موفقیت و عملکرد بالا، رابطه مستقیمی وجود دارد. یعنی افرادی که موقعیتهای شغلی ممتازی داشته اند، در انگیزه کسب موفقیت بالاتر از متوسط قرار داشته اند. نیاز به وابستگی، تعامل اجتماعی با مردم را منعکس می سازد. فرد دارای نیاز به وابستگی، به کیفیت برقرار کردن ارتباط شخصی علاقه مند است. برای چنین افرادی، روابط اجتماعی

1- Robert doll

2- Mac celeland

3- Need for Achivement

بر انجام وظایف فردی تقدم دارد. فردی که انگیزه اعمال قدرت دارد سعی می‌کند در جهت مشخصی در دیگران اثر بگذارد (فانی، ۱۳۷۸: ۴۵).

ب- نظریه‌های جامعه‌شناختی مشارکت:

۱- رویداد ساختی - کارکردی^۱:

در چارچوب مکتب ساختی - کارکردی جوامع یا واحدهای کوچکتر مانند نهادها و سازمانها به عنوان سیستم مفهوم سازی می‌شوند و سعی در بیان ویژگیهای ساخت اجتماعی آنان بر حسب میزان مشارکت و کارکردشان در حفظ نظام به عنوان یک واقعیت زنده یاد می‌شود. بنابراین در این دیدگاه با دیدی سیستماتیک، مسائلی چون انسجام اجتماعی، تعادل و عدم تعادل و به نوعی تطور و تحول جوامع در قالب نظمی پویا مورد توجه قرار می‌گیرد. تحلیل کارکردی از مشارکت بر کنش مشارکت کنندگان با توجه به زمینه‌های عاطفی و شناختی آنان تاکید دارد. رابرت مرتن^۲ معتقد است در تحلیل کارکردی باید به وضع و شرایط مشارکت کنندگان در ساختار اجتماعی، معنای عاطفی و شناختی رفتار آنانکه به مشارکت می‌پردازند و جنبه‌های رفتاری منظم که با این انگیزه‌ها پیوسته‌اند، هر چند که مشارکت کنندگان چندان شناختی از آن نداشته باشند، توجه نمود (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۵).

حال به بررسی موضوعات مورد نظر در رویکرد ساختی - کارکردی و رابطه آن با مشارکت پرداخته می‌شود.

۲- مشارکت و انسجام اجتماعی^۳

انسجام اجتماعی یکی از موضوعات اساسی تئوری ساختی - کارکردی محسوب می‌شود. توجه به انسجام اجتماعی در آثار بنیانگذاران جامعه‌شناسی نظیر دورکیم^۴ و تونیس^۵ که انسجام اجتماعی را در گمیشافت (اجتماع) و گزلفافت (جامعه) مورد بررسی قرار داد جایگاه ویژه‌ای دارد. در مراحل بعدی نیز جامعه‌شناسان نظم‌گرا در قالب رویکردهای کارکردی - ساختاری و نئوکارکردگرائی مفهوم انسجام اجتماعی را همچنان در کانون توجه خود قرار داده‌اند. در واقع در هر جا که ارتباط و پیوند انسجام اجتماعی با دیگر کنش‌ها و فرایندهای اجتماعی همچون مشارکت در اشکال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن مطرح می‌شود همه نظریه پردازان جامعه‌شناسی اعم از نظم‌گرا و ستیزگرا در خصوص اهمیت توجه با این پیوند و تعامل علیرغم اختلاف نظر در چگونگی ارتباط و تاثیرگذاری در سطوح گروهی، میان‌گروه و جمعی به نوعی اتفاق نظر و اجماع می‌رسند و بر اهمیت بین انسجام اجتماعی و مشارکت تاکید می‌کنند. انسجام اجتماعی پایه نظم اجتماعی را تشکیل داده و گسترش زمینه‌های وفاق و همبستگی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده مردم جامعه را فراهم می‌کند در زیر به برخی از نظریه پردازان این نحله اشاره کرد:

1- Structural- Functional Approach

2- Robert Merton

3- Social solidarity

4- Emile Durkheim

5- Tonnies

۱- امیل دورکیم:

از برجسته‌ترین نظریه پردازان انسجام و همبستگی اجتماعی می‌باشد. وی با مشاهده نابسامانیهای جامعه زمان خود با این سؤال که چه چیز سبب می‌شود جامعه حفظ گردیده و دچار فروپاشی نگردد، نظریهٔ انسجام اجتماعی را مطرح می‌کند. وی مطرح می‌کند که همبستگی اجتماعی وحدت گروه را تأمین می‌کند و متقابلاً ماهیت و طبیعت گروه نیز خصایص این همبستگی را به وی ارزانی می‌دارد. او معتقد است که قواعد رفتار و هنجارهایی که رفتار را هدایت و کنترل می‌کنند در سه قلمرو زندگی اجتماعی قابل مطالعه‌اند: خانوادگی، حرفه‌ای - شغلی و دولت - کشور (دورکیم ۱۳۶۹: ۶۶). دورکیم بر وجود گروههای حرفه‌ای و گروههای رابط به عنوان کانالهایی که می‌توانند روابط صحیح میان فرد و دولت را تنظیم کنند می‌پردازد و عنوان می‌دارد که آنها از تسلط و غلبه یکی بر دیگری جلوگیری کرده و انتقال و درونی کردن برخی علائق جمعی را هموار می‌کنند بنابراین بحث پیرامون اخلاق اقتصادی و نظم کلی در جوامع مدرن و شرایط جلوگیری از پدید آمدن وضعیت آنومیک (نابسامانی)، بر ضرورت گسترش گروههای شغلی و تشکل‌های حرفه‌ای تأکید می‌کند (آرون، ۱۳۷۱: ۴۱۵-۴۱۶). این گروهها از یک سو برخی کارکردهای اخلاقی را بر عهده می‌گیرند که زمانی توسط خانواده انجام می‌شد تا زندگی، اقتصادی اخلاقی شود و از سوی دیگر در سطح ملی نقش اساسی در تنظیم روابط دولت و جامعه و عملکرد اقتصاد سازمان یافته بر عهده می‌گیرند تا نظم کلی اجتماعی حفظ گردد و دوام یابد. دورکیم یکی از نخستین نظریه پردازان معتقد به ایجاد سازمان‌های صنفی است و خواهان یکپارچگی مجدد اجتماعات انسانی در اطراف محور سازمان‌های صنفی است که در محل‌های کار شکل می‌گیرد به عقیده وی، ناهنجاری راه را برای یک نظم اخلاقی نیرومند می‌سازد. (رضائی، ۱۳۷۳: ۷۰). دورکیم برای این قبیل گروههای ثانوی نقش دوگانه در نظر می‌گیرد. آنها باید همچون حفاظی یا پلی میان فرد و دولت قرار گیرند و از فرد در برابر زیاده رویهای احتمالی دولت محافظت کنند ولی همچنین باید به حفظ فاصلهٔ میان جامعهٔ مدنی و دولت کمک کنند تا اطمینان حاصل شود که نظام اجتماعی به سوی محافظه کاری خالی از عقل نمی‌لغزد (گیدنز^۱، ۱۳۶۳: ۵۲). دورکیم به نقش همبستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره نمود و معتقد است هر جا همبستگی اجتماعی نیرومندتر باشد، عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم خواهد بود و باعث تشدید تماسهای آنان و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباطشان با یکدیگر خواهد شد. به عبارت دیگر هر چه اعضای یک جامعه همبسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر در حالت دسته جمعی با گروه بیشتر حفظ می‌کنند. (آبراهامز^۲، ۱۳۶۹: ۱۹۶).

۲- دوتوکویل^۳:

دوتوکویل به تاثیرات مشارکتهای عمومی و سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند. به نظر وی مخالفت با مشارکت مدنی یا شهری به دنبال منفعت‌های خصوصی شکل می‌گیرد. فرو رفتن در بازارهای مالی و اقتصادی و منفعت‌های شخصی باعث جدایی فرد از برخی از جنبه‌های زندگی اجتماعی می‌شود. متقابلاً شرکت در

1- Giddens

2- Abrahams

3- De toqueville

مشارکت‌های عمومی فرد را از انزوای اجتماعی خارج می‌کند و به سوی منافع همگانی می‌کشاند و این امر موجب ارتقای سطح اجتماعی می‌شود (بریتون^۱، ۱۹۹۷، به نقل از نیازی، ۱۳۸۰:۵۸).

۳- تالکوت پارسونز^۲:

پارسونز با طرح نظریه کنش و نظام کنش چهار خرده نظام مهم جامعه را شامل خرده نظام اقتصادی، اجتماعی، شخصیتی و اقتصادی معرفی می‌کند. «به عقیده پارسونز در هر نظام کنش چهار کارکرد وجود دارد که به نظر وی چهار نیاز ابتدائی و اساسی بیرونی نظام کنش را تأمین می‌کند و به گفته وی چهار کارکرد، شرایط لازم کارکردی هر نظام کنش است این چهار کارکرد عبارتند از:

- سازگاری: که رابطه میان نظام کنش و محیط بیرونی‌اش را تأمین می‌کند. این محیط عموماً یک یا چند نظام دیگر است که ممکن است نظام‌های کنشی یا غیرکنشی (فیزیکی) باشند. سازگاری کارش این است که از نظام‌های بیرونی نظام کنش، منابع گوناگون را که نظام نیاز دارد بگیرد و در عوض فرآورده‌های تولید نظام را عرضه کند این کارکرد، نظام را با محیطش، با مقتضیانش، با تنگناها و محدودیت‌های سازگار می‌کند (گی روشه، ۱۳۷۶:۷۶).

- دستیابی به هدف: که شامل مجموعه کنش‌هایی است که می‌خواهند هدف‌های نظام را تعیین کنند و برای رسیدگی به این هدفها و گرفتن پاداش مطلوب، منابع و انرژیها را بسیج کرده و اداره می‌کنند.

- کارکرد یگانگی: که بعد ثبات بخشنده نظام است و کارش مراقبت و جلوگیری از گرایشهای کج روی و حفظ هماهنگی میان اجزاء و دوری کردن از اختلالهای عمیق است. کنش‌هایی که حمایت گر نظام در برابر تغییرات ناگهانی و اختلالهای بزرگ هستند و کنشهایی که باید یکپارچگی و همبستگی لازم را برای ماندگاری کارکرد نظام را تأمین کنند در اینجا هستند.

- کارکرد حفظ الگوی فرهنگی: که کارش انباشت انرژی بصورت انگیزش و پخش آن به صورت اطلاعات در نظام کنش است. هر نظام کنشی به مجموعه‌ای از اجزاء کنشی نیاز دارد که باید کل نظام کنش را تغذیه کند. مخزنی که باید پیوسته پر شود چون پیوسته تخلیه می‌گردد. حفظ الگوها انجام کارکرد فوق، نقطه تماس میان نظام کنش و دنیای نهادی و ذهنی است یعنی نهادها، ایده‌ها و راه و رسم بیان و داوریهها را فراهم می‌کند که برای ایجاد انگیزش و هدایت آن به سوی کنش لازم است (گی روشه، ۱۳۷۶:۷۶).

هر کدام از چهار کارکرد فوق منطبق با یک نظام فرعی از نظام عمومی کنش و یک خرده نظام از جامعه است. پارسونز کنش اجتماعی در سطح خرد را دارای نظام فرعی ارگانسیم زیستی، شخصیت روانی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی می‌داند و کنش اجتماعی در سطح کلان را نیز دارای چهار خرده نظام اقتصاد، سیاست، اجتماع جامعه‌ای و فرهنگ می‌داند که هر کدام از این نظامها یکی از چهار کارکرد فوق را بر عهده دارند. به این نحو که ارگانسیم زیستی در سطح خرد و نظام اقتصادی در سطح کلان سازگاری را بر عهده دارند، شخصیت روانی در سطح خرد و سیاست در سطح کلان یگانگی را بر عهده داشته و در نهایت نظام فرهنگی

1- Brinton

2- talcott parsons

در سطح خرد و کلان کارکرد حفظ الگوهای فرهنگی را بر عهده دارند. پارسونز در بحث اجتماعی شدن افراد اشاره می‌کند که انسان سه گرایش خام دارد:

«گرایش ادراکی که ناظر به شناخت است، گرایش ارزیابی که به خوب و بد ارزش‌ها می‌رسد و گرایش هنجاری که بایدها و نبایدها را تعیین می‌کند. وقتی ارگانیزم با فرهنگ برخورد می‌کند این گرایشهای خام شکل می‌پذیرد و نظام شخصیتی را شکل می‌بخشد و از این به بعد نظام شخصیتی فرد را به سوی هدف می‌راند و موجب کنش اجتماعی می‌شود از برابند کنشهای اجتماعی، نظام اجتماعی شکل می‌گیرد که بیانگر یگانگی، وفاق، مشارکت حقیقی افراد با هم و اعتماد آنها به یکدیگر است و فرد در این سیستم اجتماعی می‌شود» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۲۴۴). پارسونز انسجام اجتماعی را در دو نظام شخصیت و نظام اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد. وی انسجام را عبارت از فرایندی می‌داند که در هر مرحله پس از هر تفکیک و پیدایش نقشها، سازگاری‌هایی از سوی اجزاء نظام برای رسیدن به وضعیت تعادل جدید انجام می‌گیرد. به نظر وی انسجام اجتماعی مجموعه‌ای از سازگاریهایی است که برای ایجاد وضعیت تعادل جدید انجام می‌گیرد. به نظر وی انسجام اجتماعی مجموعه‌ای از سازگاریهایی است که برای ایجاد شرایط بقاء وضع تفکیک یافته تازه، توسط دیگر اجزاء سیستم صورت می‌پذیرد تا شرایط لازم برای بقای سیستم به عنوان یک کل پویا فراهم گردد (پارسونز، ۱۹۵۵ به نقل از نیازی، ۱۳۸۰: ۵۸).

۲-۱-۲-۶- مشارکت و اعتماد اجتماعی

یکی از مفاهیمی که با مفهوم انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی پیوند تئوریک دارد مفهوم اعتماد اجتماعی است.

اعتماد عبارتست از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه‌ای حمایت کننده در پیش خواهند گرفت به تغییر فوکویاما اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد (شارع پور، ۱۳۸۳: ۳۰۶).

۱- گیدنز:

گیدنز بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود، اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظامهای انتزاعی، اعتماد انتزاعی در بر گیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا در حالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند (براساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌های او)، می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد.

افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظامهای انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرایند می‌توان با سطح نهادی اعتماد نام برد این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به «نظامهای تخصصی» می‌نامد. ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل او یا خانه او را ساخته، شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت دارای میزانی از اعتماد

باشد. اعتماد اجتماعی در فرایند توسعه موجب افزایش میزان عضویت افراد جامعه در گروهها و سازمانها و انجمن‌های مختلف می‌شود و آمادگی فرد را در برقراری ارتباط بیشتر می‌کند. (چلبی، ۱۳۷۵:۱۲). به اعتقاد گیدنز با آنکه ویژگی‌های عام یا تقریباً عامی برای روانشناسی اعتماد وجود دارند، اما شرایط روابط اعتماد در فرهنگهای پیش از مدرن با همین روابط در جهان مدرن، تضادهای بنیادی دارد، او اعتماد در جامعه مدرن را بسیار مهم دانسته و معتقد است تا افراد اعتماد نکنند، کنشی (مثل مشارکت) صورت نمی‌پذیرد. یکی از زمینه‌های این اعتماد در جهان مدرن، اعتماد به تخصص‌ها، علائم، نشان‌ها و مارک‌هاست. (ر-ک گیدنز، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸). مثلاً به نظر گیدنز چنین برداشت کرد که افرادی که در حال نوشیدن یک آبمیوه بسته بندی شده هستند به مارک آن اعتماد کرده‌اند، یا از روی یک پل با ماشین حرکت می‌کنند، به تخصص سازنده آن اعتماد دارد و قس علیهذا. ملاحظه می‌شود بر این اساس اگر فردی به اینها اعتماد نداشته باشد، مشارکت نمی‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۷).

جدول ۱-۲- محیط‌های اعتماد و مخاطره در فرهنگهای مدرن و ماقبل مدرن از نظر گیدنز

ماقبل مدرن (اهمیت شدید اعتماد محلی)	مدرن (روابط اعتماد مبتنی بر نظامهای انتزاعی از جاکنده شده)	
<p>۱- وابستگی‌های خویشاوندی بعنوان ابزار سازمان بخش پیوندهای اجتماعی با ثبات در طول زمان و مکان</p> <p>۲- اجتماع محلی بعنوان مکان، نوعی آشنایی و نزدیکی میان افراد</p> <p>۳- هستی شناسی دینی بعنوان شیوه‌های عمل اعتقادی و مناسکی و سازنده اعتماد</p> <p>۴- سنت بعنوان یک ابزار ارتباط دهنده حاضر و آینده</p>	<p>۱- وابستگی‌های شخصی، دوستی و صمیمیت جنسی بعنوان ابزار پیوندهای اجتماعی</p> <p>۲- نظام‌های انتزاعی بعنوان ابزار، وابستگی در روابط با ثبات در طول فواصل نامشخص زمان و مکان</p> <p>۳- سوگیری به سمت آینده، اندیشه خلاف واقع بعنوان شیوه‌ای که گذشته و حاضر را به هم پیوند می‌دهد.</p>	<p>محیط اعتماد</p>
<p>۱- تهدیدات و خطرات ناشی از طبیعت مانند شیوع بیماری و طوفان و...</p> <p>۲- تهدیدات ناشی از تجاوز و خشونت انسانها، مانند دزدان و فرمانروایان محلی و...</p> <p>۳- مخاطرات ازدست رفتن رحمت مذهبی و یا نفوذ جادویی بدخواهانه</p>	<p>۱- تهدیدات و خطرات ناشی از تجاوزات انسانی در ارتباط با صنعتی شدن جنگ و رشد مراکز هسته‌ای.</p> <p>۳- تهدید بی معنایی شخصی که او کاربرد بازاندیشی مدرنیت در مورد خود ناشی می‌شود</p>	<p>محیط مخاطره</p>

۲- هابز و توکویل:

از نظر هابز^۱ و توکویل اعتماد، پایه‌ی اساسی نظم اجتماعی می‌باشد، اعتماد تنش‌ها را کاهش داده و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد. آنچه که باعث اعتماد مردم به یکدیگر می‌شود، احساس امنیت است. به هر صورت مردم نیاز دارند تا به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته باشند تا بتوانند با چالش‌های جهانی شدن و عصر اطلاعات مقابله کنند. نکته مهم دیگر این است که اعتماد را نمی‌توان بطور مصنوعی ایجاد کرد، اعتماد محصول اتوماتیک شرایط اجتماعی و اقتصادی در جامعه است که در طول زمان از طریق تکرار سلسله‌ای از تعامل‌ها شکل می‌گیرد (همان، ۱۳).

۳- رابرت پوتنام^۲:

پوتنام اعتماد اجتماعی را مهم‌ترین مولفه‌ی سرمایه اجتماعی می‌داند. از نظر او سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجار، شبکه‌های ارتباطی میان افراد یک اجتماع می‌باشد. سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است. از نظر او اعتماد در روابط متقابل در شبکه‌های اجتماعی به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود می‌باشند (علاقه بند، ۱۳۸۴:۳۲). به نظر پوتنام بقاء و پایداری تعاون و همکاری هدفمند در گرو اعتماد اجتماعی است وی اعتماد اجتماعی را پیش شرط تعاون و مبنای عاطفی تعاون بیان نموده است (کوثری، ۱۳۷۵:۹۸).

۴- رونالد اینگلهارت^۳:

اینگلهارت معتقد است بین اعتماد و مشارکت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. وی اعتماد را اینگونه تعریف می‌کند «اعتماد یعنی اینکه رفتار دیگری به طرز قابل پیش بینی و دوستانه خواهد بود و عدم اعتماد یعنی اینکه رفتار دیگری مودبانه غیرقابل اعتماد است، لذا وقتی که ابهام وجود دارد، اعتماد یا عدم اعتماد شخص را با تفسیر دوستانه یا دشمنانه اعمال دیگری می‌کشاند. پیامدهای آن می‌تواند بسیار مهم باشد. او معتقد است امروزه نقش عوامل طبیعی از جمله مساحت و عوامل جغرافیایی که در گذشته به عنوان مانع بر سر راه اعتماد سازی بین کشورها مطرح بوده است، رو به کاهش است و عوامل فرهنگی از جمله روابط قومی در ایجاد و عدم اعتماد بین گروه‌های اجتماعی، همچنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و معتقد است اعتماد اجتماعی ابزاری لازم و ضروری جهت مشارکت اجتماعی می‌باشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳:۴۴۷).

۵- فوکویاما^۴

فوکویاما (۱۹۹۵) از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی^۵ در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند استفاده می‌نماید.

1- Hobbes

2- Robert Putnam

3- Ronald Inghelhart

4- Fukuyama

5- social capital

فوکویاما، توانایی نیل به سعادت در یک جامعه را در درجه اول به دوام و قوام جامعه مدنی، توانایی افراد جامعه به مشارکت و همکاری در اجتماعات کوچک و بزرگ و رعایت موازین اخلاقی چون اعتماد، صداقت و اتکاپذیری وابسته می‌داند (به نقل از امیری، ۱۳۷۴: ۱۳).

۶- سایر صاحب‌نظران:

برخی صاحب‌نظران دیگر بطور جسته و گریخته به بحث اعتماد و رابطه آن با مشارکت پرداخته‌اند. به نظر آلموند^۱ «اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴). همچنین زتومکا^۲ اعتماد اجتماعی را پیش شرط تعاون و مبنای عاطفی تعاون بیان نموده است، ردفیلد^۳ از صاحب‌نظران تئوری نوسازی معتقد است که یکی از مسائل مهم کشورهای جهان سوم، خصوصاً در اجتماعات روستایی آن کشورها در عدم اعتماد میان روستاییان است (ازکیا، ۱۳۷۵: ۵۶).

از نظر مور^۴ آنچه مانع اعتماد یا درک اعتماد در روابط میان اشخاص می‌شود تصاویر دروغین یا شبه گونه‌ای است که طرفین منازعه از یکدیگر دارند. به نظر وی درک اعتماد در روابط وابسته به تجارب قبلی آنهاست.

هر چه موقعیت فعلی آنان به موقعیت قبلی شبیه‌تر باشد احتمال اعتماد یا عدم اعتماد افزایش می‌یابد علاوه بر اینها شخصیت، نیازها و باورهای طرفین منازعه نیز در اعتماد یا عدم اعتماد نسبت به یکدیگر تأثیر خواهد گذاشت (کوثری، ۱۳۷۵: ۹۸).

هانتینگتون^۵، از صاحب‌نظران معاصر نوسازی، به نقش عدم انسجام و بی اعتمادی در کاهش روحیه عام‌گرایی و احساس تعلق به جامعه و رشد خاص‌گرایی در نظام‌های شخصیتی افراد اشاره نموده است. به نظر وی رواج بی اعتمادی در جوامع جهان سوم وفاداری‌های افراد را محدود به گروه‌هایی می‌سازد که آشنا و نزدیک به آنهاست مردم این کشورها و کلان‌ها شاید به قبیله‌شان وفا دارند اما به نهادهای سیاسی گسترده‌تر احساس وفاداری نمی‌کنند. در جوامع از نظر سیاسی پیشرفته، وفاداری به این گروه‌های اجتماعی میانجی‌تر، تحت الشعاع وفاداری به دولت قرار می‌گیرد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۹).

با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت در جوامعی که اعتماد اجتماعی متقابل خدشه دار شود، کنشگران اجتماعی در پهنه تعاملات اجتماعی احساس امنیت نداشته و به جای جمع‌گرایی اشتراک‌مسابی و مشارکت به دنبال فرد‌گرایی خودخواهانه خواهند بود.

۲-۱-۲-۷- ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی:

مطالعه چگونگی رابطه نهاد خانواده به عنوان نخستین عامل جامعه‌پذیری افراد بر پدیده مشارکت اجتماعی از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. مطالعه ساختار و نوع روابط میان نقش‌های مختلف در

۱- Almond

۲- Redfield

۳- Moore

۴- Hontington

درون خانواده یکی از موضوعات چند رشته‌ای است که مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی، تربیتی و روانشناسی قرار گرفته است. صاحب‌نظران فوق با توجه به نوع رابطه میان نقش‌های مختلف در خانواده، انواع مختلفی از ساختار یا شیوه تربیتی و رفتاری در خانواده را تشخیص داده و به مطالعه اثر آن بر شخصیت و رفتارهای اجتماعی فرزندان پرداخته‌اند. یکی از این مطالعات، مطالعه مک کابی و مارتین^۱ (۱۹۸۳) می‌باشد. وی در مورد نوع رفتار والدین و تأثیر آن رفتارهای فرزندان در عرصه‌های مختلف اجتماعی طبقه بندی زیر را ارائه نموده است:

پاسخگو بودن	بالا	موثق	مدارا کننده
	پائین	سلطه گر	بی تفاوت

همانطور که نمودار بالا نشان می‌دهد والدینی که بسیار پاسخگو است اما بطور کم تقاضا طلب است، مدارا کننده خوانده می‌شود، کسی که به همین اندازه پاسخگوست اما تقاضا طلب نیز هست، موثق نامیده می‌شود و والدینی که بسیار تقاضا طلب‌اند اما پاسخگو نیستند، سلطه‌گرا و والدینی که نه تقاضا طلب و نه پاسخگو می‌باشند، بی تفاوت خوانده می‌شوند (به نقل از اشتین برگ^۲، ۱۳۸۴:۲۲۴).

- «والدین موثق» گرم ولی قاطع‌اند آنها معیارهایی برای رفتار فرزندان تعیین می‌کنند، اما توقعاتی را که شکل می‌دهند که با نیازها و تواناییهای در حال رشد همسازی دارد، آنها ارزش بسیار به رشد و خود شکل می‌دهند که با نیازها و تواناییهای در حال رشد همسازی دارد، آنها ارزش بسیار به رشد و خود مختاری و خود راهبردی می‌دهند ولی مسئولیت نهایی رفتار را می‌پذیرند. والدین موثق با فرزند به شیوه منطقی و مساله مدار برخورد می‌کنند.

- «والدین سلطه‌گرا» ارزش بسیار به اطاعت و هم‌نوایی می‌دهند. آنها بیشتر تنبیه‌گر، و طرفدار نظم و انضباط اجباری و مطلق‌اند. بده‌بستان کلامی در خانواده‌های سلطه طلب مشاهده نمی‌شود چراکه باور اصلی والدین سلطه طلب این است که فرزندان باید بدون چون و چرا قواعد و معیارهای والدین را بپذیرند. آنها رفتار مستقل را ترغیب نمی‌کنند و در عوض، اهمیت زیادی به محدود سازی استقلال فرزند می‌دهند.

- «والدین مداراگرا» به شیوه‌ای پذیرا، ملایم و تا اندازه‌ای منفعل در امر انضباط رفتار می‌کنند. آنها تقاضاهای معدودی بر رفتار فرزند تحمیل می‌کنند. به فرزند آزادی عمل بسیاری می‌دهند. آنها معتقدند که کنترل، یک تحمیل نادرست بر آزادی فرزند است که می‌تواند در رشد و سازگاری او مداخله کند.

- «والدین بی تفاوت» می‌کوشند به هرکاری دست بزنند تا زمان و انرژی لازم برای تعامل با فرزندان را به حداقل برسانند. در موارد حاد، والدین بی تفاوت بسیار مسامحه‌کارند، آنها چیزی در مورد فعالیتهای فرزند و «کجا بودن‌ها» نمی‌دانند، علاقه اندکی به تجارب فرزند در مدرسه یا با دوستان نشان می‌دهند، به ندرت با

۱- Mac caby & Martin

۲- Shtinberg

فرزند خود حرف می‌زنند و به ندرت با فرزند خود حرف می‌زنند و به ندرت عقیده کودک را در تصمیم‌گیری دخالت می‌دهند (اشتین برگ، ۱۳۸۴: ۲۲۲).

طبقه بندی چهاروجهی فوق‌راهی مفید برای بررسی برخی روابط بین اقدام‌های والدین و رشد روانی-اجتماعی و اجتماعی شدن فرزندان فراهم می‌آورد. به طور کلی افرادی که در خانواده‌های موثق بزرگ می‌شوند، نسبت به همسالانی که در خانواده‌های سلطه‌گر یا مداراگر یا بی‌تفاوت بزرگ می‌شوند، باکفایت‌ترند. افرادی که در خانواده‌های موثق بزرگ می‌شوند، باکفایت‌تر، خلاق‌تر، کنجکاو‌تر و از لحاظ اجتماعی ماهرتر و در کار مدرسه موفق‌تر می‌باشند. در مقابل افرادی که در خانواده‌های سلطه‌گر و قدرت طلب رشد می‌کنند، وابسته‌تر و منفعل‌ترند، از لحاظ اجتماعی کم‌مهارتر و اعتماد به نفس کمتری دارند، بسیاری از افرادی که در خانواده‌های مداراگر زندگی می‌کنند، نارس‌تر، غیرمسئول‌تر، همنواتر با همسالان و کمتر قادر به قبول موضوع رهبری در گروه هستند (همان: ۲۲۷).

-آلموند و پاول^۱ (۱۹۹۲) معتقدند نخستین تجربه مشارکت در تصمیم‌گیری خانواده می‌تواند احساس کودک را در مورد صلاحیت‌های سیاسی خویش تقویت کند، مهارت‌های لازم برای تعامل سیاسی را در وی به وجود آورده و در سنین بلوغ فرد را به مشارکت فعال در نظام سیاسی تشویق کند (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۴).
-آندرسون^۲ مشارکت اجتماعی را اساساً یک ویژگی خانوادگی دانسته و معتقد است که چنانچه والدین روحیه مشارکت‌جویی داشته و مشارکت اجتماعی در سطح بالایی داشته باشند، فرزندان آنان نیز مشارکت اجتماعی بالایی خواهند داشت (به نقل از نیازی، ۱۳۸۰: ۶۳).

بومریند^۳ در مطالعه نقش شیوه‌های تربیتی والدین در شخصیت و کنش فرزندان معتقد است در خانواده‌های اقناع‌گرایانه، همه افراد به تناسب موقعیت و امکانات خود، حق دخالت در امور خانه و اظهار نظر درباره مسائل مختلف را دارند. والدین این نوع خانواده‌ها به استدلال و تصمیم‌گیری فرزندان خود احترام می‌گذارند و در ضمن کنترل فرزندان، از آنان انتظار رفتار عاقلانه دارند. لیکن در خانواده‌های استبدادی که فقط یک نفر (دیکتاتور) تصمیم می‌گیرد، هدف تعیین می‌کند و راه نشان می‌دهد، والدین از لحاظ کنترل منطقی رتبه کمتری دارند و بیشتر بر قدرت و انضباط اجباری تاکید می‌کنند، لذا فرزندان که در خانواده‌های استبدادی پرورش می‌یابند، نسبت به فرزندان که خانواده‌های اقناع‌گرایانه در عرصه‌های زندگی عمومی و اجتماعی موفقیت کمتری داشته و توان برخورد منطقی کمتری از خود نشان می‌دهند (به نقل از مقنی زاده، ۱۳۷۵: ۲۶).

بالدوین^۴ اظهار می‌کند که نگرش‌های پذیرنده و دموکراتیک والدین امکان رشد فرزندان را به حداکثر می‌رساند لذا فرزندان چنین والدینی، رشد ذهنی، ابتکار و امنیت عاطفی فراینده‌ای را نشان می‌دهند، در مقابل فرزندان والدین طردکننده و سلطه‌جو، افرادی متزلزل، سرکش، پرخاشگر و ستیزه‌جو هستند (کدیور، ۱۳۷۲: ۲۲۳).

۱- almond & powel

۲- anderson

۳- baumrind

۴- baldvin

از مجموع مطالعات فوق می‌توان نتیجه گرفت که ساختار خانواده، نوع جامعه پذیری و شیوه تربیتی والدین بر مشارکت فرزندان تأثیر چشم‌گیری دارد. نوع روابط میان نقش‌های مختلف در خانواده سه ساختار یا شیوه تربیتی (استبدادی، بی تفاوت و امتناع‌گرایی) را به وجود می‌آورد که بسته به تفوق هر یک از ویژگی‌های فوق در خانواده منجر به بروز رفتارهای متفاوت فرزندان در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌شود که تصمیم‌گیری جمعی و مشارکت بعد از آن می‌باشد

مشارکت با توجه به مکاتب و دیدگاهها

۱- دیدگاه نوسازی

امروزه تئوری ساختی- کارکردی در بحث مشارکت در قالب دیدگاه نوسازی^۱ و در روابط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح است. در این دیدگاه مشارکت به عنوان یکی از نهادهای توسعه‌ای قلمداد شده و برداشتی ابزاری از آن ارائه شده است. در این رهیافت در درجه اول به مشارکت به عنوان یک ابزار نگرینده شده و مشارکت پلی قلمداد می‌شود که از طریق آن می‌توان به اهداف اجتماعی مانند توسعه نائل شد و در درجه دوم این دیدگاه در ابتدای امر مشارکت را از طریق برنامه ریزی از بالا به پایین می‌دانسته و معتقد بود باید عواملی وجود داشته باشند که زمینه اولیه را فراهم آورده و مردم را به مشارکت دعوت نمایند اما با توجه به شکست راهکار برنامه ریزی مطلقاً از بالا به پایین، این دیدگاه در دهه‌های اخیر به رویکرد از پایین به بالا توجه نموده است (ازکیا، ۱۳۷۷: ۸۹).

این دیدگاه از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شد. در مورد پایه‌های عملی و تجربی دیدگاه نوسازی باید گفت نوسازی دیدگاهی است که در پی تبیین موانع درونی توسعه در جوامع جهان سوم بوده است و عمدتاً این موانع را درونی می‌داند. این دیدگاه معتقد است باید ساختارهای درونی جوامع را مستعد پذیرش پوشش‌های نوسازی سازیم. صاحب‌نظران نوسازی معتقدند تاریخ تجربی توسعه بیانگر این واقعیت است که توسعه در جوامعی رخ داده یا رخ می‌دهد که انسانهای آن جامعه از باورها، ارزش‌ها و نهادها و کردارهای پیش برنده برخوردار باشند (ستاری فر، ۱۳۷۴: ۲۴۱). بنابراین شرط تحول جامعه سنتی به جامعه مدرن می‌دانند. در این رویکرد عناصری چون تقدیرگرایی و خردورزی، اعتماد به یکدیگر، آینده‌گرایی، فعال‌گرایی، خوداتکایی و عام‌گرایی از خمیرمایه‌های اولیه جریان برشمرده شده است (ازکیا، ۱۳۷۸: ۹۳).

حوزه نظریه‌های نوسازی اجتماعی متأثر از جامعه‌شناسان کلاسیک که دارای دو خصوصیت کل‌گرایی تیپ‌بندی جوامع بر مبنای تحولات تاریخی بودند، می‌باشند و از افرادی از قبیل تالکوت پارسونز، اسملسر^۲، ایزنشتاد^۳ و برینگتون^۴ در این حوزه قرار می‌گیرند. صاحب‌نظران حوزه نظریه‌های نوسازی روانی برخلاف حوزه نظریه‌های نوسازی اجتماعی، واحد تحلیل و مطالعه خود را در سطوح میانی و عمدتاً فردی قرار داده‌اند نظریه

۱- modernization

۲- smelser

۳- eisenstadt

۴- brington

پردازان این حوزه نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند و بیشتر از منظر روانشناسی اجتماعی به مسائل مربوط به نوسازی می‌نگرند افراد از قبیل هیگن^۱، راجرز^۲، اینکلس^۳ و دانیل لرنر^۴ از صاحب‌نظران این حوزه می‌باشند. نظریه پردازان نوسازی اجتماعی تغییر در نظام تمایلات افراد در طی فرایند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری به سوی بسط اخلاق مسئولیت پذیری، خودتکایی، عام‌گرایی و عواملی که زمینه ساز مشارکت مؤثر هستند را مورد توجه قرار داده‌اند، آنان با تاکید بر اراده‌گرایی بر این باور هستند که مردم قادرند دنیای اجتماعی خود را شکل دهند بدون این تابع محدودیتهای ساختارهای اجتماعی شوند (نیازی، ۱۳۸۰: ۸۵).

این رویکرد مشارکت اجتماعی افراد بر حسب ایجاد تغییرات در ساخت‌هنگارهای اجتماعی به ویژه مجموعه‌ای از ارزشهایی که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی است را بررسی می‌کند. در این رویکرد اهمیت متغیرهای ساختی انکار نمی‌شود، بلکه ارزشهای فرهنگی پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب شده و مشارکت پدیده‌ای ذهنی تلقی می‌شود که باید آن را در افکار، عقاید، گرایش‌ها و فرهنگ مردم جستجو کرد. لذا برای گسترش فرهنگ مشارکت باید بسیاری از قالب‌های از پیش ساخته ذهنی را دگرگون ساخت (لهسائی زاده، ۱۳۶۸: ۱۳۸).

در نظریه ساختی-کارکردی در قالب رویکرد نوسازی برای ورود افراد به فرایند مشارکت باید در جهت‌گیریها و ویژگیهای شخصیتی افراد و جامعه تغییراتی حادث شود. از این جهت در این رویکرد مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه تحت عنوان سنت‌گرایی و یا مقاومت نسبت به مدرنیزه شدن تفسیر می‌شود (سیف‌اللهی، ۱۳۷۵: ۳۴۱).

- راجرز عناصر خرده فرهنگ دهقانی از قبیل عدم اعتماد متقابل، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی، عدم توجه به عنصر و اهمیت زنان، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی‌گرایی و فقدان همدلی را از موانع نوآوری و مشارکت بیان نموده است (ازکیا، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

- اینکلس با انجام مطالعات تطبیقی در سطح ملی با مطالعه در زمینه نوسازی و نوگرایی در کشورهای مختلف به کشف الگوی ساده از انسان متجدد نائل آمد. از نظر وی برخی از ویژگی‌های مشترک در انسان متجدد عبارتست از: آمادگی برای پذیرش تجربیات جدید، داشتن استقلال هر چه بیشتر از چهره‌های صاحب اقتدار، اعتقاد به علم، تحرک‌گرایی، استفاده از برنامه ریزیهای درازمدت، واردشدن در سیاست مدنی است. از نظر وی تحصیلات مهمترین علامت ارزشهای نوین محسوب می‌شود و اضافه شدن هر یک سال بر تحصیلات موجب افزایش ۲ تا ۳ درجه از ارزشهای تجددگرایی از می‌گردد. انسان‌های متجدد به انجمن داوطلبانه پیوسته و در امور اجتماعی محلی خود مشارکت می‌کنند (به نقل از نیازی، ۱۳۸۰: ۸۳).

۱- higen

۲- rogers

۳- inkeles

۴- Daniel lerner

-آلموند پاول به نقش خوداتکایی افراد در نوگرایی و مشارکت آنان تاکید نموده‌اند. از نظر آنها در انسان نوگرا، فرد مطلع و مشارکت کننده کسی است که علاوه بر اعتماد به خود، در مورد تصمیم گیری زندگی مستقل عمل می‌کند و پذیرای ایده‌ها و افکار جدید می‌باشد (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

-سیمورمارتین لیپست^۱ از دیگر نظریه پردازان نظریه نوسازی است که با رویکرد جامعه شناختی بر آن است که پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروههای مختلف را بر اساس متغیرهای اجتماعی تبیین مدل لیپت بر اساس آن است که پدیده شرکت یا عدم شرکت اقبال و گروههای اجتماعی را بر اساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی نظیر انتخابات، انجمن‌ها، سندیکاهای کارگری، شورای محلی و نظایر آن تبیین کند. وی با تبیین الگوی شرکت در انتخابات در میان کشورهای مختلف (آلمان، سوئد، امریکا، نروژ، فنلاند و ...) این الگو را در کشورهای مذکور کم و بیش یکسان می‌بیند، به این معنا که معتقد است در کلیه این کشورها میزان مشارکت در فرایند اجتماعی، در بین تحصیلکرده‌ها، متأهلین، شهرنشینان و نیز افرادی دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب و سندیکاها و شوراهای بیشتر است. لیپست علاوه بر تاکید بر همبستگی بین شهرنشینان، گسترش تحصیلات بالاتر را در پی دارد و می‌تواند اساس و شالوده دموکراسی را پی ریزی کند. در رهیافت لیپست این است که افزایش ثروت بر طبقه متوسط مؤثر واقع می‌شود. با گسترش طبقه متوسط در کشورهای ثروتمند نوعی طبقه بندی اجتماعی الماس گونه به وجود می‌آید، از آنجا که اعضای طبقه متوسط به سازمان‌های سیاسی داوطلبانه (احزاب سیاسی و سایر انجمن‌ها) خواهند پیوست، بنابراین می‌تواند بر قدرت دولت نظارت کنند و به صورت منبع تشکیل افکار عمومی جدید برای رسانه‌های جمعی درآیند و نیز قادر خواهند بود افراد را تحت مهارت‌های سیاسی آموزش دهند و سرانجام سبب ترغیب مشارکت سیاسی شوند. از نظر وی متغیرهای مثل تعلیم و تربیت و سواد، بر مشارکت اجتماعی تأثیر دارند. از این رو آموزش و تحصیلات، حس وظیفه شهروندی، شایستگی، علاقه مسئولیت و التزام مدنی و اجتماعی را افزایش داده و باعث افزایش ویژگی‌های شخصیتی نظیر اعتماد به نفس، احساس برتری و نظم و تشکیل فکری می‌شود. کسانی که سواد بیشتری دارند، توانایی بیشتر و بهتری جهت انتقال بینش و دانش اجتماعی به فرزندان داشته و بدین ترتیب رابطه تعلیم و تربیت و مشارکت را تداوم می‌بخشند (سالاری، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۷) همچنین مشارکت اجتماعی با نتایجی که به بار می‌آورد متأثر از پایگاه شغلی افراد است. بنابراین وی در بررسی مشارکت اجتماعی - سیاسی، متغیرهایی اجتماعی مانند تحصیلات، شغل، درآمد، سن، جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل را مورد توجه قرار داده است (کلدی، ۱۳۸۲: ۳۰).

-دانیل لرنر از دیگر صاحب‌نظران نوسازی گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقاء سطح تحصیلات، شهرنشینان و مشارکت را از مهم‌ترین عناصر ظهور آمادگی ذهنی انسانها برای نو شدن می‌داند. لرنر در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۵۲-۱۹۵۱ درباره شش کشور خاورمیانه از جمله ایران انجام داد، بین شهرنشینان، سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباط نزدیکی یافت. به نظر وی، نوسازی و رشد فرهنگی جامعه با این چهار متغیر مرتبط است. لرنر معتقد است جوامع مدرن برخلاف جوامع صنعتی از میزان مشارکت بالایی

۱- martin lipset

برخوردارند. به عقیده وی جامعه جدید، مشارکتی یا مشارکت جوست و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف مشارکت جو می‌باشد. مشارکت در زمینه سیاسی به صورت شرکت در انتخابات، در زمینه اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد و در زمینه فرهنگی به صورت استفاده از رسانه‌ها و در مشارکت روانی به صورت همدلی و تحرک روانی جلوه می‌کند. به نظر لرنر، تحول جامعه سنتی به مشارکتی، پیامد منظم تغییر در سه جنبه است ابتدا شهرنشینی افزایش می‌یابد و سپس در درون شهرها، دو عامل سواد و دسترسی به رسانه‌ها گسترش پیدا می‌کند. بین این دو متغیر رابطه متقابل وجود دارد، به طوری که سواد رسانه‌ها را گسترش می‌دهد و رسانه‌ها نیز سواد را افزایش و عمومیت می‌دهند. این تعامل نیز نهادهای مشارکت را توسعه می‌دهند (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۹۲).

لرنر شخصیت افراد جامعه در حال تحول را به سه دسته کلی تقسیم نمود، سنتی، در حال گذرا و متجدد و نشان داد که هر چه از نوع شخصیت سنتی به طرف شخصیت متجدد حرکت کنیم همبستگی آنها با چهار عامل سواد، شهرنشینی، استفاده از رسانه‌های گروهی و مشارکت وجود دارد (همان: ۹۳).

-ولاسکو^۱ و دیگران، افزایش آگاهیهای اجتماعی و سیاسی توسط رسانه‌های گروهی را از مهم‌ترین زمینه‌های مشارکت مردم بیان نموده‌اند به نظر آنان در درون هر بخش شاغلین که موقعیت و تحصیلات بالاتری را دارا هستند از میزان مشارکت بالاتری برخوردارند (به نقل از نیازی، ۱۳۸۰: ۸۲).

-از نظر فرانسیس فورینه^۲ (۱۹۹۶) حاشیه نشینی اقتصادی منجر به حاشیه نشینی مدنی و سیاسی می‌شود. وی اظهار می‌دارد فقر اشخاص را از متن جامعه طرد می‌کند و آنان را به حاشیه می‌کشاند. میزان بالای بی سواد، سوء تغذیه، وضع نامساعد بهداشتی و جهل عمومی که دامنگیر مردم فقیر است، ناشی از وجود بی تفاوتی آنان در برابر جامعه و سیاست است (همان: ۸۳).

- یوگش آتال^۳ (۱۹۹۶) معتقد است مشارکت در حیات مدنی یکی از وسایل ضروری برای غلبه بر سد فقر است وی همچنین به نقش بی سواد در ایجاد محدودیت برای مشارکت اشاره نموده و می‌نویسد در فرد بی سواد که در معرض دنیایی وسیع‌تر قرار نگرفته باشد تنها می‌تواند در دنیایی که می‌شناسد مشارکت نماید (آتال، ۱۳۷۹: ۳۳).

۲- رویکرد تضاد:

رویکرد تضاد در توسعه اجتماعی و اقتصادی پدیده مشارکت را در قالب ساختار اجتماعی و نوع روابط حاکم بر آن و نیز تعارض‌های درونی نظام اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد. این دیدگاه اغلب به نابرابری و طبقات اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و نقش نظامهای استعماری در تبیین ماهیت جوامع انسانی و پویای آنها مربوط به آن تاکید نموده است. ماری لوین (۱۹۷۲) بیگانگی اجتماعی را به حوزه اجتماعی و سیاسی تسری داده است. وی بیگانگی اجتماعی را حالتی می‌داند که بر اساس آن فرد خود را به عنوان بخشی از روند سیاسی

۱- wolasco

۲- fransis fuhrnieh

۳- jugesh atal

و اجتماعی جامعه به شمار نیاورده و به اثر گذاری رأی خود و شرکت در امور اجتماعی در تغییر جامعه اعتقادی ندارد (نیازی، ۱۳۸۰: ۸۷).

در تئوری تضاد به مشارکت عامه مردم و طرح‌هایی از پایین به بالا اهمیت خاصی قائل شده است و تمامی دیدگاه‌های این مکتب به نقش قشر بندی اجتماعی در مشارکت اقتصادی و اجتماعی تاکید دارند. همچنین بسیاری از صاحب‌نظران تئوری تضاد در نقد سرمایه داری غرب و دولت‌های استعماری وابسته به آن در کشورهای جهان سوم به بررسی پدیده بیگانگی اجتماعی پرداخته و حاشیه نشینی و عدم مشارکت واقعی افراد را از عوارض و آسیب‌های نظام‌های استبدادی می‌دانند. این رویکرد با بحث از دیالکتیک نیروهای اجتماعی و عمل فردی، ضرورت و اتحاد گروه‌های زیر ستم در جهت عمل مشترک برای رهایی، به مساله مشارکت از جهات مختلف پرداخته است (پیران، ۱۳۷۶: ۶۰).

نظریه پردازان این مکتب به مطالعه و نقش پایگاه اقتصادی و اجتماعی و طبقه اجتماعی افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان پرداخته‌اند. این گروه طبقه اجتماعی افراد از عوامل مهم و اثرگذار بر پدیده مشارکت اجتماعی دانسته‌اند. بزعم این دیدگاه «مردم عادی» ناتوان و فقیر و درگیر مسائل معیشتی روزمره خود، توان درگیری و مشارکت در مسائل توسعه را ندارند (ستاری فر، ۱۳۷۴: ۲۶۲).

-آلموندو پاول ضمن تاکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان در خصوص اثرات پایگاه اقتصادی اجتماعی گفته‌اند که بیشتر پژوهشهایی که در میان کشورهای مختلف صورت گرفته است نشان می‌دهد که شهروندان تحصیل کرده تر، ثروتمندتر و بهره مندتر از مهارت‌های حرفه‌ای بیشتر، به طور متوسط احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌ترند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

-بروس کوئن^۱ می‌گوید معمولاً هرچقدر طبقه اجتماعی بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیریش در فعالیتهای اجتماعی بیشتر است. به نظر وی سطح مشارکت فعال در باشگاههای اجتماعی، انجمن‌های شهری، انجمن‌های خانه و مدرسه و سازمانهای سیاسی در میان اعضای طبقات پائین تر، نازل تر است (کوئن، ۱۳۷۱: ۱۸۵).

-وربا و نای^۲ (۱۹۷۲) با تحقیقی تحت عنوان مشارکت در امریکا، دموکراسی سیاسی و برابری اجتماعی با مطالعه نظریات ۲۵۰۰ شهروند امریکایی دریافتند که شهروندان مرفه‌تر، تحصیل کرده تر و برخوردار از پایگاه اجتماعی برتر دارای مشارکت بالاتری بوده و پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد با مشارکت آنان رابطه دارد (نیازی، ۱۳۸۰: ۸۵).

- اکسلرد^۳ بیشترین تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی بین گروهها را تفاوت در میزان تحصیلات، شغل رئیس خانواده و درآمد خانواده بیان می‌کند. میزان مشارکت در خانواده‌های با درآمد بالا، تحصیلات بالا در برابر خانواده‌های کم درآمد و افراد با تحصیلات پائین، بیشتر می‌باشد (به نقل از همان: ۸۷).

۱- cohen

۲- verba & nie

۳- Axelrod

الف- نظریهٔ ماکس وبر^۱:

کانون توجه وبر، بیشتر بر کنش اجتماعی، نیت مندی کنش افراد بود. و بر می‌کوشید که نشان دهد کنش در متن ارزشها دارای اهمیت است. او در جستجوی این معنا بود که انگیزه‌های می‌بایست مانند پدیده‌های عموماً شکل گرفته، از طریق رابطه میان کنش و هدف فهم شوند. وی چهار نوع کنش سنتی، عاطفی، عقلانی معطوف به ارزش و عقلانی معطوف به هدف را مطرح می‌کند و به کنش عقلانی معطوف به هدف بیشتر از سایر کنش‌ها توجه می‌کند و می‌گوید آنچه که روابط اجتماعی ممکن می‌گرداند همسو بودن کنش‌های افراد در منافع و هدف‌های اجتماعی است. و بر تبیین مشارکت بر اساس شیوه‌های ذهنی معتقد است که مشارکت عملی است که در رابطه با اعمال دیگر انجام می‌گیرد. در تفهیم عمل اجتماعی می‌بایستی انگیزه‌های اجتماعی را جستجو کرد. به عبارتی مردم به طور میانگین یا قریب به اتفاق احتمال قابل پیش بینی بودن رفتارشان را مطابق با یک معنا جهت می‌دهند. این معنا ممکن است در چارچوب مقرراتی جستجو شود یا در عاداتی نهفته باشد یا شامل ارزشها و باورهای شود به نحوی که هر یک از آنها دلایل مساعدی برای جهت دادن به رفتار خاص خود یابند. بر اساس این دیدگاه کنش افراد با استفاده از اصل پاداش و مجازات قابل کنترل و دگرگونی می‌باشند، یعنی هر فرد به آن حنبه ای که پاداش در بر دارد پاسخ می‌دهد و از جنبه هائی که به مجازات می‌انجامد اجتناب می‌کند (علفیان، ۱۳۷۸: ۹۱-۹۰). در مکتب تفهیمی ماکس وبر و پیروان او مشارکت با مفهوم شانس یا احتمال همراه می‌باشد، معنای این سخن آن نیست که مشارکت افراد در زندگی اجتماعی لزوماً خصلت ناپایدار و موقتی دارد بلکه منظور اینست که امکان دارد که از میزان این شانس در شرایط مختلف و بنا به عوامل مختلف کاسته شود یا حتی در مواردی کاملاً متغی گردد. این شانس تا هنگامی عینیت دارد که افراد انتظارات معینی از رفتار دیگران داشته به طور عینی همواره تحقق یابد یا برآورده گردد بنابراین تا زمانی که انتظارات افراد در بطن روابط اجتماعی برآورده گردد مشارکت افراد که همان باور آنها به نظم مستقر است تداوم خواهند یافت. ماکس وبر وجود عینی این گونه شانس‌ها، یعنی احتمال کم و بیش چشم گیری را که به برآورده شدن انتظارات افراد منجر می‌گردد به صورت «حکم عینی امکان نشان می‌دهد که افرادی که در بطن مجموعه‌ای از روابط و کنش‌های اجتماعی حضور دارند چون برای انتظارات و هنجارها به طور عینی زمینه‌ای قائلند، همواره آنها را در رفتارهای خود محاسبه می‌کنند. به نظر وی در یک جامعه خاص که همواره رفتار «الف» به نتیجه «ب» منجر می‌گردد می‌توان گفت که این رابطه یک امکان عینی است. بنابراین کارگزار اجتماعی سلوکش را به دلیل اعتمادی که رابطه مزبور دارد همواره در مسیر معینی که یک امکان عینی است هدایت می‌کند، بدین ترتیب او یک احتمال یا شانس (مشارکت) یا دلیل مساعد برای نیل به اهداف خود با اجرای موفقیت آمیز عمل خود می‌یابد. از نظر وی این شانس یا احتمال است که به ساخت اجتماعی دوام می‌بخشد. وقتی می‌گوییم مقرراتی نافذ است یا دولتی به طور عادی به انجام وظایف و اعمال اختیارات خود می‌پردازد در واقع تلویحاً پذیرفته‌ایم که مردم هنوز به طور معمول این مقررات را مراعات می‌کنند و به تصمیمات آن

^۱- Max weber

دولت احترام می‌گذارند و به مجرد این که این احتمال (شانس) کاهش یابد، دوام رابطه یا ساخت اجتماعی به مخاطره می‌افتد. در واقع حیات یا دوام این ساختارها به مشارکت افراد جامعه در هستی آنها وابسته است و با کاهش میزان مشارکت این ساختار اجتماعی نیز اعتبار خود را از دست می‌دهد (توسلی، ۱۳۷۹: ۲۰۴).

۲-۳- نظریه موریس هالبواکس^۱:

از نظر هالبواکس مشارکت ابتدا پدیده اجتماعی است که آثار و نتایج سیاسی و اجتماعی دیگری نیز دارد. مشارکت به عنوان یک پدیده اجتماعی عبارت است از درگیری در ارزشهای جامعه عضویت. هرگاه افراد در بطن ارزشها و هنجارهای جامعه خود زندگی کنند، در حیات اجتماعی‌شان نیز مشارکت خواهند داشت در جامعه وسیع‌تر افراد یا می‌توانند یا شیوه‌های زندگی، رفتار و اعتقادات و باورهای اجتماعی - فرهنگی را بپذیرند یا در مقابل آنها موضع‌گیری نمایند. وی تعیین جایگاه طبقات اجتماعی در سلسله مراتب جامعه را در درجه اول به درجه مشارکت یا بهره‌مندی طبقه از فعالیت‌های عالی وابسته می‌داند. از نظر هالبواکس در هر جامعه قانونی وجود دارد که همه عناصر حیات اجتماعی در آن متمرکز است. این قانون یک نسخ فعالیت و از نظر ارزشی مرجع می‌باشد که میزان بهره‌مندی اعضای طبقات مختلف از این آرمان جایگاه آنها را در سلسله مراتب اجتماعی تعیین می‌کند. بنابراین در هر جامعه یک ارزشیابی از مهم‌ترین نعمت یا نعمات اعم از مادی و معنوی وجود دارد و هر گروه یا طبقه اجتماعی در حد معینی، نیازهای مربوط به آن نعمت را اظهار می‌کند. از نظر هالبواکس این آمار یا عالی‌ترین معانی چیزی جز صورت معینی از حیات اجتماعی نیست گروه‌هایی که به این آرمان نزدیک می‌شوند در وهله اول بیش از پیش یکپارچه‌اند، یعنی اعضای آنها بیش از پیش در شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی قرار دارند. افراد، گروه‌ها و طبقاتی که درجه بیشتری از بهره‌مندی از حیات اجتماعی را دارند، از سطح مشارکت اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند. از نظر هالبواکس رفتار گروه‌ها و طبقات انسانی، متأثر از نیازهای آنان از برخورداری و بهره‌مندی بیشتر فعالیت‌های اجتماعی عالی یا مشارکت در حیات اجتماعی است (توسلی، ۱۳۷۹: ۱۸۲).

۳-۳- نظریه آیزن و فیش باین^۲

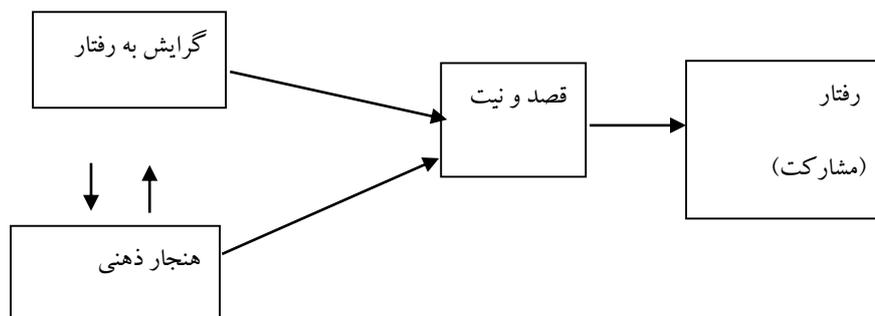
آیزن و فیش باین نظریه کنش موجه را مطرح کرده‌اند. نظر آنها این است که رفتار بیشتر در حالی قابل پیش‌بینی و درک و توضیح است که ما به «قصد» شخص در رفتار توجه نماییم. به نظر آنها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید و حلقه ماقبل بروز رفتار «قصد و نیت رفتاری»^۳ است. الگوی آنان نشان می‌دهد که «قصدها» به «گرایش‌ها» و «هنجارهای» مرتبط با رفتار متکی است گرایش، یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن، فرد خوب یا بد بودن یک رفتار (یا یک پدیده) را از نظر خودش ارزیابی می‌کند. نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آنرا برای انجام کاری (رفتار) احساس و ادراک می‌کند. در شرایطی که گرایشها و هنجارها، هر دو، در رابطه با رفتار مثبت باشند، قصد به انجام رفتار معین افزایش خواهد یافت. اما در صورتی که گرایشها و هنجارها در تضاد باشند، قدرت نسبی آنها می‌تواند تعیین‌کننده مقاصد بعدی و

۱- morris halboax

۲- Aizen & Fishbien

۳- behrior intention

رفتار متعاقب باشند. آیزن و فیش باین نظریه خود را تحت عنوان کنش موجه عرضه کرده‌اند. اصطلاح کنش موجه به این معنی است که اکثر رفتارها به این دلیل انجام می‌شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر دست به انتخاب منطقی می‌زنند عناصر نظریه آنان از دو عنصر اصلی تشکیل شده است. بخش شخصی و بخش اجتماعی که ترکیب پیش بینی کنند، یک قصد رفتاری است. قصدی که در نهایت مشخص کننده رفتار است. عنصر شخصی این الگو یعنی گرایش فرد، حاصل دو عامل است یکی باور شخصی در زمینه نتایج آن رفتار مشخص دیگر و ارزیابی او از نتایج ممکن از انجام آن رفتار که هر یک از این دو عامل در میان افراد متفاوت است. عنصر اجتماعی این الگو یعنی هنجار ذهنی، منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص برای انجام یک رفتار است. به این معنی که شخص به این امر توجه دارد که تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد یا گروههای خاصی قرار خواهد گرفت. این افراد یا گروهها در واقع نقش یک مرجع هدایت کننده رفتار را دارند که ممکن است پدر و مادر، دوستان نزدیک، همکاران و یا اهالی یک محل باشند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۲۶۰). مدل تأثیر گرایش بر رفتار را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود که در آن کنشی مانند مشارکت، متأثر از نگرش و هنجار ذهنی فرد است. اگر نگرش و هنجار ذهنی مثبت باشد، رفتار هم شکل می‌گیرد.



شکل ۲-۱- گرایش و رفتار از دید فیش باین و آیزن

میزان تأثیر هریک از این دو متغیر (گرایش و هنجار ذهنی) در بوجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد. لذا گاهی ممکن است تأثیر گرایش بیشتر باشد و گاه تأثیر هنجار ذهنی، این تأثیر از طریق آزمون آماری همبستگی پیرسون یا رگرسیون بین هریک از این متغیرها با قصد و نیت بررسی می‌شود» (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۹).

۳-۴- نظریه زیمل

گئورگ زیمل را به لحاظ لحاظ نظری جزء پایه پایه گذاران نظریه کنش متقابل نمادین می‌دانند (مارشال، ۱۳۸۸: ۱۰۷۱) از طرف دیگر اندیش‌های او از جمله مهمترین زمینه‌های شکل‌گیری مکتب شیکاگو و جامعه‌شناسی شهری است. وسعت فکری او بقدری است که تلخیص یا نظام دادن به آثارش تقریباً ناممکن

است. با این حال یکی از توجهات مهم زیمل، بحث حیات ذهنی انسانها در زندگی شهری است که اتفاقاً این نظر او در مقاله‌ای به همین عنوان آمده است.

بظور خلاصه زیمل در این نظریه‌اش معتقد است انسانها بر اثر زندگی در شهر و متأثر از شهرنشینی دچار یک سری تغییرات نگرشی و ذهنی می‌شوند که از مهمترین آثار این تغییرات "بلازه" یا بی تفاوتی شهروندان نسبت به یکدیگر است. زیمل در این مقاله وضعیت جدید زندگی را محکوم نمی‌سازد، اما به محدودیت‌های آن اشاره می‌کند. به تاثیراتی که بزرگی جمعیت و وسعت جامعه بر زندگی شهری به جای می‌گذارد توجه دارد و تاثیرات اقتصاد پولی را در نظر می‌گیرد. جدایی و بیگانگی انسان‌ها را در کلان شهر مورد توجه قرار می‌دهد و از بین رفتن حسهای خود به خود و خشن شدن فرهنگ را مد نظر قرار می‌دهد و آنها را به عنوان شیوه زندگی مدرن می‌پذیرد. کار زیمل یک اثر ارزند جامعه‌شناسی است که سعی دارد تا کلان شهر و فرهنگ آن را بررسی کند.

او شهر را یک مجموعه پویا در نظر می‌گیرد که افراد در حال کنش متقابل دایمی هستند که پیامدهای خاص خود را دارد؛ از یک طرف باعث حالت "بلازه" یا بی تفاوتی و دلزدگی^۱ می‌شود و فرهنگ یک بعدی رشد می‌کند و از طرف دیگر همین محیط امکان شکوفایی خلاقیت‌ها را فراهم می‌سازد. در زندگی شهری محرک‌های متعدد ذهن آدمی را تحریک می‌کنند که در نتیجه آن فرد دچار حالت بی تفاوتی نسبت به محرک‌ها می‌شود. ماهیت بلازه بی تفاوتی نسبت به تمایز میان چیزهاست (ممتاز: ۱۳۷۹: ۱۱۹) در این شهر انسان به همه حسابگرانه برخورد می‌کند (زیمل، ۱۳۷۲: ۵۶) براین اساس مردم دچار بی تفاوتی و در صورت کنش (مثلاً مشارکت) مبتنی بر حسابگری، سود و با بی میلی همراه خواهد بود.

۲-۱-۲ عوامل مؤثر بر میزان مشارکت

همانطور که در شکل قبل آمده است اقدام مشارکت توسط یک فرد هنگامی صورت می‌گیرد که اولاً قصد و نیت او برای مشارکت شکل گرفته و او انگیزه کافی برای مشارکت را یافته باشد، ثانیاً امکان مشارکت برای فرد متقاضی آن فراهم شده باشد. هر یک از این دو عامل یعنی قصد و نیت مشارکت و امکان مشارکت تحت تأثیر عوامل دیگری مشخص و تعیین می‌شوند که مهم‌ترین آنها به صورت زیر است:

نخستین سازه مؤثر بر مشارکت اطلاعات فرد در مورد مشارکت است یعنی برخورداری از حداقلی از دانش در مورد این پدیده تا امکان کنجکاوی ذهن فراهم آید و بتواند آن را موضوع احساسات مثبت یا منفی خویش قرار دهد. علاوه بر درک معنی مشارکت به عنوان انواع کنش‌های فردی و گروهی که به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری درباره امور عمومی صورت می‌گیرد لازم است نسبت به انواع ممکن آن نیز شناخت اجمالی حاصل گردد. بنابراین شرط اول گرایش به مشارکت اطلاع فرد از این واقعیت است که مشارکت چیست و در چه زمینه‌هایی می‌توان صورت گیرد؟

دومین سازه مشارکت تصور فرد از پیامدهای مشارکت است. فردی که اجمالاً می‌داند مشارکت چیست می‌بایستی در این زمینه نیز اندیشه کند که در اثر اقدام به مشارکت چه چیز حاصل می‌گردد؟ برخی پیامد اصلی مشارکت را امکان دفاع از منافع فردی و خانوادگی در فرایند تصمیم‌گیریهای عمومی می‌دانند و در واقع به آن به عنوان ابزاری برای دفاع از خویش می‌نگرند ولی برخی دیگر از متخصصان از جمله خانم هانا آرت، مشارکت را تنها وسیله تأمین منافع مادی و دفاع از حقوق فردی نمی‌دانند بلکه آن را محملی می‌دانند که از طریق آن می‌توان استعدادهای بالقوه خویش را به فعلیت در آورده و محقق ساخت. و در واقع از این دید مشارکت ابزار نیست، بلکه هدف است. در هر حال در مبحث مشارکت هر فرد تصورات خاصی از پیامدهای مشارکت خواهد داشت. بنابراین اقدام به مشارکت حاصل پاسخ فرد به این سؤال نیز هست که در اثر مشارکت چه چیز حاصل می‌شود؟ (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۴۸).

سومین سازه مؤثر در شکل‌گیری انگیزه‌های درونی در زمینه مشارکت ارزش داوری در زمینه پیامدهای متصور برای مشارکت است. به طور مثال اگر کسی پیامد مشارکت را افزایش حضور اجتماعی بداند اما در درایوهای خود برای حضور بیشتر اجتماعی ارزشی قائل نباشد و بیشتر انزوای باشد ارزیابی مثبت و برانگیزاننده‌ای در مورد مشارکت نخواهد داشت. علاوه بر این موارد، هنجارهای اجتماعی نیز در ایجاد زمینه مساعد درونی برای مشارکت نقش موثری ایفا می‌نمایند. از اینرو می‌توان دو سازه مهم دیگر در این زمینه را عبارت از تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و میزان علاقه فرد به برآوردن توقعات دیگران دانست. عامل مؤثر دیگری که می‌توان نقش تسهیل‌کننده یا مانع را در ایجاد انگیزه برای مشارکت بازی نماید سوابق فرد در زمینه مشارکت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افراد دارای سابقه مشارکت معمولاً برای تکرار عمل در زمینه‌های خاص مشارکتی مشابه که در گذشته اتفاق افتاده است وضعیت مساعدتری نگیرد و یا حتی با تنبیه مواجه گردد همین زمینه مساعد می‌تواند به عاملی جهت عدم مشارکت تبدیل گردد (همان، ۴۹).

ب- نظریه حمایت اجتماعی کاپلان^۱

نظریه حمایت اجتماعی ریشه در کارهای برث وایت^۲، کلمن^۳ و کولین^۴ نیز دارد. بخشی از نظریه حمایت اجتماعی ارتباط با حکومت دارد. یعنی مردم بایستی در تمام حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی از طریق حکومت مورد حمایت قرار بگیرند. کاپلان ادعا می‌کند که حمایت اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا از طریق فراهم کردن بازخوردهائی (در رابطه تعاملی با سایرین اجتماع)، توانایی تسلط بر محیط را دارا شوند. در واقع حمایت اجتماعی در رفع مشکلات کمک شایانی می‌کند. بر اساس این نظریه، شبکه‌های اجتماعی، نوعی پتانسیل حمایتی بوده که نیروی لازم را برای کسب مهارتها، آموزش‌ها و دانشها فراهم می‌کند. جان کلام نظریه حمایت اجتماعی این است که در صورت حمایت اجتماعی، استعدادهای فردی شکوفا شده و زمینه برای بروز هر نوع مشارکت آماده می‌شود. این شبکه‌های اجتماعی حمایتی را می‌توان به فراخور موضوع، خانواده، دوستان، اطرافیان یا هم محله ایها، گروه‌های مذهبی و ... در نظر گرفت (خدمتگزار خوشدل، ۱۳۷۹: ۴۱).

۱- caplan

۲- braithwait

۳- colman

۴- collen

ج- نظریه هانتینگتون و نلسون^۱

از نظر هانتینگتون و نلسون در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی فی نفسه هدف محسوب نشده و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آنها یا محصول جانبی توسعه محسوب می‌شود. به این معنا که نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی یا اصطلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابریهای اقتصادی- اجتماعی و ... مشارکت بخشهایی از جامعه را تسهیل و تشویق می‌کنند. از نظر اینان مشارکت اجتماعی تابع دو عامل کلی نگرشها و اولویت نخبگان سیاسی و وضع گروهها و انجمنها و نهادهای اجتماعی واسط در خود جامعه است. آنها معتقدند فرایند توسعه اقتصادی- اجتماعی از طریق دو مجرا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد. نخست مجرای تحرک اجتماعی است به این معنی که کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر نظیر بالارفتن سواد و تحصیلات، به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی را ایجاد می‌کند. این عوامل ذهنی، در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیتهای اجتماعی باشد. در این حالت، منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. دوم، مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروهها و سازمانهای اجتماعی است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی را بیشتر می‌کند، این عامل در جوامعی که فرصت تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری می‌یابد (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۶).

در واقع هانتینگتون و نلسون، مشارکت اجتماعی را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیریهای دولت در نظر می‌گیرند. به نظر آنان، دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروههای اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌نمایند. در نهایت منزلت طبقاتی بالاتر و سپس پویایی و احساس گروهی را زمینه شکل‌گیری مشارکت اجتماعی و سیاسی مؤثر می‌دانند (کلدی، ۱۳۸۱).

د- نظریه هیگن^۲

هیگن در باب تغییر اجتماعی به دگرگونی در الگوهای جامعه‌پذیری در انواع شخصیت و سپس رفتار اجتماعی افراد اشاره می‌نماید که بر دگرگونی اجتماعی تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب تفاوت در شخصیت و شرایط اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری آن، اساس نظریه تغییر اجتماعی هیگن است. وی با بررسی نقش شناخت‌ها، ارزش‌ها و نیازهای انسانی، استدلال می‌کند که یک شخصیت خلاق، پدیده‌های جهان را در نظامی شکل یافته و منسجم می‌بیند و تصور می‌کند دنیا برای او ارزش قائل است. بنابراین در صد بر می‌آید اهمیت خود را برای محیط به اثبات برساند. چنین شخصی از میزان بالای انگیزه همکاران و مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیریها برخوردار است. بنابراین از نظر وی انسان خلاق دارای ویژگی‌های اعتماد به نفس، انگیزه نظم و استدلال، انگیزه کمک و همکاری، انگیزه مشارکت در تصمیم‌گیریها و نیز انگیزه پیشرفت می‌باشد (کلدی، ۱۳۸۱: ۳۵).

۱- hantington & nelson

۲- higen

ه- نظریه جورج هومنز^۱:

نظریه جورج هولمنز یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رویکرد و مکتب مبادله به شمار می‌آید. نظریه پردازان مکتب مبادله معتقدند مشارکت هنگامی گسترش می‌یابد که منافع عینی آن بیش از هزینه‌های آن باشد. اینان رفتار را بیش از آن که حاصل باورها و گرایشها بدانند، نتیجه تفاوت سود و زیان تصور می‌کنند. فرض اصلی این دیدگاه آن است که یک رفتار زمانی شکل می‌گیرد، تثبیت می‌شود و نهایتاً جنبه نهادی می‌یابد که منافع حاصل آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. هومنز قضایایی پنج‌گانه بنیادی برای تبیین رفتار انسان مطرح نمود که می‌توان دو قضیه آن را برای تبیین رفتار مشارکتی به کار گرفت این قضایا عبارتند از:

قضیه موفقیت:

اگر عملی که از فرد سر می‌زند پاداش دریافت کند، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد. بر پایه این قضیه اگر مشارکت به عنوان یک رفتار از سوی افراد ابراز شود و پاداش دریافت کند، احتمال آن که تمایل فرد به رفتار مشارکتی افزایش یابد، زیادتر می‌شود.

قضیه ارزش:

هرچه نتیجه یک کنش برای شخص باارزش‌تر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد. در مورد مشارکت چنانچه نتایج و دست‌آوردهای آن برای فرد نسبت به رفتارهای غیرمشارکتی ارزش بیشتری داشته باشد، احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد. ارزش یک کنش حاصل فایده و هزینه‌های آن و یا به تعبیر هومنز پاداش و تنبیه است. یعنی هر چه یک کنش، پاداش بیشتر و هزینه کمتر دریافت کند، تکرار آن محتمل است. همچنانکه ذکر شد از مجموعه قضایای اصلی هومنز دو قضیه یادشده مفاهیم روشن‌تر و ملموس‌تری برای تبیین رفتار مشارکتی به شمار می‌روند. با این ترتیب مطابق این الگوی نظری رفتار یا تمایل به مشارکت تابع فایده و هزینه‌های مترتب بر آن است. چنانچه فرد انتظار فایده بیشتر و هزینه کمتری را در مشارکت داشته باشد، تمایل بیشتری به مشارکت خواهد داشت (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۰).

۲-۱-۱۰- نظریه‌های بیگانگی اجتماعی

آراء و نظریات جامعه‌شناسان در باب بیگانگی اجتماعی در دو نحله فکری و نظری نظریه نظم اجتماعی و نظریه انتقادی متمرکز است. در نظریه نظم اجتماعی بیگانگی اجتماعی ناشی از بی‌هنجاری (آنومی) می‌باشد که پیامد آن انواع آسیب‌های اجتماعی است، حال آن که در نظریه انتقادی، بیگانگی از عملکرد نظام اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و علت اصلی آن را باید در ناهمسازی کارکردی نظام اجتماعی با نیازهای انسانی جستجو کرد (ابراهیمی مقدمیان، ۱۳۸۱: ۴۴).

به طور کلی نظریه مربوط به بیگانگی اجتماعی به تصور و حالتی از افراد توجه می‌کنند که در آن، انسان‌ها خود را قادر به کنترل محیط و عوامل اجتماعی و حتی نتایج اعمال رفتار خود نمی‌دانند و احساس تعلق نیز به محیط و جامعه خود ندارند. نظریه پردازان گوناگونان چون دورکیم، ماکس وبر، مرتون، زیمل، مانهایم، هابرماس، سمین و ... به این مفهوم پرداخته و در مورد آن نظر داده‌اند که در ادامه این بحث ضمن ارائه یک مدل نظری از مفهوم بیگانگی به یکی از پرکاربردترین موارد آن یعنی نظریه ملوین سمین^۱ می‌پردازیم:

از نظر سمین ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد و ابفا کرده است که در آن انسانها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند، نحوه کنترل و مدیریت جامعه برسیستم پاداش اجتماعی به گونه ایست که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند. در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی گردیده و او را به کنشی منفعلانه و ناسازگار در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی، ۱۳۷۰: ۶۷).

سمین به طرح و ترسیم ابعاد عمده بیگانگی اقدام نموده و پنج شیوه متفاوت را که در آن مفهوم بیگانگی به کار برده می‌شود، اشاره می‌کند: بی‌قدرتی (ناتوانی در تأثیر گذاری بر جریان حوادث پهنه زندگی فردی و یا این احساس که فرد نمی‌تواند محیط اجتماعی خود را تحت تأثیر قرار دهد).

بی‌معنایی یا احساس پوچی (ناتوانی به پیش بینی و برآورد رفتار دیگران و عواقب رفتار خود)، بی‌هنجاری یا آنومی (عقیده‌ای که به طور اخلاقی ابزارها در دسترس نبوده و فقط اهداف در دسترس باشند، به عبارتی دیگر این احساس که رسیدن به اهداف ارزنده، نیاز به وسایل نامشروع دارد)، انزوا (احساس بیگانگی با ارزشهای جامعه و احساس عدم تعلق به بخشی از شبکه‌های اجتماعی) و خودبیزاری یا از خود بیگانگی (عدم توانایی در یافتن مشغله‌ای که از نظر روانشناختی پاداش دهنده باشد و برای افراد باارزش باشد) (بورگس^۲، ۱۹۸۶، به نقل از ابراهیم مقدمیان، ۱۳۸۱: ۷۶).

اکثریت نظریه‌های مربوط به بیگانگی بر این نکته تأکید دارند که هر چه احساس بی‌قدرتی فردی در میان افراد بیشتر رواج پیدا کند، افراد بیشتر دچار بیگانگی مخصوصاً بیگانگی سیاسی و اجتماعی می‌شوند و در نتیجه، حالت‌های مختلفی (از جمله انفعال و بی‌تفاوتی) به خود می‌گیرند و نهایتاً در اجتماع و جامعه و در میان جمع کمتر مشارکت می‌کنند.

۱- malvin samin

۲- borgess

۲-۲-۱۱- نظریه‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی

در یک بررسی اجمالی از موضوع پژوهش حاضر می‌توان گفت دو جنبه اصلی و کلیدی موضوع پژوهش، جلب مشارکت اجتماعی و خشونت هستند. طبعاً می‌توان در ابعاد نظری، هم مسأله خشونت و کاهش آن را مورد توجه قرار داد و هم می‌شود جلب مشارکت اجتماعی را عمده‌تر مطرح کرد. از آنجایی که فرض بر این است که پدیده خشونت بروز کرده و در پژوهش‌های انجام شده قبلی و در بررسی‌های آماری و بولتن‌های مرتبط، از میزان خشونت و انواع آن در استان داده‌های خوبی در دسترس است، لذا مسأله کلیدی تحقیق، جلب مشارکت اجتماعی مردم لحاظ گردیده و بنابراین در این بخش نظریه‌های ذی ربط که عمدتاً در قالب نظریه‌های سرمایه اجتماعی مطرح می‌شوند مدنظر قرار گرفته است.

پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی در ایران چندان در دسترس نیست و در عموم کتاب‌ها و پژوهش‌ها چندان به ابعاد نظری عنایت نشده و در واقع سرمایه اجتماعی موضوع جدیدی است که به تازگی مورد توجه قرار گرفته است. در بیشتر منابع موجود، مشارکت اجتماعی همچون اعتماد اجتماعی یکی از ابعاد و مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی به حساب آمده و اگر از ارتباط متقابل مشارکت و اعتماد با سرمایه اجتماعی بگذریم و رابطه علت و معلولی بین این دو مقوله را برجسته‌تر ببینیم، مطرح نمودن نظریه‌های سرمایه اجتماعی ما را به هدف می‌رساند البته به طور مختصر به نظریه‌های مرتبط با انحراف و کجروی و به طور کلی آسیب‌های اجتماعی نیز پرداخته می‌شود.

ابتدا دیدگاه‌های برخی صاحب نظران پیشگام در طرح مباحث اولیه‌ی مربوط به سرمایه اجتماعی مانند امیل دورکیم، ماکس وبر، کارل مارکس، تالکوت پارسونز و برخی مکاتب کلاسیک مانند کنش متقابل نمادی و مبادله مورد بحث قرار می‌گیرند و سپس در قدم بعدی، نظریه‌های نظریه پردازان مشهور سرمایه اجتماعی همچون پیربورديو، روبرت پاتنام، جیمز کلمن، فرانسیس فوکریاما و ... مورد بحث واقع می‌شوند. در برخی منابع مباحثی تحت عنوان نظریه‌های مشارکت اجتماعی آورده شده که به نظر می‌رسد بیشتر ارائه سنخ‌شناسی مفهومی از مشارکت اجتماعی هستند تا نظریه، اما به واسطه این که این مباحث به روشن شدن زوایایی از مشارکت اجتماعی کمک می‌کند طرح آنها در این بخش خالی از فایده نیست. در آخر پس از اشاره مختصر به نظریه‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی، یک جمع بندی صورت می‌گیرد و چارچوب نظری پژوهش که ترکیبی از بخش‌هایی از چند نظریه است و به نظر می‌رسد می‌تواند مبنای کار در ارائه فرضیه‌ها و قالبی برای کار میدانی باشد ارائه خواهد شد.

۲-۲-۱۱- دیدگاه‌های پیشگامان مباحث سرمایه اجتماعی

در پی وقوع انقلاب صنعتی و تغییر در ارکان جامعه و گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن بی‌نظمی در ساختارها بروز کرده و کم‌کم پدیده‌های جدیدی چون فردگرایی افراطی، گسترش روابط رسمی، تقسیم کار فزاینده، شهرنشینی گسترده و آسیب‌های اجتماعی رخ نموده و صاحب نظران کلاسیک با مشاهده چنین

پدیده‌هایی، دنبال راه جدیدی برای ایجاد و تقویت نظم اجتماعی بودند. در واقع این تلاش‌ها منجر به پایه گذاری مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی گردید. برخی دیدگاه‌های صاحب نظران در ارتباط با سرمایه اجتماعی آورده می‌شود.

الف- امیل دورکیم

دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی چنین بیان می‌دارد که اعضای جامعه با پیوندهایی به یکدیگر پیوسته می‌شوند و تشکیل کلتی را به نام جامعه می‌دهند. آدمیان نمی‌توانند بدون توافق، بدون پذیرش ایثارهای متقابل و بدون برقرار کردن پیوند پایدار با یکدیگر به صورت جمعی زندگی کنند. هر جامعه‌ای، جامعه اخلاقی است ... فرد هرچه را که نیاز دارد از جامعه می‌گیرد هم چنان که برای جامعه است که کار می‌کند ... بدین سان حس نیرومندی در باب حالت وابستگی فرد نسبت به جامعه تشکیل می‌شود. (دورکیم، ۱۳۶۹، ۳ - ۲۴۲).

دورکیم به این نتیجه رسیده بود که جوامع ابتدائی تر، در اصل با واقعیت‌های اجتماعی غیر مادی و به ویژه با یک اخلاق مشترک نیرومند و یا آنچه خودش «وجدان جمعی» قوی می‌نامید، پیوند می‌خورند (ریترز، ۱۳۷۴، ۲۳ - ۲۲). در جامعه سنتی، همبستگی مکانیکی حاکم است جایی که اطاعت از قدرت ناشی از عادت و پیوستگی‌های اجتماعی و حاصل مشابهت‌هاست و در جوامع مدرن همبستگی ارگانیکی حاکم است که با وجود پیچیدگی و بی‌ثباتی موجود در پیوندهای اجتماعی مدرن، به تلنباری از اتم‌های پهلوی هم گذاشته شده، تبدیل نمی‌شود بلکه اعضا از طریق پیوندهای عمیق‌تر و گسترده‌تر با هم یگانه و متحد می‌شوند (دورکیم، ۱۹۳۳: ۲۲۶ ذکر شده در غفاری، ۱۳۹۰: ۶۱) دورکیم معتقد است در جوامع جدید وجدان جمعی کاهش یافته است و لذا وی احساس می‌کرد تقسیم کار نوین، آسیب‌های اجتماعی گوناگونی را نیز به ارمغان آورده است. گرچه دورکیم تشخیص می‌داد که هرگونه بازگشت به عصری که در آن نوعی وجدان جمعی نیرومند تسلط داشت امکان ناپذیر است اما احساس می‌کرد که می‌توان اخلاق مشترک را در جامعه نوین تقویت کرد و مردم از این طریق بهتر می‌توانند با ناهنجاری‌هایی که از آن رنج می‌برند، مقابله کنند. (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۳ - ۲۲).

او عوامل انسجام بخش سنتی مانند مذهب و خانواده را دارای چنان کارکردی نمی‌دانست که بتواند در جامعه مدرن سطح همبستگی اجتماعی را حفظ کرده و افزایش دهد و لذا وی اعتقاد داشت، انجمن‌های صنفی شکاف حاصله از تقسیم کار فزاینده و فردگرایی مفرط را پر خواهند کرد.

نظریه آنومی دورکیم چنین بیان می‌دارد که آنومی پیامد تقسیم کار اجتماعی است. تقسیم کاری که در اجزای خود بی تناسب است و کاهش همبستگی اجتماعی را بوجود می‌آورد. در چنین اوضاعی، درک نظام اجتماعی، قوانین مشترک و فهم این قوانین از سوی فرد با مشکل روبرو می‌شود. (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۷ - ۳۶).

در یک جمع بندی می‌توان گفت کجروی و آسیب‌هایی چون خشونت در جوامع با همبستگی ارگانیکی به واسطه تقسیم کار اجتماعی فزاینده و فردگرایی مفرط، امکان بروز می‌یابند. از سویی تأکید بر راهکارهایی

که در جامعه مدرن، انسجام بخش بوده و تعداد بیشتری از افراد جامعه را در کنار هم نگه دارد به نوعی به موضوع جلب مشارکت مردمی برمی گردد.

ب- کارل مارکس

مارکس به عنوان یکی از پیشقدمان نظریه تضاد بر این باور بود که انسان‌ها اساساً مولد هستند و برای زنده ماندن نیاز دارند روی طبیعت و در طبیعت کار کنند. در طول تاریخ، از این فراگرد طبیعی جلوگیری می‌شده است. او می‌گوید در جوامع طبقاتی همچون جامعه سرمایه داری انسان‌ها به جای آن که به گونه‌ای طبیعی برای خودشان تولید کنند به صورت غیرطبیعی برای گروه کوچکی از سرمایه داران تولید می‌کنند. سرمایه داری یک ساختار است که میان فرد و فراگرد تولیدی و بین فرآورده‌های این فراگرد و انسان‌های دیگر موانعی را پدید می‌آورد و در نهایت خود فرد را نیز دچار دوگانگی می‌کند. معنای بنیادین مفهوم از خودبیگانگی این است: از هم گسیختگی بستگی‌های متقابل طبیعی میان مردم و آنچه که تولید می‌کنند.

در نهایت مارکس چنین استدلال می‌کند که مسائل زندگی نوین را می‌توان در خاستگاه‌های واقعی و مادی همچون ساختارهای سرمایه داری جستجو کرد و راه حل‌های آن را نیز تنها در برانداختن این ساختارها به وسیله عمل دسته جمعی گروه‌هایی وسیع از مردم می‌توان یافت. در مورد بروز آسیب‌ها و جرم، دیدگاه برآمده از نظریات مارکس چنین استدلال می‌کنند که نابرابری موجود در نظام سرمایه داری، شرایطی را فراهم می‌کند که به ارتکاب جرم [و خشونت] می‌انجامد. جرائم پاسخی به نابرابری در نظام سرمایه داری است. نابرابری ذاتی سرمایه داری، شرایطی را ایجاد می‌کند که هم به جرائم خیابانی منجر می‌شود و هم سبب جرائم سازمان یافته می‌گردد. (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

در جمع بندی می‌توان گفت هم مسأله خشونت در جوامع طبقاتی و هم مسأله مشارکت اجتماعی و میزان آن را باید با بررسی خصلت‌ها و ماهیت طبقه حاکم و روابط اجتماعی حاکم در هر جامعه به بررسی گرفت. راه حل کاهش خشونت و افزایش مشارکت اجتماعی نیز براندازی نظام طبقاتی فرض می‌شود.

ج- ماکس وبر

بنیاد کار وبر، دیدگاه وی درباره فراگرد عقلانیت به حساب می‌آید. از بین انواع عقلانیت، عقلانیت صوری، با گزینش وسایل و هدف‌ها از سوی کنشگر سروکار دارد، اما در این مورد، گزینش با ارجاع به قواعد، مقررات و قوانینی که عموماً کاربرد دارند، صورت می‌گیرد. خود این قواعد و قوانین نیز از ساختارهای وسیع اجتماعی به ویژه دستگاه دیوان سالاری و اقتصاد سرچشمه می‌گیرند. وبر دیوان سالاری را نمونه عالی عقلانیت می‌دانست که طی آن کنشگران همگی دنبال معقول‌ترین وسایل برای رسیدن به هدف‌ها هستند. (رتیزر، ۱۳۷۴: ۳۴).

ماکس وبر به تقدم نظام باورها، گرایش‌ها و متغیرهای فرهنگی در تبیین تغییرات اجتماعی قائل است و البته اشاراتی به تأثیر باورها و اعتقادات بر مشارکت در جامعه داشته است. (روشه، ۱۳۷۴).

در مکتب تفهی ماکس وبر مشارکت با مفهوم شانس یا احتمال همراه است. تا زمانی که انتظارات افراد در بطن روابط اجتماعی برآورده گردد، مشارکت افراد که همان باور آنها به نظم مستقر است، تداوم خواهد یافت. (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۶).

وبر به همراه زیمل با تأکید بر نقش کنش اجتماعی و قصدمندی کنش اجتماعی به نوعی پیش پرداز نظریه پردازان کنش متقابل گرایی نمادین نیز محسوب می‌گردد. در سنت وبری با توجه به ایده اعتماد عملی که به واسطه تعامل اعضا با یکدیگر حاصل می‌شود، نشان از همراهی این سنت با نظریه سرمایه اجتماعی دارد. (غفاری، ۱۳۹۰: ۶۰) در دیدگاه وبر، تشکیل جامعه و تداوم آن منوط به وجود دو عامل اساسی، کنش اجتماعی و روابط اجتماعی می‌باشد و به ویژه روابط اجتماعی که محصول کنش اجتماعی معنادار است موجب ایجاد و تداوم دوستی، وفاداری و ... می‌شود. وبر در واقع ناخودآگاه آنچه را امروزه از آن به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود، یادآور شده بود. (همان: ۷۲).

د- تالکوت پارسونز

نقطه عزیمت تفکر پارسونز، وجود نظم اجتماعی است. پارسونز با انتقاد بر لاک، روسو و هابز می‌گوید این سه نفر اصل موضوعه‌ای داشته‌اند مبنی بر اینکه انگیزه کنش انسانی منفعتی است که به صورت انفرادی دنبال می‌شود. حال آنکه وجود نظم در کنش اجتماعی را می‌باید به رغم منافع و فردگرایی انسان، تبیین کرد. همچنین از نظر پارسونز بنیاد نظم در ساخت نظام کنش است یعنی در الگوها، هنجارها و ارزش‌هایی که برای کنشگر، فردی و جمعی، معنایی دارد، چون که در شخصیت فرد درونی شده‌اند و در عین حال در جامعه و در فرهنگ نهادی شده‌اند. (روشه، ۱۳۷۶: ۶۶ و ۶۴).

متغیرهای ساختی، محور اصلی نظریه عمومی کنش پارسونز را تشکیل می‌دهند که با جنبه‌های دوگانه‌ای معرفی می‌شوند: عام گرایی در مقابل خاص گرایی، کمیت و دستاورد در مقابل کیفیت، بی طرفی عاطفی در برابر واکنش عاطفی و سرانجام ویژه بودن و یا پخش. عام گرایی، دستاورد، بی طرفی عاطفی و ویژگی از مشخصات روابط در جوامع بزرگ هستند. ضمناً متغیرهای نامبرده هم برای رفتارهای فردی و هم رفتارهای جمعی و هم برای تحلیل گروه‌های کوچک و هم جوامع بزرگ قابلیت تحلیلی گسترده‌ای دارند.

از سویی پارسونز آورده است که در هر نظام کنش چهار کارکرد وجود دارد: ۱- انطباق که به روابط میان نظام کنش و محیط مربوط است ۲- دستیابی به هدف‌ها ۳- یگانگی و انسجام که برخی اجزای کنش کارشان مراقبت و جلوگیری از گرایش‌های کجروی و حفظ هماهنگی میان اجزا و دوری کردن از اختلال‌های عمیق است و ۴- حفظ الگوهای فرهنگی که کارش ایجاد انگیزش لازم در کنشگران است. کار این مورد، انباشتن انرژی به صورت انگیزش و پخش آن به صورت اطلاعات در نظام کنش است. (همان: ۷۷- ۷۵).

پارسونز با تشخیص چهار نوع نظام فرعی در نظام اجتماعی کلان، بیان داشته که هر یک از کارکردهای پیش گفته با یکی از چهار خرده نظام مرتبط هستند. ارگانیزم زیستی با کارکرد سازگاری و انطباق، نظام

شخصیتی با کارکرد دستیابی به هدف‌ها، نظام اجتماعی با کارکرد یگانگی و انسجام و نظام فرهنگی با کارکرد حفظ الگوهای فرهنگی مرتبط هستند. ضمناً چهار خرده نظام در عین مستقل بودن، به هم وابسته‌اند به طور مثال نظام شخصیتی بدون انرژی که ارگانیزم برایش فراهم می‌کند، بدون شبکه روابط نظام اجتماعی و بدون جهان نمادی فرهنگی نمی‌تواند وجود داشته باشد. آنچه به صورت سیبرنتیک در این ارتباطات به چشم می‌خورد گردش بی وقفه انرژی و اطلاعات است. (همان: ۸۸ - ۸۳).

پارسونز شخصیت را نظام سازمان یافته‌ای از جهت گیری و انگیزش کنشی فردی می‌انگارد و به همراه شیلز تمایلات نیازی را مهمترین واحدهای انگیزشی کنش به شمار آورده است. (رتیزر، ۱۳۷۴: ۱۲۹) تمایلات نیازی کنشگران را وامی دارند تا چیزهایی را که در محیط عرضه می‌شوند پذیرفته یا رد کنند و یا در صورتی که چیزهای موجود تمایلات نیازی را ارضا نکنند، به دنبال چیزهای تازه‌ای بروند. (همان: ۱۴۰).

از نظر پارسونز اجتماعی کردن و نظارت اجتماعی مکانیسم‌هایی اصلی هستند که نظام از طریق آنها توازن خود را نگه می‌دارد. با کمی فردگرایی و کجروی می‌شود کنار آمد اما با صورت‌های افراطی تر آن باید با مکانیسم‌های متوازن کننده برخورد کرد. نظم اجتماعی در ساختار نظام اجتماعی پارسونز عین شده است. (همان: ۱۳۷).

از مجموعه مباحث نظری پارسونز تأکید وی بر این که خاستگاه کنش صرفاً منافع فردی نیست، ارتباط نظم اجتماعی با نظام کنش، کارکردهای چهارگانه نظام کنش و متغیرهای ساختی دوتایی به نوعی در ارتباط با موضوع این پژوهش قرار می‌گیرند. چنانچه خرده نظام‌های چهارگانه، کارکردهای مربوط به خود را انجام ندهند و چنانچه ارتباط بین خرده نظام‌ها کاهش یابد یا قطع گردد و یا در شرایطی که می‌بایستی در جوامع جدید، عام گرایی، بی طرفی عاطفی و پخش مورد توجه باشند جنبه‌های مقابل آنها عمده شوند پدیده کجروی مانند خشونت بروز می‌کند. اگر نظام شخصیتی، که نظام سازمان یافته‌ای از انگیزش کنشگران است نتواند تمایلات نیازی کنشگران را پاسخگو باشد افراد دنبال راه حل‌های دیگر می‌روند. از طریق فرآیند جامعه پذیری و نظارت اجتماعی می‌توان تمایل به مشارکت اجتماعی را افزایش داد.

ج-هربرت مید و هربرت بلومر

از آنجائی که پیش پردازان دیدگاه کنش متقابل نمادی هر یک سهمی در غنای نظری دیدگاه داشته‌اند به اختصار به نظریه‌های آنان شامل چارلز هورتون کولی، هربرت مید و هربرت بلومر اشاره می‌شود. کولی بر آن است که هویت انسان و یا «خود» هر فرد از راه پویای کنش متقابل اجتماعی شروع به رشد نموده و از همان طریق کامل می‌گردد ... خود هر شخص از تأثیرات ذهنی که هر فرد از جامعه و تمام شرایط آن برمی‌گیرد، در هر لحظه از تجربه اجتماعی به شیوه‌های نوآراسته می‌شود ... در این گذار، خانواده مهمترین و در حقیقت گروه پیشی در پویای اجتماعی شدن انسان به شمار می‌رود. «خود» از سه مرحله می‌گذرد اول تصور خود از نظر دیگران، سپس قضاوت دیگران در مورد خویش و سرانجام دست دادن احساسی به شخص که ناشی از ارتباط او با دیگران است. (تنهایی، ۱۳۷۲: ۲۲۶).

هربرت مید ضمن تأکید بر این که «خود» چیزی نیست که در آغاز تولد همراه انسان باشد، بلکه چیزی است که انسان در طول زندگی و تجربه اجتماعی آن را می‌سازد، برای مراحل تکوین «خود» قضاوت فرد در مورد دیگران نیز مهم است. مید علاوه بر اینها باور دارد که انسان با درگیری در روابط و کنش‌های متقابل قادر است تا معانی اشیا و مفاهیم اشارات و نمادها را از طریق درک زبان فراگیرد. (همان: ۲۳۰ - ۲۲۶).

هربرت بلومر از مباحث نمادی بودن و معنی دار بودن کنش متقابل‌مید شروع می‌کند و در قضیه سوم خود، تأکید می‌کند که معانی در پویایی از تفسیرگری توسط انسانی که در رابطه با این موضوع‌ها درگیر است، ساخته، پرداخته و اصلاح می‌گردند. بلومر بر تفسیرگر بودن کنشگر تأکید می‌کند.

بلومر دو نوع کنش متقابل قائل می‌شود یکی کنش متقابل غیر نمادین است که به تفکر نیاز ندارد و دوم کنش متقابل نمادین است که مستلزم طی فراگردهای ذهنی است. (رتیزر، ۱۳۷۴: ۲۸۳).

با توجه به کلیت مباحث دیدگاه کنش متقابل نمادی می‌توان گفت جایی در فرآیند شکل‌گیری خود، اختلالی بروز کرده که کنش متقابل شکل غیرنمادی به خود گرفته و لذا فرد را از پویایی اجتماعی شدن به شکل اصولی آن خارج کرده و موجبات کاهش در مشارکت اجتماعی را فراهم آورده و از سوی کنش متقابل غیرنمادی می‌تواند بروز پدیده‌هایی چون خشونت را توضیح دهد چرا که فرد مرحله تفسیر و درک معانی کنش متقابل را نادیده انگاشته است.

ه- جورج هومنز

در دیدگاه کنش متقابل نمادی، تحلیل از کنشگر و کنش شروع می‌شود در دیدگاه هومنز هم این چنین است اما از منظر کنش متقابل گرایان، کنشگران در برابر محرک واکنش نشان نمی‌دهند بلکه موقعیت و محرک‌ها را تفسیر می‌کنند و سپس مبادرت به کنش می‌کنند. برای هومنز یک پیش فرض اساسی مطرح است آن پیش فرض این است که انسان موجودی عقلانی و حسابگر است و رفتار وی نتیجه محاسبه سود و زیان است. از نظر هومنز وقتی منافع حاصل از رفتار از هزینه‌های تحمیل شده افزون باشد فرد وارد کنش می‌شود. این پیش فرض را هومنز در قالب رفتارگرایی به صورت چند قضیه مطرح می‌کند. یکی از این قضایا این است که هر عملی که مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن به وسیله آن شخص افزایش می‌یابد و دیگر اینکه هرچه نتیجه یک کنش برای شخص باارزش‌تر باشد احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد. همچنین هرگاه شخص از کنش خود پاداش مورد انتظار را به دست نیاورد تا تنبیهی که انتظارش را نداشته، دریافت کند خشمگین خواهد شد و احتمال بروز پرخاشگری از سوی وی افزایش می‌یابد و ... (رتیزر، ۱۳۷۴: ۴۳۰ - ۴۲۷) هومنز معتقد بود جامعه شناسی نباید بر آگاهی و یا ساختارها و نهادهای اجتماعی، بلکه باید روی الگوهای ترغیب تأکید داشته باشد. (همان: ۹۲) الگوهای ترغیب در قضایای هومنز خلاصه شده‌اند.

با این وصف تمام رفتارها نتیجه محاسبه سود و زیان هستند و لذا رفتار مشارکتی زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد.

۶- یورگن هابرماس^۱: هابرماس نظریه پرداز مکتب انتقادی است. علاقه اصلی او به کنش ارتباطی (کنش متقابل) است و آن را بارزترین و فراگیرترین پدیده بشر می داند، او با بسط نظریه انتقادی خود به یک نظریه کنش و با اولویت دادن به سطح فرهنگی شکل بندی اجتماعی، جوامع را محصول کنش انسانی به شمار می آورد که به نوبه خود به وسیله ارزش ها و هنجارها ساخته شده اند (محبوبی منش، ۱۳۹۱: ۹۹). هابرماس (۱۹۸۴) عنوان می کند که طی کنش ارتباطی، کنش های افراد درگیر، نه از طریق حسابگری های خود خواهانه ی موفقیت بلکه از طریق کنش های تفاهم آمیز هماهنگ می شود. افراد دخیل در کنش های ارتباطی اساساً در بند موفقیت شخصی شان نیستند بلکه هدف هایشان را در شرایطی تعقیب می کنند که بتوانند برنامه های کنش شان را بر مبنای تعریف هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۱۱). از این منظر مشارکت در معنای واقعی و به ویژه مشارکت سیاسی کنشی ارتباطی است که به عقیده هابرماس غایت آن دستیابی به یک تفاهم ارتباطی است (برخلاف کنش های معقولانه و هدف دار که دنبال دستیابی به یک هدف اند)، او کنش ارتباطی را بنیاد سراسر زندگی اجتماعی و فرهنگی می داند (همان ۲۱۲) از طرفی عقلانیت کنش ارتباطی به ارتباط رها از سلطه و ارتباط آزاد و باز می انجامد این چنین عقلانیتی سرکوبگری هنجاربخش و خشکاندیشی را در سطح هنجارهای جامعه کاهش می دهد و انعطاف پذیری و بازاندیشی فردی را می افزاید و منجر به یک جامعه عقلانی می شود که نقطه پایانی فراگرد مورد نظر هابرماس است (همان: ۱۱۳-۱۱۴). در چنین فضایی مشارکت جویی رشد کرده و حیات جمعی انسان ها ظرفیت بیشتری برای دخالت افراد در سرنوشت جمعی خود ایجاد می کند. بنابراین رفتارهای مشارکت جویانه افراد و مشارکت سیاسی اجتماعی آنان آن کنش عقلانی، منعطف و آزادی است که تحقق هدف سیاسی هابرماس یعنی جامعه ای که کنش ارتباطی در آن برقرار باشد که همان جامعه مدنی است را در پی خواهد داشت. اما باید دید این کنش و به تعبیر بهتر مشارکت در چه فضایی شکل می گیرد؟ چرا که شکل گیری علایق جمعی و مشارکت در تعیین سرنوشت جمعی و تصمیم گیری های اجتماعی مستلزم بحث و گفتگوی عمومی و شکل گیری هویت های جمعی است بنابراین افکار عمومی در یک بستر و قلمرو همگانی شکل می گیرد، هابرماس و آرنست این قلمرو را «حوزه عمومی» می گویند. این حوزه ماهیتی ایستا و مرزهایی مشخص ندارد به عقیده هابرماس (۱۹۸۹) هر مکالمه ای که در آن اشخاص خصوصی گرد هم آیند تا جمعی تشکیل شود که به مسئله ای علاقه مند است، در واقع بخشی از حوزه عمومی شکل گرفته است که موضوع بحث مشخص می کند که چه نوع حوزه عمومی است. اصل در حوزه عمومی طرح آزادانه دیدگاه ها و افکار خصوصی خود است. به باور هابرماس بدون مشارکت در زندگی جمعی گروه ها و سازمان های اجتماعی شکل گیری هویت انسانی در سطح فردی و شکل گیری هویت جمعی (ما) ممکن نیست. تأکید هابرماس بر حوزه عمومی به عنوان مجرای شکل گیری هویت جمعی و علایق عمومی اساساً ناشی از تشخیص این نکته است که استمرار حیات جامعه وابسته به عملکرد صحیح ساختارهای ارتباطی است که در غیاب نفوذ فراگیر سنتی ایجادکننده ی مشروعیت و یکپارچگی اجتماعی، اصل دستیابی به وفاق اجتماعی و توافق بر سر آن چه علایق عمومی و منافع جمعی خوانده می شود را ممکن می کند (رضایی، ۱۳۷۵: ۶۰-۶۲).

^۱ Jürgen Habermas

۲-۲-۲- نظریه پردازان اخیر سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که گاه در معنی وسیع به کار می‌رود و ثروت اجتماعی و حتی درآمد اجتماعی از آن برمی‌آید و گاه در معنی محدود که منابع و تجهیزات غیر فردی و غیر خصوصی را شامل می‌شود. بدین معنی سرمایه اجتماعی چیزی است که با سرمایه جامعه پدید آمده و مورد استفاده همگان است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۸۵).

واژه و روح سرمایه اجتماعی سابقه ذهنی درازی در علوم اجتماعی دارد (پلاتو، ۱۹۹۴). سابقه امروزی آن به ۸۰ سال پیش و نوشته‌های لیداجی هانیفان^۱ سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا بر می‌گردد. بعد از هانیفان، اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه در بوته فراموشی افتاد، ولی در دهه ۱۹۵۰ بوسیله گروهی از جامعه شناسان شهری کانادایی (سیلی^۲، سیم^۳ و لوزلی^۴، ۱۹۵۶)، در دهه ۱۹۶۰ توسط یک نظریه پرداز مبادله (هومنز، ۱۹۶۱) و یک استاد مسائل شهری (جین جاکوب، ۱۹۶۱) و بالاخره در دهه ۱۹۷۰ بوسیله اقتصاددانی بنام لوری (۱۹۷۹) از نو احیا شد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۳۴). لوری از تئوری سرمایه اجتماعی برای انتقاد از نظریات نئوکلاسیک و نا عادلانه بودن توزیع درآمد استفاده کرد. جیمز کلنن^۵ (۱۹۸۸) برای اولین بار این مفهوم را در آمریکای شمالی وارد عرصه سیاسی کرد. تلاش‌های وی در اروپا توسط پوتنام^۶ پیگیری شد (الوانی و دیگران، ۱۳۸۱: ۳).

سرمایه اجتماعی بطور خلاصه، به معنی هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌سازد... و می‌توان آنرا به منزله هنجارها و شبکه‌های عمومی‌ای دانست که دست کم در برگیرنده سه عنصر: آگاهی، اعتماد و مشارکت باشد. (تاجبخش و دیگران، فصلنامه رفاه، ش ۱۵۶، ۱۰) اقتصاددانان از چسبی که جامعه را به هم همبسته نگه می‌دارد، به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌کنند. خشونت اتفاقی و سرمایه داری مافیایی را غالباً بازتاب سست شدن سرمایه اجتماعی می‌دانند. (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۲۰۰).

اعتماد اجتماعی، یکی از مهمترین، پرکاربردترین و رایجترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی است (پیمایش اجتماعی اروپا^۷، ۲۰۰۵). به تعبیری دیگر سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. (فوکویاما، ۱۹۹۹) به نظر بیکر، سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی که در میان یا از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل دسترسی هستند، اشاره دارد. این منابع شامل اطلاعات، نظریات،

^۱-L.B.Hanifan

^۲-seely

^۳-Sim

^۴-Loosely

^۵-James Coleman

^۶-Putnam

^۷-Ess.European Social Survey

راهنمائیها و فرصت‌های کسب و کار، سرمایه مالی، قدرت، حمایت اساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری است (بیکر، ۱۳۸۲: ۴۰).

سرمایه اجتماعی مانند سایر سرمایه‌ها، نیست بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و هزینه‌های سازمانی گردد و حاصل پدیده‌های زیر است: اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، هویت جمعی و گروهی، تصویری مشترک از آینده، کارگروهی و مشارکت داوطلبانه، ارزش‌ها و اعتقادات و باورهای مشترک است. «سرمایه اجتماعی، حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه با دوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود. سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد، تجسم می‌یابد و موقعی بوجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند» (فیروز آبادی، ۱۳۸۴). لوری^۱ (۱۹۷۷، ۱۹۸۷) اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای توصیف منابع روابط اجتماعی افراد وضع کرد. در کاربرد لوری، سرمایه اجتماعی، مجموع منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است... (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۸). از دیدگاه کلمن، روابط اقتدار، روابط اعتماد و هنجارها، شکل‌هایی از سرمایه اجتماعی است (کلمن، همان: ۴۵۹) و هنگامی بوجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند (کلمن، همان: ۴۶۴). کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفت. بنابراین تعریف او کارکردی است (کلمن، ۱۹۹۰). به نظر اوسلانر و دکر، کشورهای با سطوح بالاتر اعتماد، عملکرد حکومتی مناسب‌تر، رونق بیشتر و رشد اقتصادی بیشتر خواهند داشت (دکر و اوسلانر، ۲۰۰۱: ۱۷۷).

به عقیده پاتنام، سرمایه اجتماعی، ویژگیهای سازمان اجتماعی و همانند، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند. ایشان برای سنجش سرمایه اجتماعی در مناطق ایتالیا، تراکم عضویت در سازمانهای رسمی را بکار می‌گیرد. (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۷) به نظر او، سرمایه اجتماعی، بازده و سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر فقط یک داده‌ای که وارد، تابع تولید می‌شود نیست بلکه یک عامل متغیر و تسهیل کننده در تابع تولید است و هزینه‌ها و تعارض‌ها را کاهش می‌دهد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۵۸).

به نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کما بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر، عضویت در یک گروه - است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و یا به آنان اعتبار می‌بخشد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷). از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی در ممالک سرمایه داری به عنوان ابزاری برای تثبیت و تقویت

^۱-Loury

جایگاه اقتصادی افراد به شمار می‌رود. دیدگاه او یک دیدگاه، ابزاری است. زیرا به نظر او اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت (الوانی، ۱۳۸۱: ۵).

فوکویاما، سرمایه اجتماعی را عبارت می‌داند از: توانایی اشخاص برای همکاری با یکدیگر در قالب گروهها و سازمانها جهت نیل به اهداف مشترک. این همکاری بر پایه عقلانیت اقتصادی و اعتماد نهفته و در عادات جامعه قرار دارد. (فوکویاما، ۱۳۸۲) بطور کلی باید گفت که ما در جامعه با چهار نوع سرمایه مواجهیم.

۱ - سرمایه انسانی

۲ - سرمایه‌های طبیعی

۳ - سرمایه‌های مادی و مالی

۴ - سرمایه‌های اجتماعی.

سرمایه اجتماعی که از ره آوردهای رشته‌های مختلف علوم اجتماعی در دوران معاصر است، از مهمترین انواع سرمایه است و نقش بسیار مؤثری در تمامی ابعاد نظام اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه دارد. بخصوص ارتباط بسیار قوی‌ای دارد با توسعه همه جانبه، ساماندهی وضعیت اجتماعی و کاهش مشکلات و آسیبهای اجتماعی. اعتماد اجتماعی، مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی است. در نهایت سرمایه اجتماعی، محیط مساعدی را برای تسهیل فعالیت‌های جمعی فراهم سازند. (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۳) همچنین ذکر شده که سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری اساسی قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح مشکلات و مسائل از جمله کجروی های اجتماعی و فرهنگی دارد. چنانچه می‌توان از آن به عنوان راه حل مشکلات اجتماعی نام برد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۴) همچنان که فرسایش سرمایه اجتماعی باعث ایجاد کجروی، احساس نا امنی و تضعیف پیوندهای اجتماعی می‌شود.

در بین ابعاد سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشتر مورد تأکید و توجه بوده‌اند. از مهم‌ترین کارکردهای سرمایه اجتماعی در بُعد فردی، تقویت قدرت خلاقیت، آفرینندگی و عاملیت انسانی دانسته شده است و اینکه موجب افزایش و بسط تعامل اجتماعی با دیگران می‌شود، ... افراد اختیار و آزادی بیشتری کسب می‌نمایند و مانع انفعال، انزوا و رفتار خصمانه می‌شوند. نظم اخلاقی مبتنی بر خویشتن داری و متعهد دانستن خود به قول و قرارها و هنجارهای اجتماعی را تقویت می‌کند. در سطح فرافردی سرمایه اجتماعی، مشارکت با دیگران را در قالب انجمن‌ها و نهادهای جمعی که به تقویت شبکه پیوندهای بین افراد می‌انجامد، بسط می‌دهد و زمینه را برای ارتقا سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند و از بی تفاوتی جمعی که مانع کنش‌های جمعی است، می‌کاهد. همچنین سرمایه اجتماعی راه حل مشکلات اجتماعی چون فقر، جرم، توسعه نیافتگی و ... تلقی شده است. (همان: ۱۵۰ - ۱۴۸).

سرمایه اجتماعی با فراهم ساختن زمینه نظارت و کنترل اجتماعی غیر اقتدارآمیز بر فرد و جامعه پذیر ساختن وی، ... از یک سو به معنادار ساختن زندگی اجتماعی برای فرد و زمینه سازی مشارکت مثبت و فعال

وی در زندگی اجتماعی می‌پردازد و از سویی دیگر از جهت پیامدهای جمعی و عمومی موجب سلامت کلی جامعه، پایداری و ثبات اجتماعی می‌شود. (تقی لو، ۱۳۸۵: ۲۴).

از آنجائی که سرمایه اجتماعی خاصیت خود تقویت‌کنندگی و خودافزایی دارد، می‌تواند به افراد عضو نهادهای اجتماعی کمک کند تا به منابعی چون اعتماد اجتماعی و شبکه‌های تعاملی دست یابند و می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی گروه را در دست‌یابی به اهداف خود بهبود بخشد. (گرچی گرسای، ۱۳۹۷: ۹۷).

قابل ذکر است که گرچه برقراری رابطه علت و معلولی بین سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی محل تردید و سوال واقع شده است ولی با عنایت به اینکه سرمایه اجتماعی و حتی اعتماد اجتماعی زمینه‌ساز مشارکت اجتماعی هستند، موضوع سرمایه اجتماعی در این پژوهش قابل طرح نظری بوده است. اینکه مشارکت اجتماعی به طور متقابل می‌تواند منجر به توسعه سرمایه اجتماعی گردد از جمله مباحث روش‌شناختی در این خصوص هستند که محل بحث هستند. چون سرمایه اجتماعی ماهیت چند بُعدی دارد مفهوم سازی و عملیاتی کردن آن نیز دشوار است. از لحاظ نظری دو سنت نظری درباره سرمایه اجتماعی داریم: یکی هنجاری دیدن سرمایه اجتماعی و دوم توجه به سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی منبع، و البته تلاش‌هایی برای ترکیبی از این دو نیز انجام شده است. در سنت اول که مبتنی بر هنجاری دیدن سرمایه اجتماعی است نظریه‌ی پاتنام، کلمن و فوکویاما قرار می‌گیرند و هم چنین نوعی سنت دورکیمی و توجه به حسابداری در جریان کنش دیده می‌شود. در این مورد، سرمایه اجتماعی به ویژگی‌هایی از قبیل، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشم‌گیر برخوردار است، همکاری آسان‌تر است. سرمایه اجتماعی همچون اکسیری است که برای همه دردها کارآیی دارد. (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵)

در سنت دوم یعنی سرمایه اجتماعی به عنوان منبع، نظریه‌های تضاد و کنش متقابل نمادی جای می‌گیرند و نظریه‌های بوردیو نیز در این باب مطرح شده‌اند. این سنت بر این باور تأکید دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان یک منبع در خلق و یا حفظ نابرابری مورد استفاده قرار گیرد. (غفاری، ۱۳۹۰: ۶۳) کنش اجتماعی معنادار که عامل مهم خلق روابط اجتماعی است، سرمایه بزرگی برای افراد حاضر در جامعه به حساب می‌آید که به وسیله آن همکاری‌های دوجانبه گسترده‌تر و محکم‌تر می‌شود. (همان: ۷۲) سرمایه اجتماعی سازوکاری است که از طریق روابط و پیوستگی‌های اجتماعی امکان دسترسی به منابع را موجب می‌شود. (همان: ۷۸) سرمایه اجتماعی، موقعیت‌ها، روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد.

پس از ذکر مقدمات، اکنون آرای چند تن از مهمترین صاحب نظران سرمایه اجتماعی به اختصار آورده می‌شود.

الف- پیر بورديو

جان فيلد تعريف سرمايه اجتماعي از ديد بورديو را چنين آورده است: سرمايه اجتماعي عبارت است از مجموع منابع فيزيكي يا غيرفيزيكي در دسترس فرد يا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادينه شده با آشنایی های دوجانبه و محترم هستند. (فيلد، ۱۳۸۵: ۲۴ - ۲۳).

بورديو در مقاله ای تحت عنوان «اشکال سرمايه» از سه نوع سرمايه اصلي شامل سرمايه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي نام می برد و هرچند برخی معتقدند در اندیشه بورديو اشکال گوناگون سرمايه قابل تبديل به هم هستند و مثال می آورند که سرمايه اجتماعي می تواند فرد را وارد روابطی سازد که حاصل آن کسب میزانی از سود به شکل پول یا انواع مالکیت است (گرچی گرسای، ۱۳۹۷: ۸۹)، با این حال شکل غالب سرمايه از ديد بورديو، سرمايه اقتصادي است و انواع ديگر سرمايه ابزاری برای حصول سرمايه اقتصادي هستند. از نظر او سرمايه اجتماعي، جمع منابع واقعي یا بالقوه ای است حاصل از شبکه های بادوام از روابط کم و بیش نهادينه شده و ... همراه با عضویت در یک گروه است. ... بنابراین حجم سرمايه اجتماعي مورد تملک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی است که او می تواند به طور مؤثری بسیج کند و مضافاً وابسته است به حجم سرمايه اقتصادي، فرهنگي یا نمادين در تصرف کسانی که وی با آنان مرتبط است. (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۷)

بورديو همچنين جامعه پذیری را ملازم هميشگی سرمايه اجتماعي و باز توليد آن را در اجتماع در نظر می گيرد و آن را زنجيره پیوسته ای از مبادلات توصيف می کند که در قالب آن شناخت به صورت پايان ناپذیری تصديق و باز تصديق می شود. (همان: ۱۵۱).

تأکید بورديو بر اثربخشی سرمايه اجتماعي از طريق عضویت افراد در یک گروه اجتماعي و همچنين به عنوان سازوکاری که از طريق آن روابط و پیوندهای اجتماعي امکان دسترسی به منابع را فراهم می کند مورد توجه صاحب نظران ديگر قرار گرفت هرچند انتقاداتی به بهای زیادی که به سرمايه اقتصادي داده نیز وارد کرده اند.

ب- جيمز کلمن

کلمن نظريه پردازی است که سرمايه اجتماعي را به صورت دسترسی و استفاده از منابع نهفته در شبکه های اجتماعي تبیین می کند و سرمايه گذاری در شبکه های اجتماعي را مطرح می کند. از نظر کلمن سرمايه اجتماعي منبعي اجتماعي - ساختاری است که دارایی و سرمايه افراد محسوب می شود. این دارایی شیء واحدی نیست، بلکه ویژگی هایی است که در ساختار اجتماعي وجود دارد و باعث می شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعي شوند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۷) سرمايه اجتماعي کمک می کند تا مشکل کنش جمعی را درک کنیم. (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۴).

کلمن می گوید سرمايه اجتماعي از تغييراتی در روابط میان اشخاص حاصل می شود که کنش را تسهيل می کند. اگر سرمايه فيزيكي کاملاً ملموس و سرمايه انسانی کمتر ملموس است، سرمايه اجتماعي به مراتب

ناملموس تر است زیرا در روابطی که بین اشخاص برقرار است، یافت می‌شود. هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی، فعالیت مولد را تسهیل می‌کنند برای مثال گروهی که در میان اعضای آن وفاداری و اعتماد شدید وجود دارد می‌تواند کارهای بسیار بزرگتر در مقایسه با گروه دیگری که در میانشان اعتماد و وفاداری وجود ندارد، انجام دهد. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۴).

کلمن کنش عقلانی را به عنوان نقطه شروع در استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی در نظر گرفته است ولی معتقد است با نقد دو دیدگاه افراطی موجود درباره کنش می‌توان تلفیقی از آن دو را ارائه نمود. یکی از دیدگاه‌ها که بیشتر منتسب به جامعه شناسان است کنشگر را کسی تعریف می‌کند که جامعه پذیری یافته و کنش را رفتاری تعریف می‌کند که براساس حاکمیت هنجارهای اجتماعی، قواعد و مقررات و تکالیف الزام آور شکل می‌گیرد. این جریان کنش را یکسره محصول محیط می‌داند و کنشگر بدون موتور محرک است. جریان دیگر که در کار و آثار اقتصاددانان بیشتر به چشم می‌خورد این است که کنشگر را دارای اهدافی می‌بیند که به طور فردی بدانها نائل شده، مستقلاً عمل می‌کند و یکسره در پی منافع خویش است و ... و اینکه اصل به حداکثر رساندن سود است. کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی در روشن ساختن یکی از مشکلات مهم تحلیل اجتماعی یا آنچه پیوند خرد - کلان نام گرفته است، یا به عبارت دیگر پیوند رفتار فرد با متغیرهایی که در سطح ساختار عمل می‌کنند، سودمند است. (همان: ۱۱) همچنین در جای دیگری آورده که مفهوم سرمایه اجتماعی می‌تواند هم دستاوردهای مختلف در سطح کنشگران فردی را توضیح دهد و هم ساختار اجتماعی گذار از سطح خرد به کلان را ممکن می‌سازد. (همان: ۵۵).

دو نکته دیگر در نظریه کلمن قابل اعتناست یکی توجه به خانواده و گروه خویشاوندی به عنوان پایه‌های مهم جامعه و اینکه سرمایه انسانی‌ای چون حضور بزرگترها در خانواده، سرمایه اجتماعی مهمی در درون خانواده است، و دوم توجه به تفاوت سرمایه اجتماعی با دیگر انواع سرمایه از جهت سودمندی آن. کلمن می‌گوید کسی که در زمینه سرمایه اجتماعی، سرمایه گذاری می‌کند (زمان، تلاش، اعتماد به دیگران و ...) برخلاف سرمایه مالی و انسانی نمی‌تواند فواید ناشی از این سرمایه گذاری را کاملاً کسب کند. در این صورت

می‌توان انتظار داشت که در زمینه این امور عام المنفعه، سرمایه‌گذاری به اندازه کافی صورت نگیرد، یا ساختارهای اجتماعی که برای تهیه این کالای عمومی لازم است ضعیف شود. (همان: ۱۲) همچنین در این ارتباط گفته شده که چون فواید ناشی از سرمایه اجتماعی عمدتاً نصیب اشخاصی غیر از شخصی که آن را به فعلیت درآورده، می‌شود لذا در نتیجه اغلب، شکل‌های سرمایه اجتماعی به عنوان محصولات جنبی سایر کنش‌ها و فعالیت‌ها ایجاد و یا نابود می‌شوند. چون سرمایه اجتماعی به خواست و اراده کسی ظاهر یا ناپدید نمی‌شود لذا کمتر مورد شناسایی قرار می‌گیرد و کمتر به حساب می‌آید. (همان: ۸۶)

کلمن در بحث خانواده و خویشاوندی معتقد است سرمایه اجتماعی ابتدا از درجه روابط فامیلی تجلی می‌یابد و به محض اینکه افراد یک فامیل، شبکه خویشاوندی، دوستی‌ها و دیگر تماس‌های خود را رها کرده‌اند، سرمایه اجتماعی رو به کاهش رفته است. (حضرتی صومعه و همکاران، ۱۳۹۶).

جان فیلد در اشاره به مباحث کلمن آورده است که خانواده سقوط نکرده است، بلکه به نظر می‌رسد که دوام قابل توجهی داشته باشد... با این حال شواهدی وجود دارند مبنی بر این که اعتماد به گروه‌های همسالان در حال رشد است. (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۸۴).

د- روبرت پاتنام

پاتنام در تأکید بر اینکه سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی و همگانی است و همچنین آثار و پیامدهای سرمایه اجتماعی و قائل شدن سهم برای سرمایه اجتماعی در قالب میراث مدنی گذشته، به نوعی به نظریات کلمن نزدیک شده و گاه از وی نیز فراتر رفته است. پاتنام بیش از بسیاری از صاحب‌نظران به رابطه سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی توجه نموده و به ویژه در خصوص شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های مشارکت مدنی و تأثیری که این شبکه‌ها بر افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها دارند مباحث عمده‌تری را مطرح کرده است. ضمناً پاتنام به موضوع پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی و از سویی توانایی سرمایه اجتماعی در حل مشکلات و مسائل اجتماعی توجه خاصی داشته است.

پاتنام همچون کلمن سرمایه اجتماعی را کالای همگانی می‌داند و در این مورد می‌گوید سرمایه اجتماعی برخلاف سرمایه‌های متعارف «کالای همگانی» است یعنی در مالکیت خصوصی کسانی که از سود می‌برند، نیست. این کالا همچون کالاهای دیگر همگانی، از هوای تمیز گرفته تا خیابان‌های امن، توسط کارگزاران بخش خصوصی به اندازه کافی تولید نمی‌شود. این بدان معناست که سرمایه اجتماعی اغلب باید محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی باشد. این سرمایه معمولاً در پیوندها، هنجارها و اعتمادی تشکیل می‌شود که از یک شرایط اجتماعی به شرایط اجتماعی دیگر انتقال پذیر است. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۰۰)

ایده اصلی سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی، بیشتر مردم را به همکاری و اعتمادپذیری در برخورد هایشان تشویق می‌کنند تا شرایط کاملاً اتمیزه شده و انفرادی [که ناشی از پی جوئی منافع شخصی‌اند] (همان: ۱۲۱)

پاتنام در مورد شبکه‌های مشارکت مدنی آورده است که این شبکه‌ها، هنجارهای مستحکم رابطه متقابل را تقویت می‌کنند. من کاری را برای شما انجام می‌دهم با این امید که زمانی شما یا کس دیگری آن را جبران کند. شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته هستند که می‌توانند به عنوان الگویی فرهنگی برای همکاری‌های آتی عمل کنند. (همان: ۹۹ - ۹۸).

پاتنام از مطالعات خود در ایتالیا، یافته‌های قابل‌اعتنایی به دست آورده است. او خود معتقد است مطالعه مناطق مختلف ایتالیا حاکی از آن است که سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی، نشانه موفقیت یک منطقه است. شهروندان در برخی مناطق ایتالیا مانند توسکانی در مسائل عمومی مشارکت دارند. آن‌ها اطمینان دارند که دیگران نیز عادلانه رفتار می‌کنند و از قوانین پیروی می‌کنند، رهبران صادق و پای بند برابری هستند. در ایتالیا شبکه‌های اجتماعی به صورت افقی سازماندهی شده‌اند و همبستگی و مشارکت مدنی و درستکاری ارزشمند شمرده می‌شوند. او سپس نتیجه می‌گیرد در قلب میراث مدنی ایتالیا، شبکه‌های غنی رابطه متقابل سازمان یافته‌اند و همبستگی مدنی قوی در زمینه اصناف، انجمن‌های اخوت مذهبی، تعاونی‌ها، انجمن‌های همیاری، انجمن‌های محلات و ... وجود دارند. (همان: ۹۷ - ۹۶).

پاتنام به مشکلاتی در ارتباط با سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند و آثار منفی نیز برای سرمایه اجتماعی قائل است. وی معتقد است بخش بزرگی از مشکلات شهری را می‌توان با فرسایش سرمایه اجتماعی توضیح داد. او می‌گوید اگر نابرابری‌های نژادی و طبقاتی که در دسترسی به سرمایه اجتماعی وجود دارد اندازه‌گیری شود ممکن است به شدت نابرابری‌های مالی و سرمایه انسانی باشد و به همان اندازه هم بدفراجه باشد. (همان: ۱۰۵).

او آورده است برای مقابله با مشکلات اجتماعی باید سرمایه‌گذاری توامان در زمینه فیزیکی، مالی و انسانی و سرمایه اجتماعی صورت گیرد. او می‌گوید سرمایه‌گذاری در آموزش یا اشتغال اگر با قدرت یابی انجمن‌های اجتماعی همراه باشد، مؤثرتر است.

یافته‌های پاتنام در پژوهش در آمریکا حاکی است که وجود سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی در کاهش میزان جرم و جنایت و کاهش مراجعات و محکومیت‌های بزهکارانه و نابرابری‌های اقتصادی، مدنی و جنسیتی داشته است (رسول زاده اقدام، ۱۳۹۷: ۲۶) همچنین در جای دیگری می‌گوید اینکه سرمایه اجتماعی همکاری را آسان تر می‌کند بینشی است که برای بسیاری از مشکلات مانند غلبه بر خشونت کاربردهای عملی قدرتمندی دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۹۵) در عین حال وی باور دارد که سرمایه اجتماعی نیز مانند سرمایه انسانی و فیزیکی می‌تواند برای اهداف بد بکار رود و اشاره می‌کند که لیبرال‌ها به اسم آزادی‌های فردی اغلب به دنبال نابودی برخی از شکل‌های سرمایه اجتماعی بوده‌اند و البته برعکس آن هم صادق است و برخی از شکل‌های سرمایه اجتماعی ممکن است به آزادی‌های فردی آسیب بزنند یا پیامدهای منفی مانند فرقه‌گرایی و قوم‌گرایی شدید را به همراه آورد. (همان: ۱۱۱).

در خصوص مشارکت اجتماعی و اهمیت آن در نظریه پاتنام، کرین کی لای معتقد است پاتنام مشارکت آگاهانه و داوطلبانه در جامعه مدنی را سبب تقویت مهارت های همکاری و افزایش حس مسئولیت پذیری جمعی شهروندان می داند (کی لای، ۱۹۹۶) او در پاسخ پرسش در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت می گوید تفاوت چندانی بین مشارکت و سرمایه اجتماعی قائل نیستم چون مشارکت که به شرکت مردم در شبکه های اجتماعی مختلف اشاره دارد تنها بیان دیگری برای سرمایه اجتماعی است. این ها، دو واژه متفاوت برای یک رفتار هستند. (همان: ۱۲۵).

ه- فرانسیس فوکویاما

فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان توانایی مردم برای کارکردن با یکدیگر به منظور پیگیری اهداف مشترک در گروه ها و سازمان ها تعریف می کند ... سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از ارزش ها و هنجارهای مشترک غیررسمی در میان اعضای یک گروه است که به آنها اجازه فعالیت جمعی و تعاونی را می دهد. فوکویاما سرچشمه سرمایه اجتماعی را در منابع زیر جستجو می کند: ۱ - هنجارهایی که به صورت نهادی ساخته شده اند مانند قوانین ۲ - هنجارهای خودجوش که ناشی از کنش متقابل اعضای جامعه اند مانند تعاون و همکاری ۳ - هنجارهای برون زاد مانند دین و فرهنگ و ... این هنجارها با ارزش های معنوی سنتی مانند صداقت، پای بندی به تعهدات، وظیفه شناسی و امثال آن مرتبط هستند. (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۰ - ۶۸).

فوکویاما برخلاف کلمن و آفه و پاتنام، سرمایه اجتماعی را کالای خصوصی می داند که برای عده ای نفع فردی دارد و لذا اگر دولت درگیر فعالیت اقتصادی خصوصی شود یا از حقوق و استقلال فردی دفاع نکند سرمایه اجتماعی را نابود می کند. اگر دولت در سازماندهی همه چیز دخالت کند مردم به دولت وابسته می شوند و توانایی های خودجوش خود را برای کارکردن با یکدیگر از دست می دهند. فوکویاما در ارتباط با وضعیت سرمایه اجتماعی در جوامع مدرن می گوید دموکراسی های لیبرال نمایانگر حوزه استقلال فردی اند که از حمایت قانونی برخوردار است ولی این فرد گرایی، مردمی را ایجاد می کند که ظرفیت همکاری کمی دارند، چون پیوندها و هنجارهای اجتماعی را نمی آموزند و همواره جامعه را با هرج و مرج روبرو می کنند. از سویی هرگاه دایره اعتماد محدود به دوستان و خانواده باشد بنیان های فرهنگی فساد ایجاد می شود چون نظام اخلاقی دوگانه ای به وجود می آید، رفتار خوب با دوستان و خانواده، و رفتارهای نه چندان مطلوب با «عموم» و غریبه ها. وی می گوید دموکراسی ها با حوزه جامعه مدنی که دارای انجمن های داوطلبانه هستند می توانند از این خطر پیشگیری کنند. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴).

فوکویاما نیز همچون بسیاری از ایده پردازان سرمایه اجتماعی اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی بیش از هر یک از دو شکل دیگر سرمایه، استعداد تولید آثار خارجی منفی را دارد. این بدان سبب است که همبستگی گروهی در جوامع انسانی اغلب به بهای دشمنی نسبت به افراد غیرعضو گروه به دست می آید (همان: ۱۷۲) و همچنین همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضای گروه برای همکاری با افراد بیرون از گروه می کاهد.

وی در همین ارتباط برخلاف کلمن و پاتنام چندان قائل به سرمایه اجتماعی در نزد خانواده و نهادهای دیگر نیست او می گوید در جوامعی که ... به ندرت خانواده گرا هستند این خصلت بارز وجود دارد که خارج از خانواده، اعتماد اجتماعی گسترده و تعمیم یافته وجود ندارد. (همان: ۱۸۵) البته چنانچه پیوندهای مستحکم خانوادگی با انواع دیگر پیوندهای اجتماعی در هم آمیزند می توانند سطح مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی را افزایش هم بدهند. فوکویاما به تفاوت سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف پرداخته است و معتقد است که مناطق حومه ای و حاشیه ای از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند و نمود این کاهش سرمایه را میزان مشکلات و آسیب های اجتماعی می داند که در مناطق حاشیه نشین بیشتر است. (رضویان و آقایی، ۱۳۹۳: ۴۷).

در مورد سازمان های غیردولتی نیز می گوید ضمانتی وجود ندارد که سازمان های غیردولتی که منافع عمومی را به دلخواه خودشان سبک و سیاق می دهند، واقعاً نماینده منافع عمومی باشند. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

در مجموع مباحث مرتبط با آسیب شناسی سرمایه اجتماعی در نوشته های فوکویاما، از نقاط برجسته نظریه او به حساب می آید.

ن-آنتونی گیدنز

گیدنز بحث خود را با کنشگران آغاز می کند که فعالیت ها و نیز زمینه های اجتماعی و مادی شان را پیوسته بازتاب می کنند. کنشگران همچنین توانایی «عقلانیت» دارند یعنی می توانند فراگردهای معمولی ای را ایجاد کنند که از طریق آنها قادرند درکی دائمی از دلایل کنش های شان داشته باشند. کنشگران از انگیزش های کنش نیز برخوردارند و این انگیزشها نیازهایی را دربرمی گیرند که شخص را به کنش کردن وامی دارند. هرچند که واکنش بازاندیشانه و عقلانیت پیوسته در کنش دخیلند اما بهتر است که انگیزش ها را به عنوان زمینه های کنش در نظر بگیریم. انگیزش ها با آنکه عموماً ناآگاهانه اند، ولی نقش مهمی در کردار انسانی دارند. (رتیزر، ۱۳۷۴: ۶۰۲ - ۶۰۱).

این توجه گیدنز به کنشگر و انگیزش کنشگر برای انجام کنش، او را از ساختارها غافل نکرده است و از اتفاق شهرت گیدنز در ترکیبی است که سعی می کند از عاملیت و ساختار برای تبیین رابطه خرد و کلان به دست دهد. نظریه ساخت یابی گیدنز چنین فرمول بندی شده است که در حوزه علوم اجتماعی هم با ساخت و هم با عاملیت سروکار داریم. نقطه عزیمت گیدنز نه آگاهی فردی و نه ساخت اجتماعی است بلکه نحوه ساخت پیدا کردن (یا ساخت یافتن) واقعیت اجتماعی یعنی دیالکتیک میان فعالیت ها و شرایطی است که در زمان و مکان حادث می شوند. بنابراین رویکرد مشارکتی جدید، هم به نقش اثرگذار عوامل فردی و هم به نقش ساختارهای اجتماعی توجه نموده اند. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۷) در این مورد گیدنز فراتر از کلمن مفاهیم نظری مرتبط با خرد و کلان را مطرح کرده است. مشابهت هایی بین پیوند خرد و کلان در نظریه های کلمن با گیدنز دیده می شود.

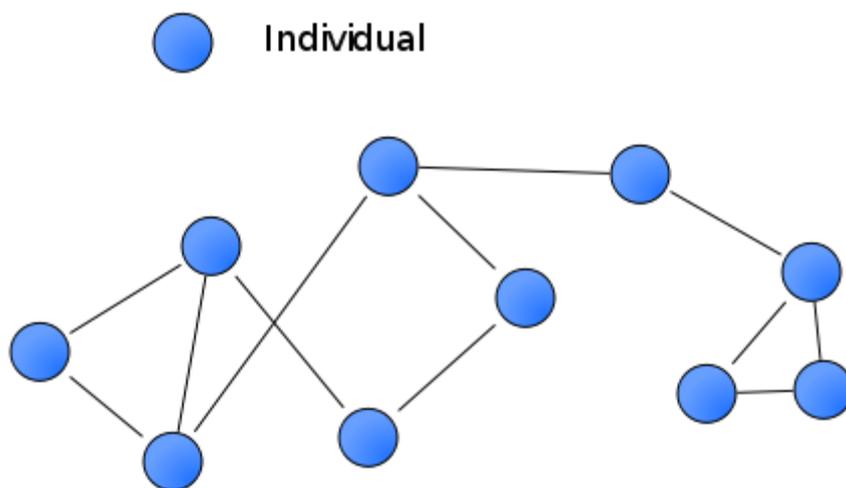
گیدنز در خصوص سرمایه اجتماعی نیز می گوید: سرمایه اجتماعی سازوکاری برای تحقق نظم اجتماعی جدید به دست می دهد. مبارزه علیه مفاسد اجتماعی، باید با رویکردهای مبتنی بر اجتماع محلی نسبت به پیشگیری از تبهکاری هماهنگ شود... شهروندان بیم ناک، خود را از خیابان ها دور نگه می دارند، از محلات خاصی دوری می جویند و فعالیت های عادی و ارتباطات شان را محدود می کنند. همانگونه که به طور فیزیکی کناره گیری می کنند، از نقش های حمایت متقابل با همشهریان خود نیز کناره می گیرند و بدین سان کنترل اجتماعی را که در گذشته به حفظ مدنیت در اجتماع محلی کمک می کرد، رها می کنند. در نهایت، نتیجه برای محله ای که بافت زندگی شهری در آن تضعیف شده است آسیب پذیری فزاینده در برابر رخنه رفتار بی نظم تر و جرائم خطرناک است. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹۸).

گیدنز ضمن توجه به پیامدهای فرسایش سرمایه اجتماعی، بیان می دارد که بایستی به نقش سرمایه اجتماعی در روابط و پیوندها در مقیاس طولی نیز توجه نمود و بهای لازم را به برقراری روابط مثبت بین نسل ها داد.

۲-۲-۴ اعتماد اجتماعی

یکی از ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی، اعتماد است. اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اساسی سرمایه اجتماعی در جامعه جدید مطرح شده است. اعتماد، تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می کند (کوک، ۲۰۰۱). حتی، در ایجاد روابط گروهی منسجم، اعتماد نقش بارزتری نسبت به تعهد اخلاقی ایفا می کند (لويس و ویگرت، ۱۹۸۵) و در تحقق نظم اجتماعی و نیز زندگی روزمره، عنصری ضروری و حیاتی بشمار می آید (چلبی، ۱۳۷۵ و فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۱). بطور کلی اعتماد اجتماعی موجبات کنش اجتماعی و بهبود زندگی جمعی را آسان ساخته و هرچه جامعه پیچیده تر می شود ضرورت آن برای تداوم حیات جمعی بیشتر احساس می شود. گرچه اعتماد از نوع منفی آن در بین گروههای منحرف هم دیده می شود ولی اعتماد صحیح و سالم بعنوان ضرورت مطرح می شود زیرا وجود اعتماد بیانگر وجود ارزش های مثبت و مورد توافق اجتماعی است و معمولاً در جوامعی که میزان جرائم و انحرافات اجتماعی در آن بالاست، میزان اعتماد اجتماعی کاهش می یابد. به تعبیر مک کارتی، مفهوم سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی نگرشی را ارائه می دهد که باعث ایجاد دید عمیق تر و درک بهتر از علل جرم و بزهکاری می شود (سالمی و کیوی نوری، ۲۰۰۶: ۱۲۵) از این رو می توان گفت که اعتماد باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می شود و در چنین شرایطی اعضای جامعه برای حرکت موفقیت آمیز اقتصادی، توسعه سیاسی و مشارکت اجتماعی با احساس امنیت شروع به فعالیت می کنند. دغدغه کاهش و گسست روابط اجتماعی، از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می خورد و شاید بتوان به تعبیری گفت که جامعه شناسی مولودی از همین نگرانی هاست (شارع پور، ۱۳۸۰: ۶۱). از این رو اعتماد اجتماعی همواره مورد توجه جامعه شناسان و صاحب نظران اجتماعی بوده است. به نظر آیزنشتاد مهمترین مسأله نظم اجتماعی برای دورکیم و تا حدودی تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی اینکه بدون انسجام و اعتماد، پایداری نظم اجتماعی

ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). در دنیای بدون اعتماد، زندگی سخت و نظم اجتماعی شکننده خواهد بود. در صورت عدم وجود اعتماد، نهادهایی که نوعاً مقررات و نظارت اجتماعی را در جامعه تولید و تقویت می‌کنند و شرایط سازمانی را برای همکاری در جامعه مهیا می‌سازند، باید برای برقراری نظم اجتماعی عملکرد خود را بصورتی متصلب و انعطاف‌ناپذیر اجرا کنند (کوک، ۲۰۰۱). از طرفی در جامعه کنونی پیشرفت زمانی میسر خواهد بود که در تعاملات اجتماعی افراد، اعتماد متقابل برقرار باشد. در واقع اعتماد باعث تداوم کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و بدون آن هیچ کنش متقابل مطمئنی صورت نمی‌گیرد (اینگلهارت، ۱۳۷۲). بنابراین یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند، اعتماد اجتماعی است که یکی از ابعاد بسیار مهم زندگی بشر را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که بشر امروزی بدون اعتماد اجتماعی تا حدود زیادی قادر به حیات اجتماعی نیست، هرچند به تعبیر گیدنز، انواع و مبنای اعتماد در جامعه مدرن نسبت به جامعه سنتی، تغییر کرده است. اعتماد زمینه کنش است. تا انسان اعتماد نکند، نمی‌تواند در فعالیت‌ها مشارکت کند لذا اعتماد به عنوان مهمترین بعد سرمایه اجتماعی، مهمترین زمینه مشارکت نیز مطرح است. در نظریه سرمایه اجتماعی و اعتماد، مفهوم شبکه‌های اجتماعی، مطرح است که می‌تواند زمینه مشارکت هرچه بیشتر را فراهم کند. این شبکه‌ها در دو نوع افقی و عمودی هستند. در شبکه‌های افقی، شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری برخوردار بوده و در شبکه‌های عمودی شهروندانی عضویت دارند که در وضعیتی نابرابر نسبت به هم به سر می‌برند. (اشقلی و کاوسی، ۱۳۸۵: ۱۳)



شکل ۱-۲ نمونه‌ای از یک شبکه اجتماعی

بر خلاف تحلیل‌هایی که بر این فرض استوارند که هنجارهای اجتماعی، تعیین‌کننده رفتارها هستند، آنالیز شبکه‌های اجتماعی به بررسی وسعت تاثیرگذاری ساختار و ترکیب رشته‌ها بر هنجارها می‌پردازد. از آنجا که تحلیل روابط اجتماعی **social relations** در جامعه‌شناسی از دیرباز در جامعه‌شناسی بسیار مهم بوده است، از این رو چگونگی بررسی نظری و تجربی الگوهای روابط را اولین بار رادکلیف براون در قالب مفهوم شبکه اجتماعی **social network** و سپس توسط بوت، **bott** و بارنز **barnes** مورد استفاده قرار گرفت. (کوپر و کوپر، ۱۹۸۹ به نقل از چلبی، ۱۳۸۵: ۵۱).

ب- مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و پارادایم های جامعه شناختی

همانط. ر که در نظریه های سرمایه اجتماعی مطرح شد، صاحب نظران سرمایه اجتماعی، مشارکت را بعنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی دانسته اند.

به طور کلی می توان گفت مشارکت دربرگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاران بر تصمیم گیری درباره امور عمومی است. (گرچی گرسای، ۱۳۹۷: ۸۱).

غفاری و نیازی هم در یک جمع بندی از تعاریف، آورده اند که: «مشارکت اجتماعی کنش آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان یافته افراد و گروه ها در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی تعریف می شود» (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۸).

یکی از مهمترین ابعاد سرمایه اجتماعی که نقش مهمی در تسهیل روابط اجتماعی انسان ها در زندگی روزمره دارد، مشارکت اجتماعی است. مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه های اجتماعی است. (نوابخش و صادقی، ۱۳۸۹: ۸۶).

هم نفس افزایش مشارکت اجتماعی واجد اهمیت است و هم پیامدهایی که مشارکت در پی دارد قابل ملاحظه است. در واقع مشارکت به عنوان فرآیندی عمیق و چندسویه در شکل های غایتی و ابزاری در فرآیند توسعه تأثیرگذار است به عبارتی مشارکت ترکیبی از هدف و وسیله است. مشارکت سه ارزش مهم بنیادین دارد که شامل سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش، و بازگشودن فرصت های پیشرفت به روی مردم هستند. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۳ - ۱۱).

همچنین مشارکت دارای تفاسیر چندگانه ای است. دربرخی موارد مشارکت به معنای بسیج اجتماعی است این نوع مشارکت از بالا طراحی می شود و برای اجرای آن مردم بسیج می شوند. نوع دیگر مشارکت، مشارکتی است که با تمرکز زدایی در دستگاه های دولتی امکان پذیر می شود. و نوع سوم مشارکت به معنای فرآیند دادن اختیار به مردم عادی و محرومان است که با ایجاد سازمان های مستقل و غیردولتی، به اهداف خود نائل آیند.

همچنین از منظر جامعه شناسی بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تفاوت قائل می شوند. اولی شرکت فعالانه در فعالیت های گروه است و دومی بیشتر نمایانگر تعلق گروهی است تا عمل.

یادآوری این نکته ضروری است که عموماً اعتماد اجتماعی را پیش نیاز مشارکت اجتماعی می دانند ولی ارتباط بین سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی هنوز محل بحث است و به نظر می رسد ارتباط متقابل بین این متغیرها بیشتر معنادار است تا برقراری رابطه علی بین آنها. در جمع بندی نیازی و غفاری از نظریه های مشارکت، ۴ پارادایم مربوط به مشارکت ذکر شده اند که به اختصار به هریک پرداخته می شود.

۲-۲-۴- پارادایم واقعیت اجتماعی

در این پارادایم رویکردهای ساختی - کارکردی و تضاد جای می گیرند و نظریه های دورکیم، مارکس و پارسونز قابل طرح هستند. در این پارادایم، مشارکت به عنوان واقعیتی اجتماعی در اشکال جمعی، انجمنی، گروهی و نهادی عینیت پیدا می کند. از حیث روش شناختی در این پارادایم، ما مخلوق زمان مان، طبقه مان، فرهنگ مان، جنسیت و محل زندگی مان هستیم. از دیدگاه ساختی - کارکردی انسجام اجتماعی پایه نظم اجتماعی را تشکیل داده و گسترش زمینه های وفاق و همبستگی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می کند.

از دید پارسونز بدون رشد شخصیت اجتماعی، مشارکت مؤثر، آگاهانه و داوطلبانه تحقق پیدا نمی کند بنابراین با تغییر در نظام تمایلات، افراد در طی فرآیند جامعه پذیری باید به بسط اخلاق مسئولیت پذیری، خردورزی، خوداتکایی، فعال گرایی، عام گرایی و ... که زمینه ساز مشارکت هستند اقدام نمود. (همان: ۴۵ - ۴۰).

در رویکرد تضاد نیز مشارکت در قالب ساختار اجتماعی و روابط طبقات حاکم و تعارض های درونی نظام اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد. مشارکت فرآیندی است که با شناسایی و توصیف مشکلات، نیازها و فرصت ها شروع می شود و با بحث از دیالکتیک نیروهای اجتماعی و عمل فردی و ضرورت اتحاد گروه های زیر ستم در جهت عمل مشترک برای رهایی، به موضوع مشارکت از جهات مختلف پرداخته می شود (پیران، ۱۳۷۶: ۶۰).

صاحب نظران نظریه وابستگی نیز ضمن انتقاد شدید به دولت ها در زمینه ایجاد مانع برای مشارکت عمومی معتقدند مشارکت مؤثر ناشی از سهیم شدن در نظام قدرت و تصمیم گیری است و لذا کسب قدرت پیش نیاز اساسی مشارکت مؤثر است. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۶۰).

۲-۲-۴-۱- پارادایم تعریف اجتماعی

در این پارادایم، کنشگر اجتماعی به عنوان موجودی فعال و صاحب اراده و اختیار تعریف می شود و جهان اجتماعی، به عنوان واقعیتی خارجی محصول ذهن و اراده و نظام معانی کنشگر اجتماعی پنداشته می شود. رویکرد کنش متقابل نمادی در این پارادایم می گنجد در این پارادایم نیت کنشگران برای ورود به عمل مشارکت تعیین کننده است. در این رویکرد متغیرهای ساختی انکار نمی شوند بلکه ارزش های فرهنگی پیش نیاز اساسی برای حصول به مشارکت اجتماعی محسوب می شوند. (همان: ۷۵).

۲-۲-۴-۲- پارادایم رفتار اجتماعی

در این پارادایم نظریه های انتخاب منطقی کنش، نظریه مبادله و نظریه بازی برای تبیین رفتار مشارکت مورد استفاده قرار می گیرند. مشارکت اجتماعی در اینجا به عنوان نوعی رفتار مورد مطالعه قرار می گیرد. رفتاری که صورت کاملاً عینی و خارجی داشته و تحت تأثیر محرک های بیرونی شکل می گیرند. واقعیت اجتماعی به عنوان حاصل جمع کنش های سنجیده کنشگران اجتماعی تعریف می شود که برای درک آنها شناسایی نیت فاعلان کنش و عقلانی بودن کنش ضروری است. (همان: ۷۷) براساس نظریه اختیار و انتخاب عاقلانه، افراد در صورتی گرایش به مشارکت پیدا می کنند که بپذیرند در شرایط جمعی و مشارکتی امکان دستیابی به فایده، تسریع و تسهیل خواهد شد در غیر این صورت ترجیح می دهند که همواره به شکل انفرادی عمل نمایند. (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۱).

۲-۲-۴-۳- پارادایم ترکیبی

در این پارادایم نظریه ساخت یابی گیدنز جای می گیرد که هم به ساخت و هم به عاملیت برای بحث مشارکت اجتماعی توجه نموده است. گائوتری در یک جمع بندی، بر ترکیبی از عوامل فردی و ساختی اشاره نموده است، مشارکت را هم باید به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله مورد توجه قرار داد و در فرآیند اجتماعی کردن و درونی کردن باید ارزشها و ایده های مربوط به مشارکت را به طور عمیق درونی و نهادی نمود. حوزه مشارکت باید به تمامی حوزه های حیات اجتماعی بسط پیدا کند. برای تحقق مشارکت هم باید اراده سیاسی دولت، اسناد قانونی و نهادهای اجتماعی متناسب وجود داشته باشد و هم باید مشارکت کنندگان شرایط لازم را داشته باشند. مشارکت باید از درون جامعه برخیزد و از بیرون می تواند مورد حمایت قرار گیرد. برای درونی ساختن مشارکت باید از بنیادها و محمل های مشارکت غیررسمی که در جوامع وجود دارند، بهره گرفت. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۹۰).

علل عدم مشارکت را عبارت از بی سودی، فقدان اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، بدبینی در خصوص کارآیی مشارکت، کمبود وقت، عدم آمادگی مسئولان دولتی برای پذیرش گفتگو با مردم و علاوه بر آن، موانع سنتی مانند ساختار مرد سالارانه، قوم گرایی شدید، دخالت زیاد دولت، ساختار طبقاتی جامعه و ... دانسته اند.

در حاشیه مباحث مشارکت اجتماعی، مسائل مربوط به سنجش مشارکت که در دو سطح ذهنی که مربوط به آمادگی روانی برای انجام عمل مشارکتی است و در سطح عینی که ابعاد رفتار و عملی مشارکت به صورت عضویت در انجمن هاست، مطرح شده اند. همچنین اظهار نظرهای متفاوتی در خصوص سازمان های غیردولتی آورده شده است.

۲-۲-۵- مشارکت و آسیب شناسی اجتماعی

توسلی می گوید هرکجا میزان مشارکت و پیوندهای اجتماعی کاهش یابد، آسیب ها و انحرافات اجتماعی رو به افزایش می گذارد (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۶) همچنین فردگرایی افراطی و دور شدن از همبستگی های درون گروهی از عوامل افزایش آسیب های اجتماعی فرض شده است. گسترش سرمایه اجتماعی در میان آحاد

جامعه می تواند راهگشای کاهش آسیب های اجتماعی از جمله خشونت در جامعه و خانواده باشد. سرمایه اجتماعی حداقل از سه منظر می تواند با کجروی، انحراف و آسیب های اجتماعی مانند خشونت ارتباط داشته باشد. این سه منظر تحت عناوین نظریه فشارساختاری، بی سازمانی اجتماعی و یادگیری اجتماعی به اختصار معرفی می شوند.

۱ - نظریه فشار اجتماعی: عواملی در جامعه برخی مردم را تحت فشار قرار می دهند و آنان را مجبور به کجروی می کنند. مرتون این فشار را ناشی از عدم توانایی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می داند. کوهن ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را مطرح می کند و کلو وارد و اهلین عدم برخورداری اشخاص از فرصت های لازم برای نیل به هدف را وارد کننده فشار بر افراد و راندن آنان به سوی کجروی می داند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴۴) طبق این نظریه فقدان تعلقات اجتماعی و همچنین کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه و نیز در درون خانواده باعث می شود که افراد هنگام روبه رو شدن با منابع فشار نتوانند بر آنها غلبه کنند، در نتیجه احساسات منفی در آنان ایجاد می شود که منجر به کجروی و نابهنجاری خواهد شد. (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۲).

۲ - نظریه بی سازمانی اجتماعی: براساس این نظریه در جوامع جدید، پدیده هایی چون تضعیف روابط خویشاوندی، کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی، تضعیف روابط همسایگی و کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فقر، افزایش بی اعتمادی و مواردی مانند اینها بروز کرده اند. در این شرایط، محیط مناسبی برای کجروی و جرم فراهم شده است. فرض نظریه بی سازمانی اجتماعی این است که عدم وابستگی به نهادها و سازمان هایی چون خانواده، مدرسه و ... موجب رفتار انحرافی می شود. (احمدی، ۱۳۹۲: ۴۳).

بی سازمانی اجتماعی چارچوبی را فراهم می کند که شبکه های اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه هستند از هم گسیخته شوند و از بین بروند. ماهیت نظریه بی سازمانی اجتماعی این است که برخی اجتماعات به دلیل اختلال در فرآیندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی، قادر به خود تنظیمی مؤثر نیستند (رسول زاده اقدام و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰).

۳ - نظریه یادگیری اجتماعی: کجروی همانند همنوایی طی فرآیندهایی یاد گرفته می شود. کج رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ ها و گروه های همسالان است. ساترلند می گوید افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد ارتباط های انحرافی آنان بیش از ارتباط های غیرانحرافی شان است. بنابراین کجروی یادگرفتنی است. در تعامل با دیگران آموخته می شود و این یادگیری معمولاً در حلقه درون گروه روی می دهد و فرد به دلیل بیشتر بودن تعاریف موافق تخلف، کج رفتار می شود. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴۸).

نظریه های کنترل اجتماعی نیز در مقابل نظریات فشار و یادگیری قرار می گیرند و علت اصلی کجروی را نبود کنترل اجتماعی فرض می کنند. افراد به طور طبیعی تمایل به کجروی دارند و اگر تحت کنترل قرار

نگیرند چنین می کنند. آنچه موجب هم نوایی می شود اعمال کنترل اجتماعی بر افراد است و ضعف در کنترل اجتماعی مصادف با کجروی است.

نظریه های انگ زنی و تضاد نیز در حد خود تحلیل های درخوری از مسأله کجروی، انحراف و آسیب ها دارند.

۲-۲-۷- خشونت

گرچه واژه خشونت^۱ از ریشه لاتینی زور^۲ گرفته شده است، اما برخی کوشیده اند خشونت را از زور متمایز کنند.

تمامی فلسفه اسپینوزا هم می تواند از همین اندیشه تمایز سرچشمه گرفته باشد زیرا می نویسد: «انسان آزاد و قوی نیروی خود را نخست از درک دنیا می گیرد و پس از آن دیگر احساس نمی کند بازیچه ای منفعل است و بدینسان دشواریها و رنجهایی که شالوده بر غم دارند را کنار می گذارند و نفرت از دیگران، ترس از مرگ و میل به انتقام جویی و اعمال خشونت را پس می راند» (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۶)

در اندیشه های اجتماعی انواع خشونت های الف: عریان، پنهان و نمادین ب: خشونت های آگاهانه، ناآگاهانه و ناخواسته و ج: روانی و جسمانی و تقسیمات دیگر در قالب نظریه های مختلفی که تاکید بر ابعاد روانی و اجتماعی مثل: ناکامی، محرومیت، یادگیری و فراگردهای اجتماعی و دیگر نظریه ها مطرح شده است، که در این تحقیق قصد پرداختن به آنها وجود ندارد. یا می توان در قالب نظریه های انحرافات اجتماعی و نظریه های مرتبط اجتماعی آن را تبیین کرد (ساخت گرایی، تضاد، کارکردگرایی، زیست شناختی و...) برای مثال در نظریه های ساختگرایی، ریشه خشونت ها در ساخت اجتماعی است. (ر-ک صادقی، ۱۳۹۵) یا در نظریه زیست شناختی برخی آسیب شناسیان اجتماعی بر این باورند که عوامل زیست شناختی مانند نقص جسمانی و وضعیت خاص ژنتیکی را باید علت کجروی اجتماعی دانست، اگرچه نظریه های زیست شناختی در رابطه با رفتار انحرافی در قرن نوزدهم توسعه یافتند، ولی به لحاظ تاریخی تحلیل های زیست شناختی در مورد جرایم صدها سال قبل نیز وجود داشته است (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۲) آنچه مسلم است این است که خشونت در جامعه بعنوان یک واقعیت وجود دارد و افزایش میزان خشونت ها، جامعه را با اخلال و سلامت اجتماعی را تهدید می کند. همانطور که بیان شد یکی از انواع خشونت ها، خشونت نمادین است که به دلیل تازگی و اهمیت آن بدان اشاره می شود پدیده ای که در جامعه جدید بیشتر با آن مواجه ایم.

خشونت نمادین یکی از واژگانی است که توسط پیر بوردیو (Pierre Bourdieu) در سال ۱۹۹۲ ابداع شده است. «خشونت نمادین، نوعی از خشونت است که با همدستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آنها

^۱- violence

^۲ vis

اعمال می‌شود و نیز کسانی که آن‌را اعمال می‌کنند، انجام می‌شود؛ زیرا هر دو گروه، نسبت به اعمال آن، آگاهی ندارند. (بوردیو، ۱۳۸۷: ۲۵) این مفهوم شباهت بسیار با مفهوم هژمونی گرامشی دارد.

۲-۲-۶-۱- دولت و خشونت نمادین

بوردیو، دولت را مکان کشمکش بر سر انحصار خشونت نمادین می‌داند؛ «خشونت نمادین به گونه‌ای غیر مستقیم و بیشتر از طریق مکانیسم‌های فرهنگی اعمال می‌شود و با صورت‌های مستقیم‌تر نظارت اجتماعی که جامعه‌شناسان غالباً بر آن‌ها تأکید دارند، متفاوت است. نظام آموزشی، نهاد عمده‌ای است که از طریق آن خشونت نمادین در مورد انسان‌ها اعمال می‌شود.

زبان، معانی و نظام نمادین افراد در رأس قدرت، بر بقیه مردم جامعه تحمیل می‌شود. این نوع خشونت جایگاه افراد در رأس قدرت را تحکیم بخشیده و عملکردهای واقعی آن‌ها را از چشم بقیه مردم پنهان می‌سازد. بوردیو نظام آموزشی را در بازتولید قدرت موجود و روابط طبقاتی بسیار دخیل می‌داند. در واقع بوردیو، خواهان رهایی مردم از دست این خشونت و به گونه‌ای کلی‌تر، از قید چیرگی طبقاتی و سیاسی، است (ریترز، ۱۳۸۰: ۷۲۵) وی معتقد است، "جامعه‌شناسی مانند تمام علوم، این وظیفه را بر عهده دارد که پرده را از چیزهای پنهان بردارد و با این کار، می‌تواند به تقلیل دادن خشونت نمادین که در روابط اجتماعی انجام می‌شود، به‌خصوص در روابط ارتباطات رسانه‌ای، کمک کند." (بوردیو، همان: ۲۵)

۲-۲-۶-۲- حذف خشونت

حذف خشونت آرمان کسانی است که خشونت را نفی می‌کنند

الف) خشونت و عدم خشونت

قبل از هر چیزی عدم خشونت وسیله‌ای است کارآمد. این وسیله می‌تواند چندین مفهوم داشته باشد: عدم خشونت می‌تواند وسیله‌ای برای گریختن از تاریخ باشد یا تبدیل شدن به نفس زیبایی که در مورد آن هگل به ما می‌گوید: «فعالیت این نفس همانا نظاره کردن بر الوهیت خود است»، نظاره کردن بر خلوص خاص خود در رویارویی با دهشتها و بیمهای تاریخ؛ خیلی زود چنان که هگل نشان می‌دهد، این آگاهی تبدیل به «آگاهی از خلا» می‌شود^۱ (فردیش هگل، ۱۸۳۱)

سپس عدم خشونت می‌تواند وسیله‌ای برای پوشاندن خشونت باشد: دیگر مخالف را سر به نیست نمی‌کنند، بلکه او را در بیمارستان روانی «معالجه» می‌کنند بالاخره، عدم خشونت می‌تواند وسیله‌ای برای مبارزه برضد خشونت باشد؛ اما به نظر می‌آید که اشکال تغییر شکل یافته خشونت را عدم خشونت می‌نامند

ج) خشونت و زبان

۱- به نظر می‌رسد که زبان و خشونت دو مقوله متناقض اند. این را پل ریکور^۲ نشان داده است.

^۱ Friedrich Hegel

^۲ Paul Ricoeur

برای موجودی که سخن می گوید، با سخن گفتن به دنبال معنی است، برای موجودی که نخستین گام را در جهت بحث و گفتگو بر می دارد و عقلانیت را کم و بیش می شناسد، خشونت به مثابه مشکل مطرح می شود و بدین سان خشونت مفهوم خود را در دیگری زبان می یابد. و متقابلاً گفتار، مذاکره و عقلانیت نیز وحدت معنی خود را از اینجا می گیرند که راهکاری برای کاهش خشونت بشمار می روند، خشونتی که سخن می گوید، خشونتی است که می خواهد حقانیت خود را ثابت کند، خشونتی است که در مدارخرد قرار می گیرد و خود را به عنوان خشونت نفی می کند. (پل ریکور، ۱۹۶۷)

۲- فراتر رفتن و در گذشتن از این بر نهاد (آنتی تز) به صورت زیر انجام می گیرد: در درجه نخست «خشونت سخن می گوید» (ریکور): همان گونه که فیلونکونشان داده است، نوشته هایی که جنگ را همراهی می کنند بی شمارند. نوشته هایی که جنگ را از نبرد ساده حیوانی، به سبب ثبت در تاریخ متمایز می کنند (رژه نمایش قدرت، اعلان جنگ و غیره)؛ و تروریسم می خواهد خشونت خبر دهنده، و حتی خشونت آموزشی باشد تا به توده های تعلیم دهد. به علاوه، هر ارتباطی شاید موجب خشونتی تشکیل دهنده شود؛ مبارزه جهت شناسایی که هگل از آن سخن می گوید، در وهله نخست مبارزه جهت شنیده شدن است، نکته ای که هر آموزگاری آن را تجربه می کند.

بالاخره، زبان می تواند تبدیل به خشونت شود؛ اما جای این خشونت کجاست؟

عده ای می گویند این خشونت را نمی توان در زبان جای داد، بلکه باید آن را در گفتمان هایی جای داد که قواعد جمعی زبان را مورد استفاده قرار دهند، زیرا «زبان بی گناه است، زبان خود سخن نمی گوید؛ بل سخن به وسیله آن جاری می شود»

عده ای دیگر می گویند اما در تمام گفتمانها بل در گفتمانهای نوشتاری: بیست و چهار سده پس از افلاطون، هانری لوفور^۲، دست به افشای تروریسم نوشتاری می زند و می گوید: «تروریسم زمانی آغاز شد که فرد مدعی هدایت مردم سنگ نوشته ای را نشان داد و گفت: «این سخنان و فرمان خداست و این است آنچه بجای مانده: الواح قانون»

برخی دیگر معتقدند که خشونت نه در نوشتارها، نه در گفتمانهای گفته یا نوشته شده بلکه در کلان گفتمانها صورت می گیرد، یعنی در گفتمانهایی درباره چگونگی گفتمان؛ زیرا کلان گفتمانها صورت می گیرد، یعنی در گفتمانهایی درباره چگونگی گفتمان؛ زیرا کلان گفتمان اغلب اوقات گفتمان قدرت است؛ کودک سخن می گوید و فردی بالغ می گوید که چگونه باید درباره آن اندیشید.

در نتیجه: در گفتمان خشونت هویدا می شود؛ در خشونت، قدرت شکل می گیرد، پس نمی توان خشونت را حذف کرد مگر با حمله به این ریشه که مدعی است در آغاز فرمان وجود دارد. (جعفری، ۱۳۸۱: ۵۸)

¹ Paul Ricoeur

² Henri Lefevre

۲-۲-۸- پژوهش های انجام شده دیگران

با عنایت به اینکه پژوهش حاضر هم به موضوع خشونت مرتبط است و هم بحث مشارکت اجتماعی را به عنوان بعدی از ابعاد سرمایه اجتماعی مدنظر قرار داده است لذا می شد در هر دو مورد ادبیات تحقیق را بررسی نمود و از تجربیات و یافته های پژوهشگران در بخش چارچوب نظری و در تدوین فرضیه ها و مقایسه یافته ها استفاده کرد، منتها باتوجه به اینکه فرض بروز و تشدید خشونت در عرصه های مختلف جامعه وجود داشت و راهکارهای کاهش خشونت بیشتر مد نظر قرار داشت، سمت و سوی کلیت پژوهش از جمله ادبیات تحقیق آن به سمت مشارکت اجتماعی سوق پیدا کرده است.

لازم به ذکر است ادبیات تحقیق در مورد آسیب های اجتماعی و به ویژه خشونت از قتل گرفته تا خشونت های زبانی در حد قابل ملاحظه ای موجود و در دسترس است. عمده پژوهش ها مربوط به خشونت علیه زنان، کودکان و کودکان کار است و به تعداد کمتری در خصوص خشونت های خیابانی، وندالیسم و نزاع های دسته جمعی کار شده است و باز هم کمتر از این در خصوص خشونت های سازمان یافته کار انجام شده دیده می شود. البته بدیهی است فراتحلیل پژوهش های مرتبط با خشونت می توانست راهگشای ارائه راه حل های جامع تر باشد.

برخی از دیگر پژوهش ها که از نظر تعداد هم کم نیستند به موضوعاتی چون سنجش میزان سرمایه اجتماعی در بین اقشار مختلف و در گستره شهر و روستا و ... پرداخته اند. از این دسته پژوهش ها در حد معمول استفاده شده است.

پژوهش هایی نیز در ارتباط با تاثیر سرمایه اجتماعی بر پیشگیری از جرم و آسیب های اجتماعی انجام شده که به علت ارتباط بیشتر با موضوع پژوهش کنونی، مواردی از آنها آورده شده است.

نهایت آنکه تقریباً تمام پژوهش هایی که مورد بررسی قرار گرفته اند، به نوعی به مسئله سرمایه اجتماعی در ارتباط با آسیب ها و جرم و به طور اخص، به مسئله مشارکت اجتماعی و نقش آن در کاهش آسیب ها، از جمله خشونت پرداخته اند.

- یافته های پژوهش چلبی و مبارکی (۱۳۸۴) با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان» حاکی از آن است که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه معنی دار معکوس وجود دارد.

- پیمایش جهانی ارزشها (wvs) بخش^۱ evs، گزارش مربوط به ایران: این پیمایش به صورت جهانی انجام شده و در برخی از کشورهای شرقی از جمله ایران نیز، به اجرا در آمده است. مدیران این پژوهش در ایران، دکتر تقی آزاد ارمکی و منصور معادل بوده اند. جامعه آماری این پیمایش ۲۵۳۲ هموطن ایرانی شامل

^۱-East Values Survey پیمایش نگرش های کشورهای شرق

۱۳۶۱ نفر مرد و ۱۱۷۱ نفر زن که ۱۴۳۵ نفر آنان متأهل و ۱۰۰۶ مجرد و بقیه مطلقه و سایر بوده اند. تا آنجا که به بحث اعتماد و اطمینان راجع است، در این تحقیق اطمینان پاسخگویان نسبت به سازمانها، نهادها و گروه های زیر یعنی: کلیسا (مذهب)، مطبوعات، اتحادیه کارگری، پلیس، پارلمان، خدمات عمومی، تلویزیون، دولت، احزاب، شرکتهای بزرگ، جنبش حفاظت از محیط زیست سازمان ملل، اکو، مورد سؤال قرار گرفته که نتایج نشان می دهد میزان اطمینان به مذهب و نهادهای مذهبی، بیشتر از دیگر سازمان ها است. ۹۴/۱ درصد، خانواده را خیلی مهم دانسته اند. از دید پاسخگویان مذهب، کار و خدمت به دیگران به ترتیب با ۷۸/۹ درصد، ۷۷/۳ درصد و ۶۱ درصد دارای اهمیت بالایی بوده اند. نزدیک به ۵۴ درصد از پاسخگویان در حد خیلی زیاد و تا حدی، علاقمند به مشارکت در فعالیتهای سیاسی اند (آزاد ارمکی و معدل). بخش پیمایش نگرشهای کشورهای شرقی (EVS).

- عبدی و شرافتی پور (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» بر نقش و تأثیر سیاست ها و برنامه های اجتماع محور در کاهش جرم پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که برای پیشبرد پیشگیری اجتماعی از جرم، تعیین چارچوبی برای سهیم شدن همه شهروندان در پیشگیری و هماهنگی بین بخش های خصوصی و عمومی ضروری است (نقل شده در: حق نظری و شایگان، ۱۳۹۵: ۳۸).

- صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۸۸) در پایان نامه دوره دکتری خود با عنوان سنجش اعتماد اجتماعی و بررسی عوامل موثر بر آن در مراکز شهرستان های استان چهار محال و بختیاری میزان انواع اعتماد اجتماعی را سنجش و متغیر های: ارزش های اجتماعی، نابرابری اجتماعی، را بر آموثر دانسته است.

- امینی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد، با تأکید بر سرمایه اجتماعی» انجام داده اند که نتایج آن بیانگر این است که بین میزان سرمایه اجتماعی افراد و اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین میزان مشارکت اجتماعی افراد و اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. (نقل شده در: گرجی گرسامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰).

- غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی: روستاهای بخش فارسان)، از منظر جغرافیای جنسیت به این بررسی پرداخته اند و در بیانی کلی ضمن اشاره به معنادار بودن رابطه بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی و میزان مشارکت زنان و دختران روستایی اشاره می کند که عامل افزایش سواد بر مشارکت زنان روستایی در امر توسعه مؤثر بوده است، همچنین بین وضعیت یا موقعیت شغلی، افزایش درآمد، آگاهی زنان از مشارکت و تمایل دختران و زنان روستایی با میزان مشارکت زنان روستایی رابطه معنا داری وجود دارد و بین سطح درون گرا بودن روستاییان و کاهش مشارکت نیز این معناداری مشاهده می شود و عمده ترین عامل تأمین مشارکت، آگاهی و علاقه زنان و دختران و حاکمیت فرهنگ وهم یاری در جامعه است.

- کریمی نورالدین وند (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم» ضمن بحث از جایگاه و اهمیت سرمایه اجتماعی در پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی از جرم، به این نتیجه رسیده است که نقش سرمایه اجتماعی در خانواده، مدرسه و در زمینه ترک تحصیل، رفاه اجتماعی، مسائل زنان و ... قابل ملاحظه است. او همچنین سرمایه اجتماعی را در حاشیه نشین ها، محله ها و فضاهای عمومی مورد توجه قرار داده است.

- جهانگیری رسا (۱۳۹۰) در پایان نامه خود با عنوان «مبانی و جلوه های مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم» که در دانشگاه تهران انجام شده است به این نتیجه رسیده است که استفاده از مشارکت های مردمی در پیشگیری از جرم در واحدهای کوچک مقیاس جغرافیایی مانند سطح محله های شهری می تواند به اجرا درآید و تأثیر ماندگاری در پیشگیری اجتماعی از جرم داشته باشد.

- یافته های پژوهش بوستانی (۱۳۹۱) که با عنوان «سرمایه اجتماعی و رفتار پرخطر، نمونه مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر کرمان» انجام شده حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی نقش محوری در کاهش بروز رفتارهای پرخطر دانش آموزان دارد.

- محمودی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیرحاشیه نشین شهر شیراز» به بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی در دو منطقه مذکور پرداخته اند. یافته های تحقیق آنان نشان می دهد که سرمایه اجتماعی نزد حاشیه نشین ها کمتر بوده است.

- عنایت و همکاران (۱۳۹۱) طی پژوهشی به رابطه بین سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان پرداخته اند. در این پژوهش نظریه های سرمایه اجتماعی از کلمن تا پاتنام به عنوان اولین نظریه پردازان این مفهوم تا نظریه های جدیدتر بررسی شده اند. در قسمت پیمایشی پژوهش، پرسشگری از ۳۰۶ نفر زنان متأهل شهرستان کهگیلویه مدنظر قرار گرفته است و طی یک تحقیق توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیده اند که سرمایه اجتماعی و شاخص های آن، نقش مؤثر و تعیین کننده ای در خشونت علیه زنان در چارچوب خانواده ها دارد.

- آقاعلیان دستجردی (۱۳۹۲) طی مقاله خود، در قالب پایان نامه اش «تأثیر سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم» را مدنظر قرار داده است. این پژوهش توجه بیشتری به جنبه های نظری نموده است منتها تمرکز بیشترش روی تبیین های مرتبط با علل وقوع جرم در جامعه بوده است. دیدگاه های مختلف زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی را به بحث گذارده و بیان نموده که از دیدگاه جامعه شناختی، ساختارهای اجتماعی نابرابر، کاهش سطح همبستگی هنجاری، نبود و کمبود حمایت اجتماعی و به ویژه کاهش سرمایه اجتماعی را بایستی در ارتباط با وقوع جرم مورد تحلیل قرار داد.

- نادری و همکاران (۱۳۹۲) در قالب یک پژوهش پیمایشی موضوع «حس تعلق محله ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی» را مورد توجه قرار داده اند. با ابزار پرسشنامه و پرسشگری از ۱۲۰ نفر اهالی محله نعمت

آباد پژوهش توصیفی تحلیلی را انجام داده اند. یافته اصلی تحقیق این بوده که بین حس تعلق محله ای و آمادگی برای مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. این پژوهش از این جهت که نه موضوع مشارکت، بلکه آمادگی برای مشارکت را مورد عنایت قرار داده است نوع نگاه متفاوتی به مشارکت اجتماعی داشته است و در ضمن از تحلیل کاهش گرایانه به روانشناسی نیز اجتناب نموده است.

- درگیری های اجتماعی بین بهره برداران از مراتع منجر به آن شده که این موضوع به عنوان یک مسأله اجتماعی مورد توجه قربانی و همکاران (۱۳۹۴) قرار گیرد. این پژوهشگران روابط اجتماعی بین بهره برداران مراتع را با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی و با تأکید بر اعتماد و مشارکت (به عنوان ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی) مورد تحلیل قرار داده اند. آنها آورده اند که قرار گرفتن بیش از نیمی از بهره برداران در پیرامون شبکه و سرعت پایین گردش اعتماد و مشارکت اجتماعی و همچنین عدم یگانگی در بین افراد، از چالش های عمده در سازماندهی مدیریت مشارکتی در مراتع است. پژوهشگران با توجه به یافته های پژوهش خود ذکر کرده اند که در این سامان عرفی، تقویت اعتماد و همکاری بین بهره برداران، سرمایه اجتماعی را افزایش خواهد داد و پس از آن می توان انتظار داشت به دنبال افزایش سرمایه اجتماعی، درگیری و تنش های اجتماعی در بین بهره برداران، کاهش یافته و توانمند سازی اجتماعی ارتقا یابد.

- مرادی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش سرمایه اجتماعی به گرایش نوجوانان و جوانان شهر یاسوج به اعتیاد به مواد مخدر» انجام داده اند. از یافته های این پژوهش پیمایشی آن بوده که بین سرمایه اجتماعی والدین، دینداری و ... و گرایش به اعتیاد رابطه معکوس وجود دارد.

- بروین و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد شهرداری تهران و نقش مشارکت اجتماعی در حوزه ی مدیریت آسیب های اجتماعی شهری» و از طریق جمع آوری اطلاعات به شیوه مطالعه اسنادی و مصاحبه با صاحب نظران و کارشناسان حوزه مدیریت آسیب های اجتماعی شهری، موضوع مشارکت اجتماعی را مورد توجه قرار داده اند. نتایج مطالعه نشان می دهد که مشارکت اجتماعی در حوزه های مختلف شهری، به ویژه در حوزه آسیب های اجتماعی با ابهامات، چالش ها و موانع عدیده ای روبروست که بخشی از آن مربوط به تداخل وظایف سازمان های مرتبط با آسیب هاست و بخشی دیگر تحت ساختار جامعه است. (نقل شده در: شبانی و باقری بنجار: ۱۳۹۶).

- «نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری از جرم» موضوع پژوهش حق نظری و شایگان (۱۳۹۵) بوده است. در این پژوهش چهار فرضیه در خصوص تأثیر مشارکت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نهادهای مردمی بر پیشگیری از جرم مطرح شده است. روش پژوهش، پیمایشی و ابزار پرسشنامه محقق ساخته بوده و با یک نمونه ۱۸۰ نفری از کارکنان و کارشناسان اجتماعی، قضایی و انتظامی پلیس و مدیران و کارکنان سازمان های مردم نهاد انجام شده است. یافته های تحقیق نشان داده که مشارکت های مختلف در پیشگیری از جرائم نقش داشته و در این بین مشارکت اجتماعی، از تأثیرگذارترین عوامل بوده است. مشخص شده به

هر میزان که سمن ها در پیشگیری از جرم مشارکت کنند فرهنگ مشارکت در پیشگیری از جرم در جامعه رواج بیشتری می یابد.

- حضرتی صومعه و رحیمی (۱۳۹۶) به موضوع «بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان شهر تهران» پرداخته اند. در بخش نظری پژوهش نظریات کلمن، پاتنام، فوکویاما، گلنبر و ... مورد بحث واقع شده اند. در بخش کار میدانی، پیمایشی طراحی شده و با پرسشنامه محقق ساخته، از ۴۰۰ نفر شهروند بالای ۱۸ سال تهرانی پرسشگری بعمل آمده است. عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شامل عوامل فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرض شده است. از جمله یافته های جالب توجه این پژوهش آن بوده که مشارکت اجتماعی غیر رسمی در چارچوب مشارکت اجتماعی محله ای، فقط در سطح ساختمان محل سکونت افراد معنی پیدا می کرده است و این امر مربوط به گسترش روحیه فردگرایی در جامعه کنونی ایران دانسته شده است.

- عامری (۱۳۹۶) به مسأله مشارکت اجتماعی زنان در مقابله با ناهنجاری های محله ای توجه کرده است. وی وضعیت زندگی ساکنان برج های نواب و اطراف آن را مورد مطالعه قرار داده است. این پژوهش از نوع کیفی بوده و به روش نظریه مبنایی و از طریق مصاحبه عمیق با ۳۰ نفر افراد بالای ۲۵ سال انجام شده است. مطابق یافته های این پژوهش، زنان محله مشارکت خود را بی نتیجه یا همراه با نتایج کوتاه مدت در بهبود وضعیت محله دانسته اند. آنها معتقد بوده اند که آسیب ها و ناهنجاری های محله، نوع جدیدی از نظم را در محله شکل داده اند.

- علیزاده اقدم و همکاران (۱۳۹۶) به موضوع مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در ارتباط با قوم گرایی پرداخته اند. آنها طی پیمایش انجام شده در تبریز و بین جوانان ۱۸ تا ۲۱ ساله (شامل ۳۸۴ نفر) و با ابزار پرسشنامه، میزان قوم گرایی را اندازه گرفته اند و در ارتباط با موضوع تحقیق به این نتیجه رسیده اند که میزان قوم گرایی در حد متوسط بوده است و میزان آن در بین مردان به طور معنی داری بیش از زنان بوده است. تحلیل مسیر نشان داده که متغیر اعتماد نهادی از طریق متغیرهای انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به شکل معنی داری بر قوم گرایی جوانان تأثیر داشته اند. یافته نهایی آن بوده که سرمایه اجتماعی را می توان به عنوان یکی از متغیرهای مهم تعدیل کننده قوم گرایی در نظر گرفت.

- صرامی و بقایی سرابی (۱۳۹۷) علاقه مندی خود را به موضوع ارتباط بین مشارکت اجتماعی و کاهش تقاضای مواد مخدر نشان داده و این موضوع را به مطالعه گرفته اند. این مطالعه که بیشتر حول نظریه ها و به نوعی مطالعه مروری روی موضوع است به طور نسبتاً مفصل در خصوص مشارکت اجتماعی، انواع مشارکت، معیارهای مختلف و طرح نظریه های مشارکت مطالبی آورده شده است. رویکرد اجتماع محور در کاهش تقاضای مواد مخدر برجسته تر مطرح شده است و این روش، مردمی و محله محور دانسته شده است و این که جوهره اصلی این رویکرد، مشارکت جویانه است و گروه های ذی نفع را از طریق بحث و گفتگو در متن زندگی و محل سکونت افراد درگیر می کند. اشاره شده که مشارکت باید در مراحل طراحی برنامه، تصویب

آن و بالاخره اجرا و نهایتاً ارزیابی آن فعالانه باشد. در قسمت پیشنهادات به نقش سمن ها و همچنین نقش مهم تر پیشگیری نسبت به درمان عنایت شده است و بر ضرورت تغییر سیاست ها از تجویزی دولتی به سمت سیاست های مشارکتی و واگذاری تدریجی امور به مردم و سازمان های مردم نهاد تأکید شده است.

- ناصر پیرسرائی و همکاران (۱۳۹۷) رابطه سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم را به عنوان موضوع پژوهش خود برگزیده اند. آنها در یک پژوهش پیمایشی، از ۳۸۲ نفر نمونه پژوهشی با ابزار پرسشنامه پرسشگری کرده و اطلاعات لازم را جمع آوری کرده اند. نوع پژوهش توصیفی و تحلیلی بوده است و یافته اساسی پژوهش این بوده که رابطه مستقیم بین سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم وجود دارد. تقویت نهادهای مردمی و مدنی راهکاری اساسی دانسته شده است. این پژوهش در بُعد نظری مدعی است از تأکید صرف بر مؤلفه های زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی فراتر رفته و بر پیشگیری رشد مدار تأکید کرده است و آن را در ترکیب با رویکردهای جامعه محور، مناسب ترین انتخاب نظری دانسته است.

- زارعی (۱۳۹۷) عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی در بین جوانان شهر همدان که شامل ۳۸۲ نفر نمونه بوده است به عنوان موضوع برگزیده است. از پرسشنامه استاندارد سنجش پرخاشگری استفاده کرده است. یافته ها نشان داده رابطه معنی داری بین تأهل، قومیت، تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به هدف های مرسوم جامعه، تعهد به درگیر بودن در فعالیت های روزمره و تعهد به ارزش های اجتماعی با متغیر وابسته نزاع و خشونت بین فردی وجود دارد.

- رسول زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه ای با عنوان «مطالعه جامعه شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با کجروی فرهنگی» که طی یک تحقیق پیمایشی و با پرسشگری از ۳۶۶ نفر دانشجوی کارشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان انجام شده است به این یافته ها دست پیدا کرده اند که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) با کجروی فرهنگی رابطه معنی دار معکوس وجود دارد. بیان شده که سه متغیر سرمایه اجتماعی توانسته اند ۳۰ درصد از تغییرات کجروی فرهنگی را تبیین کنند. از محاسن این پژوهش، توجه به مبانی نظری پژوهش و طرح نظریه های جامعه شناختی موجود در این زمینه می باشد.

- صداقت زادگان و همکاران (۱۳۹۷) با هدف بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و فردی در بین جوانان شهر ایلام، ۳۸۲ نفر را به عنوان نمونه انتخاب کرده و اطلاعات را از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری نموده اند. میزان اعتماد اجتماعی بالاتر از سطح متوسط قرار داشته و همچنین مشخص شده که بین اعتماد اجتماعی و نزاع فردی جوانان رابطه معناداری وجود دارد بدین معنا که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی به نهادها، میزان نزاع و درگیری ها کاهش می یابد.

- فعلی و همکاران (۱۳۹۷) در بین حاشیه نشین ها میزان سرمایه اجتماعی را اندازه گیری کرده و تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی در محلات حاشیه نشین ساری را بررسی کرده اند. روش تحقیق آنان پیمایشی با ۳۸۴ نفر نمونه بوده و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه سرمایه اجتماعی و پرسشنامه امنیت

اجتماعی بوده است. یافته اصلی این پژوهش، تأیید رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن از یک سو و امنیت اجتماعی در بین شهروندان محلات ساری از سوی دیگر بوده است. متغیرهای مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی از بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت اجتماعی داشته اند.

- گرجی گرسامی و همکاران (۱۳۹۷) به «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در پیشگیری از اعتیاد» پرداخته اند. پژوهش آنان از نوع پیمایشی بوده و داده ها از طریق پرسشگری از یک نمونه ۳۸۴ نفری به دست آمده است. دو پرسشنامه سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در پیشگیری از اعتیاد استفاده شده است. نتیجه آزمون فرضیه ها به طور کلی نشان داده که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) و مشارکت شهروندان در پیشگیری از اعتیاد رابطه معنی دار وجود دارد. در این پژوهش به توضیح مفاهیم و نظریه ها تا حدی توجه شده است.

- شیانی و باقری بنجار () به موضوع «نقش مشارکت شهروندان در کاهش آسیب های اجتماعی شهری» توجه داشته اند. در این کار پژوهشی، توجه عمده به مفاهیم و نظریه های مرتبط با مشارکت بوده است و از نظر روش، پژوهشی کتابخانه ای و از نوع مروری بوده است. همچنین به برخی کارهای انجام شده نیز اشاره شده است.

- اسپرینگر و همکاران (۲۰۰۱) به بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی دریافت شده از سوی والدین و انسجام اجتماعی در مدرسه با انجام رفتارهای پرخطر پرداخته اند که نتایج این پژوهش نشان داده، دانش آموزانی که حمایت اجتماعی کمتری از سوی والدین خود دریافت کرده اند احتمال بیشتری برای ارتکاب رفتارهای پرخطر داشته اند. دانش آموزان با داشتن انسجام اجتماعی کمتر، به احتمال بیشتر دارای افکار خودکشی بوده و الکل مصرف می کرده اند. (نقل شده در: گرجی گرسامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱)

- یو زو او (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و رضایت همراه با کنترل جرم و انحراف در جامعه شهری چین» و با استفاده از دیدگاه کنش متقابل نمادین به بررسی بافت جامعه شهری چین پرداخته است. در این تحقیق نشان داده شده که افزایش در سه بُعد از سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، پیوند اجتماعی و انسجام اجتماعی) با کنترل جرم و انحراف در میان ساکنان شهری چین همراه بوده است. مشخص شده که اعتماد خود موجب انسجام اجتماعی همسایگان در محله و دارای جهتی مثبت در رضایت همراه با کنترل جرم و انحراف بوده است. یافته های تحقیق حاکی از آن بوده که نظریه کنش متقابل نمادی می تواند پدیده اعتماد اجتماعی را در رابطه با کنترل جرم توضیح دهد.

- نیکال و چانگ (۲۰۰۵) در پژوهش خود براساس نظریه سرمایه اجتماعی به تحلیل سرمایه اجتماعی خانواده و مدرسه پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که سرمایه اجتماعی خانواده و مدرسه منجر به تقویت کنترل اجتماعی شده و انطباق جوانان با هنجارها و فرصت های مشروع را بیشتر می کند و محرومیت از سرمایه اجتماعی خانواده و مدرسه احتمال روی آوردن جوانان به خشونت را افزایش می دهد.

۲-۲-۷- چارچوب نظری تحقیق

همانطور که قبلاً نیز اشاره گردید با توجه به این که اکثریت مسائل و پدیده های اجتماعی مسائل میان رشته ای و چند بعدی هستند و مشارکت اجتماعی نیز از این امر مستثنی نیست، لذا تئوریه‌ها و نظریه های ارائه شده هر کدام از زاویه ای به بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع پرداخته اند و نمی توان ادعا نمود که یک مدل نظری کامل و جامع از مشارکت اجتماعی به دست می آید اما می توان یک مدل نسبتاً خوب و مناسب ارائه نمود. تئوریه‌های ارائه شده بیشتر از دو جنبه روانشناختی و جامعه شناختی به تبیین مساله پرداختند. گرچه تبیین روانشناختی مورد نظر نیست ولی از جمع بندی کلی تئوریه‌هایی که رویکرد روانشناختی در زمینه مشارکت دارند می توان نتیجه گرفت که عوامل فردی و روانی از جمله تفاوت محیطی، تفاوت شخصیتی نگرش نسبت به زندگی و رضایت از زندگی، انگیزه های ارزشمندی چون هدف، پاداش، واکنش دیگران مهم نسبت به عمل مشارکت، موجب بودن مشارکت، اطمینان از تاثیر مشارکت در تصمیمات، انگیزه هایی چون انگیزه کسب موفقیت، وابستگی به دیگران، اعمال قدرت به دیگران در مشارکت فرد موثرند. جان کلام نظریه های روانشناسی به سودمندی فردی مشارکت از منظر پاداش و هزینه- فایده می باشد.

- از منظر نظریه های جامعه شناسی، مشارکت در دیدگاههای مختلفی چون ساختی- کارکردی، تضاد، کنش و ... مورد توجه قرار می گیرد. در دیدگاه ساختی- کارکردی مسائلی چون انسجام و اعتماد اجتماعی، تعادل و عدم تعادل در نظام اجتماعی، وضع شرایط مشارکت کنندگان در ساختار اجتماعی، ساختار خانواده، تمایلات افراد در طی جریان جامعه پذیری، در مشارکت مهم و اثرگذار هستند. از منظر رابطه انسجام اجتماعی و مشارکت دیدگاههای مختلفی چون دورکیم، دوتوکویل، پارسونز مطرح شدند. دورکیم بر وجود گروههای حرفه ای و واسطه به عنوان کانالهایی که روابط صحیح فرد و دولت را تنظیم می کند و موجب همبستگی می شود تاکید میکند، دوتوکویل بر تاثیر متقابل مشارکت عمومی و سرمایه اجتماعی اشاره دارد و سرانجام پارسونز مشارکت را در طی شکل گیری نظام شخصیتی عنوان می کند. در رابطه اعتماد و مشارکت نظریه پردازانی چون گیدنز، رابرت پوتنام، اینگلمارت و فوکویاما، آلموند، مور، هانتینگتون و ... مطرح شدند که اکثریت آنها اعتماد را پایه اساسی نظم اجتماعی و پیش شرط رفتار تعاونی، شرط تشکیل روابط ثانویه در جامعه و به وجود آمدن احساس تعلق به دیگران و شکل گیری مشارکت می دانند.

از منظر رابطه ساختار خانواده و مشارکت نظریه پردازانی چون مک کابی و مارتین، آلموندوپاول، بومریند، بلدوین، ... مطرح شدند که اساس تئوری همه آنها بر این است که نوع و شیوه تربیتی والدین، تاثیر شگرفی در مشارکت افراد دارد. در خانواده هایی که نوع تربیت اقناع گرایانه، دموکراتیک، موثق می باشد و فرزندان تجربه مشارکت و تصمیم گیری در خانواده را دارند، در آینده مشارکت بیشتری در فرایندهای اجتماعی خواهند داشت.

- در رویکرد نوسازی به مشارکت به عنوان ابزاری توجیه می شود که از طریق آن می توان به توسعه رسید، نظریه پردازانی چون راجرز، اینکلس، لیپست، لرنر، آلموندوپاول ... به این مساله پرداخته اند جان کلام نظریه آنها این است که تغییر در نظام تمایلات افراد در طی فرایند جامعه پذیری و ویژگیهای چون مسئولیت پذیری، عام گرایی، خوداتکایی، بسط اخلاق مسئولیت و متغیرهایی چون سواد، استفاده از رسانه های جمعی،

منزلت اجتماعی و طبقه اجتماعی، شهرنشینی، زمینه بروز مشکلات بیشتر را فراهم می کند. در این رویکرد براساس نظریه زیمل، افراد بر اثر شهرنشینی، دچار نوعی بی تفاوتی نسبت به همدیگر می شوند.

- در رویکرد تضاد بر نابرابریها و طبقات اجتماعی، نقش نظامهای استعماری بر میزان مشارکت تاکید می شود. نظریه پردازانی چون آلموندوپاول، کوئن، وربای ونای، اکسلرد و به این امر توجه نموده اند و نقش طبقات اجتماعی، رفاه، تحصیلات، درآمد بالاتر، رتبه شغلی بالاتر را در مشارکت بیشتر فرد مورد توجه قرار داده اند.

- در رویکرد کنش، مشارکت در قالب کنش و تفسیر کنش تعریف می شود «ماکس وبر بر کنش معطوف به هدف توجه می نماید، آیزن و فیش باین به کنش موجه و قصد و نیت فرد در کنش و نقش آن در مشارکت تاکید می کنند. در نظریه کنش، مشارکت به عنوان یک کنش در بستری از هنجارها، ارزش ها و نگرش ها شکل می گیرد. (ر-ک عضدانلو، ۱۳۸۴: ۶۳۸)

- در سایر نظریه پردازی در حوزه مطالعات اجتماعی به نقش حمایت اجتماعی (حمایت دولت، خانواده، دوستان و ...) (نظریه کاپلان) در مشارکت، همچنین نگرشها و اولویت نخبگان سیاسی و وضع گروهها و انجمن ها و نهادهای واسط در جامعه در مشارکت (ساموئل هانتینگتون)، تفاوت در شخصیت و شرایط مؤثر بر آن و اثر شخصیت خلاق در مشارکت بیشتر (هیگن)، ترجیح منافع عینی بر هزینه ها در ترغیب فرد به مشارکت (جورج هومنز) پرداخته شده است.

در نهایت نظریه ی بیگانگی اجتماعی به مؤلفه هایی چون بی قدرتی، بی معنایی و بی هنجاری در عدم مشارکت فرد توجه می نماید. در مجموع دیدگاه های جامعه شناختی به مؤلفه ها، ساختارها، شرایط اجتماعی، فرایند جامعه پذیری، شرایط شکل گیری کنش، نابرابری های طبقاتی در فرایند مشارکت تاکید می نماید.

در باب منش اجتماعی ایرانیان مطالب زیاد و ضد و نقیضی عرضه شده است. عده ای بر فردگرا، غیر مشارکتی بودن و قبیله گرایی، و برخی بر جمع گرا بودن با ذکر مصادیقی برای آن مانند نظام های بهره برداری جمعی و توصیه به تعاون و مشورت اشاره کرده اند و بعضی در یک موضع گیری بینابین گفته اند ایرانیان در حیطه رسمی همه چیز را در اختیار قوه قهریه حاکمیت ها گذاشته اند ولی در حیطه های غیررسمی مانند حیطه های خانوادگی، مذهبی، محلی و امثال اینها مشارکت فعال داشته اند. (غفاری و نیازی، ۲۰۷: ۱۳۸۶). در واقع عرصه عمومی ناامن، و عرصه خصوصی امن انگاشته می شده است.

می توان گفت در شرایط کنونی ایران، غلبه فردگرایی بر جمع گرایی و تقدم منافع فردی بر مصالح جمعی قابل مشاهده است. از سویی با اتکا یافته های پژوهشی از جمله پژوهش رفیع پور در زمینه تغییر در ارزش ها می توان گفت یک دگردیسی در ارزشها به صورت کم رنگ شدن ارزش های غیرمادی و غلبه ارزش های مادی در دهه ۱۳۷۰ به بعد اتفاق افتاده است. تغییری که پیامدهایی چون فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد اجتماعی و تخریب هایی در ساختار اجتماعی را به همراه داشته است. (رجوع به رفیع پور، ۱۳۷۸).

با این وصف، تشدید فردگرایی با تقدم ارزش های مادی همراه شده است. کنشگران چه در بعد فردی و چه در قالب های گروهی به سمت تامین منافع خود و به حداکثر رساندن سود مادی حرکت کرده اند، و البته

این خود از اصلی ترین موانع جلب مشارکت اجتماعی در تمام زمینه ها از جمله پیشگیری از آسیبها و کنترل خشونت است.

تا اینجا، نظریه مبادله، به ویژه دیدگاه هومنز مبنی بر حسابگری و محاسبه سود و زیان از طرف کنشگر می تواند این قسم از وضعیت جامعه را توضیح دهد. بدیهی است راه حل افزایش مشارکت در چنین شرایطی باز هم جنبه فردی دارد. هومنز خود توجه به الگوهای ترغیب را عرضه کرده است.

موانع ساختاری مشارکت اجتماعی نیز فراوان هستند و دیدگاه های متفاوت، هریک می توانند بخشی از ساختارها را در ارتباط با عدم مشارکت اجتماعی تبیین کنند. تلفیقی که جیمز کلمن از نقش کنشگر به عنوان فرد عاقل دنبال سود با کنشگری که در قالب هنجارها و ارزش ها و تکالیف الزام آوز، و یا به تعبیر فراتر، در قالب ساختارهای اجتماعی عمل می کند، به دست داده است، و هم چنین دیدگاه تلفیقی گیدنز در باره عاملیت و ساختار و توجه به پیوند خرد و کلان می تواند آغازگر تحلیل وضعیت مشارکت اجتماعی در جامعه کنونی ایران باشد. گذشته از این دو دیدگاه، نظریه تضاد نیز که بر وجود نابرابری و فاصله طبقاتی و از هم گسیختگی ارتباط بین اقشار و طبقات اشاره می کند می تواند بخشی از موانع مشارکت را توضیح دهد.

از آنجایی که تغییرات بنیادی در ساختارها آسان نیست، می توان در چارچوب نظم موجود، اصلاحاتی در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جهت افزایش مشارکت و تلاش برای کاهش آسیب ها انجام داد به طور مثال تشکیل انجمن های غیردولتی و تشکل های صنفی می تواند در مواردی کارساز باشد، زیرا چنین فعالیت هایی، حرکت به سمت افزایش سرمایه اجتماعی و لذا تقویت اعتماد اجتماعی و راهگشای جلب مشارکت اجتماعی است.

از مجموعه مباحث دیدگاه کنش متقابل نمادی در خصوص فرایند کنش می توان آن قسم از تحلیل را که به نامادی شدن برخی از کنش های اجتماعی و افزایش کجروی ها پرداخته، مورد استفاده قرار داد. در مواردی عدم آگاهی راستین کنشگران و واگذاشتن وجه اساسی کنش متقابل یعنی تفسیرگری انسان، کنشگران را از عرصه مشارکت اجتماعی دور می کند و به ورطه آسیب هایی چون اعمال خشونت علیه دیگران می کشاند.

کلمن و برخی صاحب نظران دیگر به نقش خانواده و گروه خویشاوندی، مشارکت، اعتماد و ارزش ها به عنوان منابع سرمایه اجتماعی و تأثیری که نهاد خانواده و والدین در بازتولید اندیشه های همکاری و مشارکت در امور اجتماعی دارند، توجه کرده اند، نیز می تواند مسیرهایی را برای جلب مشارکت مردمی پیش پای نهند. البته صاحب نظرانی مانند فوکویاما آسیب محدود شدن به دایره خانواده و گروه خویشاوندی و احتمال شکل گیری گروه خودی در مقابل گروه بیگانه مطرح نموده اند که در این صورت هر دو می تواند موجب بی اعتمادی و فرسایش سرمایه اجتماعی شوند. در نظریه فیش باین و آیزن و اینگلهارت و نظریه های مربوط به نگرش، نگرش بعنوان منبعی برای کنش مطرح است. انسانها نسبت به چیزی که نگرش مثبت داشته باشند بیشتر ترغیب به کنش می شوند. از این رو اگر برای مشارکت و مشارکت کنندگان و فعالان در کاهش خشونت، ارزش قایل باشند و نگرش مثبت داشته باشند، لذا بیشتر مشارکت می کنند.

در همین ارتباط، برخی تقویت هویت های مادون ملی همچون هویت قومی را موجب شکنندگی ساختار اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی می دانند، با این حال قوم گرایی هم اگر راه افراط نرود می تواند محمولی برای مشارکت بیشتر اجتماعی از مسیر پیوندهای قومی باشد.

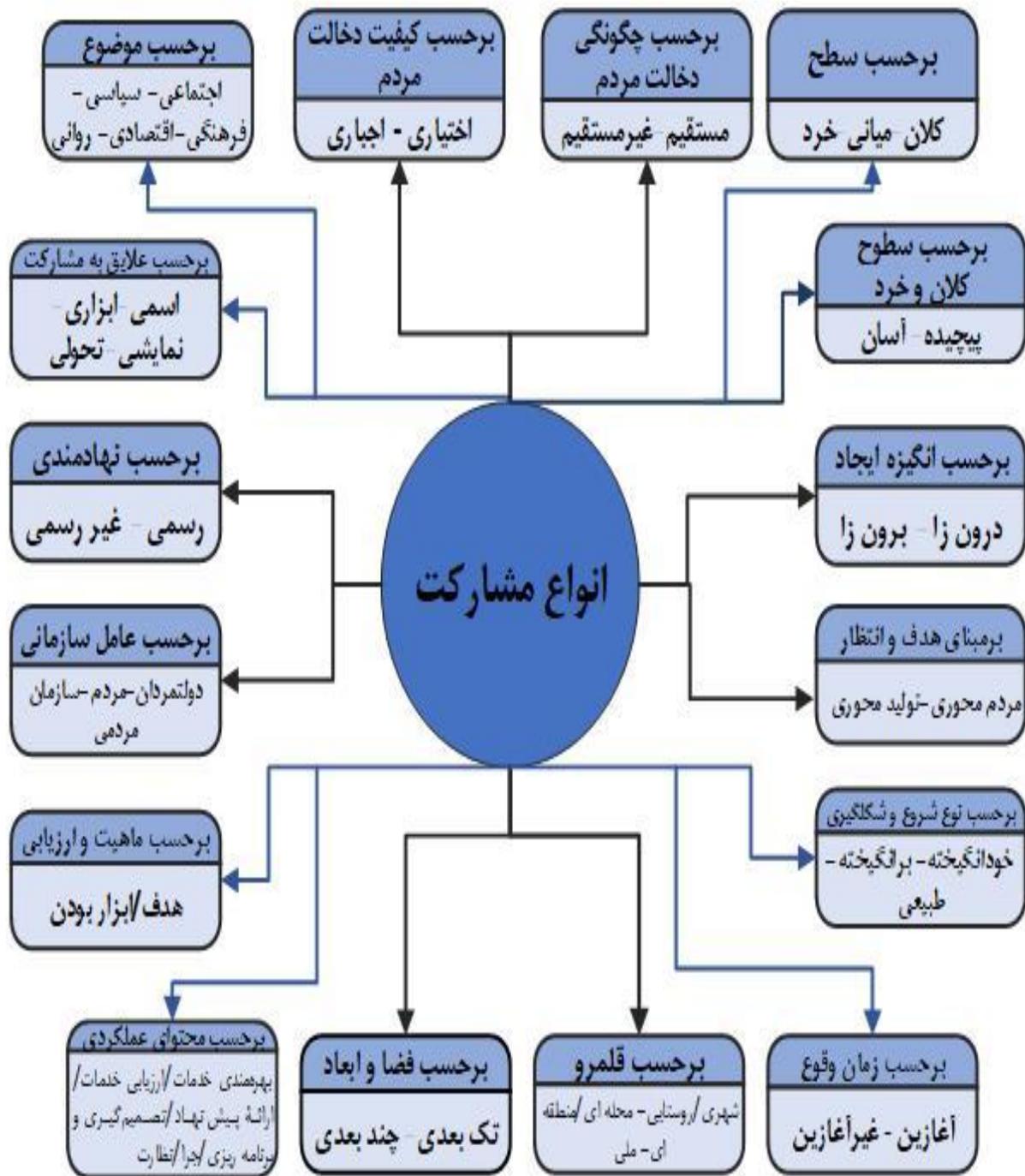
بررسی پاتنام در مورد استفاده از سنت های قدرتمند مشارکت و ساختن الگوهای فرهنگی از همکاری های موفقیت آمیز گذشته می تواند مورد توجه قرار گیرد. سابقه ی موجود در کارهای مشارکتی عام المنفعه، بهره برداری های دسته جمعی در بین کشاورزان و دامداران، خیریه ها، قرض الحسنه های فامیلی و بین همکاران در ادارات، نمونه های موفق از یاریگری و مشارکت اجتماعی هستند که می شود از آنها الگوهای فرهنگی مشارکت ارائه کرد.

از مجموعه مباحث فوکویاما عنایت وی به هنجارهای برون زاد مانند دین و فرهنگ به عنوان سرچشمه های سرمایه اجتماعی نیز می تواند برای جلب مشارکت مورد ملاحظه قرار گیرند.

همچنین بحث از تفاوت سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکههای اجتماعی و تاثیر آنها بر مشارکت، می تواند ما را به سمت تعبیه فرضیه ای مبنی بر تفاوت میزان مشارکت با توجه به ساختار های منطقه و محله رهنمون کند تا بر این اساس بتوان راه حل های متنوع و درعین حال کار سازی برای جلب مشارکت شهروندان در مناطق مختلف، ارائه نمود.

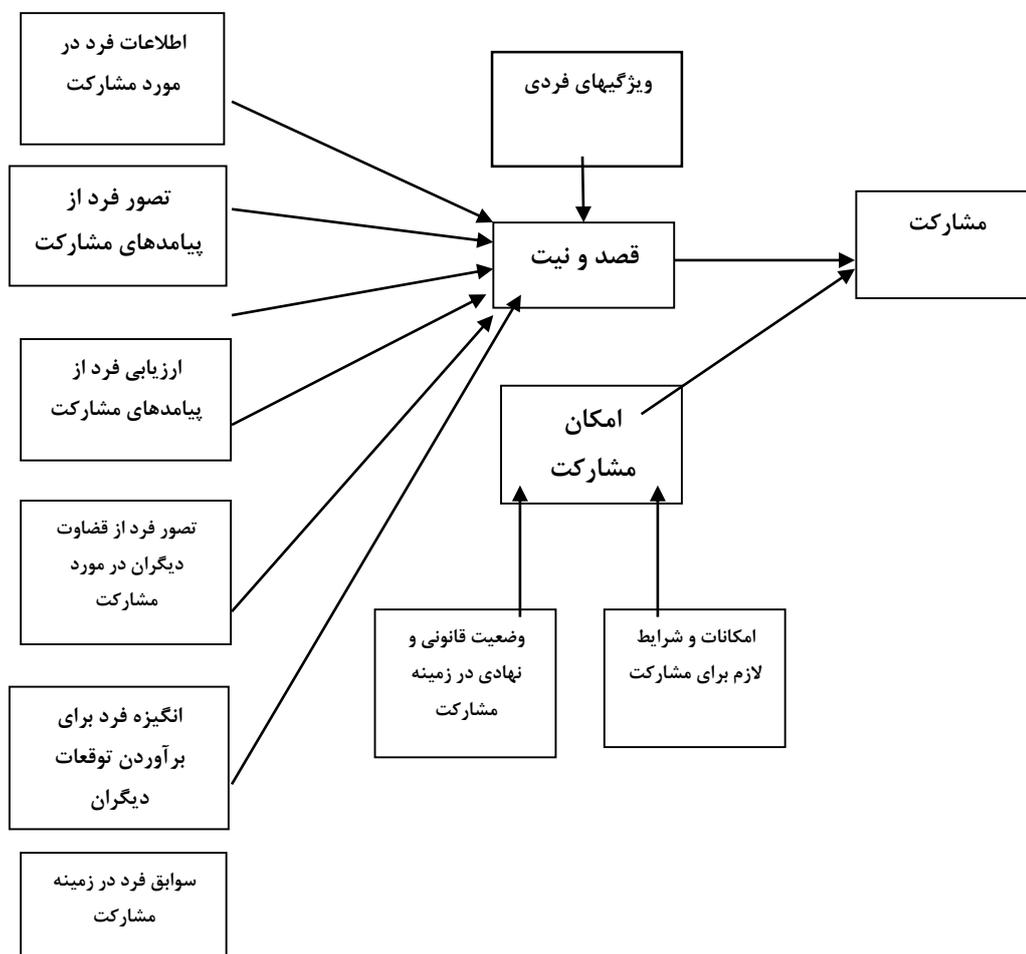
از نظریه کلان پارسونز می توان یک مدل نظری جامع ارائه داد چرا که هم به کنشگر وهم به ساخت هنجاری و ارزشی جامعه و فرهنگ، وهم به سیاست و اقتصاد توجه نموده است. خرده نظام شخصیتی برای تبیین وضعیت کنشگر در رابطه با نظام کلان اجتماعی و خرده نظام فرهنگی با عنوان منبع اصلی اطلاعات و درعین حال نگهدارنده الگوهای فرهنگی و ارائه دهنده ارزش ها و هنجارهایی می تواند در تحلیل فرا فردی مفید فایده باشد و سطح تحلیل را از فرد به جامعه ببرد. همچنین تاکید بر دو سازوکار اجتماعی کردن و نظارت اجتماعی برای توازن در نظام اجتماعی و افزایش مشارکت می تواند مورد استفاده قرار گیرد. ارتباط بین تمام خرده نظام های اجتماعی و انجام کارکردهای خرده نظام ها برای حفظ تعادل و نظم اجتماعی نیز قابل توجه است. متغیرهای الگویی در ابعاد عام گرایی، جهت گیری غیر عاطفی و بخش (اشاعه) و... که بیشتر با جامعه مدرن سازگارند می توانند در یک بستر فرهنگی آموخته شوند و راه برای مشارکت اجتماعی بیشتر گشوده گردد.

در نهایت، ضمن شناخت واقع بینانه وضع موجود در بعد فردی، فرد گرایی افراطی و تقدم منافع فردی بر مصالح جمعی و امثال اینها و در بعد ساختار های اجتماعی، مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد مذاقه قرار گرفته و با توجه به سنت های مربوط به همکاری و تعاون و با تاکید بر نقش مثبت خانواده و گروه های خویشاوندی و قومی و با اجازه دادن به رشد تشکل های صنفی و سازمان های مردم نهاد و دیگر اقدامات می توان در ابعاد پژوهشی و میدانی برای کشف بهترین و کارآمد ترین روش های جلب مشارکت مردم برای جلوگیری از آسیب های اجتماعی از جمله خشونت تلاش نمود.

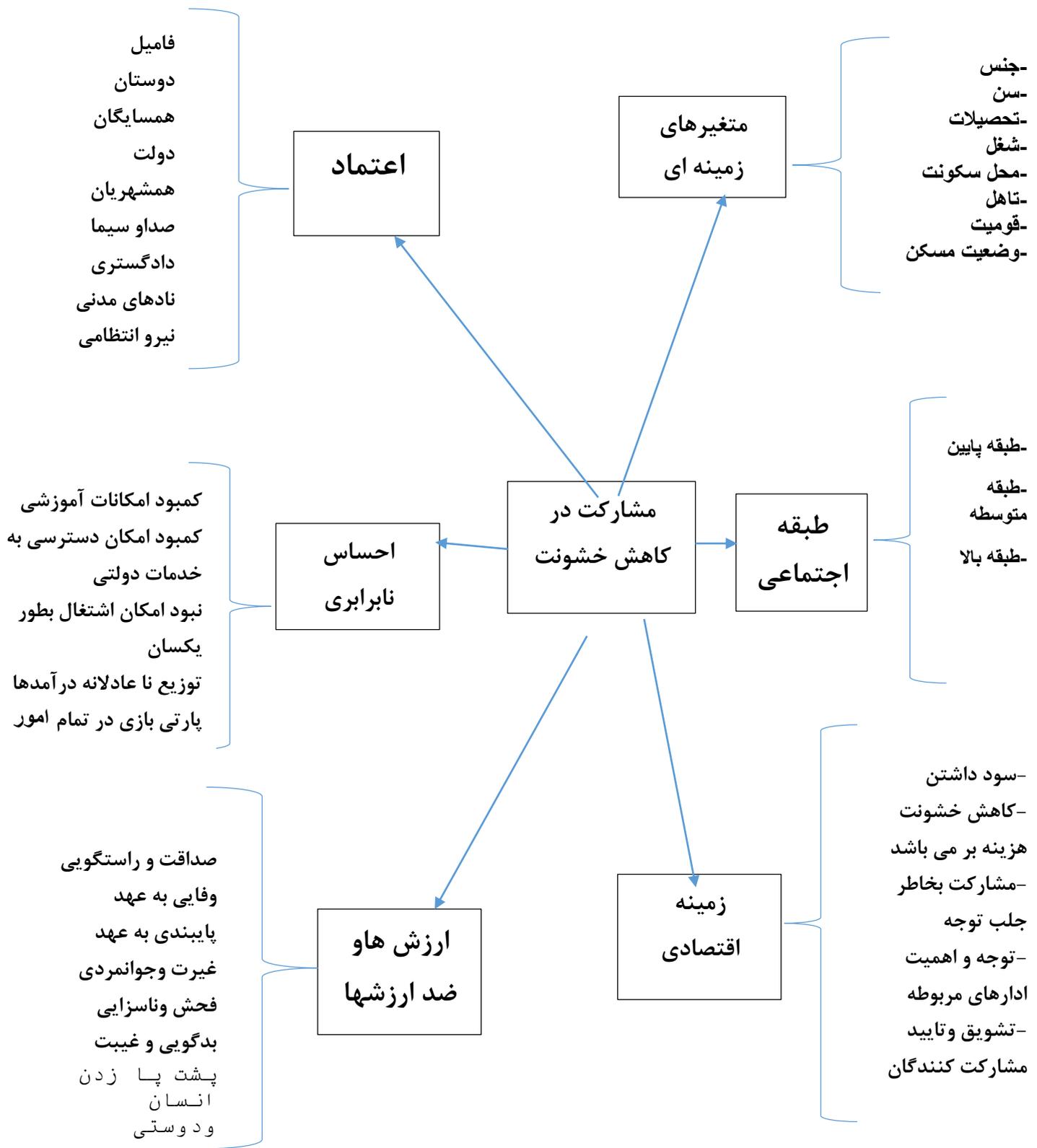


شکل ۱-۲: مدل نظری انواع مشارکت

از مجموع مولفه های نظریه فوق و به طور اعم از نظریه های مربوط به کنش می توان مدل زیر را در مورد عوامل موثر بر مشارکت ترسیم نمود.



نمودار شماره ۲-۱) عوامل موثر بر میزان مشارکت علوی تبار، ۱۳۷۹: ۴۷



نمودار ۲-۲- مدل اصلی و نظری پژوهش

فصل سوم:
روش پژوهش

۳-۱- مقدمه

در این فصل، ابتدا به روش پژوهش، توصیف جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری پرداخته می‌شود. سپس ابزارهای به کار رفته در پژوهش معرفی شده و بعد از آن به طرح تحقیق و روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها اشاره خواهد شد. برای انجام این پژوهش از دو روش کمی (پیمایشی) و روش کیفی (مصاحبه و تحلیل محتوی) استفاده شده که در ادامه به تفصیل به آنها پرداخته می‌شود.

۳-۲- روش پژوهش

این تحقیق به صورت تلفیقی و با استفاده از دو روش پیمایشی و کیفی (استفاده از مصاحبه عمیق) انجام می‌شود.

در روش کیفی با تعداد ۲۵ نفر (شهروندان عادی، درگیر و متخصص) بصورت عمیق مصاحبه انجام شد. مصاحبه در بخش کیفی تا موقعی انجام می‌شود که محقق به اشباع نظری برسد. از آنجا که محقق خود مصاحبه را انجام داد، لذا یقین حاصل شد که اشباع نظری نیز حاصل گردیده است. در انجام مصاحبه با نظر ناظر طرح، با متخصصین: جامعه شناس، روانشناس، حقوقدان، اساتید فلسفه تعلیم و تربیت، فقه و حقوق، وکیل، مشاور، درگیران و فرماندهان نظامی، مدیران ذریبط و افراد عادی مصاحبه انجام شده‌ها همه دیدگاهها جمع‌آوری گردد. با استفاده کتیک کلاسیکی نتایج استخراج و جمع بندی و ارائه گردید. بدین منظور، مصاحبه‌ها پیاده سازی و ثبت و بعد از مرتب سازی و تنظیم، و سپس به منظورافزایش دقت و اعتبار تحلیل، مطالب ثبت شده، توسط سه نفر کدگذاری گردید و در نهایت گویه‌های مورد نظر بر حسب اهداف تحقیق استخراج گردید. این روش مکمل روش پیمایشی است چون در مصاحبه عمیق مطالبی ارائه می‌شود که در روش پیمایشی نمی‌توان بدان رسید و نیاز به مصاحبه باز دارد.

در روش پیمایشی پس از بررسی متون و پیشینه پژوهشی و نظری مورد نیاز فرضیه‌ها مجدد ویرایش و چارچوب مدل نظری پژوهش انتخاب شدند و بر همین اساس نیز متغیرهای اساسی پژوهش استخراج گردید. در نهایت پرسشنامه مورد نظر بر اساس مشارکت مردم و سرمایه‌های اجتماعی و دیگر متغیرهای اساسی تنظیم گردید. لذا برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. تلاش شد تا با توجه به شاخص‌ها، اشباع متغیر حاصل شود تا پرسشنامه از لحاظ روایی و پایایی مشکلی نداشته باشد.

پرسشنامه پس از تعیین روایی مورد نیاز، تنظیم و سپس به منظور انجام پایایی، یک پیش‌آزمون انجام شد. پس از ارزیابی و دستیابی به یک پرسشنامه با پایایی مورد قبول، پرسشنامه نهایی تنظیم و اجرایی گردید.

انجام این تحقیق دقیقاً مصادف شد با شیوع کرونا در جامعه و این مساله، توزیع پرسشنامه بصورت حضوری را بامشکل مواجه ساخت از این رو در تکمیل پرسشنامه از دو روش اینترنتی و حضوری (با رعایت پروتکل های بهداشتی) استفاده گردید.

۳-۲-۱ محل اجرای طرح:

محل اجرای طرح در شهرستانهای استان چهارمحال و بختیاری بوده است. پس از کسب مجوز و هماهنگی - های لازم با استانداری استان چهارمحال و بختیاری پرسشنامه ها بصورت حضوری و اینترنتی تکمیل می گردد.

۳-۲-۲ - جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه تحقیق، استان چهارمحال و بختیاری است که بر اساس تقسیمات کشور استانداری، و بر پایه آخرین بخش بندی سیاسی کشور، دارای ۱۰ شهرستان، ۴۳ شهر، ۲۶ بخش و ۵۱ دهستان است. شهرستان های این استان عبارتند از: شهرکرد، بروجن، لردگان، فارسان، اردل، کوهرنگ، کیار، بن، سامان و شهرستان خانمیرزا. (ر- ک سایت اینترنتی استانداری www.ostan-chb.ir دفتر تقسیمات کشوری). براساس مطالعات دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری، استان به لحاظ قومیت شامل: اقوام بختیاری (که اکثر ساکنین را تشکیل می دهد)، فارس و ترک می باشد. و این اقوام به لحاظ ارتباطات فرهنگی بسیارمسالمت آمیز و دارای سطح بالایی از وجوه فرهنگی مشترک هستند از اینرو به لحاظ پذیرش تکثر فرهنگی و فرهنگ یابی مشکلی وجود ندارد. به غیر اختلافات سیاسی (انتخاب نماینده، استاندار و مقامات) تقریباً در هیچ زمینه دیگری شاهد اختلاف و برخورد بین اقوام در استان نیستیم.



شکل ۳-۱ نقشه استان چهارمحال و بختیاری

۳-۲-۲ جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در بخش کمی (پیمایشی) کلیه جمعیت بالای ۱۸ سال استان چهارمحال و بختیاری، بویژه مناطق بیشتر در معرض آسیب است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و محاسبه نسبت ها (p,q) در آزمون مقدماتی پرسشنامه محاسبه گردید. از آنجا که مردم بالای ۱۸ سال در سراسر استان به عنوان جامعه تحقیق تعریف گردید لذا نمونه گیری بر اساس جمعیت فوق در نظر گرفته شد. در این شیوه چون نتایج به جامعه مورد نظر تعمیم داده می شود و نیازی به زیر نمونه ندارد، لذا حجم نمونه برای این منظور برآورد گردید. براین اساس و به منظور دستیابی به حداکثر حجم نمونه، مقدار p و q برابر ۵/ در نظر گرفته شد. و در سطح ۹۵/ مقدار d محاسبه و در فرمول کوکران قرار داده شد. حجم نمونه برابر حدود ۳۸۰ نفر برآورد گردید. با نظر ناظر و همکاران، تعداد ۴۲۲ پرسشنامه بیشتر توزیع گردید. در مجموع حجم نمونه برابر ۴۲۰ نفر انتخاب شد. حجم نمونه در بخش کیفی نیز ۲۷ نفر (برحسب اشباع نظری) و بصورت هدفمند انتخاب شدند.

۳-۳- شیوه نمونه گیری، ابزار گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

نمونه تعیین شده (۴۲۲ نفر) بر حسب جمعیت هر شهرستان به شیوه سهمیه ای متناسب بر حسب جمعیت بالای ۱۸ سال تعیین و پرسشنامه ها توزیع و تکمیل گردید.

جدول ۱-۳ توزیع نمونه هابرحسب جمعیت شهرستان ها

شهرستان	نمونه
شهرکرد	۱۴۷
لردگان	۸۹
بروجن	۵۹
فارسان	۳۲
کوهرنگ	۲۰
اردل و کیار	۴۶
سامان و بن	۲۹
جمع	۴۲۲

۴۲۲ پرسشنامه توزیع گردید که در نتیجه ۴۱۸ پرسشنامه کامل جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. داده ها از طریق spss کدگذاری و تجزیه تحلیل شدند. برای تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی و استنباطی (درصد، میانگین، فراوانی، آزمون های تی، تحلیل واریانس، آزمون f و سایر آزمونهای لازم استفاده شد. در پایان نیز از طریق amos یا معادلات ساختاری ضرایب دقیق متغیرها معلوم و مسیر اثر آنها نیز معلوم گردید.

در قسمت کیفی نیز نمونه ای به حجم ۲۷ نفر (حجم نمونه بسته به نظر محقق در خصوص اشباع نظری است یا تاوقتی محقق تصور می کند که نیاز به نظر هست، نمونه انتخاب می شود) از این رو ۲۷ نفر از گروههای مختلفی علمی، اداری، و مردم انتخاب شدند که بصورت هدفمند و برحسب اطلاع و علاقه انتخاب شدند. ابتدا مصاحبه ها ثبت و تنظیم گردید. سپس توسط سه نفر کد بندی و مورد تحلیل محتوی قرار گرفتند. در پایان نیز گویه های مورد نیاز استخراج و ارایه گردید.

۳-۳-۱ پرسشنامه و تعریف عملیاتی متغیرها (تعیین گویه ها)

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بود که برخی گویه های آن از پرسشنامه های استاندارد و برخی توسط محقق ساخته شدند در مجموع پرسشنامه جدید با توجه به مؤلفه ها تدوین گردید. شامل:

۱- مشارکت: ۹ گویه

۲- کنش معطوف به وضعیت اقتصادی: ۵ گویه

۳- سرمایه اجتماعی (اعتماد): ۱۱ گویه

۴- ارزش ها: ۹ گویه

۵- بی تفاوتی (بلازه) ۸ گویه

۶- احساس نابرابری: ۱۱ گویه

۷- نگرش ۱۳ گویه

۸- راهکارها: ۲۰ گویه

به شرح جداول زیر بوده که با استفاده از طیف لیکرت مورد بررسی و سنجش قرار گرفتند. در مورد متغیرهای زمینه ای هم: سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تاهل، محل سکونت، وضعیت اشتغال، شغل مورد نظر، قومیت، نوع مسکن و در نهایت طبقه اجتماعی پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳-۲- گویه های مربوط به مشارکت

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	در حل مسائل خانوادگی مشارکت می کنم					
۲	در حل مسائل محله زندگی مشارکت می کنم					
۳	تلاش می کنم درگیرهای خانواده های اطرافم کم شود					
۴	همشهریانم برایم خیلی مهم اند					
۵	بنظر من شرکت در راهپیمایی مناسبت های ملی (۲۲ بهمن، ۱۳ آبان و...) موجب احساس غرور ملی می شود.					
۶	در حل و فصل دعوای مردم همکاری دارم					
۷	من از سیاست های دولت (هدفمندی یارانه ها و...) حمایت کرده و در حد توان خود با دولت همکاری می کنم.					
۸	سی وظیفه اش را درست انجام ندهد، در هر پست و مقامی که باشد باید به او تذکر داد.					
	در صورتی که در خیابان و محل خود شاهد دعوا باشید تا چه حد سعی می کنید در حل آن مشارکت کنید					

جدول ۳-۳- گویه های مربوط به اقتصاد (سود) و انگیزه

کاملاً موافقم	موافق	بی نظر	مخالفم	کاملاً مخالفم	سوالات
					در صورتی که مشارکت در حل دعوایها و خشونت ها سودی داشته باشد مردم مشارکت بیشتر می کنند
					مشارکت در کاهش و حل دعوایها و خشونت ها هزینه بر است
					در کاهش دعوایها بخاطر وقت گیر بودن و مشکلات بعدی آن شرکت نمی کنم
					بسیاری از مردم مشارکت در کاهش خشونت ها و نزاعها را تکلیف دینی می دانند.
					مشارکت مردم در کاهش خشونت ها به دلیل انسان دوستی است
					مشارکت مردم در کاهش خشونت ها به خاطر جلب توجه مردم است
					در صورت توجه و اهمیت ادارات مربوط (استانداری، فرمانداری ها و ...) مشارکت بیشتر می شود
					در صورت توجه و اهمیت دادن دستگاه قضایی مشارکت افراد بیشتر می شود
					در صورتی که مشارکت مردم مورد تایید و تشویق قرار گیرد مردم بیشتر مشارکت می کنند

جدول ۳-۴- گویه های مربوط به سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی)

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	سوالات	ردیف	سرمایه اجتماعی
					اعتماد به اهل خانواده (نزدیکان و خویشاوندان)	۱	
					اعتماد به هم محله ای ها	۲	
					اعتماد به دوستان	۳	
					اعتماد به همشهریان	۴	
					اعتماد به همه مردم	۵	
					اعتماد به اصناف بازار	۶	
					اعتماد به سازمانها و ادارات	۷	
					اعتماد به صدا و سیما	۸	
					اعتماد به دادگستری	۹	
					اعتقاد به مؤثر بودن نهادهای مدنی	۱۰	
					اعتماد به نیروی انتظامی	۱۱	

جدول ۳-۵- گویه های مربوط به ارزش های مثبت و منفی

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	صداقت و راستگویی					
۲	وفای به عهد					
۳	پایبندی به قسم					
۴	غیرت و جوانمردی					
۵	فحش و ناسزا گویی					
۶	بدگویی و غیبت					
۷	پشت پا زدن					
۸	انسان دوستی					

جدول ۳-۶- گویه های مربوط به بی تفاوتی (بلازه)

ردیف	سوالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافق	کاملاً موافقم
۱	مردم دیگر نمی تواند برای هر اتفاقی دل بسوزند					
۲	مردم نسبت به همدیگر بی تفاوت شده اند					
۳	اگر به دیگران فکر کنی از زندگی خودت عقب میفتی					
۴	مشکلات هر کسی به خودش مربوطه					
۵	کمک کردن به دیگران کار دولته					
۶	مردم تصادف یا اتفاقی را می بینند و سریع میگذرند					
۷	کرونا هم یک اتفاقه که میگذره و زیاد نگران آن نیستند					
۸	امروزه آدم ها بیشتر به تنهایی علاقمند شده اند					

جدول ۳-۷- گویه های مربوط به احساس نابرابری

ردیف	سوالات	مخالفم	كاملا مخالف	بي نظر	موافق	كاملا موافقم
۹	وضع، فرق نمی‌کند همیشه همین خواهد بود					
۱۰	دنیا بکام ثروتمندان است					
۱۱	بعضی-ها راحت تر به قدرت و پست و مقام می‌رسند					
۱۲	درآمدها بین مردم عادلانه توزیع نمی‌شوند					
۱۳	بعضی ره صدساله را یک شبه می‌روند					
۱۴	ثروتمندان هر روز ثروتمندتر و فقرا فقیر تر می‌شوند					
۱۵	در جامعه فرقی بین اقوام ترک، لر، عرب و عجم وجود ندارد					
۱۶	هر کس به جایی رسیده با پارتی بوده					
۱۷	امکان اشتغال برای همه یکسان است					
۱۸	امکان دسترسی به خدمات دولتی برای همه یکسان است					
۱۹	امکانات آموزشی و تحصیلی برای همه برابر توزیع شده					

احساس
نابرابری

جدول ۳-۸- گویه های مربوط به احساس نابرابری

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	قابل اعتماد					
۲	مسئولیت پذیر					
۳	دلسوز مردم و خانواده					
۴	دانا و کاردان					
۵	دیندار و خدا ترس					
۶	مشارکت جو					
۷	با غیرت و متعصب					
۸	اهل خیر و خوبی					
۹	دارای اعتماد بنفس					
۱۰	جزء خانواده مرفه					
۱۱	پرخاشگر و زورگو					
۱۲	بیکار و علاف					
۱۳	سودجو و منفعت طلب					

نگرش نسبت به مشارکت
کنندگان در کاهش
خشونت

جدول ۳-۹- گویه های مربوط به راهکاره

ردی ف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	حضور پلیس					
۲	دستگیری و خشونت با خشونت طلبان					
۳	رسیدگی سریع به پرونده هایی که به دلیل خشونت در مراجع قضایی وجود دارد					
۴	تنظیم برنامه های دولت در کاهش مشکلات					
۵	استفاده از باورهای مردم					
۶	استفاده از بزرگان و ریش سفیدان و مشارکت بیشتر آنها					
۷	مشارکت خود مردم مردم در کاهش خشونت ها					
۸	توجه به دین و باورهای اصیل دینی					
۹	مجازات آدمای دو رو و فریبکار					
۱۰	ساده زندگی کردن مسئولین و الگوهای دینی					
۱۱	پاسخ سریع به مشکلات مردم					
۱۲	توجه به نظر و دیدگاه مردم					
۱۳	تشکیل انجمن ها و تشکل مردمی مرتبط					
۱۴	حضور بیشتر مسولین میان مردم					
۱۵	اطلاع رسانی درست و دقیق به مردم					
۱۶	توجه به معیشت مردم					
۱۷	برخورد سریع و قانونی با خشونت طلبان در جامعه					
۱۸	توجه به دستورات دینی و برخورد سریع با حرمت شکنان					
۱۹	افزایش حرمت و احترام مشارکت کنندگان و بزرگان					
۲۰	اعطای مجوز قانونی به افراد مشارکت کننده					

راهکارهای
کاهش
خشونت

۳-۱-۱-۳-۱-تعیین بارهای عاملی و پایایی^۱(آلفا)

تحلیل عاملی تاییدی گویه ها نشان داد که بارهای عاملی همه گویه های انتخابی بالای ۵/ بوده که نشان داد همه گویه ها برای انجام تحلیل های آماری لازم مناسب اند. همچنین به منظور ارزیابی پایایی پرسشنامه، تعداد ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون، تکمیل و مورد بررسی قرار گرفت که در پایان پس از انجام اطلاعات پایایی پرسشنامه برای هر دسته از مؤلفه ها به شرح زیر بدست آمد.

جدول ۱-۳ نتایج آلفای کرونباخ برای شاخص ها

شاخص ها	آلفا
مشارکت	/۸۷
سرمایه اجتماعی	/۸۴
اقتصادی و انگیزه	/۸۲
ارزش ها	/۸۶
دلزدگی (بلازه) یا بیتفاوتی	/۷۶
نگرش نسبت به مشارکت کنندگان در کاهش خشونت	/۷۸
راهکارهای کاهش خشونت	/۸۴

نتایج مربوط به پایایی نشان می دهد که ضریب آلفا برای همه متغیرها بالاتر از ۷/ است و این نشان می دهد که شاخص ها برای انجام تحلیل از پایایی بالایی برخوردارند و برای تحلیل مناسب اند.

۳-۱-۲-۲-روایی^۲

پرسشنامه پس از طراحی در اختیار استاد ناظر و چند نفر از اساتید پژوهشگران قرار گرفت که پرسشنامه را برای انجام این تحقیق مناسب دانستند. بنابراین ابزار این پژوهش دارای اعتبار صوری است.

¹ Reliabilty

² valiality

فصل چهارم: تجزیه تحلیل

مقدمه:

فصل چهارم شامل دو بخش است: ۱- تجزیه و تحلیل نتایج توصیفی و استنباطی بخش کمی تحقیق و ۲- مصاحبه ها و تجزیه و تحلیل بخش کیفی تحقیق. در قسمت اول این فصل، تحلیل داده‌ها در دو قسمت آماره‌های توصیفی، استنباطی و کیفی تنظیم شده است. در بخش توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و استنباطی از آزمون تحلیل آزمون تی، رگرسیون تک متغیره و چند متغیره می باشد و تحلیل داده‌ها نیز به کمک نرم افزار SPSS ۲۳ و amos (مدل سازی معادلات ساختاری) انجام شده است. قسمت دوم نیز مربوط به بخش کیفی تحقیق است که مصاحبه با ۲۷ نفر نمونه هدفمند (شامل: متخصصین، اندیشمندان، مدیران، کارشناسان، افراد درگیر و شهروندان عادی) ثبت و با استفاده از تکنیک کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴-۱- بخش اول نتایج توصیفی تحقیق:

جدول شماره ۴-۱ توزیع پاسخگویی بر حسب جنسیت

فراوانی	درصد	درصد حقیقی	درصد تجمعی
مرد	۱۸۶	۴۴/۵	۴۴/۵
زن	۲۳۲	۵۵/۵	۱۰۰
جمع	۴۱۸	۱۰۰	

در جدول فوق پاسخویان بر حسب جنسیت توزیع گردیده است / همانطور که ملاحظه می شود حدود ۵۵ درصد پاسخگویان زن و ۴۵ درصد زن می باشد.

جدول شماره ۴-۲ توزیع پاسخگویی بر حسب وضعیت تاهل

فراوانی	درصد	درصد حقیقی	درصد تجمعی
مجرد	۱۶۴	۳۹/۲	۳۹/۲
متاهل	۲۴۵	۵۸/۶	۹۷/۸
مطلقه	۷	۱/۷	۹۹/۵
همسر فوت شده	۲	۰/۵	۱۰۰
جمع	۴۱۸	۱۰۰	

در جدول ۴-۲ پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل آنان توزیع گردیده است. همانطور که ملاحظه می فرمایید ۵۸/۶ درصد پاسخگویان، متاهل و ۳۹/۲ درصد مجرد و بقیه همسر فوت شده و مطلقه می باشند

جدول شماره ۴-۳- توزیع پاسخگویی بر حسب سکونت

درصد واقعی	درصد حقیقی	درصد	فراوانی	
۷۸/۷	۷۸/۷	۷۸/۷	۳۲۹	شهر
۹۸/۸	۲۰/۱	۲۰/۱	۸۴	روستا
۱۰۰	۱/۲	۱/۲	۵	عشایر
	۱۰۰	۱۰۰	۴۱۸	جمع

در جدول ۴-۳ پاسخگویان بر حسب محل سکونت توزیع شده همانگونه که ملاحظه می شود ۳۲۹ نفر معادل ۷۸/۸ درصد ساکن نقاط شهری و ۲۰/۱ درصد روستایی و ۱/۲ درصد عشایری هستند.

جدول شماره ۴-۴- توزیع پاسخگویی بر حسب سن

درصد واقعی	درصد حقیقی	درصد	فراوانی	
۳۹/۲	۳۹/۲	۳۹/۲	۱۶۴	۱۸-۲۹
۷۳/۷	۳۴/۴	۳۴/۴	۱۴۴	۳۰-۳۹
۹۲/۱	۱۸/۴	۱۸/۴	۷۷	۴۰-۴۹
۹۸/۳	۶/۲	۶/۲	۲۶	۵۰-۵۹
۱۰۰	۱/۷	۱/۷	۷	۶۰
	۱۰۰	۱۰۰	۴۱۸	جمع

در جدول ۴-۴ پاسخگویان بر حسب سن آنان توزیع شده است. همانطور که ملاحظه می فرمایید. ۳۹/۲ درصد ۱۸-۲۹ و ۳۴/۴ درصد در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال سن دارند در مجموع حدود ۷۴ درصد در گروه های سنی ۱۸ تا ۴۰ سال قرار داشتند که نشان از جوان بودن نمونه مورد مطالعه دارد. البته مشکلات و بی میلی و بی رغبتی مردم برای پاسخ را نیز باید در نظر داشت

جدول شماره ۴-۵- توزیع پاسخگویی بر حسب تحصیلات

درصد واقعی	درصد حقیقی	درصد	فراوانی	
۲/۴	۲/۴	۲/۴	۱۰	بی سواد
۳۳/۳	۳۰/۹	۳۰/۹	۱۲۹	ابتدایی تا دیپلم
۴۲/۱	۸/۹	۸/۹	۳۷	کاردانی
۷۹/۲	۳۷/۱	۳۷/۱	۱۵۵	کارشناسی
۹۴/۳	۱۵/۱	۱۵/۱	۶۳	کارشناسی ارشد
۹۸/۶	۴/۳	۴/۳	۱۸	دکتر
۱۰۰	۱/۴	۱/۴	۶	حوزوی
	۱۰۰	۱۰۰	۴۱۸	جمع

در جدول ۴-۵ پاسخگویان بر حسب وضعیت تحصیلی توزیع شده اند همانگونه که ملاحظه میشود، ۳۷/۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۳۰/۹ درصد دیپلم و زیر دیپلم و ۱۵/۱ درصد کارشناسی ارشد و بقیه دکتری و سایر بوده است.

جدول شماره ۴-۶ توزیع پاسخگویی بر حسب اشتغال

درصد تجمعی	درصد حقیقی	درصد	فراوانی	
۴۱/۴	۴۱/۴	۴۱/۴	۱۷۳	بیکار
۱۰۰	۵۸/۶	۵۸/۶	۲۴۵	شاغل
	۱۰۰	۱۰۰	۴۱۸	جمع

در جدول ۴-۶ پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی توزیع شده اند. همانگونه که ملاحظه می شود ۵۸/۶ درصد شاغل و ۴۱/۴ درصد بیکار بوده است. البته شاغلین شامل شاغل در دستگاههای دولتی و خصوصی و سایر بوده است. و صرفاً مشاغل دولتی مدنظر نبوده است.

جدول شماره ۴-۷ توزیع پاسخگویی بر حسب نوع شغل

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۳۳/۲	۲۹/۴	۱۲۳	دولتی
۸۴/۸	۴۶/۲	۱۹۳	آزاد
۱۰۰	۱۳/۶	۵۷	بازنشسته و سایر
	۱۰۰	۳۷۳	جمع

در جدول ۴-۷ پاسخگویان بر حسب نوع شغل توزیع شده است. همانطور که ملاحظه میشود ۴۶/۲ درصد دارای شغل آزاد و ۲۹/۴ درصد دارای شغل دولتی هستند و بقیه بازنشسته و سایر. گفتنی است در جدول فوق صرفاً کسانی که به هر نحوی شاغل بوده اند توزیع شده است و شغل دولتی بخشی از آن بوده.

جدول شماره ۴-۸ توزیع پاسخگویی بر حسب قومیت

درصد تجمعی	درصد حقیقی	درصد	فراوانی	
۴۹/۸	۴۹/۸	۴۹/۸	۲۰۸	بختیاری
۷۷/۰	۲۷/۳	۲۷/۳	۱۱۴	فارس
۹۸/۶	۲۱/۵	۲۱/۵	۹۰	ترک
۱۰۰	۱/۴	۱/۴	۶	سایر
	۱۰۰	۱۰۰	۴۱۸	جمع

در جدول ۸-۴ پاسخگویان بر حسب قومیت آنان توزیع شده اند همانطور که ملاحظه می شود ۴۰/۸ درصد پاسخگویان بختیاری، ۲۷/۳ درصد فارس و ۲۳/۵ درصد ترک و سایر می باشد.

جدول شماره ۴-۹ توزیع پاسخگویی بر حسب مسکن

درصد تجمعی	درصد حقیقی	درصد	فراوانی	
۴۷/۸	۴۷/۸	۴۷/۸	۲۰۰	مالک
۷۸/۹	۳۱/۱	۳۱/۱	۱۳۰	اجاره
۱۰۰	۲۱/۱	۲۱/۱	۸۸	سایر
	۱۰۰	۱۰۰	۴۱۸	جمع

در جدول فوق، پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن آنان توزیع شده اند همانطور که ملاحظه می شود ۴۷/۸ درصد پاسخگویان دارای محل سکونت شخصی و ۳۱/۱ درصد اجاره و ۲۱/۱ درصد فاقد و سایر می باشد

جدول شماره ۴-۱۰ توزیع پاسخگویی بر حسب طبقه اجتماعی و اقتصادی

درصد تجمعی	درصد حقیقی	درصد	فراوانی	
۳/۸	۳/۸	۳/۸	۱۶	بالا
۲/۶۸	۶۴/۴	۶۴/۴	۲۶۹	متوسط
۱۰۰	۳۱/۸	۳۱/۸	۱۳۳	پایین
	۱۰۰	۱۰۰	۴۱۸	جمع

در جدول ۱۰-۴ پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی آنان توزیع شده اند. همانگونه که ملاحظه می شود ۶۴/۴ درصد خود را جزو طبقه متوسط، ۳۱/۸ طبقه پایین و ۳/۸ درصد پاسخگویان خود را جزو طبقه بالا می دانند.

جدول ۴-۱۱ با توجه به گویه های زیر میزان مشارکت خود را معلوم نمائید

ردی ف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	در حل مسائل خانوادگی مشارکت می‌کنم	۱۶	۴۹	۱۰۱	۱۵۳	۹۹
		۳/۸	۱۱/۷	۲۴/۲	۳۶/۶	۲۳/۷
۲	در حل مسائل محله زندگی مشارکت می‌کنم	۸۵	۱۱۰	۱۰۵	۷۴	۴۴
		۲۰/۳	۲۶/۳	۲۵/۱	۱۷/۷	۱۰/۵
۳	تلاش می‌کنم درگیرهای خانواده های اطرافم کم شود	۲۶	۶۹	۱۰۸	۱۳۲	۸۳
		۶/۲	۱۶/۵	۲۵/۸	۳۱/۶	۱۹/۹
۴	همشهریانم برایم خیلی مهم‌اند	۳۰	۴۸	۱۲۷	۱۳۳	۸۰
		۷/۲	۱۱/۵	۳۰/۴	۳۱/۸	۱۹/۱
۵	بنظر من شرکت در راهپیمایی مناسبتهای ملی (۲۲ بهمن، ۱۳ آبان و...) موجب احساس غرور ملی می‌شود.	۱۰۴	۵۴	۸۷	۹۵	۷۸
		۲۴/۹	۱۲/۹	۲۰/۸	۲۲/۷	۱۸/۷
۶	در حل و فصل دعوای مردم همکاری دارم	۹۶	۹۲	۱۳۸	۵۷	۳۵
		۲۳	۲۲	۳۳	۱۳/۶	۸/۴
۷	من از سیاست‌های دولت (هدفمندی یارانه‌ها و...) حمایت کرده و در حد توان خود با دولت همکاری می‌کنم.	۱۱۳	۸۳	۱۲۳	۷۳	۲۶
		۲۷	۱۹/۹	۲۹/۴	۱۷/۵	۶/۲
۸	اعتقاد دارم اگر کسی وظیفه‌اش را درست انجام ندهد، در هر پست و مقامی که باشد باید به او تذکر داد.	۲۲	۳۱	۶۹	۱۰۶	۱۹۰
		۵/۳	۷/۴	۱۶/۵	۲۵/۴	۴۵/۵
	در صورتی که در خیابان و محل خود شاهد دعوا باشید تا چه حد سعی می‌کنید در حل آن مشارکت کنید	۸۸	۹۷	۱۲۵	۷۲	۳۶
		۲۱/۱	۲۳/۲	۲۹/۹	۱۷/۲	۸/۶

در جدول فوق گویه های مربوط به مشارکت و مشارکت مردم در کاهش خشونت ها، توزیع شده است. برای سنجش مشارکت در کاهش خشونت ها، هم وضعیت مشارکت پاسخگویان سوال شده و هم تمایل آنها به مشارکت در فعالیت های نهادی و معطوف به کاهش خشونت و درگیری ها. همانگونه که ملاحظه می شود نگاه کلی به پاسخ ها نشان می دهد شهروندان در فعالیت هایی که معطوف به آشنایان و خانواده های آنان است، بیشتر مشارکت دارند

البته نظر محققان این است که با توجه به روند کاهشی که ما در جامعه در خصوص کاهش همکاری ها و مشارکت ها داریم اگر بتوانیم مشارکت مردم در برنامه های خانوادگی و فامیلی را هم در همین سطح نگه داریم در برنامه ریزی مشارکت شهروندان در این قسمت موفق بوده ایم، زیرا جامعه به شدت تحت تاثیر جهانی شدن، رشد علم، صنعتی شدن و سایر زمینه های تجدد در حال تغییر است و روند کاهش مشارکت های اجتماعی بصورت مکانیکی (به تعبیر دورکیم) در حال افزایش است. با اینحال نتایج بطور مربوط به گویه ها، نشان می دهد: ۶۰ درصد پاسخگویان در حد بسیار زیاد و زیاده تر، در مسایل خانوادگی بیشتر شرکت می کنند. ۲۶/۳ درصد اعلام کرده اند که در حد کم در امور محله زندگی مشارکت دارند. ۳۱ درصد در حد زیاد اعلام کرده اند در حل درگیری های اطرافیان مشارکت دارند. ۲۴/۹ درصد از پاسخگویان در حد بسیار کم، ۲۲/۷ درصد در حد زیاد و ۲۰/۸ درصد در حد متوسط معتقدند که مشارکت در مناسبت های ملی باعث غرور می شود. ۳۳ درصد در حد متوسط اعلام داشته اند در حل و فصل دعاوی مردم مشارکت دارند. ۲۹/۴ درصد از پاسخگویان در حد متوسط از برنامه های دولت حمایت می کنند. ۴۵ درصد پاسخگویان در حد بسیار زیاد معتقدند افرادی که به وظایفشان عمل نمی کنند باید تذکر داد. ۳۰ درصد پاسخگویان در حد متوسط معتقدند اگر در خیابان شاهد دعوا باشند، در حل آن مشارکت می کنند و تنها ۸/۶ درصد در حد بسیار زیاد اقدام به این کار می کنند.

جدول ۴-۱۲ تا چه حد موافق یا مخالف هستید

سوالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافقم	کاملاً موافقم		
اقتصادی و انگیزه	۱	در صورتی که مشارکت در حل دعواها و خشونت ها سودی داشته باشد مردم مشارکت بیشتر می کنند	۴۱	۹/۸	۷۲	۱۴۷	۵۸
	۲	مشارکت در کاهش خشونت ها، هزینه بر است.	۴۶	۱۱	۱۲۴	۱۱۷	۳۴
	۳	مشارکت در کاهش و حل دعواها و خشونت ها هزینه بر است	۴۰	۹/۶	۱۱۵	۱۱۲	۵۰
	۴	در کاهش دعواها بخاطر وقت گیر بودن و مشکلات بعدی آن شرکت نمی کنم	۳۹	۹/۳	۹۴	۱۳۸	۲۷
	۵	مشارکت مردم در کاهش خشونت ها به دلیل انسان دوستی است	۱۹	۴/۵	۴۳	۲۰۲	۶۸
	۶	مشارکت مردم در کاهش خشونت ها به خاطر جلب توجه مردم است	۶۳	۱۵/۱	۱۲۷	۹۳	۱۹
	۷	در صورت توجه و اهمیت ادارات مربوط (استانداری، فرمانداری ها و ...) مشارکت بیشتر می شود	۲۹	۶/۹	۶۲	۱۳۴	۴۲
	۸	در صورت توجه و اهمیت دادن دستگاه قضایی مشارکت افراد بیشتر می شود	۲۲	۵/۳	۶۱	۱۰۵	۶۶
	۹	در صورتی که مشارکت مردم مورد تأکید و تشویق قرار گیرد بیشتر می شود	۲۰	۴/۸	۵۲	۸۳	۹۴
							۲۲/۵

در جدول فوق گویه های مربوط به بعد اقتصادی و داشتن انگیزه، توزیع شده است. در بعد اقتصادی منظور این بوده است که مردم با هدف اقتصادی و کسب سود در کاهش خشونت ها مشارکت می کنند و اگر مشارکت آنها سودی نداشته باشد، اقدام نمی کنند. نتایج توصیفی گویه ها نشان می دهد که ۳۵/۲ درصد با کسب سود و فایده موافق و ۱۳/۹ درصد کاملاً موافق و تنها ۹/۸ با هدف کسب سود و فایده کاملاً مخالف بوده اند. ۲۹/۷ درصد با این گویه که مشارکت در کاهش خشونت ها هزینه بر است، مخالف بوده اند و ۸/۱ درصد کاملاً موافق بوده اند. ۲۵/۵ درصد پاسخگویان با این گویه که مشارکت در کاهش خشونت ها وقت گیر است، مخالف بوده اند و ۱۲ درصد کاملاً موافق بوده اند. شاخص بعدی، براساس نظریه های کنش متقابل، این موضوع بوده که مشارکت در کاهش خشونت ها بر اساس داشتن انگیزه است. در این خصوص ۳۳ درصد در حد موافق و ۶/۵ درصد در حد کاملاً موافق، مشارکت در کاهش خشونت را تکلیف دینی دانسته اند. ۴۸/۳ درصد در حد موافق و ۱۶/۳ درصد در حد کاملاً موافق، انگیزه انسان دوستی را مطرح کرده اند. ۳۰/۴ درصد و ۱۵/۱ درصد مخالف و کاملاً مخالف بوده اند که مشارکت در کاهش خشونت ها بواسطه جلب توجه مردم است. تنها ۴/۵ درصد کاملاً موافق بوده اند. ۳۶/۱ درصد موافق بوده اند که اگر ادارات مربوطه اهمیت دهند، مشارکت بیشتر می شود. ۳۹/۲ موافق بوده اند که اگر دستگاه قضا، اهمیت بدهد، مشارکت بیشتر می شود. ۴۰/۴ درصد موافق بوده اند که اگر تلاش آنها تایید و تشویق شود، بیشتر مشارکت می کنند. بنابراین بیشترین درصد مربوط به افزایش مشارکت، مربوط می شود به تایید و تشویق مشارکت و تایید و همکاری دستگاه قضا.

در جدول فوق با توجه به اینکه اعتماد اجتماعی مهمترین بعد سرمایه اجتماعی است و از طرف دیگر مشارکت و توجه به نهادهای مدنی به عنوان ابعاد دیگر سرمایه اجتماعی در دیگر بخش های پرسشنامه مورد سوال قرار گرفته است، لذا به سنجش اعتماد اجتماعی در ابعاد اعتماد بین فردی و شخصی و اعتماد نهادی و تعمیم یافته، پرداخته است. همانطور که ملاحظه می شود نگاه کلی به جدول موید آنست که مردم به خویشان و دوستان و آشنایان بیشتر اعتماد دارند و هرچه روابط غیر شخص تر میشود، اعتماد کمتر می شود. ۳۶/۸ درصد در حد بسیار زیاد به نزدیکان، اعتماد دارند. ۳۸/۸ درصد در حد متوسط به هم محله ای ها اعتماد دارند. ۳۳ درصد در حد متوسط به دوستان اعتماد دارند. ۴/۵ درصد در حد بسیار زیاد به همسهریان اعتماد دارند. ۴/۵ درصد در حد بسیار زیاد به مردم اعتماد دارند. ۳/۶ درصد در حد بسیار زیاد به بازاریان اعتماد دارند. ۴/۳ درصد در حد بسیار زیاد به سازمانها و ادارات، اعتماد دارند. ۳/۱ درصد در حد بسیار زیاد به صدا و سیما اعتماد دارند. در این میان اعتماد به دادگستری و نیروی انتظامی، گرچه بالا نیست ولی نسبت به دستگاههای دیگر بیشتر است.

جدول ۴-۱۳ اعتماد اجتماعی

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
سرمایه اجتماعی	۱	اعتماد به اهل خانواده (نزدیکان و خویشاوندان)	۱۳	۴۱	۸۰	۱۳۰	۱۵۴
			۳/۱	۹/۸	۱۹/۱	۳۱/۱	۳۶/۸
	۲	اعتماد به هم محله ای‌ها	۶۳	۹۹	۱۶۲	۷۳	۲۱
			۱۵/۱	۲۳/۷	۳۸/۸	۱۷/۵	۵
	۳	اعتماد به دوستان	۳۸	۷۱	۱۳۸	۱۲۵	۴۶
			۹/۱	۱۷	۳۳	۲۹/۹	۱۱
	۴	اعتماد به همشهریان	۷۷	۱۲۳	۱۵۶	۴۳	۱۹
			۱۸/۴	۲۹/۴	۳۷/۳	۱۰/۳	۴/۵
	۵	اعتماد به همه مردم	۱۱۵	۱۳۳	۱۲۳	۲۸	۱۹
			۲۷/۵	۳۱/۸	۲۹/۴	۶/۷	۴/۵
	۶	اعتماد به اصناف بازار	۱۳۸	۱۴۳	۱۰۴	۱۸	۱۵
		۳۳	۳۴/۲	۲۴/۹	۴/۳	۳/۶	
۷	اعتماد به سازمانها و ادارات	۱۲۶	۱۲۴	۱۲۴	۲۶	۱۸	
		۳۰/۱	۲۹/۷	۲۹/۷	۶/۲	۴/۳	
۸	اعتماد به صدا و سیما	۱۲۵	۱۰۱	۱۱۹	۳۳	۱۳	
		۳۶/۴	۲۴/۲	۲۸/۵	۷/۹	۳/۱	
۹	اعتماد به دادگستری	۹۲	۹۹	۱۲۸	۷۳	۲۶	
		۲۲	۲۳/۷	۳۰/۶	۱۷/۵	۶/۲	
۱۰	اعتقاد به مؤثر بودن نهادهای مدنی	۹۳	۹۸	۱۴۱	۶۷	۱۹	
		۲۲/۲	۲۳/۴	۳۳/۷	۱۶	۴/۵	
۱۱	اعتماد به نیروی انتظامی	۶۵	۹۷	۱۱۳	۹۲	۵۱	
		۱۵/۶	۲۳/۲	۲۷	۲۲	۱۲/۲	

جدول ۴-۱۴ به نظر شما تا چه حد ارزشهای و ضد ارزشها زیر در جامعه رواج دارد

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
ارزش ها	۱	۱۴۴	۱۵۱	۸۱	۱۹	۲۳
		۳۴/۴	۳۶/۱	۱۹/۴	۴/۵	۵/۵
	۲	۱۱۸	۱۷۱	۸۲	۲۷	۲۰
		۲۸/۲	۴۰/۹	۱۹/۶	۶/۵	۴/۸
	۳	۱۳۵	۱۶۲	۶۸	۲۹	۲۴
		۳۲/۳	۳۸/۸	۱۶/۳	۶/۹	۵/۷
	۴	۸۷	۱۳۵	۱۲۸	۴۴	۲۴
		۲۰/۸	۲۰/۸	۳۰/۶	۱۰/۵	۵/۷
	۵	۴۶	۶۱	۸۵	۱۲۱	۱۰۵
	۱۱	۱۴/۶	۲۰/۳	۲۸/۹	۲۵/۱	
۶	۴۱	۵۷	۵۵	۱۲۶	۱۳۹	
	۹/۸	۱۳/۶	۱۳/۲	۳۰/۱	۳۳/۳	
۷	۴۴	۵۲	۸۹	۱۱۴	۱۱۹	
	۱۰/۵	۱۲/۴	۲۱/۳	۲۷/۳	۲۸/۵	
۸	۶۰	۱۳۴	۱۵۳	۴۴	۲۷	
	۱۴/۴	۳۲/۱	۳۶/۶	۱۰/۵	۶/۵	
۹	همکاری و همیاری یکدیگر	۲۰	۴۸	۳۱۶	۲۲	۱۲
	۴/۸	۱۱/۵	۷۵/۶	۵/۳	۲/۹	

در جدول ۴-۱۴- گویه های مربوط به دو شاخص وجود ارزش های مثبت و منفی در جامعه توزیع شده اند. نگاه کلی به جدول نشان می دهد که پاسخگویان معتقدند، ارزش های مثبت در جامعه در حال کاهش و ارزش های منفی در جامعه بیشتر رواج دارند. همانگونه که ملاحظه می شود، ۳۴/۴ درصد پاسخگویان معتقدند صداقت و راستگویی در حد بسیار کم وجود دارد. همچنین ۴۰/۹ وفای به عهد را در حد کم، ۳۸/۸ پایبندی به قسم و ۳۲/۳ درصد غیرت و جوانمردی را در حد کم دانسته اند ۳۶/۶ درصد انسان دوستی و ۷۵/۶ درصد همکاری را در حد متوسط دانسته اند. ۲۸/۹ و ۲۵/۱ درصد فحش و ناسزا را در حد بسیار زیاد و زیاد ۳۳/۳ درصد غیبت و ۲۸/۵ درصد پشت پا زدن را در حد بسیار زیاد دانسته اند. در کل ارزش های منفی را بیشتر و ارزش های مثبت را کمتر ارزیابی کرده اند.

جدول ۴-۱۵- تا چه حد موافق یا مخالفید؟

ردی ف	سوالات	کاملاً مخالفم	مخال فم	بی نظر	موا فق	کاملاً موافقم
دلزدگی بلازه	۱ مردم دیگر نمی تواند برای هر اتفاق دل بسوزند	۳۶	۶۲	۷۱	۱۸۲	۶۷
		۸/۶	۱۴/۸	۱۷	۴۳/۵	۱۶
	۲ مرم نسبت به همدیگر بی تفاوت شده اند	۱۴	۶۸	۵۵	۱۸۹	۹۲
		۳/۳	۱۶/۳	۱۳/۲	۴۵/۲	۲۲
	۳ اگر به دیگران فکر کنی از زندگی خودت عقب میفتی	۵۲	۱۱۱	۹۸	۹۷	۶۰
		۱۲/۴	۲۶/۶	۲۳/۴	۲۳/۲	۱۴/۴
	۴ مشکلات هر کسی به خودش مربوطه	۵۳	۱۲۶	۹۰	۸۷	۶۲
		۱۲/۷	۳۰/۱	۲۱/۵	۲۰/۸	۱۴/۸
۵ کمک کردن به دیگران کار دولته	۵۸	۱۴۵	۱۰۳	۷۰	۴۲	
	۱۳/۹	۳۴/۷	۲۴/۶	۱۶/۷	۱۰	
۶ مردم تصادف یا اتفاقی را می بینن و سریع میگذرنند	۴۷	۱۶۲	۱۰۵	۷۳	۳۱	
	۱۱/۲	۳۸/۸	۲۵/۱	۱۷/۵	۷/۴	
۷ کرونا هم یک اتفاقه که میگذره و زیاد نگران آن نیستند	۹۰	۱۳۷	۸۰	۷۹	۳۲	
	۲۱/۵	۳۲/۸	۱۹/۱	۱۸/۹	۷/۷	
۸ معمولاً آدم ها بیشتر به تنهایی علاقمند شده اند	۱۷	۵۲	۹۸	۱۷۱	۸۰	
	۴/۱	۱۲/۴	۲۳/۴	۴۰/۹	۱۹/۱	

بر اساس جدول فوق و بر اساس نظریه زیمل، شاخص بی تفاوتی (بلازه) در ۸ گویه سنجیده شده است. همانطور که ملاحظه می شود، ۴۳ درصد پاسخگویان موافقت کردند که مردم نمی توانند برای هر اتفاقی دل بسوزانند. ۴۵/۲ درصد موافقت کردند که مردم نسبت به هم بی تفاوت شده اند، ۲۶/۶ درصد مخالف این هستند که اگر به دیگران فکر کنی از زندگی خودت عقب میفتی. ۳۰/۱ درصد مخالف این هستند که مشکلات هرکسی به خودش مربوطه. ۳۴/۷ درصد مخالف این هستند که مشکلات را باید دولت حل کند. ۳۶/۸ درصد مخالف این هستند که مردم نسبت به مشکلات سریع میگذرنند. ۳۲/۸ درصد مخالف این بوده اند که مردم نسبت به کرونا بی تفاوتند. و تنها ۷/۷ درصد کاملاً موافق بوده اند که مردم نسبت به کرونا، بی تفاوتند. به عبارتی، می توان گفت مردم استان در مقابل کرونا بی تفاوت نبوده اند و نهایت اینکه ۴۰/۹ درصد کاملاً موافقت کردند که مردم به تنهایی علاقمند شده اند. تحلیل مجموعه گویه ها نشان می دهد که گرچه افراد به تنهای و هسته ای شدن روابط، متمایل شده اند ولی چندان نسبت به هم بی تفاوت نیستند. با در نظر گرفتن مجموع پاسخ ها می توان به این نکته اشاره کرد که مردم نسبت به همدیگر چندان بی تفاوت نیستند یا به عبارتی میزان بلازه یا بیتفاوتی در حد بالا نیست یا حد اقل می توان گفت: در استان چهارمحال و بختیاری، مردم به لحاظ ذهنی و نگرشی، نسبت به هم بی تفاوت نیستند. باید این نکته را در نظر

داشت که بخشی از بی تفاوتی در این استان ناشی از فقر است و فقر باعث شده که مردم در تعاملات اجتماعی، جانب احتیاط را رعایت کنند. به تعبیر یکی از شهروندان، دیگر نمی توان میهمان را به نان و پنیر یا غذای ساده دعوت کرد. این گفته نشان می دهد که مردم به لحاظ ذهنی و سنتی، آماده تعامل هستند ولی مجموعه علل (فقر، تغییر ارزش ها و چشم و هم چشمی ها و....) باعث کاهش آن شده است.

جدول ۴-۱۶- به نظر شما تا چه حد ارزشهای زیر در جامعه وجود دارد

ردیف	سوالات	کاملا مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملا موافقم
احساس نابرابری	۱	۶۳	۱۶۰	۸۰	۸۱	۳۴
		۱۵/۱	۳۸/۳	۱۹/۱	۱۹/۴	۸/۱
	۲	۲۴	۷۵	۴۹	۱۲۸	۱۴۲
		۵/۷	۱۷/۹	۱۱/۷	۳۰/۶	۳۴
	۳	۹	۳۸	۴۷	۱۴۰	۱۸۴
		۲/۲	۹/۱	۱۱/۲	۳۳/۵	۴۴
	۴	۸	۳۸	۳۷	۱۰۱	۲۳۴
		۱/۹	۹/۱	۸/۹	۲۴/۲	۵۶
	۵	۱۵	۵۶	۵۸	۱۱۴	۱۷۵
		۳/۶	۱۳/۴	۱۳/۹	۲۷/۳	۴۱/۹
	۶	۱۱	۴۸	۵۲	۹۸	۲۰۹
	۲/۶	۱۱/۵	۱۲/۴	۲۳/۴	۵۰	
۷	۵۴	۱۰۰	۸۳	۹۷	۸۴	
	۱۲/۹	۲۳/۹	۱۹/۹	۲۳/۲	۲۰/۱	
۸	۲۶	۱۱۲	۱۰۱	۹۴	۸۵	
	۶/۲	۲۶/۸	۲۴/۲	۲۲/۵	۲۰/۳	
۹	۱۶۹	۱۴۱	۵۹	۳۲	۱۷	
	۴۰/۴	۳۳/۷	۱۴/۱	۷/۷	۴/۱	
۱۰	۱۵۶	۱۵۰	۶۵	۲۹	۱۸	
	۳۷/۳	۳۵/۹	۱۵/۶	۶/۹	۴/۳	
۱۱	۱۶۵	۱۳۵	۵۶	۴۹	۱۳	
	۳۹/۵	۳۲/۳	۱۳/۴	۱۱/۷	۳/۱	

در جدول ۱۴-۱۶ شاخص نابرابری با ۱۱ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. اعتقاد بر این بوده که افراد هر چه در جامعه احساس کنند تبعیض و نابرابری وجود دارد، تمایل به مشارکت کمتری در فعالیت های جمعی بویژه مشارکت در حل و فصل دعاوی و خشونت ها دارند. همانطور که ملاحظه می شود جهت پاسخ ها به گونه ای است که پاسخگویان معتقدند در جامعه تبعیض و نابرابری وجود دارد. همانطور که ملاحظه می شود

۳۸/۳ درصد مخالفند که وضع فرق نمی‌کنه همیشه همین خواهد بود. ۳۴ درصد کاملاً موافقند که دنیا بکام ثروتمندان است. ۴۴ درصد کاملاً موافقند که بعضی راحت تر به ثروت می‌رسند. ۵۶ درصد موافقند که درآمدها عادلانه توزیع نمی‌شود. ۴۲ درصد کاملاً موافقند که بعضی‌ها هر سه ساله را یک شبه می‌روند. ۵۰ درصد کاملاً موافقند که ثروتمندان، هر روز ثروتمند تر می‌شوند. ۲۳/۹ مخالفند که فرقی بین اقوام نیست. ۲۶/۸ درصد مخالفند که هرکس به جایی رسیده بوسیله پارتی بوده است. ۲۰/۳ درصد کاملاً موافق بوده‌اند. ۴۰/۴ درصد کاملاً مخالف بوده‌اند که امکان اشتغال برای همه یکسان است. ۳۷/۳ درصد کاملاً مخالفند که دسترسی به خدمات دولتی یکسان توزیع شده و ۳۹/۵ درصد کاملاً مخالفند که امکانات یکسان توزیع شده است. بنابراین احساس نابرابری وجود دارد و این می‌تواند زنگ خطری برای جامعه باشد.

جدول ۴-۱۷ در ذیل راهکارهایی برای کاهش خشونت ارائه شده است شما تا چه حد با این موارد مخالف یا

موافق هستید؟

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	حضور پلیس	۱۹	۴۸	۴۹	۲۲۰	۸۲
		۴/۵	۱۱/۵	۱۱/۷	۵۲/۶	۱۹/۶
۲	دستگیری و خشونت با خشونت طلبان	۲۲	۷۳	۶۴	۱۷۶	۸۳
		۵/۳	۱۷/۵	۱۵/۳	۴۲/۱	۱۹/۹
۳	رسیدگی سریع به پرونده‌هایی که به دلیل خشونت در مراجع قضایی وجود دارد	۱۰	۳۸	۶۶	۱۹۲	۱۱۲
		۲/۴	۹/۱	۱۵/۸	۴۵/۹	۲۶/۸
۴	تنظیم برنامه‌های دولت در کاهش مشکلات	۱۶	۴۷	۵۴	۱۷۰	۱۳۱
		۳/۸	۱۱/۲	۱۲/۹	۴۰/۷	۳۱/۳
۵	استفاده از باورهای مردم	۱۹	۵۲	۱۱۸	۱۶۰	۶۹
		۴/۵	۱۲/۴	۲۸/۲	۳۸/۳	۱۶/۵
۶	استفاده از بزرگان و ریش سفیدان و مشارکت بیشتر آنها	۱۱	۴۶	۷۸	۱۹۱	۹۲
		۲/۶	۱۱	۱۸/۷	۴۵/۷	۲۲
۷	مشارکت خود مردم مردم در کاهش خشونت‌ها	۱۱	۴۷	۷۳	۱۹۵	۹۲
		۲/۶	۱۱/۲	۱۷/۵	۴۶/۷	۲۲
۸	توجه به دین و باورهای اصیل دینی	۳۰	۶۷	۷۲	۱۶۵	۸۴
		۷/۲	۱۶	۱۷/۲	۳۹/۵	۲۰/۱
۹	مجازات آدمای دو رو و فریبکار	۱۲	۴۱	۷۱	۱۷۰	۱۲۴
		۲/۹	۹/۸	۱۷	۴۰/۷	۲۹/۷
۱۰	ساده‌زندی کردن مسئولین و الگوهای دینی	۲۴	۴۳	۶۹	۱۳۲	۱۵۰

راهکارهای کاهش خشونت

۳۵/۹	۳۱/۶	۱۶/۵	۱۰/۳	۵/۷		
۱۸۱	۱۴۷	۴۰	۳۵	۱۵	پاسخ سریع به مشکلات مردم	۱۱
۴۳/۳	۳۵/۲	۹/۶	۸/۴	۳/۶		
۱۶۷	۱۴۴	۴۹	۴۰	۱۸	توجه به نظر و دیدگاه مردم	۱۲
۴۰	۳۴/۴	۱۱/۷	۹/۶	۴/۳		
۱۳۰	۱۶۲	۷۳	۳۸	۱۵	تشکیل انجمن ها و تشکل مردمی مرتبط	۱۳
۳۱/۱	۳۸/۸	۱۷/۵	۹/۱	۳/۶		
۱۵۲	۱۵۹	۵۳	۳۷	۱۷	حضور بیشتر مسولین میان مردم	۱۴
۳۶/۴	۳۸	۱۲/۷	۸/۹	۴/۱		
۱۸۶	۱۴۶	۳۴	۳۷	۱۵	اطلاع رسانی درست و دقیق به مردم	۱۵
۴۴/۵	۳۴/۹	۸/۱	۸/۹	۳/۶		
۲۲۱	۱۱۱	۲۹	۴۰	۱۷	توجه به معیشت مردم	۱۶
۵۲/۹	۲۶/۶	۶/۹	۹/۶	۴/۱		
۱۶۷	۱۵۲	۴۶	۴۱	۱۲	برخورد سریع و قانونی با خشونت طلبان در جامعه	۱۷
۴۰	۳۶/۴	۱۱	۹/۸	۲/۹		
۱۴۵	۱۱۳۶۳۵	۶۴	۴۱	۳۲	توجه به دستورات دینی و برخورد سریع با حرمت شکنان	۱۸
۳۴/۷	۳۲	۱۵/۳	۹/۸	۷/۷		
۱۴۷	۱۶۹	۵۳	۳۶	۱۳	افزایش حرمت و احترام مشارکت کنندگان و بزرگان	۱۹
۳۵/۲	۴۰/۴	۱۲/۷	۸/۶	۳/۱		
۸۳	۱۵۴	۱۰۸	۵۴	۱۹	اعطای مجوز قانونی به افراد مشارکت کننده	۲۰
۱۹/۹	۳۶/۸	۲۵/۸	۱۲/۹	۴/۵		

در جدول فوق راهکارهای پیشنهادی جهت مشارکت بیشتر مردم در کاهش خشونت ها توزیع شده است. گرچه بخش مهمی از راهکارها را میتوان از توضیح جداول قبل و آزمونهای بعدی استخراج کرد. همانطور که در جدول فوق ملاحظه می توان راهکارها را در سه بخش: ۱- راهکارهای دولتی و سازمانی ۲- راهکارهای مدنی ۳- راهکارهای شخصی و مربوط به فرد دسته بندی کرد. که در هر سه بخش مردم معتقدند، می شود اقدام کرد. حمایت سازمانهای دولتی و قضایی، تشکیل انجمن ها و توجه به سرمایه های اجتماعی (تشکیل انجمن ها) و افزایش انگیزه های فردی برخورد با هنجارشکنان. توصیف آماری نتایج نشان می دهد که ۷۲/۲ درصد در حد زیاد و بسیار زیاد به حضور پلیس معتقدند ۶۲ درصد به دستگیری خشونت طلبان، ۷۲/۷ درصد به رسیدگی سریع به پرونده های مربوط به خشونت، ۷۲ درصد در حد بسیار زیاد و زیاد به برنامه های دولت ۵۴/۹ درصد در حد بسیار زیاد و زیاد توجه به باورهای مردم، ۶۷/۷ درصد توجه به بزرگان، ۶۸/۷ درصد به مشارکت خود مردم، ۶۹/۶ درصد به توجه به باورهای دینی، ۷۰/۴ درصد به مجازات فریبکاران، ۶۷/۵ درصد به ساده زندگی کردن مسئولین، ۷۸/۵ درصد به پاسخ سریع به

مشکلات، ۷۴/۴ درصد به توجه به دیدگاه مردم، ۶۸/۹ درصد به تشکیل انجمن های مدنی، ۷۴/۴ درصد به حضور مسئولین میان مردم، ۷۹/۴ درصد به اطلاع رسانی درست و دقیق به مردم، ۷۹/۵ درصد توجه به معیشت مردم، ۷۶/۴ درصد برخورد سریع و قانونی با خشونت طلبان، ۶۷/۲ درصد توجه به سفارشات دینی و برخورد سریع، ۷۵/۶ درصد افزایش حرمت مشارکت کنندگان در کاهش خشونت ها، ۵۶/۷ درصد در حد بسیار زیاد و زیاد اعطای مجوز قانونی به مشارکت کنندگان در کاهش خشونت ها معتقدند در کاهش خشونت ها موثرند.

جدول ۴-۱۸ توزیع گویه های مربوط به نگرش نسبت به مشارکت کنندگان

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	قابل اعتماد	۲۸	۷۲	۱۴۳	۱۰۸	۶۷
		۶/۷	۱۷/۲	۳۴/۲	۲۵/۸	۱۶
۲	مسئولیت پذیر	۲۱	۷۰	۱۱۲	۱۴۰	۷۵
		۵	۱۶/۷	۲۶/۸	۳۳/۵	۱۷/۹
۳	دلسوز مردم و خانواده	۱۸	۶۳	۱۳۱	۱۲۵	۸۱
		۴/۳	۱۵/۱	۳۱/۳	۲۹/۹	۱۹/۴
۴	دانا و کاردان	۲۰	۶۹	۱۶۰	۱۰۵	۶۴
		۴/۸	۱۶/۵	۳۸/۳	۲۵/۱	۱۵/۳
۵	دیندار و خدا ترس	۲۷	۸۵	۱۴۱	۹۷	۶۸
		۶/۵	۲۰/۳	۳۳/۷	۲۳/۲	۱۶/۳
۶	مشارکت جو	۲۴	۶۴	۱۲۸	۱۲۸	۷۴
		۵/۷	۱۵/۳	۳۰/۶	۳۰/۶	۱۷/۷
۷	با غیرت و متعصب	۲۰	۶۱	۱۴۹	۱۲۳	۶۵
		۴/۸	۱۴/۶	۳۵/۶	۲۹/۴	۱۵/۶
۸	اهل خیر و خوبی	۲۰	۶۸	۱۴۲	۱۱۴	۷۴
		۴/۸	۱۶/۳	۳۴	۲۷/۳	۱۷/۷
۹	دارای اعتماد بنفس	۱۴	۵۶	۱۱۸	۱۳۸	۹۲
		۳/۳	۱۳/۴	۲۸/۲	۳۳	۲۲
۱۰	جزء خانواده مرفه	۶۶	۱۲۵	۱۴۶	۵۸	۲۳
		۱۵/۸	۲۹/۹	۳۴/۹	۱۳/۹	۵/۵
۱۱	پرخاشگر و زورگ	۱۰۹	۱۵۳	۹۲	۳۵	۲۹
		۲۶/۱	۳۶/۶	۲۲	۸/۴	۶/۹
۱۲	بیکار و علاف	۱۳۲	۱۳۱	۹۷	۲۹	۲۹
		۳۱/۶	۳۱/۳	۲۳/۲	۶/۹	۶/۹
۱۳	سودجو و منفعت طلب	۱۱۱	۱۳۸	۹۸	۳۶	۳۵
		۲۶/۶	۳۳	۲۳/۴	۸/۶	۸/۴

نگرش نسبت به مشارکت کنندگان در کاهش خشونت

در جدول ۴-۱۸ گویه های مربوط به نگرش مردم نسبت به کسانی که مشارکت می کنند توزیع شده است. همانطور که ملاحظه می شود نگاه کلی به جدول نشان می دهد میانگین نگرش تقریباً مثبت متوسط بالاست است به عبارتی میانگین نگرش بین متوسط و زیاد قرار می گیرد. که این امر نشان می دهد نگرش منفی نیست و از طرف دیگر خیلی هم بالا نیست.

۳۴/۲ درصد پاسخگویان در حد متوسط افراد مشارکت کننده را قابل اعتماد و ۲۵/۸ درصد در حد زیاد قابل اعتماد ۳۳/۵ درصد در حد زیاد مسئولیت پذیر، ۳۱/۲ درصد در حد متوسط و ۴۹/۳ درصد در حد زیاد و بسیار زیاد آنها را دلسوز مردم، ۳۸/۳ درصد در حد متوسط و ۲۵ درصد در حد زیاد آنان را دانا و کاردان، ۳۳/۷ درصد در حد متوسط و ۲۳ درصد در حد زیاد آنان را دیندار و خداترس، ۶۱ درصد در حد متوسط و زیاد آنان را مشارکت جو دانسته و در خصوص بقیه گویه ها شامل: باتعصب و غیرت، اهل خیر و خوبی، دارای اعتماد بنفس و جزء خانواده مرفه بودن نیز وضع به همین منوال است. در خصوص گویه های منفی: پرخاشگر بودن، بیکار و علاف بودن، سودجو بودن نیز مردم نگرش منفی ندارند درص کمی (زیر ۱۰ درصد) در حد زیاد به چنینی صفاتی برای افراد مشارکت جو اعتقاد دارند.

در خصوص نگرش کلی به افراد مشارکت جو، گرچه میانگین نمرات نشان از نگرش تقریباً مثبت، دارد اما، تصور بر این بود که مردم نگرش خیلی مثبتی نسبت به افراد میانجی و صلح طلب یا افرادی که در کاهش خشونت ها مشارکت می کنند، دارند ولی تصور ما گرچه درست است ولی کمی فاصله دارد و نشان میدهد پاسخگویان، کمی تردید هم دارند. و این مطلب اگر خواهان مشارکت بیشتر مردم در کاهش خشونت ها هستیم، نسبت به بهبود وضعیت نگرش نسبت به آنها هم اقدام کنیم. می توان از طرق مختلف نسبت به بهبود نگرش به این افراد اقدام کرد: با اقدامات خود افراد در جهت اعتمادسازی، رسانه ها و دیگر زمینه های فرهنگی میتوان در جهت بهبود آن قدم برداشت.

سوال باز: فکر می کنید افرادی که در کاهش خشونت مشارکت می کنند ویژگیهای زیر در آنان به چه میزان است؟

این سوال بصورت باز از مردم سوال شد که خلاصه همه آنها به موارد زیر اشاره کرده اند:

توجه به معیشت مردم

رفع بیکاری

توجه دستگاههای متولی (دادگستری، استانداری و توابع) به مشارکت کنندگان

حمایت قانونی از مشارکت کنندگان و صلح نامه ها و قراردادهای آنان

تشکیل انجمن ها

۲-۴-بخش دوم: نتایج استنباطی تحقیق (آزمون فرضیه ها. معادلات ساختاری و مدل ها)

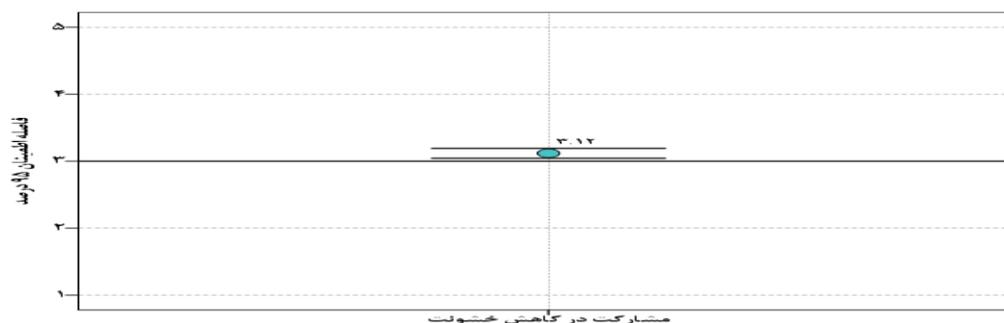
۱-۲-۴-یافته‌های استنباطی

در این قسمت که به نوعی محور اصلی فصل حاضر محسوب می‌شود ابتدا با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای^۱ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش برآورد شده است، در ادامه رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی با متغیر مشارکت در کاهش خشونت بررسی و در نهایت فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور^۲ مورد آزمون قرار گرفته‌اند: فرضیه (۱). میانگین مشارکت در کاهش خشونت در استان چهارمحال و بختیاری بالاتر از حد متوسط است. برای پاسخ به این پرسش از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۱۹. برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای جهت بررسی میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت

آمار استنباطی			آمار توصیفی		متغیر
Test Value: 3			انحراف معیار	میانگین	
Sig	Df	آماره t			
۰/۰۰۲	۴۱۷	۳/۱۵	۰/۷۶	۳/۱۲	مشارکت در کاهش خشونت

برحسب مقادیر جدول بالا میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (۳) برآورد شده است. این مقدار به لحاظ آماری معنادار است ($\text{Sig} < ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در استان چهارمحال و بختیاری بالاتر از حد متوسط است تأیید می‌شود.



نمودار ۴-۱ برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش

^۱. One sample t test
^۲. CB- SEM

تبیین وضعیت مشارکت در کاهش خشونت برحسب متغیرهای زمینه‌ای

در این قسمت وضعیت مشارکت در کاهش خشونت در بین جامعه آماری پژوهش بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی با استفاده از آزمون‌های آماری تی مستقل^۱ و تحلیل واریانس یک‌طرفه^۲ مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است:

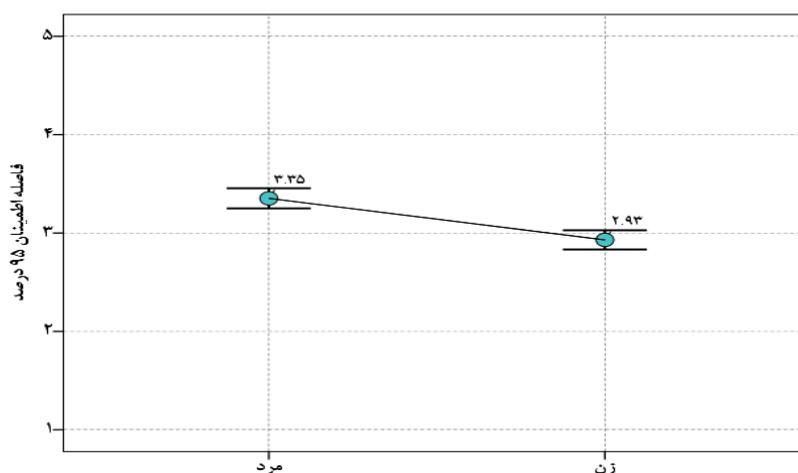
فرضیه (۱). بین مردان و زنان به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تی مستقل استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۲۰- برآورد آزمون تی جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در بین مردان و

زنان

متغیر	جنس	میانگین	انحراف معیار	همگنی واریانسی		آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
				آماره لوین	Sig			
مشارکت در کاهش خشونت	مرد	۳/۳۵	۰/۷۱	۱/۴۳	۰/۲۳۳	۵/۸۳	۴۱۶	۰/۰۰۱
	زن	۲/۹۳	۰/۷۶					

بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در جدول بالا بین مردان و زنان به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} < ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین مردان و زنان به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میانگین مشارکت مردان در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش (استان چهارمحال و بختیاری) به طور معناداری بالاتر از مشارکت زنان برآورد شده است.



نمودار ۴-۲۰- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین مردان و زنان

^۱. Independent sample t test

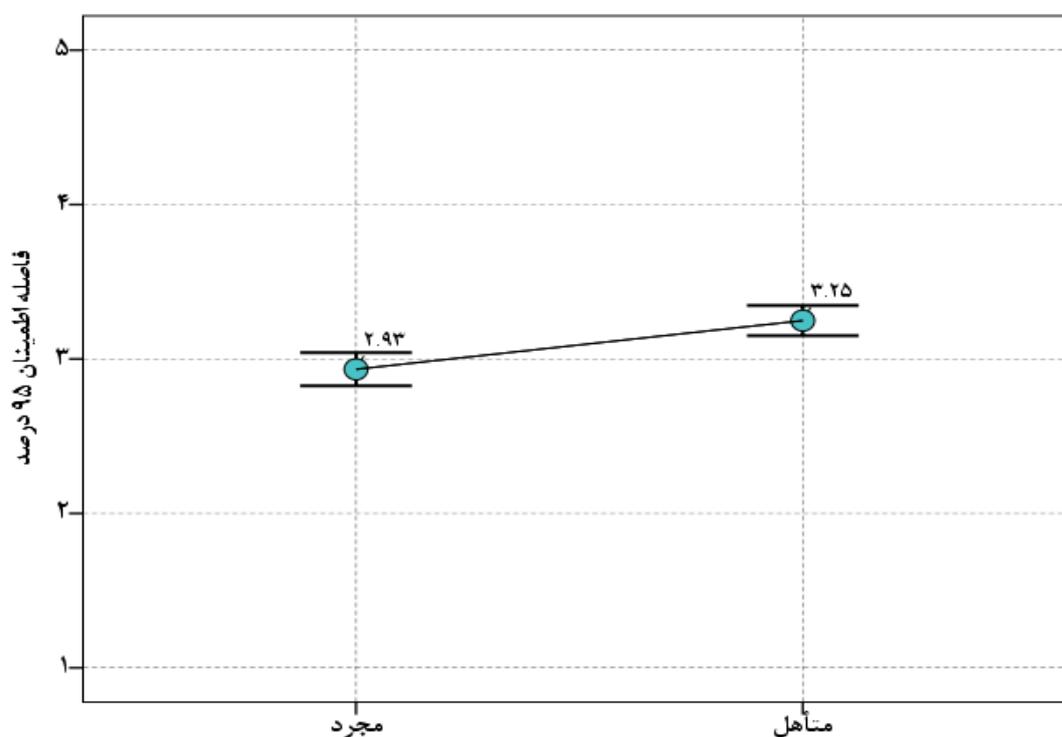
^۲. One way ANOVA

فرضیه (۲). بین افراد مجرد و متأهل به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تی مستقل استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۲۱. برآورد آزمون تی جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد مجرد و متأهل

متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	انحراف معیار	همگنی واریانسی		آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
				آماره لوین	Sig			
مشارکت در کاهش خشونت	مجرد	۲/۹۳	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۴۰۰	-۴/۲۳	۰/۴۱۶	۰/۰۰۱
	متأهل	۳/۲۵	۰/۷۷					

بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در جدول بالا بین افراد مجرد و متأهل به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} < ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین افراد مجرد و متأهل به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میانگین مشارکت افراد متأهل در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش (استان چهارمحال و بختیاری) به طور معناداری بالاتر از مشارکت افراد مجرد است.



نمودار ۴-۳. برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد مجرد و متأهل

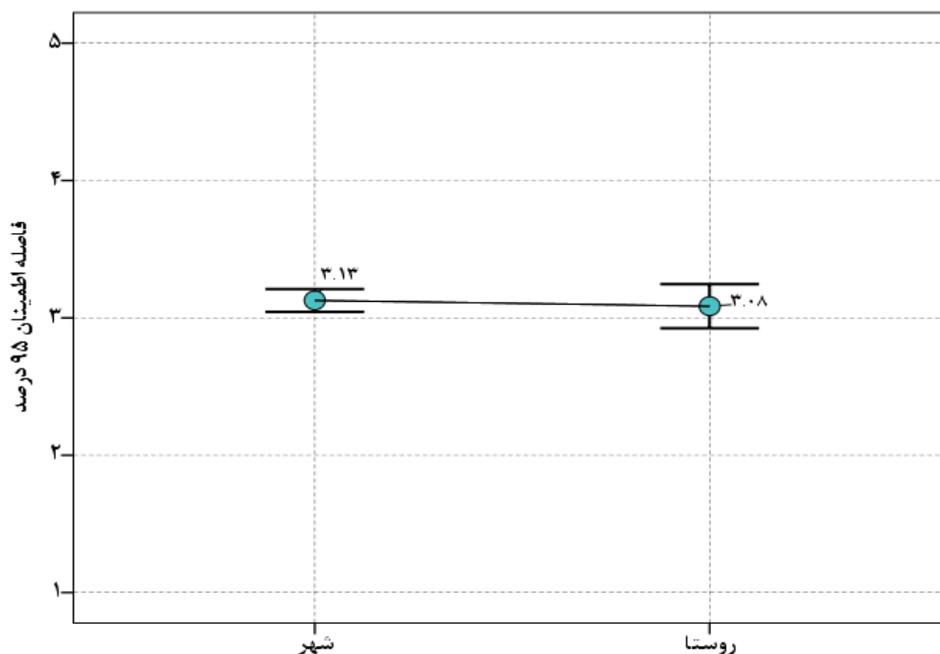
فرضیه (۳). بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تی مستقل استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۲۲. برآورد آزمون تی جهت مقایسه مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد ساکن شهر و

روستا

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	همگنی واریانسی		انحراف معیار	میانگین	محل سکونت	متغیر
			Sig	آماره لوین				
۰/۶۴۶	۰/۴۱۶	۰/۴۶	۰/۹۹۸	۰	۰/۷۷	۳/۱۳	شهر	مشارکت در کاهش خشونت
					۰/۷۶	۳/۰۸	روستا	

بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در جدول بالا بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید نمی‌شود. به عبارت دیگر مقدار تفاوت اندک بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش (استان چهارمحال و بختیاری) را ندارد.



نمودار ۴-۴-۲۲. برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد ساکن در شهر و روستا

فرضیه (۴). بین گروه‌های سنی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۲۳-۴. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب سن

سطح معناداری	آماره F	همگنی واریانسی		انحراف معیار	میانگین	سن	متغیر
		Sig	آماره لوین				
۰/۰۰۱	۲۲/۲۶	۰/۰۷۲	۲/۳۵	۰/۷۶	۲/۹۰	۱۸ تا ۲۹ سال	مشارکت در کاهش خشونت
				۰/۷۳	۳/۰۴	۳۰ تا ۳۹ سال	
				۰/۵۸	۳/۴۱	۴۰ تا ۴۹ سال	
				۰/۷۰	۳/۸۷	۵۰ سال به بالا	

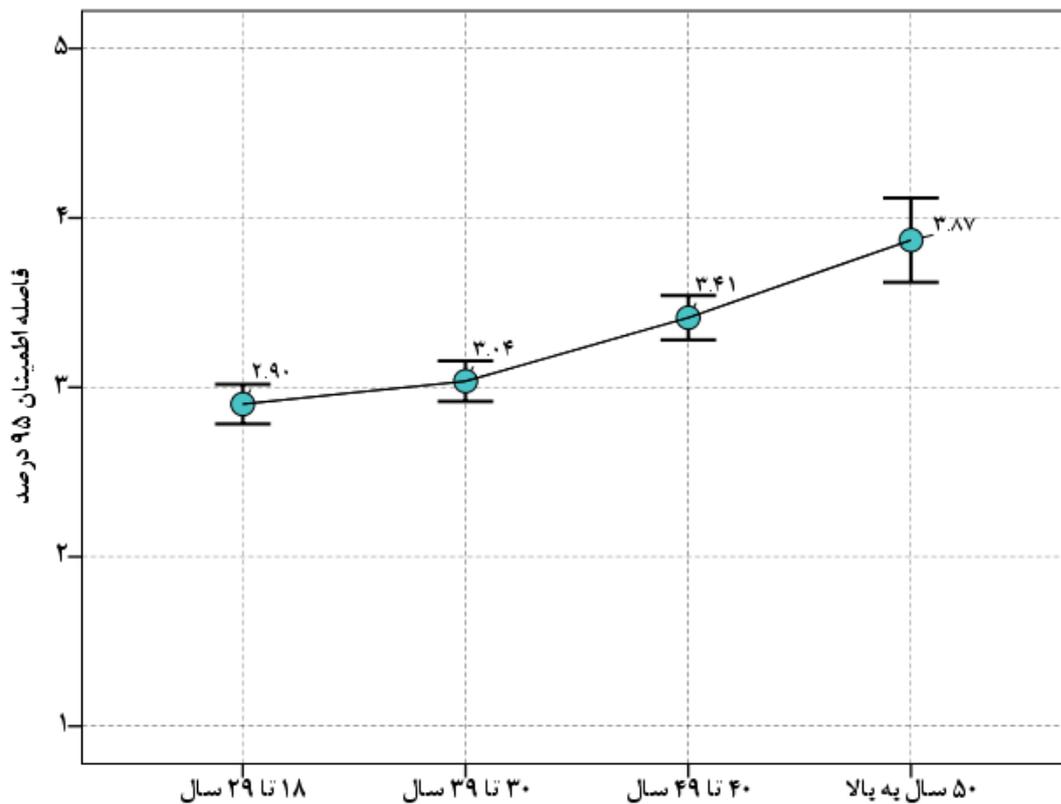
برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول بالا نشان دهنده این است که بین گروه‌های سنی به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($Sig \leq 0/05$). بنابراین به منظور بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر تفاوت بین گروه‌های سنی از آزمون تعقیبی شفه^۱ استفاده شده است. برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۲۴-۴. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت

سطح معناداری	تفاوت میانگین	سن		متغیر
۰/۴۳۱	-۰/۱۳	۳۰ تا ۳۹ سال	۱۸ تا ۲۹ سال	مشارکت در کاهش خشونت
۰/۰۰۱	-۰/۵۱	۴۰ تا ۴۹ سال		
۰/۰۰۱	-۰/۹۷	۵۰ سال به بالا		
۰/۰۰۳	-۰/۳۷	۴۰ تا ۴۹ سال	۳۰ تا ۳۹ سال	
۰/۰۰۱	-۰/۸۳	۵۰ سال به بالا		
۰/۰۲۴	-۰/۴۶	۵۰ سال به بالا	۴۰ تا ۴۹ سال	

۱. Scheffe

مقادیر مربوط به برآورد آزمون تعقیبی شفه در جدول بالا بیانگر این است بین گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال با گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا، همچنین بین گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال با گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا و گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال با گروه سنی ۵۰ سال به بالا به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($Sig \leq 0.05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین گروه‌های سنی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میزان مشارکت در کاهش خشونت در بین گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا به طور معناداری بالاتر از گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۹ سال و ۳۰ تا ۳۹ سال است و همچنین میزان مشارکت در گروه سنی ۵۰ سال به بالا به طور معناداری بالاتر از گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ برآورد شده است.



نمودار ۴-۵- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروه‌های سنی

فرضیه (۵). بین گروه‌های تحصیلی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴-۲۵. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب تحصیلات

سطح معناداری	آماره F	همگنی واریانسی		انحراف معیار	میانگین	تحصیلات	متغیر
		Sig	آماره لوین				
۰/۰۰۱	۶/۴۸	۰/۰۱۲	۲/۷۷	۱/۲۴	۳/۵۲	بیسواد	مشارکت در کاهش خشونت
				۰/۷۹	۲/۹۲	دیپلم	
				۰/۶۵	۳/۰۱	کاردانی	
				۰/۷۲	۳/۱۰	کارشناسی	
				۰/۶۲	۳/۲۹	کارشناسی ارشد	
				۰/۶۷	۳/۷۶	دکتری	
				۰/۷۰	۴/۰۴	حوزوی	

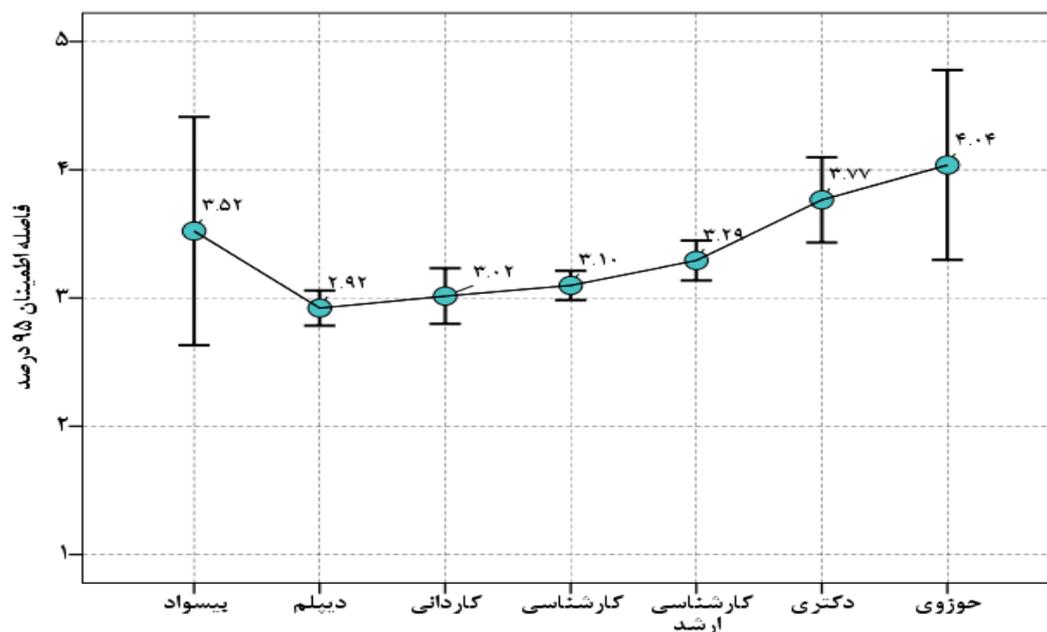
برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول بالا نشان دهنده این است که بین گروه‌های تحصیلی به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq ۰/۰۵$). بنابراین به منظور بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر تفاوت بین گروه‌های تحصیلی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است. برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۲۶. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت

سطح معناداری	تفاوت میانگین	تحصیلات	متغیر
۰/۴۰۴	۰/۶۰	دیپلم	مشارکت در کاهش خشونت
۰/۷۱۱	۰/۵۱	کاردانی	
۰/۷۹۳	۰/۴۲	کارشناسی	
۰/۹۹۱	۰/۲۳	کارشناسی ارشد	
۰/۹۹۴	-۰/۲۴	دکتری	
۰/۹۳۴	-۰/۵۱	حوزوی	
۰/۹۹۸	-۰/۰۹	کاردانی	
۰/۶۶۹	-۰/۱۸	کارشناسی	

۰/۰۹۹	-۰/۳۷	کارشناسی ارشد	
۰/۰۰۲	-۰/۸۴	دکتری	
۰/۰۴۲	-۱/۱۱	حوزوی	
۰/۹۹۹	-۰/۰۸	کارشناسی	کاردانی
۰/۷۶۷	-۰/۲۸	کارشناسی ارشد	
۰/۰۵۲	-۰/۷۵	دکتری	
۰/۱۲۹	-۱/۰۲	حوزوی	
۰/۷۹۲	-۰/۱۹	کارشناسی ارشد	کارشناسی
۰/۰۴۱	-۰/۶۷	دکتری	
۰/۱۵۵	-۰/۹۴	حوزوی	
۰/۴۵۰	-۰/۴۷	دکتری	کارشناسی ارشد
۰/۴۷۰	-۰/۷۴	حوزوی	
۰/۹۹۶	-۰/۲۷	حوزوی	دکتری

مقادیر مربوط به برآورد آزمون تعقیبی شفه در جدول بالا بیانگر این است بین افراد دارای تحصیلات دیپلم با افراد دارای تحصیلات دکتری و حوزوی و بین افراد دارای تحصیلات کارشناسی با افراد دارای تحصیلات دکتری به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($Sig \leq 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین گروه‌های تحصیلی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میزان مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد دارای تحصیلات دیپلم به طور معناداری پایین‌تر از افراد دارای تحصیلات دکتری و حوزوی و در بین افراد دارای تحصیلات کارشناسی پایین‌تر از افراد دارای تحصیلات دکتری است.



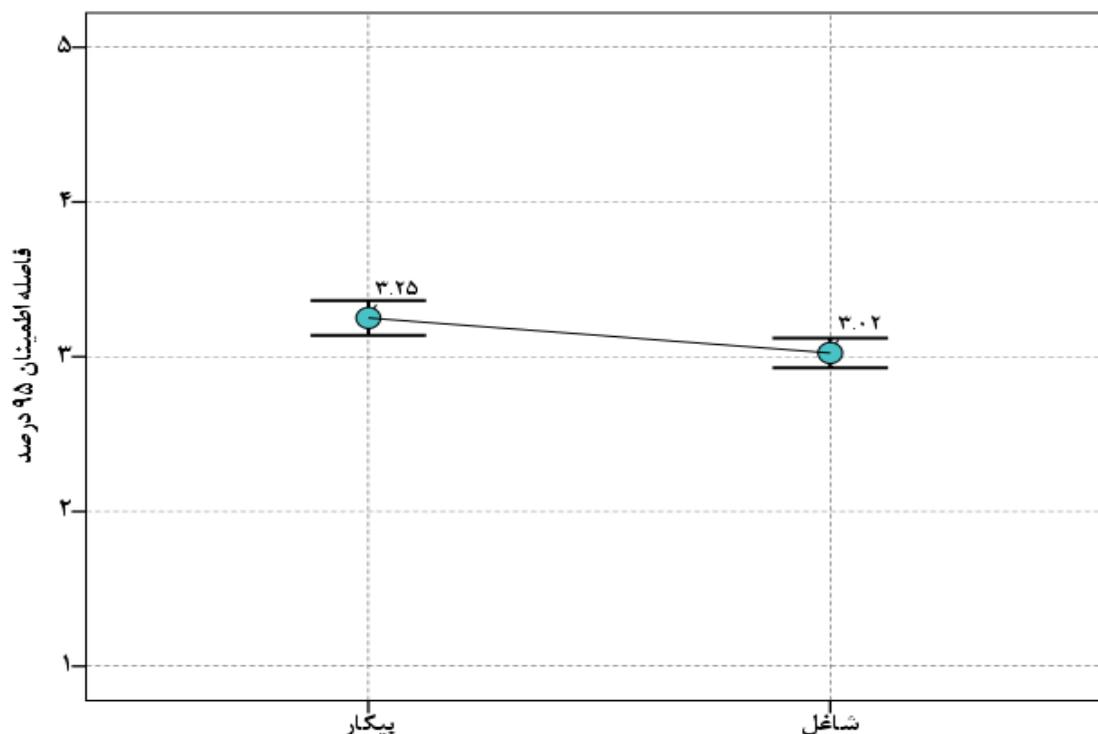
نمودار ۴-۶- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروه‌های تحصیلی

فرضیه (۶). بین افراد بیکار و شاغل به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تی مستقل استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۲۸. برآورد آزمون تی جهت مقایسه مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد شاغل و غیرشاغل

متغیر	اشتغال	میانگین	انحراف معیار	همگنی واریانسی		آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
				آماره لوین	Sig			
مشارکت در کاهش خشونت	بیکار	۳/۲۵	۰/۷۵	۰/۲۱	۰/۶۴۹	۳	۴۱۶	۰/۰۰۳
	شاغل	۳/۰۲	۰/۷۶					

بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در جدول بالا بین افراد بیکار و شاغل به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} < ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین افراد بیکار و شاغل به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میانگین مشارکت افراد بیکار در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش (استان چهارمحال و بختیاری) به طور معناداری بالاتر از مشارکت افراد شاغل است.



نمودار ۴-۷- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد بیکار و شاغل

فرضیه (۷). بین گروه‌های شغلی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد.

برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴-۲۸ برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب نوع شغل

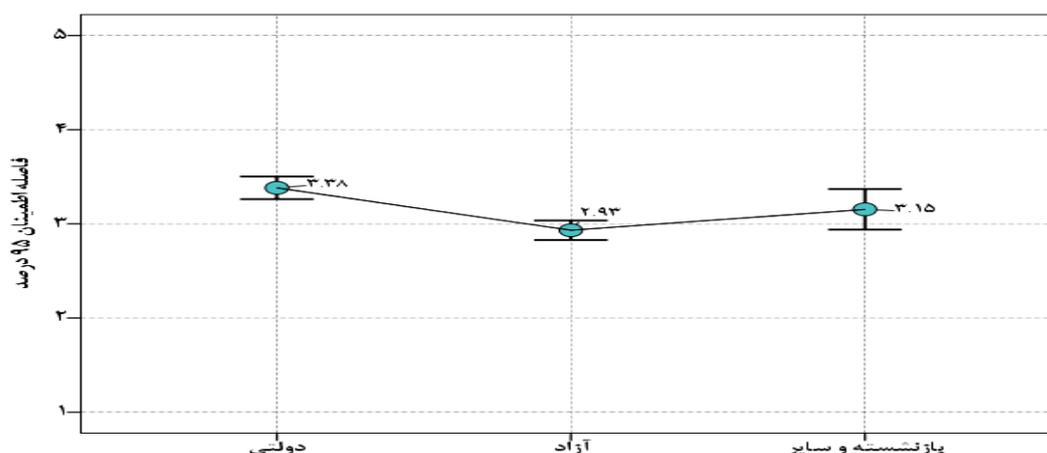
سطح معناداری	آماره F	همگنی واریانسی		انحراف معیار	میانگین	نوع شغل	متغیر
		Sig	آماره لوین				
۰/۰۰۱	۱۴/۵۵	۰/۲۷۸	۱/۲۹	۰/۶۷	۳/۳۸	دولتی	مشارکت در کاهش خشونت
				۰/۷۳	۲/۹۳	آزاد	
				۰/۸۱	۳/۱۵	بازنشسته و سایر	

برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول بالا نشان دهنده این است که بین مشاغل مختلف به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq ۰/۰۵$). بنابراین به منظور بررسی دقیق تر و جزئی تر تفاوت بین گروه های شغلی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است. برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۲۹ برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت

سطح معناداری	تفاوت میانگین	نوع شغل		متغیر
۰/۰۰۱	۰/۴۵	آزاد	دولتی	مشارکت در کاهش خشونت
۰/۱۴۷	۰/۲۳	بازنشسته و سایر		
۰/۱۲۹	-۰/۲۲	بازنشسته و سایر	آزاد	

مقادیر مربوط به برآورد آزمون تعقیبی شفه در جدول بالا بیانگر این است بین افراد دارای شغل دولتی و افراد دارای شغل آزادی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین گروه های شغلی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می شود. به عبارت دیگر میانگین مشارکت افراد دارای شغل دولتی در کاهش خشونت به طور معناداری بالاتر از مشارکت افرادی است که شغل آزاد دارند.



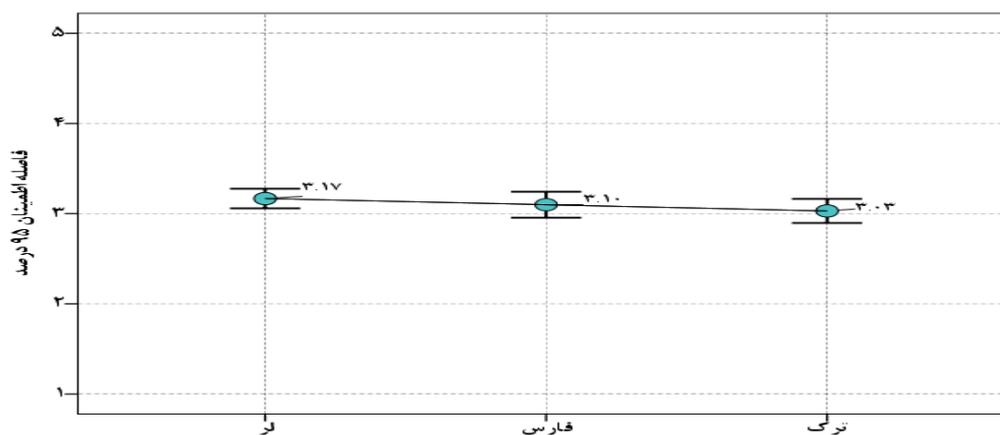
نمودار ۴-۸- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین گروه‌های شغلی

فرضیه (۸). بین قومیت‌های مختلف به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴-۳۰- برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب قومیت

متغیر	قومیت	میانگین	انحراف معیار	همگنی واریانسی		سطح معناداری
				آماره لوین	Sig	
مشارکت در کاهش خشونت	لر (بختیاری)	۳/۱۷	۰/۷۹	۳/۱۷	۰/۰۴۳	۰/۲۸۶
	فارس	۳/۱۰	۰/۸۰			
	ترک	۳/۰۳	۰/۶۴			

برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول بالا بیانگر این است که بین قومیت‌های مختلف به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین قومیت‌های مختلف به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید نمی‌شود. به عبارت دیگر باید گفت مقدار تفاوت اندک بین قومیت‌های مختلف به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.



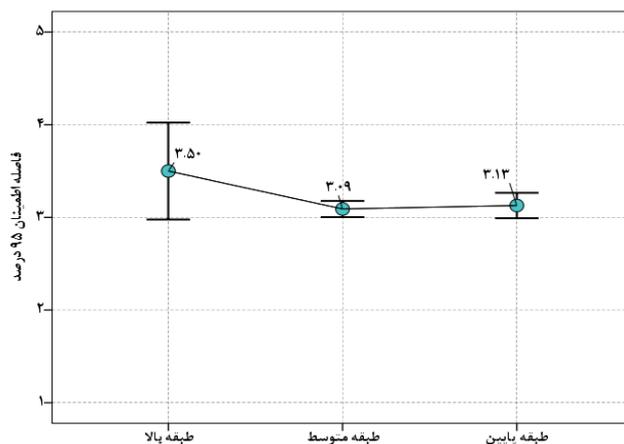
نمودار ۴-۹- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین قومیت‌ها

فرضیه (۹). بین تعلق طبقاتی افراد و میزان مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴-۳۱. برآورد تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین مشارکت در کاهش خشونت بر حسب تعلق طبقاتی

سطح معناداری	آماره F	همگنی واریانس		انحراف معیار	میانگین	تعلق طبقاتی	متغیر
		Sig	آماره لوین				
۰/۱۱۳	۲/۱۹	۰/۱۹۵	۱/۶۴	۰/۹۸	۳/۵۰	بالا	مشارکت در
				۰/۷۳	۳/۰۹	متوسط	کاهش
				۰/۷۹	۳/۱۳	پایین	خشونت

برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول بالا نشان دهنده این است که بین افراد با تعلق طبقاتی متفاوت به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین تعلق طبقاتی افراد و میزان مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد، تأیید نمی‌شود. به عبارت دیگر باید گفت مقدار تفاوت اندک بین افراد طبقات مختلف به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.



نمودار ۴-۱۰- برآورد میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در بین افراد با تعلق طبقاتی متفاوت

مدل‌سازی معادله ساختاری^۱

در این قسمت ابتدا با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون^۲ رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر مشارکت در کاهش خشونت بررسی و در ادامه با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری فرضیه‌های مربوط به اثر این متغیرها بر مشارکت در کاهش خشونت و همچنین مدل تجربی پژوهش برازش و گزارش شده است:

جدول ۴-۳۲. برآورد ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با مشارکت

مشارکت در کاهش خشونت			متغیر
تعداد	سطح معناداری	ضریب پیرسون	
۴۱۸	۰/۰۰۱	۰/۲۱	سودمندی
	۰/۰۰۱	۰/۳۷	انگیزه
	۰/۰۰۱	۰/۵۲	اعتماد اجتماعی
	۰/۰۰۱	۰/۲۱	ارزش‌های مثبت
	۰/۸۲۱	-۰/۰۱	ارزش‌های منفی
	۰/۹۵۲	-۰/۰۰۳	بی تفاوتی
	۰/۴۸۶	۰/۰۳	احساس نابرابری
	۰/۰۰۱	۰/۲۷	نگرش نسبت به مشارکت- کنندگان

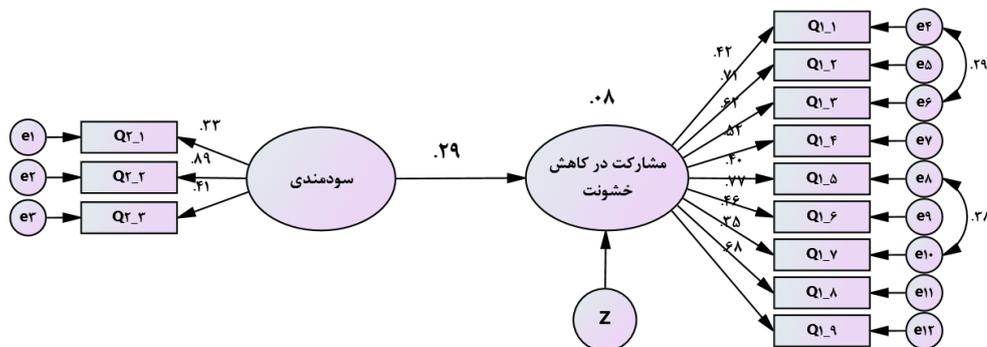
مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: الف. بین متغیرهای سودمندی، داشتن انگیزه، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های مثبت و نگرش نسبت به مشارکت‌کنندگان با متغیر مشارکت در کاهش خشونت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). با توجه به مقادیر ضریب پیرسون می‌توان گفت شدت رابطه بین متغیرهای سودمندی، ارزش‌های مثبت و نگرش نسبت به مشارکت‌کنندگان با متغیر مشارکت در کاهش خشونت ضعیف و شدت رابطه متغیرهای داشتن انگیزه و اعتماد اجتماعی با این متغیر در حد متوسط برآورد شده است. ب. رابطه بین متغیرهای ارزش‌های منفی، بی تفاوتی و احساس نابرابری با متغیر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار نیست ($\text{Sig} > 0/05$). به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی بین این متغیرها با متغیر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

^۱. Structural Equation Modeling

^۲. Pearson Correlation

فرضیه (۱). سودمندی بر مشارکت در کاهش خشونت تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر سودمندی بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۱-مدل معادله ساختاری اثر وضعیت اقتصادی بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۳۳. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مقتصد			برآزش تطبیقی			برآزش مطلق	
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN
مقدار	۰/۰۸	۳/۷۰	۵۱	۰/۶۸	۰/۸۸	۰/۸۵	۰/۹۳	۵۱

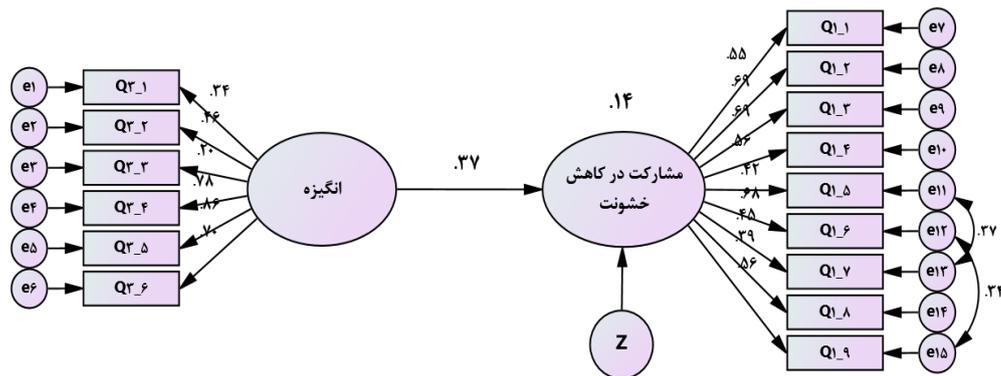
شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۴-۳۴- برآورد مقادیر اثر متغیر وضعیت اقتصادی بر مشارکت در کاهش خشونت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
سودمندی	<---	مشارکت در کاهش خشونت	۰/۰۸	۰/۲۹	۳/۶۲	۰/۰۰۱

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0/08)$ است. به بیان دیگر ۸ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیر سودمندی قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار ضعیف برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیر سودمندی در حد ضعیف توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر وضعیت

اقتصادی برابر ($\text{Beta} = 0/29$) به دست آمد که در سطح ($P < 0/01$) معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر سودمندی بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید می‌شود. مقدار ضریب بیانگر تأثیر مستقیم و در حد ضعیف این متغیر بر مشارکت در کاهش خشونت است. فرضیه (۲). بین داشتن انگیزه و مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد. برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۲- مدل معادله ساختاری اثر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۳۴ برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هلتز	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۳۷	۰/۰۸	۳/۸۴	۸۷	۰/۷۱	۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۹۰	۳۳۴/۳۹	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

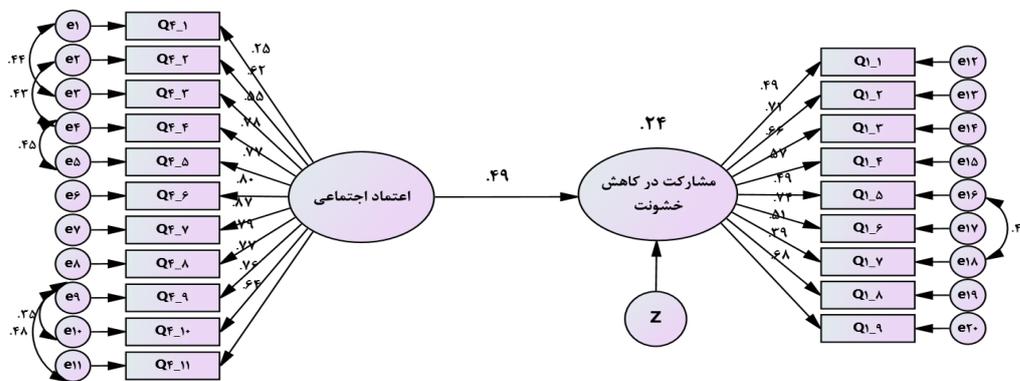
جدول ۴-۳۵ برآورد مقادیر اثر متغیر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت

P. Value	CR	ضریب تأثیر	ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۴/۴۵	۰/۳۷	۰/۱۴	مشارکت در کاهش خشونت	<---	انگیزه

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0/14)$ است. به بیان دیگر ۱۴ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب داشتن انگیزه قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار متوسط برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیر داشتن انگیزه در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر داشتن انگیزه برابر $(Beta = 0/37)$ به دست آمد که در سطح $(P < 0/01)$ معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر داشتن انگیزه بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید می‌شود. مقدار ضریب بیانگر تأثیر مستقیم و در حد متوسط این متغیر بر مشارکت در کاهش خشونت است.

فرضیه (۴). اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۳- مدل معادله ساختاری اثر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۳۶- برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مقتصد			برآزش تطبیقی			برآزش مطلق		هانتز
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
مقدار	۰/۱۱	۵/۸۶	۱۶۳	۰/۷۱	۰/۸۲	۰/۸۰	۰/۷۶	۹۵۵/۳۱	۷۸

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت نسبی مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۴-۳۷. برآورد مقادیر اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت

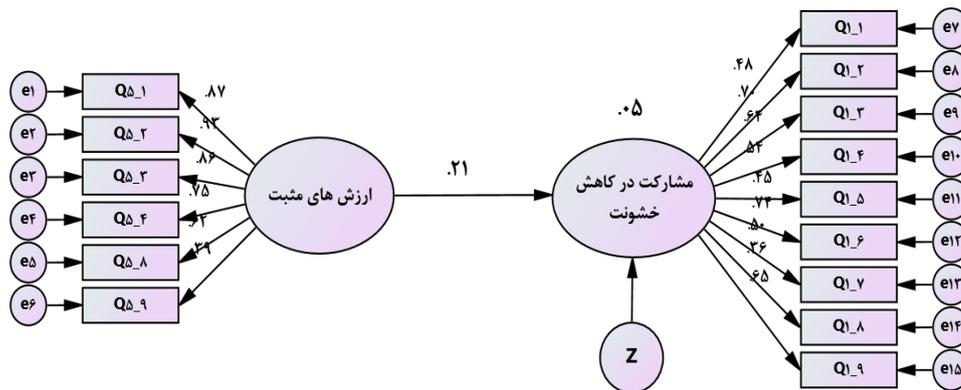
متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value

اعتماد اجتماعی	<---	مشارکت در کاهش خشونت	۰/۲۴	۰/۴۹	۴/۰۱	۰/۰۰۱
----------------	------	----------------------	------	------	------	-------

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = 0/24$) است. به بیان دیگر ۲۴ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب اعتماد اجتماعی قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار متوسط برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیر اعتماد اجتماعی در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر داشتن اعتماد اجتماعی برابر ($Beta = 0/49$) به دست آمد که در سطح ($P < 0/01$) معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید می‌شود. مقدار ضریب بیانگر تأثیر مستقیم و در حد متوسط این متغیر بر مشارکت در کاهش خشونت است.

فرضیه (۴). رواج ارزش‌های مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر رواج ارزش‌های مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۴- مدل معادله ساختاری اثر رواج ارزش‌های مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۳۸ برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هئلتر	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۴۱	۰/۰۸	۳/۷۳	۸۹	۰/۷۷	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۰	۳۳۲/۱۵	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

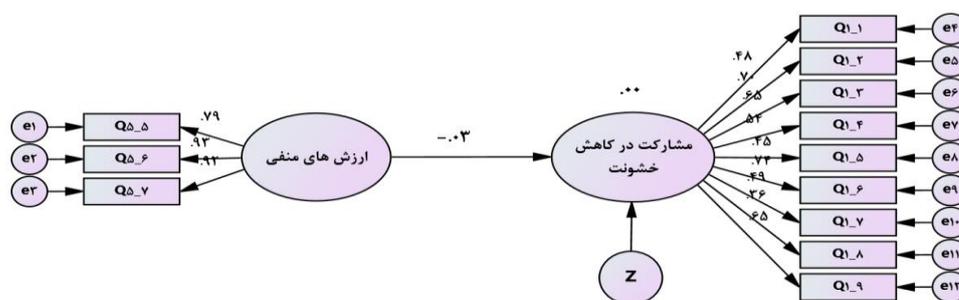
جدول ۴-۳۸- برآورد مقادیر اثر متغیر رواج ارزش‌های مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب	ضریب تأثیر	CR	P. Value
ارزش‌های مثبت	<---	مشارکت در کاهش خشونت	۰/۰۵	۰/۲۱	۰/۲۱	۳/۶۷	۰/۰۰۱

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = ۰/۰۵)$ است. به بیان دیگر ۵ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیر رواج ارزش‌های مثبت قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار ضعیف برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیر رواج ارزش‌های مثبت در حد ضعیف توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر رواج ارزش‌های مثبت برابر $(Beta = ۰/۲۱)$ به دست آمد که در سطح $(P < ۰/۰۱)$ معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر رواج ارزش‌های مثبت بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید می‌شود. مقدار ضریب بیانگر تأثیر مستقیم و در حد ضعیف این متغیر بر مشارکت در کاهش خشونت است.

فرضیه (۴). رواج ارزش‌های منفی بر مشارکت در کاهش خشونت تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس‌محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر رواج ارزش‌های منفی بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۵- مدل معادله ساختاری اثر رواج ارزش‌های منفی بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۳۹- برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هانت	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۰۴	۰/۱۰	۵/۴۲	۵۳	۰/۷۱	۰/۸۸	۰/۸۵	۰/۹۰	۲۸۷/۱۶	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت نمی‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار نیست و برخی از شاخص‌ها دلالت بر عدم مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

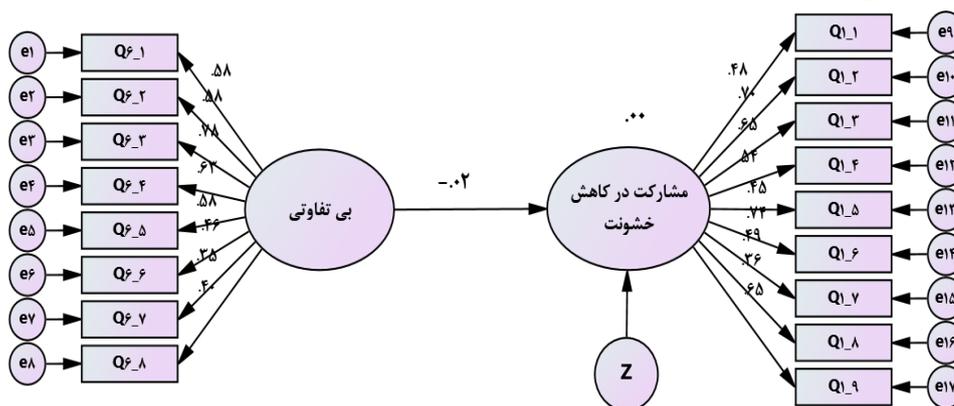
جدول ۴-۴- برآورد مقادیر اثر متغیر رواج ارزش‌های منفی بر مشارکت در کاهش خشونت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
ارزش‌های منفی	<---	مشارکت	۰	-۰/۰۳	-۰/۶۱	۰/۵۳۹

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = ۰)$ است. به بیان دیگر درصدی از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیر رواج ارزش‌های منفی قابل تبیین نیست. به عبارت دیگر متغیر رواج ارزش‌های منفی توان تبیین درصدی از واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را ندارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر رواج ارزش‌های منفی برابر $(Beta = -۰/۰۳)$ به دست آمد که به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر رواج ارزش‌های منفی بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید نمی‌شود.

فرضیه (۴). بی تفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس‌محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر بی تفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۶- مدل معادله ساختاری اثر بی تفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۴۱- برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مطلق			برآزش تطبیقی			برآزش مقصد		هانتلر
	GFI	CMIN	TLI	PCFI	CFI	DF	RMSEA	CMIN/DF	
مقدار	۰/۸۵	۵۶۷/۰۵	۰/۷۳	۰/۶۶	۰/۷۶	۱۱۸	۰/۱۰	۴/۸۱	۱۰۷

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت نمی‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار نیست و برخی از شاخص‌ها دلالت بر عدم مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

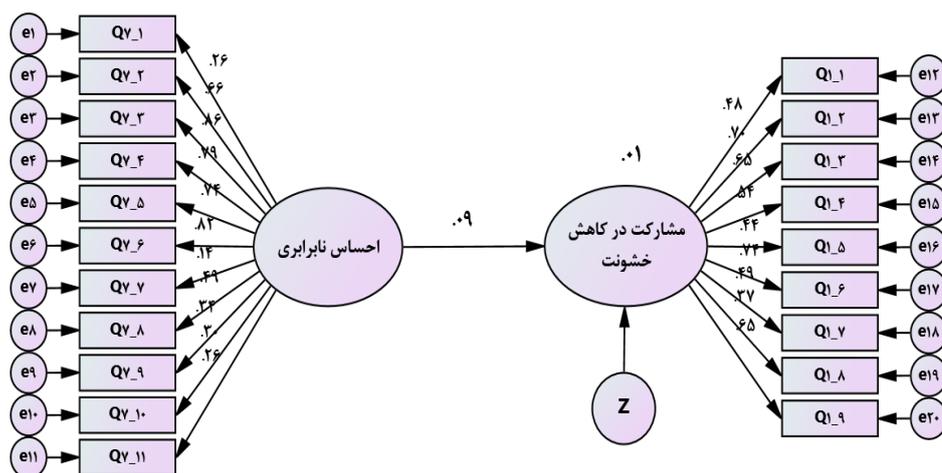
جدول ۴-۴۲. برآورد مقادیر اثر متغیر بی‌تفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
بی‌تفاوتی	<---	مشارکت در کاهش خشونت	۰	-۰/۰۲	-۰/۳۲	۰/۷۴۵

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با $(R^2 = 0)$ است. به بیان دیگر درصدی از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیر بی‌تفاوتی قابل تبیین نیست. به عبارت دیگر متغیر بی‌تفاوتی توان تبیین درصدی از واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را ندارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر بی‌تفاوتی برابر $(Beta = -0/02)$ به دست آمد که به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر بی‌تفاوتی بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید نمی‌شود.

فرضیه (۴). احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۷- مدل معادله ساختاری اثر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۴۳- برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مطلق	برآزش تطبیقی	برآزش مقصد	هئلتر
------	------------	--------------	------------	-------

	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
مقدار	۰/۱۱	۶/۴۲	۱۶۹	۰/۶۲	۰/۷۰	۰/۶۶	۰/۷۶	۱۰۸۵/۰۲	۷۷

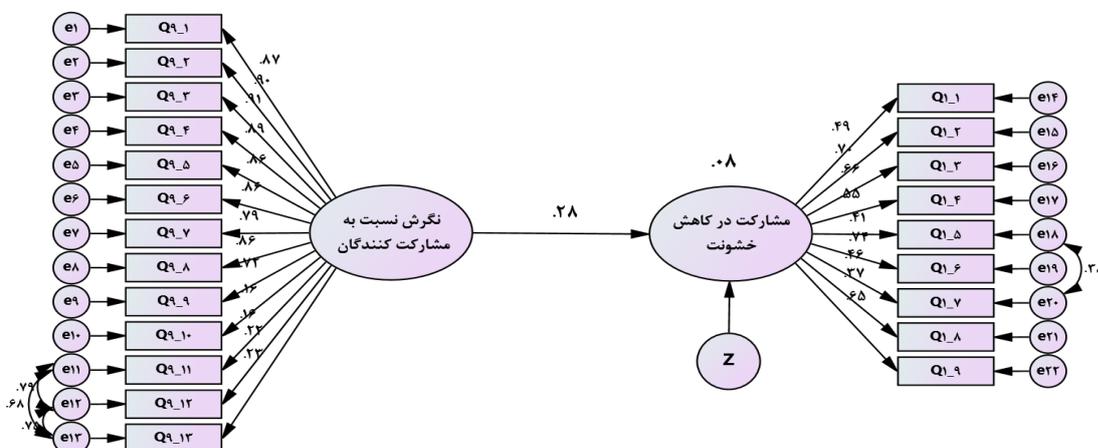
شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت نمی‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار نیست و برخی از شاخص‌ها دلالت بر عدم مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۴-۴۴ برآورد مقادیر اثر متغیر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت‌ها

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
احساس نابرابری	<---	مشارکت در کاهش خشونت	۰/۰۱	۰/۰۹	۱/۵۵	۰/۱۲۲

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = ۰/۰۱$) است. به بیان دیگر تنها ۱ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیر احساس نابرابری قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بسیار ضعیف برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیر احساس نابرابری در حد بسیار ضعیف توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر احساس نابرابری برابر ($Beta = ۰/۰۹$) به دست آمد که به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید نمی‌شود.

فرضیه (۴). نگرش مردم به مشارکت‌کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت تأثیر دارد. برای آزمون فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس‌محور، برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و همچنین پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیر احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۸- مدل معادله ساختاری اثر نگرش مردم به مشارکت کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۴۵ برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هلاتر	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۳۵	۰/۰۷	۳/۶۳	۲۰۴	۰/۸۰	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۸۵	۷۴۱/۶۰	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

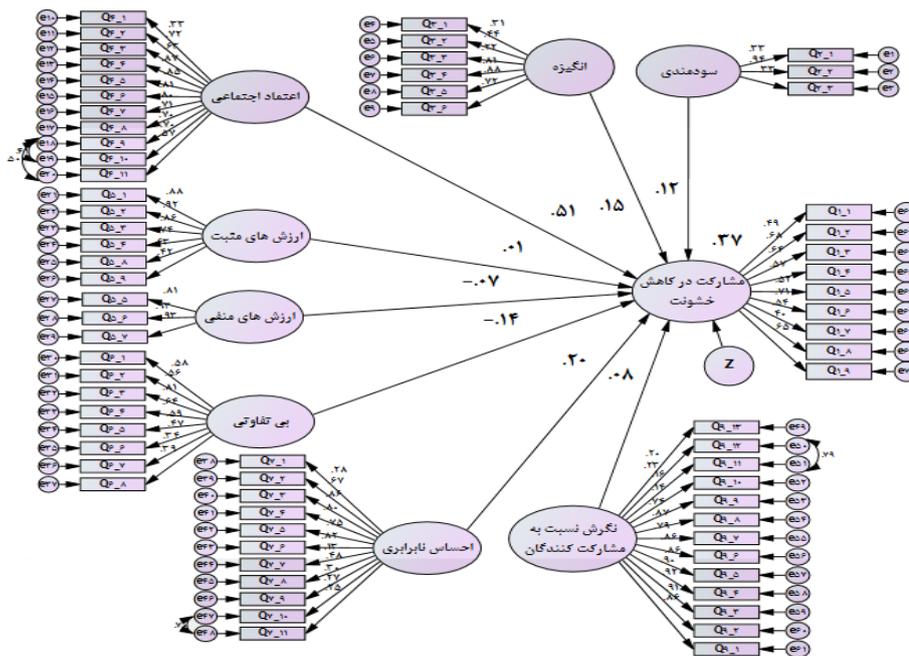
جدول ۴-۴۶ برآورد مقادیر اثر متغیر نگرش مردم به مشارکت کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت

P. Value	CR	ضریب تأثیر	ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۴/۷۷	۰/۲۸	۰/۰۸	مشارکت در کاهش خشونت	<---	نگرش به مشارکت کنندگان

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = 0/08$) است. به بیان دیگر ۸ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیر نگرش به مشارکت کنندگان قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار ضعیف برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیر نگرش به مشارکت کنندگان در حد ضعیف توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیر نگرش به مشارکت کنندگان برابر ($Beta = 0/28$) به دست آمد که در سطح ($0/01 < P$) معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر نگرش به مشارکت کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت تأیید می‌شود. مقدار ضریب بیانگر تأثیر مستقیم و در حد ضعیف این متغیر بر مشارکت در کاهش خشونت است.

برازش مدل

در نهایت با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری مدل اصلی پژوهش مورد برازش قرار گرفت، برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل شامل (ثر متغیرهای مستقل بر مشارکت در کاهش خشونت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۴-۹ مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل بر مشارکت در کاهش خشونت

جدول ۴-۴۷. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هئلتر	برآزش مقتصد			برآزش تطبیقی			برآزش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۳۴	۰/۰۷	۳/۰۱	۲۳۳۴	۰/۷۰	۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۵۹	۷۰۲۸/۱۶	مقدار

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برآزش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت نسبی مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۴-۴۸- برآورد مقادیر اثر متغیرهای مستقل پژوهش بر مشارکت در کاهش خشونت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
سودمندی	<---	مشارکت در کاهش خشونت	۰/۳۷	۰/۱۲	۲/۲۱	۰/۰۲۷
انگیزه				۰/۱۵	۲/۵۵	۰/۰۱۱
اعتماد اجتماعی				۰/۵۱	۴/۸۸	۰/۰۰۱
ارزش‌های مثبت				۰/۰۱	۰/۲۲	۰/۸۲۶
ارزش‌های منفی				-۰/۰۷	-۱/۴۸	۰/۱۳۸
بی تفاوتی				-۰/۱۴	-۲/۶۱	۰/۰۰۹
احساس نابرابری				۰/۲۰	۳/۰۸	۰/۰۰۲

۰/۱۰۴	۱/۶۲	۰/۰۸				نگرش به مشارکت- کنندگان
-------	------	------	--	--	--	----------------------------

بر حسب مقادیر جدول بالا: الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = 0/37$) است. به بیان دیگر ۳۷ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیرهای مشتقل پژوهش قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بالایی برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیرهای مشتقل پژوهش در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارند. ب. اثر متغیرهای سودمندی، انگیزه، اعتماد اجتماعی، بی تفاوتی و احساس نابرابری بر متغیر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). با توجه به مقادیر مربوط به ضرایب تأثیر این متغیرها می‌توان گفت اثر متغیرهای سودمندی، انگیزه و احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت مستقیم و در حد ضعیف و اثر متغیر اعتماد اجتماعی مستقیم و در حد متوسط به بالاست. اثر متغیر بی تفاوتی معکوس و در حد ضعیف برآورد شده است. ج. اثر متغیرهای ارزش‌های مثبت، ارزش‌های منفی و نگرش نسبت به مشارکت‌کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار نیست ($P > 0/05$). به عبارت دیگر مقدار اثر ضعیف این متغیرها بر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

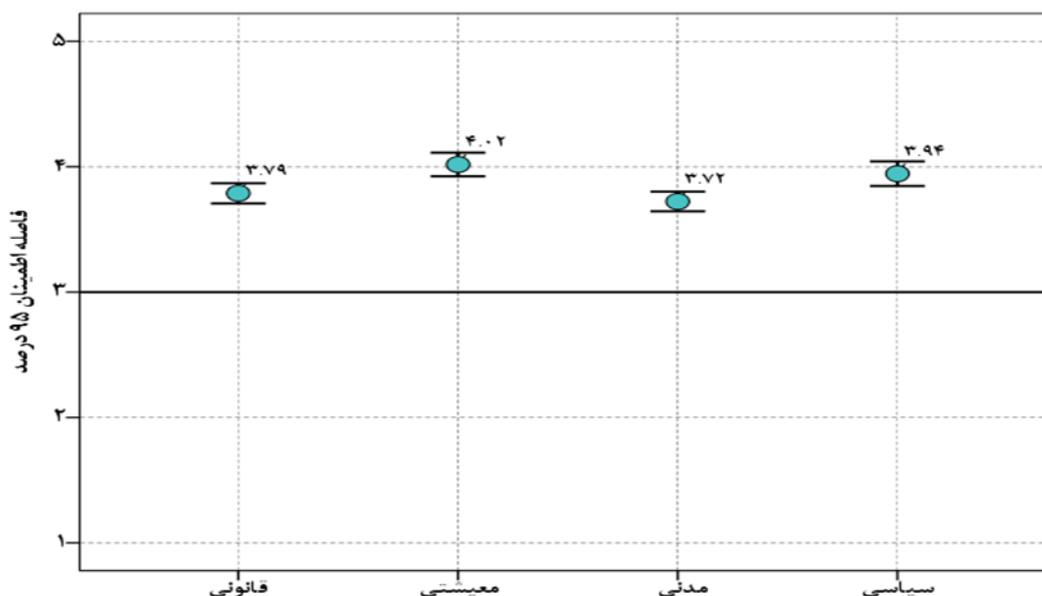
در این قسمت میزان تأثیر راهکارهای کاهش خشونت از نظر جامعه آماری پژوهش بررسی و در نهایت این راهکارها از نظر این افراد رتبه‌بندی شده‌اند:

سوال. جامعه آماری پژوهش میزان تأثیر راهکارهای کاهش خشونت تا در چه حد ارزیابی می‌کنند؟ به منظور پاسخ به این سوال از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول و نمودار زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۴۹- برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای جهت بررسی میانگین راهکارهای کاهش خشونت

آمار استنباطی			آمار توصیفی		راهکارها
Test Value: 3			انحراف معیار	میانگین	
Sig	Df	آماره t			
۰/۰۰۱	۴۱۷	۱۹/۳۴	۰/۸۳	۳/۷۹	قانونی
۰/۰۰۱		۲۱/۲۶	۰/۹۸	۴/۰۲	معیشتی
۰/۰۰۱		۱۸/۰۵	۰/۸۲	۳/۷۲	مدنی
۰/۰۰۱		۱۸/۸۱	۱	۳/۹۴	سیاسی

بر حسب مقادیر جدول بالا میانگین تأثیر راهکارهای قانونی، معیشتی، مدنی و سیاسی در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (۳) برآورد شده است. این مقدار به لحاظ آماری معنادار است ($0/05 < Sig$). بنابراین در پاسخ به این سوال که جامعه آماری پژوهش میزان تأثیر راهکارهای کاهش خشونت تا در چه حد ارزیابی می‌کنند؟ می‌توان گفت از نظر آنها میزان تأثیر این راهکارها بالاتر از حد متوسط است.



نمودار ۴-۱۲ برآورد میانگین راهکارهای کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش

سوال ۲. درجه اهمیت راهکارها برای کاهش خشونت در بین جامعه آماری پژوهش چگونه است؟ به منظور پاسخ به این سوال از آزمون فریدمن استفاده گردید برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴-۵۰ برآورد آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی راهکارها

Sig	Df	Chi Square	رتبه	میانگین رتبه	راهکار	متغیر
۰/۰۰۱	۳	۱۵۳/۹۰	۳	۲/۲۵	قانونی	راهکارها
			۱	۲/۹۳	معیشتی	
			۴	۲/۰۸	مدنی	
			۲	۲/۷۳	سیاسی	

مقادیر مربوط به برآورد آزمون فریدمن در جدول بالا نشان دهنده این است که از نظر جامعه آماری پژوهش به ترتیب راهکارهای معیشتی در اولویت اول، راهکارهای سیاسی اولویت دوم، راهکارهای قانونی اولویت سوم و راهکارهای مدنی در اولویت چهارم قرار دارند.

۴-۳-روش کیفی تحقیق (بخش کیفی -ثبت مصاحبه ها)

۴-۳-۱-مقدمه:

همانگونه که در مقدمه تحقیق آمد، این پژوهش به دو روش انجام شد: ۱- روش پیمایش، که اطلاعات این بخش بوسیله پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آنجا که اعتقاد بر این است که موضوع خشونت از جمله موضوعاتی است که نیاز به اطلاعات گسترده دارد، لذا بخش کمی یا پیمایشی نمی توانست تمام سوالات پژوهشی پاسخ جامع دهد هرچند تمام تلاش شد که بخش کمی، بسیار دقیق و جامع انجام شود. از این رو روش کیفی نیز پیشنهاد گردید. همانگونه که می دانید مهمترین ابزار گردآوری اطلاعات در روش کیفی، مصاحبه است. بدین منظور بعد از یک نشستی با ناظر طرح (دکتر شهرام مقدس مدیر کل محترم دفتر امور اجتماعی)، پیشنهاد گردید مصاحبه ها با صاحب نظران روان شناسی، جامعه شناسی، حقوقدانان، برخی کارشناسان، مدیران مرتبط و مردم، انجام گردد، که در این راستا مصاحبه با نمونه ای شامل تخصص های مذکور انجام گردید. از آنجا که مصاحبه در روش کیفی بایستی تا آنجا صورت پذیرد که اشباع نظری حاصل شود لذا با ۲۷ نفر از اساتید، مدیران، کارشناسان و مردم و حتی نمونه ای از افرادی که بعنوان صلح طلب شناخته می شوند و بدین عنوان معروف اند و مستقیم در حل و فصل نزاع ها و خشونت ها در استان مشارکت دارند انتخاب، هماهنگی و انتخاب شدند و با آنها مصاحبه بعمل آمد، که تمام مصاحبه ها ضبط و پیاده شده است که در ادامه مصاحبه به تفصیل پیاده گردید تا بر اساس آن مهمترین موانع کاهش خشونت ها و راهکارها استخراج و مدل مورد نظر تدوین گردد.

۴-۳-۲-مصاحبه ها

۱- مصاحبه: با دکتر محمد ربیعی استاد روانشناسی و مشاوره دانشگاه

با سلام خدمت آقای دکتر صادقی عزیز و عرض معذرت بخاطر تاخیر در پاسخ آقای دکتر به نظر می آید کم رنگ شدن نقش مردم در میانجیگری می تواند علت های مختلفی داشته باشد البته از نظر من این جور هست یکی از علت های اصلی اینه که در هزاره سوم خانواده یک میزانی از وظیفه خودش را به نهادهای رسمی سپرد مثلا تربیت را به سیستم های آموزش و پرورش سپرد یا نقش نهادهای حکومتی را در مسائل خانواده پر رنگ دانست و قسمتی از این ها را سپرد به سیستم های خارج از خانواده و خود به خود این نقش میانجیگری هم ممکن است یک میزانش از لحاظ مردم برون سپاری شده باشد از طرف دیگر وقتی در نظام مدیریتی کشور شوراهای مثل شوراهای حل اختلاف بوجود آمد شاید مردم احساس کردن وقتی چنین شوراهای تعریف شده چه نیازی هست که ما ورود پیدا کنیم اگر افراد با هم مسئله ای دارند با هم اختلاف نظری دارند آخرش این ها به سیستم قضایی می روند و اونجا شوراهای حل اختلافی هست که ممکن اونجا مسئله را راحت تر و با حاشیه کمتری حل بکنند و مردم خودشان شخصاً دخالت نکند یک نکته ای هم که از لحاظ روان شناسی و اجتماعی هست و خیلی خیلی اهمیت دارد به نظر من تقسیم مسئولیت هست و می دانید که اتفاقاتی در دنیا افتاده که خیلی مهم بود مثلاً یک خانمی در یک فضای بازی که دورش پر آپارتمان بود با شوهرش دعوا می کرد تمام مردم آپارتمان دعوا را مشاهده می کردند اون دعوا این قدر شدت گرفت که مرد زن را کُشت و هیچ کس مداخله ای نکرد جامعه اینا را خیلی تکان داد و بعد ها شد که مردم خیلی بی رحم و بی مسولیت شدن وقتی روانشناسان و جامعه شناسان اجتماعی تحقیق کردند دیدن که نه اتفاقاً پدیده ای پخش مسولیت رخ داده باید هر کس خیلی جدی باشد اگر نیاز به کمک باشد این می رود آن می رود و هیچ کدوم مداخله نکردند شاید توضیح مسولیت و اینکه اگر مسئله جدی باشد شاید کسانی هستند که دخالت بکنند و نیاز نیست ما این کار را بکنیم یکی از دلایل این مسئله می تواند به نظر من گسترش مراکز مشاوره و توصیه های که به خانواده ها میشه در صورت نزاع در سطح مسئله در صورت اختلاف که به سمت و سوی استفاده از متخصصان و روان شناسان بروید پس فعلاً شاید یه کمی به این مسئله دامن زده باشد سست شدن روابط فامیلی روابط دوستانه اینا خیلی می تواند روی این مسئله اثر بگذارد ترس از درگیر شدن و داشتن پیامدهای جسمی مالی و حیثیتی می تواند یکی از این مسائل می باشد که می تواند خودم را درگیر بکنم برای خودم هم دردمس می شود برای خودم مشکل بوجود می آید و اینکه افراد فکر بکنند اگر وارد این موضوعات بشوند ناخواسته خودشان درگیر می شوند و آنجا متهم می شوند به دخالت این هم می تواند یک مسئله ای باشد در نزاع و درگیری های فیزیکی گاهی مواقع افراد ترس از ابهامات قانونی دارند که اگر من توی این جدا کردن ها به کسی صدمه بزنم خودم باز متهم می شوم و خودم باز صدمه می بینم و کسی جواب گوی صدمه ای که من دیدم نیست و پلیس را برای چی گذاشتند ۱۱۰ را برای چی گذاشتند این ها توی این نزاع ها می تواند روی تفکر افراد نقش داشته باشد و مانع از میانجیگری و حکمیت بین آن ها باشد بعضی وقت ها به نظر من ترس از نتیجه هست خوب بی فایده است بریم بگیم مداخله بکنیم یا در میانی بکنیم فایده ای ندارد هر کس صلاح کار خودش را می داند به ما چه به تو چه ممکن است یکی از دلایلی مهمه مسئله باشه از نظر من یکی دیگر از مسائل فقدان مهارت هست دوست دارم که مداخله بکنم و من کمک بکنم این مسئله را حل کنم نزاع را جمع بکنم مهارت های لازم برای این میانجیگری را ندارند این می تواند به این مسئله دامن بزند در کل یک بی تفاوتی کلی در مردم به مسائل

جامعه هم بوجود آمده که دلایلش می تواند شکاف های اقتصادی طبقاتی، فشارهای اقتصادی باشد حتی من اعتقاد دارم وقتی نظام سیاسی نسبت مسائل مردمش بی تفاوت است خود به خود ممکن است خود مردم هم نسبت به اتفاقات جامعه دچار یک بی تفاوتی باشند و آن چیزی که در نظام سیاسی هست به رفتار مردم هم تسلی پیدا بکند برخی ممکن است تفکرشون این باشد که ما خودمان تو مشکلات خودمان موندیم آگه می توانستیم مشکل از کسی حل کنیم مشکل خودمان را حل می کردیم یک چنین تفکراتی هم ممکن است مانع از چنین مداخلاتی بشود ترس از برداشت سوء گیری هم به نظر من یک مسئله هست که برخی از افراد به این خاطر مداخله نمی کنند که احساس می کنند متهم به سوء گیری می شوند طرف هر کس که بخوان برن میانجی بشن اون طرف میگه تو طرف اونی تو هوای اونا داری تو دلت برای اون سوخته یک چنین ترس های هم ممکن به این پدیده صدمه بزند این ها به نظر من می توانند از دلایل عدم میانجیگری افراد در مسئله این چنینی باشد.

۲- مصاحبه: دکتر نادر پور ارشد حقوقدان و استاد دانشگاه

با سلام و احترام من فکر می کنم که در مرحله فیزیکی دعوا و نزاع علت های که افراد وارد دعوا نمی شوند به عنوان میانجی و مصلح عللی به شرح آن چه خواهیم گفت دارد ۱- ترس از ضربه خوردن هست یعنی صدمه خوردن صدمه فیزیکی هست ۲- عدم مهارت و قدرت کلامی و جسمی لازم و عدم احساس تاثیر مثبت در حل آن درگیری که رخ داده این هم یکی از علت هاست ۳- ممکن است افراد حس مشارکت اجتماعیشان کم شده باشد بنا بر علل مختلفی و سرنوشت دیگران را مؤثر در سرنوشت خودشان نداند و به یک تفکر اجتماعی رسیده باشند که به این نحوه که اگر درگیری را مشاهده می کنند میگویند اجازه بدهید این ها این قدر بزنند توی سر همدیگر بالاخره حقشون هست یک تعبیر این چنینی باز یکی از علت های دیگر اینکه ممکن است افراد وقت نداشته باشند

شاهد درگیری هست ولی گرفتاری های زیادی دارند اون لحظه مخصوصاً و اون ساعت ممکن است آگه وارد قضیه بشود بر تبعاتی که دارد، وقت اون را بگیرد علت دیگر این که میانجیگری و ایجاد مصالحه بین افرادی که با هم درگیر شدن ممکن برای اون فرد سود و فایده ای نداشته باشد یعنی اون سود انگاری و فایده گرایی که افراد ممکن است دنبال بکنند چه سود و فایده ای برای ما دارد که وارد این دعوا و درگیری و نزاع بشویم و جلوگیری کنیم از این دعوا و مصالحه ایجاد کنیم که دعوا را زود فیصله بدهیم سود و فایده ای برای ما ندارد علت دیگر این که ترس از احضار در مراجع قضایی به عنوان شاهد و مطلع هست و رفت و آمدها و مصالحه به تبعات بعدی ناشی از ارایه شهادت و ارایه اطلاعات از اون درگیری و نزاع مسائل بعدی بوجود می آورد برخی افراد میگویند ما اگر رفتیم شهادت دادیم دعوا و درگیری یک طرف قضیه ناراحت می شود و کینه و کدورت و دشمنی بوجود می آید

اینها هم به علل عدم مداخله و مشارکت افراد در حل و فصل مصالحه و میانجیگری در مرحله دعوا و نزاع اما بعد از اینکه دعوا و نزاعی رخ می دهد باز امکان میانجیگری و مصالحه هست اما این بار هم افراد ممکن است مشارکت نکنند علل عدم مشارکت در میانجیگری و مصالحه بعد از اون درگیری و نزاع باز یکی احساس عدم سود و فایده است

حالا ۱-چه مادی چه معنوی ۲-عدم احساس سرنوشت مشترک و تاثیر سرنوشت ها بر هم ۳-عدم وقت ۴-عدم حوصله ۵-عدم دانش ۶-عدم مهارت

این ها هم عللی است که افراد ممکن است وارد بحث مصالحه و میانجیگری پس از دعوا و نزاع نشوند.

اما راهکارهای برای افزایش مشارکت چه در مرحله نزاع و درگیری ها و چه بعد از آن اول آموزش هست دوم ارتقاء کیفیت اعتقادات است که مبانی اعتقادی است از منظر دینی و شرعی که این باید تقویت بشود سوم حمایت قضایی است و قانونی چهارم بالا بردن احساس مشارکت اجتماعی است البته واقعا همیشه از هر فردی یا از همه افراد انتظار داشت که بتوانند چه در مرحله دعوا و نزاع چه بعد از آن به عنوان میانجیگر وارد قضیه بشوند چون ممکن نه تنها کار را بهتر نکند ممکن است بدتر هم بکند بنابراین به اعتقاد من باید مواظبت کرد که نباید از همه افراد انتظار داشت که به عنوان مصلح میانجیگر وارد بشن چه بسا مواردی ورود شدن نه تنها مسئله حل نشد مشکلی برای خود میانجیگری ایجاد شده که اگر مسئله بررسی بشود عقل این حکم را می کند که ای کاش این افراد به عنوان مصلح و میانجیگر وارد دعوا و قضیه نمی شود حالا چه در مرحله ابتدایی دعوا یا چه بعد از آن.

ضمن سلام مجدد و صبح بخیر من یه نکته ای را فراموش کردم بعدا یادم آمد و لازم دانستم خدمتتون عرض کنم ظاهرا شما در این تحقیق فرض را بر این گذاشتید که مشارکت افراد در زمینه میانجیگری و مصالحه افراد درگیر در نزاع و دعوا کم شده و در جستجوی علل و راهکاری آن بودید این در حالی است که این کم شدن یک فرض هست و خودش باید ثابت شود به عبارت دیگر از کجا و به کدام دلیل شما قائل به کم شدن مشارکت افراد در این زمینه هستید این باید ابتدا روشن بشه یک آمارگیری و پیمایش لازم دارد تا این مطلب ثابت بشه بعد همیشه در مورد علل و راهکارهای آن صحبت کرد همین طور محدودیت زمانی و مکانی باید برای این موضوع قائل شد در چه بازه زمانی و مکانی میزان مشارکت کم بود و کم شده و رابطه مهم باز اینکه استاندارد در مورد این چی هست و چه معیار هست کمتر از آن را معنای کمبود بودن میزان مشارکت بدانیم و بالاتر از آن بودن را به معنی مشارکت بالا تلقی کنیم

۳-مصاحبه با: دکتر شهرام مقدس جامعه شناس و مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری

شما ممکن است در فضاهایی این صحنه را دیده باشید مثلا نمی دانم کسی مزاحم یک دختری میشه یک دختری را صدا می زند کمک می خواهد یا مثلا کسی موبایلش را دزدیده اند کیف اش را قاپیدن مشارکتی می خواهد حالا بعضا با جرم ارتباط دارد بعضا با اذیت و آزار ارتباط دارد یک نفر ممکن است بعضا این جوری

بود که مورد ضرب و شتم شدید واقع می شود ما از ترس اینکه برامون یک آسیب جانی در بر داشته باشد ممکن است نتوانیم بریم جلو، بعضی ها میرن جلو این روحیه از کجا می آید؟ موانع فکری اش چی هست؟ چه باوری دارد؟ چه نگرشی دارد؟ چه فکری می کند که بعضی ها به سمت مداخله میرن و بعضیها میگن به من ربطی ندارد؟ پس این یک مرزی با هم دارد در ذهن ما خوب باز هم باید انتخاب کنیم در مصداق هامون ما خشونت را چند تا می دانیم حالا اون چیزی که در کتاب ها نوشته بعد کودک آزاری، همسرآزاری، شوهر آزاری، سالمند آزاری مصداق های دیگری هم دارد مثلاً معلول آزاری ممکن است همسایه آزاری چیه چیه مثلاً میایم میریم تو فضاهای ارتباطی تعاملات دور و نزدیک این فضاها، فضاهای است که ما توش مصداق های از خشونت و آزار و اذیت را داشته باشیم حال تو تعریفی که از خشونت شده تعریفی که خیلی روند تر هست و اینکه ما وقتی فردی را علی رغم و یا برخلاف میلش وادار به انجام کاری می کنیم یا کاری می کنیم که از خواسته های منطقی و قانونی و مشروع خودش صرف نظر کند این را نوعی خشونت می دانیم یک جورایی خشونت هست، پس این فضاها را هم داریم که می تواند خیلی گسترده باشه تو این فضاها ما می خواهیم مردم را بسنجیم اولاً این را به عنوان یک خشونت می شناسند دوماً چطوری برخورد می کنند چیکار می کنند و حالا ببینم این کار را می کنه یا نمی کنه اگه می کنه میشه موانع مشارکت چی تو ذهنش میگذره که نمیداد مشارکت کند بعد توصیه ما تو کیفی در می آید که خوب من مثلاً اگر بخوام دخالت بکنم در این خشونتی که در خانواده هست این حریم خصوصی هست برای من مشکل ساز هست توصیه ای دیگه اینکه حریم خانواده به نظر می رسد یک مدعی عموم در بیرون باید بتواند دخالت کند و یا برای مردم در یک شرایطی مأموریت را تعریف کنند و حالا اگر یک نفر ترس بر جان دارد و حالا یک کسی هم آمد و رفت حالا چطوری حل می کند این مسائل یک مقدار باید توی زمینه های نظریه کار شما دربیاد حالا نظریه های مختلف هم کنارش قرار می گیرد و حالا باید گزینش کنیم یک محورهای مهم و در واقع از نظر شما ضروری تر در بیاد آقای دکتر خودتان به عنوان یک کارشناس حال به نظرم بیشترین کار خشونت را خودتان انجام می دهید خیلی موارد دستتان باشد به نظر شما چرا مردم مشارکت نمی کنند و در قضیه میزان مشارکت مردم در چه حد می تواند. در واقع از طریق این تحقیق یک سری نقاط ضعف را در بیاوریم و میاد بالا دو هدف را با هم داریم یکی اینکه جلب توجه جامعه نسبت به خود مفهوم خشونت باشه و مصداق های خشونت بشود وقتی مردم یک کلیپ خیلی بد را می بینند یا آزار دهنده ای را می بینند این احساس هیجانانگشان به شدت بالا است حس بدی دارند همین جا در واقع میشه پیام های را در راستایی این که با یک مأموریت یک نقش یک چیزی را برای آدم های دیگه می شود تعریف کرد و همین مقدمه ای برای یک برنامه ریزی جدید قرار داد موانع مشارکت مشخص هست در فضای عامش مشخص هست و در فضای خاص هنوز در نیامده توی فضای خاصش در واقع هدف تحقیق شماست در حالت عامش اینکه فردگرایی بویژه فردگرایی افراطی منفعت طلبی یا گوشه آفیت یا هزار تا محافظه کاری یا ملاحظه کاری دیگر آدم ها را میبره بیشتر به سمت اینکه به فکرشان باشند به فکرمنافع خودشان باشد همین هم دو سه جور بهش نگاه می کنند بعضی ها میگن نمی توانم منتظر باشم پشت سری هام بهم برسن میگن عجله دارم می خواهم بروم پس مشارکت یعنی همین با هم همراه شدن برای بعضی ها که یک مقدار نیازمند توانمندسازی مابقی جامعه هستند سخت است پیشرویان خیلی نمی تواند همراهان کم تحرک را تحمل کنند

می خواهند سریع برن جلو حالا توانمند هستند ذهن خوبی دارند موانع را خوب می شناسند خودشان را می شناسند با دو تا تلفن مشکل را حل کنند بقیه هم هر کاری می خواهند بکنند پس یکی از موانع مشارکت بخاطر ناهمگون بودن اعضا یا طیف های که باید در مشارکت شرکت کنند و اینا چون متجانس نیستند اساساً جمع شدنشون هماهنگ شدنشون که پیشرو بایستند تا کند روها برسند. اینا یک مقدار به نظر می رسد سخته دوم اینکه طبیعی است یک بحث اجتماعی باید باشه تو این بحث اجتماعی معمولاً یک فضای توسعه فرهنگی تجارب بسیار طولانی و تاریخی هستش خودش یک شاخص هستش مشارکت جویی و مشارکت پذیر شون بالاتر هست که در واقع یک فرآیند های تجاری را پشت سر گذاشتند تجارب را داشتند اصلاً جز ویژگی های فرهنگی شان شده که آدمها حالا کی باید بیان دور هم. حساسیت ها به گونه ای است که حالا به مجرد اینکه اتفاقی می افته هر کسی وظیفه خودش می داند چیکار کنه پس این تجارب و آموزش ها تلفیق شد و به آن ها این جایگاه را می دهد که چگونه عمل کند توی همین موانع ممکن است بحث های سیاسی پیش بیاد بحث های بازدارنده پیش بیاد در دسرهای که ممکن است برای آدم پیش بیاد مواردی که شما بهتر از من می دانید این حالت عامش هست ولی در حالت خاصش ما بخصوص در خشونت مشکلات بر می گردد به اینکه ۱- ترس جان ۲- ترس از آزار و اذیت و اینکه دشمنی هم برای خودم برانگیخته می شود یک آدمی که قلدر است ممکن است مثلاً برای من هم دردساز بشه ۳- ترس از قانون که قانون حریم های را مشخص کرده ما حق دخالت نداریم ما خودمان را دخالت نمی دهیم به دیگران مربوط است اینکه بر شکایت بکنه چه نکنه ولی یکی دیگه ممکن است که خود من اصلاً نمی دانم چگونه عمل کنم همین که بتوانم به نتیجه برسانم فقط هیجان هست حالا اینکه تجربه هست مهارت، قدرت تاثیر گذاری روی محیط و موقعیت را داشته باشد اینکه آدم ها از قبل آموخته یا آموزش دیده باشند و برای این چنین وضعیت های آمادگی های روانی و رفتارهای مناسب مورد بعدی را داشته باشند.

اما در راهکارها می توان به آموزش اشاره کرد. بخصوص آموزش حقوق شهروندی، این آموزش شهروندی در مدارس ابتدایی در دوران آغاز کودکی که اون موقع که شکل می گیرد فکر می کنیم قطعاً یک چنین چیزی قطعاً خیلی جاش خالی هست آقای دکتر توی ریشه ها اگر بگردیم یک بخشی از پدیده مربوط به دوران تحول و گذار هست ببینید این سردر گمی ما این هست که نه مثل جوامع توسعه یافته بصورت نهادینه و ساختار یافته تشکل ها، باورها و نگرش های خوبی را داریم مثلاً در موقعیت های این گونه بتوانند ورود پیدا کنیم مثلاً با یک اتفاق جزئی یک نفر یک سیاه پوست کشته میشه اگر توی ایران اتفاق می افتاد یک همچین تقاضای شکل می گرفت؟

پس این چی را می گه این جریانی که آمادگی داره سریعاً پردازش کنه و جریانی که می تواند راه اندازی بشود و مردم را بکشد به میدان به تمام ایالت های یک کشور عمل کند یعنی یک سری از آدم ها هستند که یک دغدغه های را از قبل دارند نسبت به بعضی از مسائل دغدغه مند بودن یعنی اینکه به قول شما از قبل آموزش دادن به آن ها ماموریت ها شون نمی دانم نوعی در واقع باورهاشون چیه بالاخره منتقل شد و تثبیت شد و همگی آمادگی برای رفتار مناسب در موقعیت خاص دارند حالا مثلاً تو یک کشوری که همچنین مساله ای

سازمان دهی ها و فرهنگ ها جا نیفتاده آمادگی روانی و این که چه کنم وجود ندارد نمی داند چیکار کنند اونجا سریع بلاکاردها زود کف خیابان مشخص هست پس شما معتقد هستید که یک جورای سیستماتیک شده از یک سطح فرهنگی و رشد اجتماعی توی فضا باید باشد پس می شود تجربه قبلی این که ما مشکل داریم.

انتقادی را داریم منظورم اینه که ما قبلا خشونت داشتیم چرا حالا خشونت به عنوان یک مسله اجتماعی مطرح می شود ساز و کار جامعه سنتی ما پر از خشونت بود ولی اون خشونتی بود که کارکردی بود و برای حفظ نظم جامعه کارکردهای را در واقع در این خشونت تعریف کرده بودند پدر خشن پدر قاطع پدری که فرزندان ازش تبعیت می کنند در واقع مقتضای سلامت آن خانواده بود حالا این خشونت درفامیل هم به گونه ای هم در بستگی گروهی کمک می کرد کارکرد داشت یعنی به گروه های که هوای هم را داشتند حتی به خشونت متوسل می شدند و پیوستگی گروهی خودشان طایفه اشان ایل و تبارشان را حفظ می کردند برای اینکه در مقابل با رقباشون بتوانند از خودشان دفاع کنند پس اون خشونت در جامعه که مثلا نیروی انتظامی، دادگاه منافع حیات و حقوق آن ها دفاع کند اون خشونت کارکردی باید باشه ظاهرا مال جوامع سنتی که مبتنی بر ایل و قوم تبار خویشاوندی است ولی حالا که اون ساختار به هم می خورد ساختارهای جدید هم نمی تواند خوب پوشش بده و حالا رگه های آن خشونت آمده در جامعه ای که نباید اون جوروی به این صورت عمل کنند یک ناهمخوانی است ناهمخوانی بین در واقع ساختار و کارکرد و تعارضاتی که می توان مخل بر نظم جوامع نوین باشد و حالا نهادهای جدید می گوید آقا این نظم ما می خواهیم این جوروی برقرار کنیم و قانون را می گذارند وسط و ضابط قانون هم مشخص است

نیروی انتظامی چیکار کند دادگاه را وسط ندارند دادگاه چیکار می کند حقوق شما به این شکل استیفا بشه ولی حالا هنوز ممکن است یک سری از اون رسومات و سرمایه ها برای حل مسائل داشته باشد بتواند استفاده کنند از قبل برای حل مسائل شان داشتند بخواهند استفاده کنند پس یک بحث هم ما اونجا داریم

مصاحبه کننده: استاد من یک جمع بندی از این قسمت داشته باشم فکر می کنم اگه اشتباه نکنم شما یک جورایی ضعف نهادی را مدنظر قرار می دهید و آن را توی بدنه سرمایه اجتماعی می بینید و حس می کنید مثالی را که از آمریکا زدید یا از جاهای دیگر زدید فکر می کنم نشون دهنده اینکه شما حس می کنید خشونت یک جورای درست در جوامع قدیم نهادینه شده بود و را حل آن را در نهادهای مدنی میدانید؟

دکتر مقدس: خوب ببینید استقرار نهادهای جدید به معنی پاسخگویی کامل به نیازهای جدید نبوده یعنی ما یک خلاء های داریم شما وقتی که چند بار با دو تا خانواده و با دیگری دوست و محل کارتون مورد خشونت واقع می شوید مورد تعرض واقع می شوید حقوق شما پایمال می شود و شما می روید حالا از مجاری قانونی به نتیجه نمی رسید یا نه اینقدر ادله دادرسی مشکلات مرتبط با دادگاه برای شما آزار دهنده می شود که یا از اصل اون باید بگذری یا خود باید بری حلش کنی یعنی فایده ای ندارد بخشی از خشونت ها برای این است که ما خشونت های رفع نیازمان را یا در واقع تعدی و ظلم در ساز و کارها نسبت به خودمان به شکل خوبی که نمی تواند از اون استفاده کند پس کارکردی بودن نهادهای جدید نتونسته در راستای نیازهای من قرار بگیرد

این خلا می تواند چالش آفرین باشد آگه همه مردم احساس امنیت خاطر اعتماد کافی نسبت به اینکه هر جا مورد تعرض ظلم قرار بگیرند یک جایی هست که حتما حمایت می کنند سریع انجام می دهد و خوب انجام می دهد خوب طبیعتاً این آرامشه و پیشگیری از خشونت تسهیل میشه تسریع میشه و طبیعتاً حالا به نظر می رسد که دیگه نباید شاهد گسترشش باشیم آن چیزی که الان می بینیم که ما می خواهیم برای پیشگیری از خشونت برنامه داشته باشیم که خود جامعه بیاد در صورتی باید نهادهای رسمی این کار را می کردند حالا نهادهای رسمی به شکل مناسبی حضور ندارند ما می خواهیم نهادهای در واقع غیر دولتی مربوط به جوامع نوین را که نوعی سرمایه اجتماعی هم محسوب بشود

۴- مصاحبه: خانم دکتر فرحناز فردوسیان جامعه شناس

سرکار خانم دکتر فردوسیان از اساتید جامعه شناسی استان، خانم دکتر یکی از موضوعاتی که الان مسئله شد و جنابعالی هم دغدغتون بود و به عنوان پژوهش خشونت در استان میزانش رفته بالا و مردم مشارکت کمی دارند من دو تا سوال دارم قسمت اول اینکه آیا به نظر شما آیا تایید می کنید که خشونت و مشارکت مردم کم شده مثلاً آدم های میانجی کم داریم آدم های که بیایند سر یک دعوا یه جای شد تو خیابان شده یک نفر داره بچه اش را میزنه افراد نمیرن درگیر بشن این را قبول دارید اگر قبول دارید دلیلش چیه که مردم نمیرن درگیر بشن

ضمن عرض سلام و تشکر، در ارتباط با بحث خشونت بله خشونت در استان ما خیلی بالاست و متأسفانه مظاهر و ابعاد گوناگونی هم دارد علاوه بر اینکه خشونت خانوادگی را داریم متأسفانه این ریشه بیشتر درباره زنان نمود دارد یک مقداری هم بر می گردد به فرهنگ مرد سالارانه استان به اضافه اینکه یه جاهای هم خانم ها با حقوق خودشان خیلی آشنایی ندارند دلایل مختلف دارد به غیر از اون ما خشونت های بین اقوام و قبایل و روستاها و مناطق ایلی را داریم و در شهرها هم بیشتر خشونت های خیابانی را داریم در واقع رانندگانی که سر یک لحظه رد شدن از خیابان با هم گلاویز می شوند بعضی وقتها کار به جاهای باریک می کشه متأسفانه این ممکن است که امکان جبران هم فراهم نباشد ما به شکل های مختلف خشونت را داریم خشونت خانگی علیه زنان هست و می تواند یک جایی علیه بچه ها هم باشد گاهی حتی مردان هم قربانی اش می شوند اما در استان ما بیشتر در ارتباط با خانم ها نمود داشته یکی از تحقیقاتی که در این زمینه انجام دادم و مخصوصاً در این زمینه موارد و دلایل مختلف همچنین راهکارهای ارائه دادیم که البته فکر می کنم بحث شما چیز دیگری است بله یکی از مشکلاتی که ما داریم فکر می کنم الان فرهنگ میانجیگری یک مقدار ضعیف شده و کاهش پیدا کرده و این خودش دلایل مختلفی دارد من فکر می کنم یکی از مواردش اینه که یا دلایلی که داره اینکه بر می گردد به این مطلب که خوب یک ضرب المثلی هست میگن میانجی خونس پای خودش هست و این به عنوان یک باور خیلی تقویت شده حالا البته این ضرب المثل مربوط به حالا نیست ولی در زمان ما فکر می کنم یک مقدار بیشتر تقویت شده چون بیشتر خشونت های که به وجود می آید یا با صلاح گرم یا صلاح سرد هست افراد یک مقدار هم احتیاط می کنند احساس می کنند اگر بخوان برن درگیر بشن ممکن است مشکلاتی

برای خودشان بوجود بیاید یک مسئله خیلی مهمتر این است که اصلا احساس مسئولیت اجتماعی کاهش پیدا کرده و فرهنگ بی تفاوتی فرهنگ نیست متأسفانه ضد فرهنگ این را می‌خواهم بگم بی تفاوتی خیلی رشد پیدا کرده و اینکه آدما بیشتر ترجیح می‌دهند تماشاگر باشند یا حتی ثبت کنند آن لحظات باشند لحظات خشونت بار و خونین باشند متأسفانه از زمانی هم که همه با دوربین‌های پیشرفته تلفن همراهشان در ارتباط قرار گرفتن خوب اینکه تکنولوژی چیز بدی نیست اما می‌خواهم بگم استفاده‌ای نامناسب که می‌شود

اگه یک تصادفی یک جای بخواید بوجود بیاد یا بوجود آمده باشد بیشتر از اینکه افراد بخوانند برن کمک بکنند افراد بیشتر با دوربین موبایلشان آن لحظات را به قوله معروف شکار کنند که بعد اینا را داشته باشند که در جاهای مختلف مثلاً یا برای افزایش فالوریا نشان دادن به دوستان و آشنایان هستش و در شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند البته من فکر می‌کنم نوعی سوءاستفاده است تا استفاده و در ارتباط با خشونت‌ها هم همین‌طور یک جاهای بیشتر بخوان مشکل را حل کنند اون فرهنگ میانجیگری که از قدیم وجود داشته بجای اینکه بیاد به میدان و ایستند و با تلفن‌های همراه خودشان شروع می‌کنند به فیلم برداری حتی چند سال پیش در یکی از خیابان‌های تهران دوتا آقا بواسطه مشکلی که با همدیگه داشتن سر بحث اینکه به هر حال یک بحث ناموسی بینشون بوجود آمده بود در ارتباط با خانمی که از هر دو تا خواسته بود برن با همدیگه صحبت کنند که بتواند به هر حال با یکی از آقایان ازدواج بکنه این جا یکی از افراد فرد دیگری را آن چنان با سلاح سرد چاقو مورد بی‌رحمانه ضرب و شتم قرار داد و ضربات متعدد چاقو که به تن این بنده خدا فرو می‌رفت تا قبل از اینکه نیروی انتظامی بیاید هیچکس دخالت نمی‌کرد همه هم ایستاده بودن فقط داشتن با موبایل خودشان فیلم برداری می‌کردند بعد این جوری هم توجیح کرده بودن که این قدر خشن بوده و اینقدر در یک حالت غیر عادی قرار گرفته بود که حتی زمانی هم که نیروی انتظامی آمده بودن اون‌ها در وهله اول باز هم دخالت نمی‌کردند تا زمانی که این بنده خدا نقش بر زمین شده بود و می‌گفت من را به بیمارستان برسونید قبل از اینکه به بیمارستان برسونش فوت کرد یک مقدار اون رعب و وحشتی که ایجاد میشه خیلی طبیعی نیست انسان‌ها بالاخره احساس احتیاط هم می‌کنند و یک مقداری هم می‌ترسند همیشه که بگیم باید حتماً اینجاها دخالت بکنند ولی فکر می‌کنم از یک سری پتانسیل‌های دیگر می‌شود استفاده کرد مثلاً ما در نیروی انتظامی یا در محلات گروه‌های را داشته باشیم که این‌ها آموزش دیده باشند برای یک همچنین لحظاتی و بعد مردم ما هم آموزش ندیدند یعنی نه در استفاده از شبکه‌های اجتماعی آموزش دیدن نه در مواجهه با یک همچنین لحظات و صحنه‌های آموزش دیدن اگر فکر می‌کنم ما بتوانیم چه در کلاس آموزش خانواده مخصوصاً اگر کلاس برای آقایان در نظر بگیریم مخصوصاً می‌توان گفت دوره‌های در ادارات و سازمان‌ها در نظر گرفته بشه که این احساس مسولیت تقویت بشه ما متأسفانه اگر به این شکل بخواهیم پیش برویم اصلاً هیچکس نسبت به دیگری خودش را متعهد نمی‌کند و این عدم تعهد خیلی آسان است یک ضربه‌های مهلکی را وارد می‌کند بر پیکر اجتماع پس ما برای این قسمت دلایل کاهش خشونت ترس را قرار دادید و ترس طبیعی هست ولی خوب به هر حال باید آن را هم یک جوری مدیریت بشه واقعا موضوع مهمی هست و یک جورای باید ترسش بریزه یکی هم شکار لحظه‌ها بخاطر این مسائل ارتباط جمعی را مطرح کردی به هر حال مشکلاتی برای فرد میانجی بوجود می‌آید بله یعنی

اعتقاد بر این است که هر چه مشکلات فرد میانجی کمتر بشه احتمال اینکه میانجیگری کنه بیشتر هست بله من فکر می کنم مباحث فرهنگی خوبی داشتیم اینا در قدیم وجود داشته اینا اگر بتوانیم آن تقویت فرهنگ کد خدا منشی احساس مسئولیت جمعی اینکه انسان ها در یک همچنین زمان های احساس نکنند مشکل فقط مال اون نه دیگران یعنی یک احساس تعلق اجتماعی داشته باشند و وجدان جمعی که دورکیم می گوید یک همچنین جاهای باید فکر کنم مردم ما آموزش ندیده اند چون آموزش ندیده اند رسانه ها و متاسفانه مخصوصا صدا و سیمای خودمان حالا ماهواره خیلی از سریال هاش از مصداق تهاجم فرهنگی هست ولی صدا و سیمای خودمان هم تو این زمینه فرهنگ سازی لازم را نداشته ضعف رسانه ها هم موثر است

مصاحبه کننده: ممنون خانم دکتر از اینکه وقتتان را گذاشتید مطالب خیلی خوبی را اشاره کردید خیلی کمک ما می کند انشاءالله همیشه در زندگی موفق باشید

خانم دکتر: امیدوارم که استان ما به یک درجه آگاهی و شعور اجتماعی دست پیدا بکنه که دیگر خشونت به عنوان یکی از آسیب های تراز اول استان ما شناخته نشه مردم ما واقعا مردم خوبی هستند ما مردم با پشتکاری داریم جوانان بسیار مستعدی داریم و یک مقداری هم فکر می کنم این که بحث ها تاب آوری اجتماعی واقعا افزایش پیدا کند مهارت تاب آوری اجتماعی را باز هم جز مهارت های اجتماعی واقعا باید بهش توجه بشه هم روانشناسان و جامعه شناسان بتوانند در این زمینه کار کنند ممنون هستم خانم دکتر استفاده کردیم دست شما درد نکنه

۵- مصاحبه: با دکتر افراسیاب صادقی استاد دانشگاه (فلسفه تعلیم و تربیت) و فعال فرهنگی

به نظر بنده بزرگترین مشارکت اجتماعی قرن، مشارکت نزدیک به صد در صد ملت غیور و سرافراز ایران در خلق انقلاب اسلامی و بعد از آن حماسه دفاع مقدس و جنگ تحمیلی با استکبار جهانی و مشارکت غیرقابل توصیف (علیرغم همه مشکلات) و در تمامی صحنه ها و عرصه های نگهداری جمهوری اسلامی و مقابله با توطئه های همه جانبه دشمنان داخلی و خارجی این کشور و نیز همکاری و یاری رسانی کم نظیر اجتماعی در حوادث و بلایایی طبیعی و غیرطبیعی به هم وطنان آسیب دیده و حتی خارج از کشور که همه اینها با اتکال به خداوند تبارک و تعالی و اطاعت و پیروی از ولایت در قالب بصیرت، آگاهی و دشمن شناسی عمومی و ایثار و فداکاری و مجاهدت خالصانه و بی نظیر و تقدیم هزاران شهید و ... در این راه مقدس صورت گرفت که این مشارکت و مقاومت گسترده و مستدام و خیره کننده برای دوست و دشمن در سطح جهان قابل کتمان نبوده و نیست بنابراین نکاتی که در زیر به عنوان برخی از دلایل عدم مشارکت مردم در حل مسائل اجتماعی بطور خلاصه اشاره خواهم کرد مبین نفی و نقض کننده این مهم نیستند بلکه در راستای تقویت این مشارکت معجزه آسا و اصلاح رفتار بسیاری مناسب از مسئولین نالایق و حتی بازننگری و اصلاح قوانین و مقررات دست و پاگیر و عاجز کننده مردم برای استحکام هر چه بیشتر مشارکت عمومی آنها در اداره امور مملکت و پیشبرد هرچه بهتر اهداف ملی است

«اهم دلایل عدم مشارکت مردم در حل مسایل»

۱- مداخله بیش از حد حکومت در تار و پودهای اجتماعی

۲- تکنولوژی فراگیر، هدایت شد و ساختارشکن

۳- فقدان ساز و کار درست و تبیین فرهنگ اصیل خودی به نسل جوان.

۴- استقرار صنعت بجای سنت

۵- تضاد فکری کهنه و نو نسل ها

۶- شکاف طبقاتی جامعه

۷- عدم اعتماد جامعه به کاریزماهای دولتی

۸- تهاجم فرهنگی بیگانه

۹- گسترش فقر و فساد

۱۰- عدم سازوکاری دولتی (کم توجهی یا بی توجهی و عدم سند یا مکتوبه) برای راهنمایی و جلب مشارکت مردم

۱۱- عدم سازوکار حمایتی از مشارکت کنندگان در نزاعها

۱۲- عدم سازوکار تشویقی دولتی از مشارکت کنندگان در کاهش خشونت ها

۱۳- عدم سازوکار برای برقراری ارتباط مشارکت کنندگان با نهادها و دستگاههای دولتی ذیربط. (نیروی انتظامی، دادگستری، فرمانداری ها و...) یا عدم مشروعیت بخشیدن به مشارکت کنندگان در قوانین. برای مثال دستگاههای ذیربط می توانند با چنین افراد ارتباط بهتر و صمیمانه تری داشته باشند. برای مثال نام آنها را ثبت و به آنان مشروعیت ببخشند یا فعالیت آنان در قانون مورد حمایت قرار گیرد.

اهم دلایل مورد نظر:

۱- مداخله بیش از حد حکومت در تار و پودهای اجتماع و در هم شکستن مراکز، کانون ها و مراجع تصمیم گیری خود جوش قابل اعتماد مردم به خیال استقرار قانون و ... در جامعه و سلب اختیارات از مردم، در اینجا منظور از اختیارات، اختیارات ساختاری و دارای قالب دولتی و چارچوب های تعریف شده از طرف دولت مانند: انواع شوراها و دهیاران و.. نیست، به هر حال مردم این ها را جزء قاعده هرم دولت می دانند، کشور عزیز ما ایران مجمع الجزایر قومیت ها است (لُر- ترک- کرد- بلوچ- عرب و ...) و آنچه مسلم است اقوام در ساختار سنتی خود بطور طبیعی دارای سلسله مراتب اجتماعی هستند که از بزرگان سطوح بالا و میانی جامعه خود پیروی می نمودند و از آنها حرف شنوی و تبعیت می کردند که متأسفانه با مداخله دولت در تمام شئونات زندگی انفرادی و اجتماعی مردم، مشارکت درون جوش آنها بسیار کم رنگ و بی رمقی شده است و در حل مشکلات و معضلات جامعه خود، حضور فعال و چشمگیری از خود نشان نمی دهند لذا به نظر می رسد برای

حفظ و تداوم مشارکت عمومی در حل مشکلات و معضلات جامعه نیاز به یک تفویض اختیار بنیادین به مردم است یا به قول رهبر معظم انقلاب «آتش به اختیار» که این موضوع هم به دولت در اداره کشور کمک می کند و برای خود مردم هم مزید فایده است.

مثلاً در گذشته، بزرگ قومی یک منطقه ای را با تمام متعلقات (کوه و کوه چره- دایر و بایر- آباد و خرابه- زیار و پیار- سنگ و کلوخ و ...) خریداری می نمود و مردم به تبعیت از او خود را ملزم به حفظ و حراست و نگهداری از آن منطقه اعم از آب و خاک و جنگل و مراتع و ... می دانستند که در نتیجه علاوه بر حفظ آن منطقه با همه گونه های جانوری و گیاهی، بهره برداری و درآمد زایی در اشکال مختلف آن هم حاصل می شد. و مازاد آن را هم در قالب یک قرارداد قابل قبول به احشام دادن دیگر با حفظ همه جوانب می دادند و لذا یک اتفاق مطلوب بوجود می آمد که نتیجه آن به نفع کل کشور و نسلهای آیند بود ولی از آن وقت که مراتع را اعلام کردند و این اختیار اجتماعی و مشارکت عمومی از مردم گرفته شد، چه بر سر منابع و مراتع که نیامد از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب همه چیز به تدریج در حال نابود شدن هست. آیا دولت ها توانستند منابع طبیعی کشور را حفظ کنند؟! و چون این امنیت منابع و مالکیت (حفاظت) از اقوام گرفته شد، خود آنها هم نسبت به حراست از طبیعت بی تفاوت و بی انگیزه شدند و یا به نوعی کمر به نابودی آن بستند و متأسفانه دولت ها هم هیچ کاری از دستشان نیامد و نمی آید، حالا هر چه می خواهند قانون وضع کنند و پایگاه حفاظت و امثال آن را اضافه نمایند. آیا منابع و مراتع و گونه های جور واجور آن بر می گردند؟ این یک رویای تعبیر نشدنی است.

۲- تکنولوژی فراگیر، هدایت شده و ساختار شکنانه همانند فضای مجازی و ارتباطات و نفوذ آن در همه عرصه های زندگی جامعه و تاثیرگذاری زیاد بر شیوه های زندگی و افکار عمومی و از بین بردن همبستگی و وابستگی هسته های اجتماعی به ویژه هسته خانواده.

۳- فقدان ساز و کار تبیین و تفهیم مستمر و مداوم و پایدار فرهنگ عمومی و بومی به سلسله مراتب نسل های جدید جامعه و سردرگمی پیوسته متولیان امر در این خصوص.

۴- استقرار و جایگزینی بی رویه صنعت در تمام تار و پودهای زندگی جامعه و طرد و به حاشیه رفتن سنت های مورد اقبال عمومی و عدم برنامه ریزی منطقی و عقلانی برای تلفیق آن ها و نتیجه گیری مطلوب در راستای قوام فرهنگی کشور.

۵- فاصله گیری فکری و رفتاری نسل قدیم و نسل جدید و پیدایش تضاد فکری کهنه و نو که بخش عمده آن طبیعی است زیرا: امام علی (ع) می فرماید: «فرزندان شما، فرزندان دوره شما نیستند» و بخش دیگر آن ناشی از دریافت تاثیرات نامطلوب رسانه ای و نمونه سازی ذهنی و فکری نسل جدید از فضای مسموم سینمای هالیوودی، ورزشی و ... و عدم توانایی و ناکارآمدی دولت ها در هماهنگی و هدایت جامعه، کنترل و مقابله با زوایای بد آن و جلب و یکسویه نمودن مشارکت های عمومی مردم در حل مسائل.

۶- شکاف طبقاتی جامعه و عمق و عرض روز افزون آن در ابعاد گوناگون هم چون اقتصاد، ثروت، خدمات و... که منجر به خنثی شدن محرک عمومی در مشارکت شده است.

۷- عدم اعتماد افراد جامعه به بزرگان و کاریزماهای قوای دولتی بخصوص در سنوات اخیر که ناشی از عملکرد نامطلوب و غیر صادقانه و بعضاً ناپاک، بسیاری از آن ها در توزیع عادلانه ثروت و ارائه خدمات عمومی و ... که باعث بی خیالی و بی تفاوتی مردم در مشارکت مورد انتظار شده است و متأسفانه این عدم اعتماد به مسائل اعتقادی مردم هم لطمه زده است و بافت های اجتماعی و جذب مشارکت و تمایل به همکاری مردم در حل مسائل و مشکلات را به شدت کاهش داده است.

۸- هجوم فرهنگ بیگانه و پیشروی مخملی و خرنده آن در افکار عمومی مخصوصاً نسل جوان و کمرنگ شدن و سست نمودن باورها و اعتقادات اصیل جامعه که یکی از آن ها همین مسأله مشارکت در حل مسائل است

۹- گسترش فقر، مفسده و مشکلات دست و پاگیر روز افزون و ناامید کننده در جامعه مخصوصاً در بعد اقتصادی و بی بندباری اجتماعی و تلاش طاقت فرسا و بی امان افراد جامعه برای کسب حداقل های قوت غالب برای زنده ماندن که قطعاً انگیزه و فرصت مشارکت در مسائل اجتماعی را از آن ها سلب می کند. امام المتقین علی (ع) می فرماید: «اگر فقر از دری وارد شود ایمان از در دیگری خارج می شود» چه برسد به مشارکت در حل مسائل.

سوال: چرا مردم نسبت به درگیری ها نزاع ها و ... بی تفاوت شده اند و میانجی گری کمتر شکل می گیرد؟

- از مهمترین دلایل تغییر ساختار اجتماعی است و اینکه افراد جامعه به سمت فرد گرایی متمایل شده اند و ساختار و بافت خانواده های گسترده ای که فردی به عنوان بزرگ خانواده کلامش تعیین کننده بود کمتر دیده می شود

- مشکلات زندگی و درگیری های اقتصادی و اجتماعی افراد کمتر مجالی به آنها می دهد که پیگیر مشکلات دیگران هم باشند

- مسولیت های که مداخله در اینگونه امور برای افراد ایجاد می شود نظیر درگیر شدن در امور قضایی - اتلاف وقت، ایراد اتهام و ... انگیزه همکاری و مشارکت را از بین می برد

- سست شدن روابط اجتماعی بین افراد- به دلایل مختلف و از بین رفتن ارزش هایی مثل صله رحم و باعث بی تفاوتی افراد نسبت به همدیگر شده است.

- ضعف در اعتقادات دینی و نپرداختن به اموری مثل اصلاح ذات بین و ... مزید بر علت شده است

چه کنیم که مردم مشارکت کنند

- تقویت جایگاه اجتماعی بزرگان و خانواده ها و فامیل ها و ارزش گذاری به نقش اجتماعی آنها

- تقویت مبانی دینی و تبیین اهمیت نقش آفرینی اجتماعی افراد در ایجاد بستر صلح و سازش برای ایجاد انگیزه از نگاه عقیدتی و دینی

ارزش گذاری نسبت به افراد تاثیر گزار در این گونه امورتوسط نهادهای مرتبط و ذی ربط

تشکل، تقویت و حمایت از تشکل های اجتماعی فعال در این زمینه بدون وابستگی اداری، دولتی و ...

در خصوص بحثی که مطرح فرمودید که اتفاقا مسئله خیلی مهم و تاثیر گذار هم در جامعه ما هست من مواردی که به ذهنم می رسد به این شکل خدمتتان عرض می کنم عدم حضور مردم در ایجاد فرایند مصالحه در درگیری ها و نزاع ها و وساطت درگیری این ها می تواند دلایل مختلف و عدیدی داشته باشد که حالا می توانیم از مهمترین هاش بگیم که ساختار اجتماعی جامعه به نوعی تغییر کرده و دیگه اون رویکردی که مثلا این خانواده و این فامیل به این سمت رفته و این فرد به فردگرایی بعد جمع گرایی تقریبا احاطه پیدا کرده و این تغییر ساختار و بافت خانواده ها که به هر حال از گسترده به سمت هسته ای و خانواده کوچک حرکت کرده باعث شده که دیگر آن فردی که به عنوان بزرگ خانواده بود و حرفش خط قرمز بود و یا کلامش تعیین کننده تصمیمات خانواده بود دیگر آن نقش را از دست بدهد و دیگر آن روحیه ای که بزرگ تری چیزی می گوید و بقیه ازش تبعیت می کنند یواش یواش کم رنگ شده و این باعث شده که به هر حال منابعی که بتوانند افراد را کنار هم بنشانند برای مصالحه کمتر بشه

نکته دوم این که مردم این قدر درگیر مشکلات اقتصادی، اجتماعی امثال این شدند که دیگر کمتر مجاللی دارند که یک درگیری دیگر هم به خودشان اضافه کنند ضمن اینکه می دانید تبعات ورود به این موارد از نظر روانی فشار زیادی به افراد وارد می کند و این فشار روانی زمانی برای فرد قابل تامل است که یک آرامش در زندگی خودش باشد ولی افراد اینقدر درگیر اتفاقات تلخ و شیرین زندگی خودشان هستند که کمتر می توانند این بار روانی را هم بهش اضافه کنند غیر از این ها می توانم بگویم مداخله در این مسائل بخصوص در درگیری ها و نزاع ها یک سری مسولیت های را هم برای افراد ایجاد می کند که گاهی حتی مثلا به حوزه های قضایی هم کشید می شود بعد به تبعات آن فرد باید وقت زیادی بگذارد برای رفتن به پاسگاه بعضی وقتها مورد اتهام قرار بگیرد حالا این مسائل باعث می شود که انگیزش کمتر بشود برای ورود به این برنامه ها و نهایتا می توانم موارد دیگری را هم که صریحا بگم و سریع بگذرم سست شدن روابط اجتماعی بین خانواده است که می توانیم از مصادق های بگویم حالا شما حساب کنید صله رحم دیگر به آن شکل نیست شاید بتوانیم بگویم در دوره های قبلی نوه عموه ها نوه دایی ها دو سه پشت اون ور تر هم پسرعموی پسرعموها هم می رفتن پیش بزرگ بالاخره یک رفت و آمدهای وجود داشت و خود به خود آن احساس مسولیت پذیری افراد نسبت به همدیگر شکل می گیرد ولی متاسفانه این موضوع هم اخیرا از بین رفته و به نوعی هم به این موضوع دامن زده یک بحث دیگر هم هست که اگر بخواهیم بهش نگاه کنیم بحث دینی. یک زمانی اصلاح ذات بین را افراد ثواب بسیار بزرگی می دانستند که از خیلی چیزه ها برایشان با ارزشمند تر بوده ولی به هر حال کم توجهی اخیری که در

بحث مسائل دینی هم بوجود آمده می تواند مزید بر علت شده باشد که دامن بزند بر داستان ها و اتفاقات بخشی از موارد مهمی بود که من فکر کردم باعث ضعف در بحث بی تفاوتی مردم ضعف در میانجیگری شده باشد.

خوب در مورد بحث دومی که چه کنیم که به هر حال مردم تلاش بیشتری بکنند متعهد تر بشوند احساس مسولیت بیشتری در قبال هم دیگر داشته باشند شاید یکی از مهمترین هاش این هست که شاید آن جایگاه اجتماعی بزرگان را باید تقویت کرد باید ارزش گذاری و نقش بزرگان خانواده ها، بزرگان فامیل ها را توی افکار عمومی و فرهنگ سازی اجتماعی تقویت بکنیم حالا از طریق رسانه ها از طریق فضای مجازی از هر جایی که بتوان کمک بکند به این نقش و جایگاه بزرگان خانواده ها و فامیل ها را تقویت بکند از موارد دیگر می توان در بحث تقویت مبانی دینی و تبیین اهمیت نقش آفرینی اجتماعی افراد را برای فرآیند صلح و سازش میانجیگری و امثال آن ایجاد بکنیم و با این تقویت انگیزه بیشتری بهشون بدهیم به جهت این که احساس مسولیت را داشته باشند نکته سوم اینکه به هر حال افراد تاثیرگذار باید توسط نهادهای مرتبط و زیربند و آن های که از این فرآیند سود می برند شما حساب کنید وقتی که این فرآیند صلح و سازش در جامعه شکل بگیرد خود به خود مراجعات به نیروی انتظامی و دادگستری کمتر میشه لازم هست که نهادها آن هم به نوعی قدردان زحمت این افراد باشند کسانی که در این فرآیند ورود می کنند که این هم باز می تواند کمک بکند تشکیل و تقویت و حمایت از تشکل های اجتماعی فعال یک مقطعی بحث شوراهای حل اختلاف ایجاد شد برای اینکه یک همچنین نقشی را در جامعه ایفا بکنند ولی یواش یواش آن ها خودشان تبدیل شدند به دادگاه و الان دارن رأی صادر می کنند و دیگر اون نقش میانجیگری و مصلح را ایفا نمی کنند و نقش دادگاهی ایفا می کنند شاید ضرورت داشته باشد آن نگاه خانه های انصافی و آن نگاه میانجیگری را دوباره در جامعه تقویت بکنیم تا کمک بکند به همه این موضوعات ولی واقعا بدون تعارف میشه گفت که باز گرداننده این نگاه کمی سخت هست چون دیگر به هر حال زندگی ها رفته به سمت فردگرایی و به سمت اینکه به هر حال حتی شاید سوال قبل را بتوانیم بگوییم که اصلا بخشی از نزاع ها ناشی از سودی است که از نزاع ها به دست می آید و شاید خصوصا در شهرهای بزرگ همچنین نگاه دیه ای به این شکل که دیه بگیرند و این ها هم به این مسائل هست که واقعا این مسائل را نگران کننده تر می کند حالا به هر حال به ذهن بنده مواردی بود که گفتم خدمت حضرت عالی دوست عزیز و بزرگوار و عموجانم عرض بکنم آرزوی سلامتی و موفقیت دارم برای شما و خانواده محترمتان.

۷- مصاحبه با جناب آقای مرداس طاهری: فرماندار شهرستان فارس

سؤالات

سؤال اول آقای فرماندار به نظر شما خشونت ها در جامعه زیاد شد و بالا رفته است؟

سؤال: قبلاً مردم چه خشونت ها دسته جمعی بود چه خانوادگی چه در جامعه و چه خیابان مشارکت می کردند به نظر شما دلیل کم شدن این مشارکت چیست؟

و چه کاری انجام شد که این مشارکت ها بیشتر شود و چه راهکاری برای کاهش خشونت پیشنهاد می دهید.

پاسخ: به نظر من اولویت اول شهرستان فارس از نظر آسیب های اجتماعی، خشونت و نزاع دسته جمعی است برابر بررسی های به عمل آمد آسیب اجتماعی و در راس همه آسیب ها در این شهرستان نزاع دسته جمعی است که در بیشتر موقع نزاع دسته جمعی مسلحانه می باشد و یا اینکه نهایتاً با ابزار آلات قمه و چاقو و مساله این چینی می باشد و می توان گفت دلایل این نزاع ها متفاوت است مثلاً ۱- دلیل فرهنگی زیاد در جامعه ما رخ داده است قلب ها شکسته شده است ۲- احترام متقابل تا حدود زیادی از بین رفته است و کوچکی و بزرگی در حقیقت یک مقدار جایگاه خودش را در جامعه از دست داده است. ۳- ظرفیت های افراد کاهش پیدا کرده است (صبر و حوصله و تحمل افراد خیلی کاهش پیدا کرده است) ۴- و در خیلی جاها افراط و در خیلی جاها تفریط انجام می شود برای مثال وقتی ما دو نفر بخواهیم از این اتاق برویم بیرون با هم دیگر تعارف زیادی می کنیم ولی اگر سر چهار را باشیم آنجا دیگر تعارف نمی کنیم و هر کدام ما می خواهیم زودتر از چراغ قرمز رد بشویم

این جور مسائل مرسوم شده است متأسفانه فرهنگ به جای تند روی به جا کند روی یک جا همدیگر گرم می گیریم جای دیگر این طور نیست

سوال: چرا مشارکت مردم در بحث خشونت نسبت به گذشته کم تر شده است

پاسخ: در گذشته علی رغم اینکه علم و آگاهی و دانایی ها کم بود اما در فامیل، در روستا، و در یک ایل شهرستان، یک سری افراد بودند که مورد اعتماد دیگران بودند یعنی منظور همان ریش سفیدان افرادی بودند که مورد اعتماد همه بودند و مردم امورات خودشان را به آن فرد مورد اعتماد واگذار می کردند به طور مثال داخل یکی استان ها هم جوار یکی از آقایان برای حل مشکلی فردی را پیشنهاد داد ولی من بهش گفتم آن فرد بزرگ است و می خواهیم برویم پیش فلان فرد و اون فرد آدم نسبت که احترامش نگه دار و بهش بی احترامی می شود راضی شدیم. گفتم برویم چی می شود پس از احوال پرسى و سلام علیک کردن اون فرد بزرگ بلند شد و ما را همراهی کرد که تقریباً ۲۰ نفر بوده ایم در مسیر بهش گفتم که این فردی که می خواهیم بریم خونه اش قضیه را حل کنیم می ترسیم خدای نکرده حرف شما را قبول نکند و ماشرمنده شما بشویم خدا رحمتش کنه الان فوت کرده گفت بزرگ ترین چیزی که برام مهم اینکه مردم به من اعتماد دارند و برای حل مشکلات پیش من می آیند و اینکه لطف خداست خدا است و از این کار لذت می برم و این کار وظیفه خود می دانم و با اینکه مشکل که برایش رفتیم حل نشود ولی ایشان بزرگی کرد

مثلاً چند وقت پیش یک قتل اتفاق افتاد پس از گذشت سال ها خانواده مقتول رضایت دادند ولی به شرطی که خانواده قاتل تا یک سال حق آمدن به این شهرستان را ندارند بعد از چند وقت خانواده قاتل زیر قولشان زدند و آمدند و دوباره بحث و دعوا صورت گرفت دادستانی و نیروی انتظامی وارد شدند و کار قانونی شان انجام دادند گروه صلح و سازش وارد شد و بعد از جلسات و گفت و گو این مشکل حل کردند نیروی

انتظامی با دادسرا وارد شد گفت باید زندانی بشوند یا تبعید یا جریمه یعنی باید کاری می کردند که دیگر درگیری صورت نگیرد

یک زمانی می گفتن بزرگی و ریخت و پاش هر کی بزرگ بود باید ریخت و پاش هم می کرد و مردم کمک می کردند می گفتن چون میخواد مشکل را حل کنند باید کمک اش کنند بحث این بود که باید با اینا برخورد شود که دیگر قتلی صورت نگیرد و نزاع و درگیری صورت نگیرد گروه صلح و سازش را که این قضیه برای همیشه باید تمام شود یا قضایی بشود تا شرایط را بردارند و بیایند کنار هم بنشینند اینجا گروه صلح و سازش وارد شد دو طرف قبول کردند که شرایط را بردارند اینجا بود قوه قضایه وارد حمایت و می توان نتیجه گرفت

سوال: چرا از این طور دیگر در جامعه ما رشد نکرده؟

پاسخ: خدمتتان عرض کنم که شاید به خاطر این است که جامعه دائماً در حال هست صداقت در بین مردم کم شده و کم رنگ شده

سوال: آیا دستگاه قضا و نیروی انتظامی و قوه قضائیه مشارکت بزرگان و ریش سفیدان را در مشارکت مردم موثر می دانند؟

پاسخ: در قوه قضائیه کارهای خوبی انجام شده مانند شوراها حل اختلاف و داوری که رضا و رغبتی دارند و می توان کارهای برای صلح و ساز انجام دهند از شان استقبال می شود و با اینکه خیلی از جاها مورد توهین قرار می گیرند و خیلی جاها از خودشان و زندگی شان را وقف مردم کردند و بی منت خدمت می کنند تا مشکلات جامعه را حل کنند در شهرستان فارسان یک گروه صلح و سازش وجود دارد

سوال: این گروه چطور به وجود آمده؟

پاسخ: این گروه به صورت خود جوش به وجود آمدند و ما تلاش می کنیم از این نوع گروه ها بیشتر بوجود بیایند برای اینکه این گروه ها بیشتر شوند اول باید افرادی مورد اعتماد را شناسایی بشود

سوال: چیکار کنیم این گروه زودتر تشکیل شوند؟

پس: باید دستگاه اجرایی برای افراد احترام قائل شود مثلاً یکی از این افراد می گفت من مثلاً برم نیروی انتظامی باید بهم احترام بزارند به عنوان یک فردی که بخواهد همه مشکلات مردم را حل و فصل کند و ارگان هایی مانند دادگستری و فرمانداری و بقیه باید حمایت کنند تا ما همه در حد توان مان بتوانیم مشکلات جامعه را حل کنیم

با کارشکنان باید برخورد بشه که دیگه ادامه نزاع نشه فردا یک قتل دیگه هم اتفاق نیفته گروه صلح او مدن وسط گفتیم اقا پیشنهاد ما این هست که ما این قضیه را برای همیشه تمام کنیم یا برخورد قضایی بشه این شرایط را بردارند و متعهد بشن بیان کنار هم صلح و سازش اینا رفتن دو طرف قبول کردن که از حالا به بعد مشکلی

نداشته باشند و اون شروط را هم بردارند اینجا قوه قضائیه اومد حمایت کرد از این پیشنهاد و گروه صلح و سازش که اومد جلو گفت ما حمایت می کنیم دیگه زندان هم نمی فرستیم تبعید هم نمی کنیم با این شرایط خاتمه درگیری باشد یعنی قوه قضائیه و گروه صلح و سازش این جاها هست که حمایت دستگاه های حاکمیتی که بیاد و پشت سر گروه صلح و سازش اونا هم به نتیجه می رسند و این نتیجه می دهد و حل شد چیزی که شما فرمودید این بحث مگه این که داوطلبانه باشه باز جایگاه قانونی هم چین چیزی ندارد علی رغم اینکه به جاهای نیاز هست این گروه های که فعالیت اجتماعی دارند به جاهایی تشویق بشوند از سوی حاکمیت به اعتقاد من باید تشویق بشوند و این تشویق منجر به انگیزه می شود حتی اگر این تشویق لسانی و زبانی باشد نیاز هست که براشون ایجاد انگیزه بشه و بتوانند این کار را انجام بدن ممنونم اگر صحبت پایانی دارید ما به اون اهدافمون رسیدیم در خدمتیم من امیدوارم فرهنگ جامعه شکلی باشد که گذشت در بین مردم زیاد بشه هر اتفاقی که می افته اگه یک سرش گذشت نباشه باز هم جمع نمی شود یا باید جمع یا حکم قاضی باشد تاکید کنیم باید گذشت باشد

سوال: چکار کنیم که گذشت در جامعه زیاد بشه

پاسخ: دستگاه ها بیان کار کنند فرهنگ باید فرهنگ سازی بشه از مدارس از هر جایی که شروع بشه از ابتدا تا انتها از هر جایی که شما کار درست انجام بدی اشتباه نکردی خیلی خوبه که آدم فرهنگ سازی بکنه تو این قضیه و مردم هم لذت گذشت را ببینند واقعا اون کسی که میاد قاتل را پای دار می بخشه اون متوجه شد که گذشت یعنی چی اول شیوه حضرت علی که بالاخره گذشت چی هست ما اگر بتوانیم گذشت را رواج بدیم خیلی از مواقع این مشکلات این درگیری ها اصلا بوجود نمی آیند

امیدواریم که جامعه سالمی داشته باشیم و همه به سلامت کنار هم زندگی کنیم ممنون هستم از اینکه به عنوان یک مسول دلسوز در خدمت شما بودیم و صادقانه همه چیز را توضیح دادید ممنونم سلامت باشید خیلی مصاحبه جالب بود

۸- مصاحبه با جناب سرهنگ شکری از فرماندهان نیروی انتظامی

مهم ترین موانع مشارکت مردم در کاهش خشونت ها و نزاع ها

از دیرباز تاکنون به علل گوناگون خصوصاً اختلافات ملکی، اختلافات فرهنگی و اختلافات خانوادگی نزاع هایی وجود داشته که در این نزاع ها فرد یا افرادی کشته شده و یا اینکه گاهی به حریم خانوادگی یکی از طرفین دعوا تعرض شده است. همین حرکت غیرصحیح و غیر اخلاقی منجر به کینه توزی شده که هر گاه طرفین فرصتی بدست آورند درصدد تلافی برآمده و این کینه توزی دوباره شکل می گیرد و سبب می شود بین طرفین، درگیری سختی صورت گیرد که قطعاً اتفاقی ناگوار رخ می دهد و مصیبتی دوباره بین خانواده ها بوجود می آید در سنوات قبل نشست و مذاکره با طرفین دعوا و ورود افراد صاحب نفوذ و ریش سفیدان محل، اهرمی

موثر در رفع مشکلات و اعمال رفتارهای انسان دوستانه بود که این مشارکت به علل مختلف ذیل در حال کاهش می باشد:

- نیاز حمایت های قضایی و سایر دستگاههایی که نقش در پشتیبانی افرادی که حمایت قضایی از افرادی که به عنوان وازرد عمل می شوند و ضرب المثلی که با عنوان عامیانه «خون میانجی با خودش می باشد» شاید یکی از مهم ترین دلایل باشد.

- حضور افراد غیربومی و گسترش شهرها و روستا و عدم شناخت مردم نسبت به یکدیگر.
- وجود مشکلات مالی و اقتصادی، اجتماعی و ... و سرگرم شدن انسان ها به زندگی شخصی و بی توجهی به این امر.

- ترویج این فرهنگ که رسیدگی به نزاع ها و خشونت وظیفه مراجع قضایی و انتظامی است و به نوعی شانه خالی کردن از این وظیفه اجتماعی.

- عدم حرف شنوی جوان ترها و نوجوانها از پندها و نصیحت های بزرگ ترها و ریش سفیدان.
- در صورت مشارکت در این زمینه و تشکیل پرونده قضایی، استمرار فرد میانجی گر به عنوان مطلع و شاهد معرفی و به مراجع قضایی و انتظامی احضار و گاه حضور فرد در این مراجع و دادن شهادت علیه طرفین درگیری خود سبب بروز درگیری های بعدی با فرد شاهد می گردد.

- عدم برگزاری همایش و تشریح مسایل توجیهی و نتایج مثبت حاصله از کاهش نزاع ها و خشونت ها

- طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده های نزاع و خشونت و گرفتن وقت و انرژی افراد مداخله گر.
- قومی و طایفه ای بودن منطقه مانعی است جهت مداخله افراد در نزاع ها و خشونت ها.
- عدم حمایت قانونی از ناهیان از منکر و امران به معروف.

راهکار:

- برنامه ریزی و تلاش جهت رفع موانع فوق الذکر
- انجام اقدامات لازم از سوی دستگاه های مرتبط (آموزش و پرورش، دانشگاه ها بهزیستی و ...) جهت فرهنگ سازی و ورود به بحث روانشناختی موضوع.
- تفهیم چگونه زیستن اجتماعی و رعایت اصول اجتماعی و موازین شرعی به شهروندان.
- آگاه ساختن طرفین از قوانین و نلتش جهت رفع بی منطقی و بی فرهنگی از بین جماعت که از نظر پیشینه هیچ بریدگی با هم ندارند، تا در سایه آرامش و صلح و صفا و دوستی امورات خود را سپری کنند.

- آگاهی دادن به اقشار مختلف مردم از عواقب ارتکاب جرایم و نزاع های دسته جمعی و بالا بردن سطح آگاهی ایشان.
- مرتفع نمودن مشکلات و اختلافات قومی و قبیله ای و اختلافات ملکی که اکثر ریشه در این موضوعات دارند.
- برگزاری سمینارها و گردهمایی ها با حضور در بین اهالی و افراد مسلط و بین مسایل و ریشه یابی موضوع.
- توجه به بحث معیشت مردم بالاخص کشاورزان و بیمه نمودن آنها، مزارع و باغات ایشان و پرداخت به موقع هرگونه خسارت به ایشان.
- عمل نمودن به وعده های که توسط مسولیت به مردم داده می شود و از طرفی کاهش انتقادات مردم و متعادل نمودن آن با واقعیات جامعه.
- جمع آوری سلاح های غیرمجاز در سطح جامعه که در بسیاری موارد باعث تشدید نزاع و درگیری و خشونت می شوند و ساماندهی اینگونه افراد.
- عدم تبعیض و فساد از سوی مسئولین که موجبات نارضایتی مردم را فراهم می نمایند و منجر به ایجاد حس خشونت و در نهایت نزاع و درگیری می گردد.
- برطرف نمودن بروکراسی های اداری که مردم را در انجام امورات با مشکل مواجه نموده است و برای انجام کارهای خود بایستی مسیری طولانی را طی نمایند که بعضا هم به هدف نمی رسند و موجب نارضایتی و سردرگمی می شود.
- نظارت بر قیمت کالاهای اساسی که نیاز مردم هستند و عدم تناسب بین درآمدها و هزینه های که باعث ایجاد نارضایتی و خشونت مردم می گردد مانند قیمت خورد، زمین و ساختمان، خوراک، پوشاک و ...
- ایجاد روحیه نشاط و انگیزه در سطح جامعه با برگزاری برنامه های متنوع و جشن ها متناسب با مناسبت های مختلف.

۱۰- مصاحبه: دکتر عزیزالله مولوی استاد فلسفه و علوم اسلامی

تحلیل پدیده عدم مداخله و میانجیگری مردم در مداخله در مسائل اجتماعی (بطور اخص نزاعهای خشن) البته قبل از اینکه به بررسی پاره ای عوامل اشاره کنم متذکر شوم که این موضوع در خود مفروضی دارد که قابل تأمل است به نظر من آنچه در شرایط امروز ضعیف و رقیق شده است مداخله مستقیم فیزیکی در درگیرهای خونبارخشن است نه نفس مداخله یعنی ما شاهد ضعیف شدن یکی از اقسام و روش های مداخله و میانجیگری مردم آن هم در خشونت های اجتماعی هستیم و آن مداخله مستقیم است و گرنه مداخله غیر

مستقیم نظیر تماس و اطلاع به نهاد ها و مراکز دولتی و حمایتی و امنیتی که توسط مردم انجام می شود خود قسمتی از ایفای نقش های اجتماعی است. حال سؤال این است آیا ما طالب همه مداخله گری ها هستیم ولو به تشدید ابعاد فاجعه و خشونت منجر شود مانند واقعه میدان کاج تهران. پس ما مداخله گری مخرب و سالم داریم. اگر این قسم مداخله ها یعنی مداخله های سالم هم به اعتقاد پژوهشگر تحلیل رفته و کم شده باید جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد.

ما در گام نخست مداخله مردم را به دو قسم:

۱- مداخله فیزیکی و مستقیم و مباشر

۲- مداخله غیر مستقیم غیر مباشر (مثلاً اطلاع دادن به نهادهای ذی صلاح)

پاره ای عوامل عدم مداخله مستقیم مردم به نظر بنده عبارتند از:

۱- تغییر نگرش عمومی مردم:

مهمترین متغیر مرتبط با این پدیده اجتماعی به اعتقاد اینجانب تغییر نگرشی است که مردم به موضوعات مختلف پیدا کردند تخصصی شدن حوزه های رفتاری و روانی موجب شده مردم بجای نگاه کردن سطحی و ظاهری به امور مسائل را نگاه ریشه ای و عمیق ببینند و امور را به متخصصان ارجاع دهند. لذا تا حدودی می توان گفت میانجیگری در جامعه امروز کارکرد خود را از دست داده است و به همین نسبت گرایش به مقامات رسمی تخصصی - علمی بیشتر شده است.

۲- حقوقی شدن فرهنگ عصر مدرن: این عامل موجب شده مردم قبل از هر اقدام به جایگاه قانونی فعل، آیا قانوناً این رفتار وظیفه من است؟ آیا اگر من اقدامی در این مورد انجام دهم فرایند های قانونی از من دفاع خواهند کرد؟ طبق قانون رفع و رجوع این مسأله بر عهده کیست؟ و از این دست پرسشها. خلاصه حقوق و قانون زده شدن جامعه موجب رقیق شدن مداخله مستقیم مردم در درگیرهای اجتماعی شده است.

۳- بی توجهی به مسئولیتهای اخلاقی و حصر توجه به وظایف قانونی:

متغیر سوم که البته بی ارتباط با مؤلفه قبلی نیست این است که امروزه دیدگاههای مردم کمتر معطوف وظایف و مسئولیت های اخلاقی و انسانی است بیشتر به وظایف مدون و قانونی که در اسناد حقوق مورد صراحت قرار گرفته متوجه هستند.

۴- ضعف دینداری مردم و عدم تبلیغ

عدم روشننگری تفصیلی و روشن وعاظ و مبلغان دینی در موضوع ((اصلاح ذات البین)) چرا که یکی از مهمترین فروع دین امر به معروف و نهی از منکر است (سوره آل عمران آیه ۱۱۰) و یکی از مهمترین فضیلتهای اخلاقی در اسلام اصلاح ذات البین است (انفال آیه ۱ و حجرات آیه ۹) امام علی (ع) در واپسین

لحظه های زندگی پربرکتش، فرزندان و رهروان راه خود را به اصلاح ذات البین سفارش کرد و ارزش آن را برتر از نماز و روزه سالیان شمرد.

۵- عافیت طلبی و عدم جرأت و شهامت: هراسهای روانشناختی از تبعات روانی، تنی و قانونی دخالت مستقیم و میانجیگری در نزاعهای خشن

۶- هنجارهای عمومی فرهنگی:

ورود در نزاع دیگران را فضولی یا سادگی تلقی می کنند مثل رایج که گفته شخص میانجی خودش بر عهده خودش است را می توان از این دست دانست

۷- تکنولوژی های مدرن و پیشرفته:

افزایش بی نظیر لوازم صوتی و تصویری جهت ثبت صدا و تصویر که فرد احساس می کند تهیه مستندات صوتی و تصویری بیشتر به کار قانون و حل و فصل موضوع از طریق قانون در می آید تا ورود مباشر و دخالت مستقیم فیزیکی. لذا در دگرهای اجتماعی شوق به تصویر برداری بیشتر از مداخله مستقیم است.

۸- حضور حداکثری دولت در موارد اجتماعی: در اختیار بودن و گسترش نهادها و مراکز دولتی نظیر اورژانس های اجتماعی، اورژانس های پزشکی، فوریت های پلیسی، مراکز مشاوره حقوقی و روانشناختی آنلاین عرصه را برای دخالت مستقیم مردم بسیار محدود کرده.

۹- فرد گرایی یکی دیگر از عوامل شناختی و فرهنگی-اخلاقی جدیدی است که در عصر جدید ایجاد شده است که طبق آن اعمال اهداف و خواسته های شخص را ترویج می کنند و از این دفاع می کنند که منافع فرد باید نسبت به یک گروه در اولویت باشد. لذا به عبارت دیگر هر کس در گیر خودش است.

راهکارها:

۱- تأسیس و توسعه سازمانهای مردم نهاد با ماهیت فعالیتهای اصلاح ذات البین

۲- توجه به ترویج فرهنگ میانجیگری روشمندان با استفاده از روش های غیر مستقیم مانند ظرفیت های هنر مخصوصا تئاتر و سینما

۳- راه اندازی مدیریتی یا کمیته ای در معاونت پیشگیری از جرم سیستم قضائی یا دیگر سازمانهای مربوطه به منظور توسعه مشارکتهای مردم در جهت پیشگیری از جرم و جنایت

۴- تشویق حداکثری با پوشش تبلیغاتی گسترده از مواردی که شخص یا گروهی با میانجیگری راه را برای وقوع فاجعه ای بسته اند.

۵- تشویق سازمانهایی نظیر سازمان تبلیغات تا در کنار کارکردهای مناسبی هیأت های عزرداری مردمی به این مهم هم توجه کنند.

۶- گنجاندن مهارت ((اصلاح ذات البین)) و تعریف دروس و سرفصل های برای آن در آموزش های جامعه در مدارس و دانشگاه ها

۷- برنامه ریزی در جهت همایش ها و گفتگوهای تخصصی بین رشته ای در محافل عمومی و رسانه های صوتی تصویری با حضور متخصصان حوزه های مختلف علوم انسانی و واکاوی ابعاد مختلف این مسأله در جهت ترویج آن.

۸- وعاظ و اهل منبر در سخنان خود بصورت تفصیلی و با ارائه روش و مهارت به این موضوع پردازند.

۱۲- مصاحبه با: دکتر بیژن خلیل مقدم استاد دانشگاه و آینده پژوه

سلام آقای دکتر وقت شما بخیر من خیلی مختصر خدمتون عرض می کنم یکی فکر می کنم دلایل مربوط به تجربه خود افراد است شاید همان طور که خودتان فرمودید بیش از این افراد در این مسائل مشارکت داشتند و وساطت می کردن ولی حسب تجارب شخصی خودشان دیدن که این گونه مداخله گری ها این گونه وساطت ها که آن باعث آسیب و ضربه برای خودشان می شود به نوعی دیگر دست برداشتن گفتن خوب کاری که برای ما ضرر دارد آسیب دارد چرا باید بهش پردازیم به قول معروف منفعت حالا نه اینکه منفعت خودشان برایشان آسیب نداشته باشد برایش معیاره بوده و نکته دوم اینکه باز مربوط به تجربه خود افراد هست مراجع قانونی و حقوقی. من فکر می کنم در این زمینه یک جورای حاشیه امنی را برای همچنین افرادی نه تنها ایجاد نکردند بلکه مورد آسیب هم قرارشون میدهند عرضم به حضورتان به عنوان مثال مراجع قانونی وقتی یک نفر وساطت می کند در این مسائل بعد از اون دیگر خیلی از وقت و انرژی اون فرد را می گیرند حالا چه میدانم مواردی مثل قسم دادن ها و گواهی دادن ها و حضور در مراجع قانونی این ها باز به نوعی آسیب هست برای فردی که وساطت می کند و مداخله گری می کند این ها اولین عواملی هستند که به نوعی موجب می شوند فرد من بعد دیگه سراغ این گونه مشارکت های اجتماعی نرود و نکته دوم بحث هنجارهای ذهنی و اجتماعی است شاید فردی باشد خودش شخصاً تجربه ای در این زمینه نداشته باشد و آسیبی تاکنون ندیده باشد ولی بنابر آنچه که در اجتماع می شنود یا از تجارب دیگران می شنود باعث می شود اگر احیانا موردی در واقع رخ داد ایشان وارد این قضیه نشه به قول معروف مثلاً آنچه حالا تحت عنوان الگوهای ذهنی برای افراد موجود هست حالا طرف به فکر یک لقمه نان برای خودت باش چیکار داری تو جامعه چه اتفاقی می افته برو به زندگی خودت برس سرت تو لاک خودت باشه همچنین مواردی و برای اصلاح این موارد من فکر می کنم یک اصلاح قوانین هست که در واقع تسهیل مشارکت های افراد را در واقع فراهم بکند یکی هم اصلاح الگوی های ذهنی هست متشکرم
خداحافظ

۱۳- مصاحبه با آقای دکتر عزیز الله آقا بابایی جامعه شناس و فعال اجتماعی.

استان چهارمحال و بختیاری ساختاری با تنوع قومی است که تاریخ سیاسی آن به نقش فعال ایلات و قومیت ها گره خورده است. چنین ساختاری، به همراه تنوع قومی، فرهنگ ها و آداب و رسوم متفاوت، خشک

سالی، ناامنی غذایی، محوریت عصبیت اجتماعی و زندگی ایل نشینی و عدم مسئولیت حکومت مرکزی در گذشته تاریخی این مرز و بوم، در ظهور نزاع ایلی - طایفه‌ای، مؤثر بوده است، با این حال، از دل این تنوع اجتماعی، سازوکار درونی رفع مخاصمه و بازتولید گفتگوی هابرماسی، شکل گرفته است. نظام جغرافیایی متفاوت مبتنی بر سبک فرهنگی متمایز قومی، سازوکار مدیریتی عرفی، بومی و متمایزی را ایجاد نموده است. مدیریتی که به سبک و سیاق امیل دورکیم، با وجدان جمعی، انتقام، عدالت، عصبیت و همبستگی و گاهی مکافات اجتماعی همراه بوده است. پیوند خویشاوندی و غرور ایلی، اقدام متقابل به هنگام جریحه داری احساسات اجتماعی را می‌طلبد و عصبیت خویشاوندی در این سنخ جوامع، معادل روح گروهی، روح جماعت یا روح جمعی و نیروی قرابت خون، غرور ملی و نژادی تلقی می‌شود. نزاع‌های گروهی - ایلی همراه همیشگی تاریخ جوامع سنتی و ایلی است. در جامعه‌ی ما به سبب وسعت و پراکندگی جغرافیایی در طول تاریخ، درگیری و نزاع بین گروه‌ها و طوایف بر سر منابع کمیابی نظیر مراتع، آب و مسائل فرهنگی و اجتماعی بسیار اتفاق افتاده است. چنین ساختار اجتماعی، نزاع ایلی را بازتولید کرده و مشارکت، گروهی آن را توسعه می‌داده است. از طرفی قدرت طلبی گروه‌ها، بیگانه‌هراسی، خودنمایی گروه، حس تلافی جویانه، ضعف بازدارندگی بیرونی و سرمایه‌ی اجتماعی محدودکننده و مسائل فرهنگی از قبیل عصبیت، ناموس پرستی، تضاد ارزشی و اعتقادی و ضعف بازدارندگی، بستر ظهور نزاع ایلی را دامن می‌زد. جامعه سنتی ما، دارای مکانیسم بومی و خودجوش، جهت ایجاد عدالت ترمیمی و بازدارندگی اجتماعی در برابر نزاع ایلی بوده است. این سازوکارها در دوره‌ی سنتی و قبل از مدرن بیشتر به دست بزرگان ایل اجرا می‌شد و بعد از رخداد نوسازی، سازوکارهای سنتی و نیمه رسمی تضعیف و مکانیسم قانونی جایگزین گردید. اجتماع گذشته در مسائل داخلی خود، آیین‌های بومی مبتنی بر نظام فرهنگی جغرافیایی را می‌طلبدند تا با قواعد اجتماعی عرفی، پیوستگی مدنی و گفتگوی عمومی را حفظ نمایند. اختلاف مدیران (خوانین، کلانتر، دولت و کدخدا) بر سر قلمرو و مراتع، جابجایی سریع روش‌های حکمرانی، آشفتگی در مواجهه با مدرنیته، ساختار مکانیسم‌های عرفی - بومی را دچار فروپاشی نمود و به تبع آن سازوکارهای مواجهه با نزاع ایلی نیز تغییر یافت. بدین ترتیب، قبل از دوره‌ی قاجاریه، عرف و بوم‌محوری، ریش سفیدان و معتمدین محلی در ساختار قدرت، برجسته بودند. با توجه به ساختار متنوع خرده فرهنگی جامعه‌ی ما، پیش از اینکه نظم داخلی بین روستاها با نهادهای قانونی مدیریت شود، راه حل‌های عرفی در مواجهه با اختلاف اندیشیده شده بود؛ اما از اواخر دوره‌ی قاجاریه و ورود مدرنیته، روند نظارت بر حل اختلافات بین اهالی تغییر یافته و سازوکارهای رسمی و نوینی مطرح گردید. این سازوکارها اغلب رویکرد دولتی داشتند، یعنی نهادهای دولتی، انتظامی و قضایی و در یک کلام «قانون»، از قبیل خانه انصاف، و سایر نهادهای قضایی، در امور مربوط به مسائل امنیتی و قضائی در اجتماعات جای پا برای خود پیدا کرد. در دوره‌ی ارباب رعیتی، در جریان مکانیسم‌های نیمه رسمی از قبیل «کدخدا»، «مالک» در جریان حل و فصل فعال شده و با پیروزی انقلاب اسلامی، مکانیسم، «مرکز قضائی و انتظامی»، «شورای حل اختلاف» و «شورای اسلامی» مطرح شدند.

بطور کلی سازوکارهای مقابله و حل نزاع‌های دسته جمعی در اجتماعات استان چهارمحال و بختیاری را

در سه مقوله‌ی کلی، شامل سازوکارهای سنتی، مدرن و نیمه رسمی، می‌توان جای داد:

۱- سازوکارهای سنتی: این نوع سازوکار، آیین و تشریفات قانونی ندارد، بلکه بومی و محلی است و با مداخله‌ی خودانگیخته‌ی اشخاص ثالث برای حل و رفع خصومت انجام می‌شود.

۲- سازوکارهای مدرن: در سازوکار مدرن، نقش مردم و سنت‌ها (معمتدین و ریش‌سفیدان) و عرف کم‌رنگ‌تر شده و قوانین مکتوب و رسمی جایگزین آن‌ها شده است و این سازوکارها ضمانت اجرایی دارند.

۳- سازوکارهای نیمه رسمی: سازوکارهای نیمه رسمی با الهام از سنت ریش‌سفیدی و روش کدخدا منشی در اجتماعات روستایی به کار گرفته می‌شود و بین دو بخش سنتی و مدرن تبادل و همکاری وجود دارد.

با توجه به تبیین مساله خشونت‌ها در فوق و ارائه ساز و کارهای مداخله و مشارکت در جهت حل و فصل نزاعها ملاحظه می‌گردد که بویژه در جوامع شهری مشارکت مردم در جهت حل و فصل نزاعها کاهش پیدا کرده و به نوعی بی تفاوتی را در آنها رقم زده است و این بی تفاوتی میتواند حاصل موارد ذکر شده ذیل باشد:

در تبیین بی تفاوتی در مشارکت در جوامع جدید، قضایایی مشابه با جامعه شناسی تبادل را مطرح می‌شود، یعنی همانگونه که در روابط میان افراد، مادیات تبادل می‌شوند، فراشدهایی مانند علائق اجتماعی و دوستی‌ها نیز با یکدیگر مبادله می‌شوند.

بی تفاوتی در مشارکت ممکن است تابعی از فرایند سالخوردگی باشد و همچنین بی تفاوتی اجتماعی بر مبنای محاسبه هزینه-پاداش حرکت می‌کند، افراد در مواقع مواجهه با وضعیت‌های خاص و اضطراری، بلافاصله به تحلیل و بررسی هزینه‌ها و پاداش‌های نועدوستی و بی تفاوتی می‌پردازند و درواقع، بی تفاوتی به دیگران یا نועدوستی مستقیماً تابع پاسخی است که افراد ناظر در یک موقعیت اضطراری نشان می‌دهند.

احساس بی قدرتی، عدم اثربخشی [اثرگذاری] یا عدم کارائی، که جملگی معانی مترادفی را دارند مبنای نظریه‌های مبتنی بر "جامعه پذیری عدم اثربخشی" را تشکیل می‌دهند چنانکه جریان اجتماعی شدن و تجارب تدریجی در جامعه را از جمله عوامل سرخوردگی و دلمردگی اجتماعی افراد معرفی شده و اعتقاد بر این است که هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از احساس عدم اثر بخشی در فرایندهای اجتماعی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسائل اجتماعی وجود دارد.

احساس بی قدرتی یا عدم اثرگذاری جامعه پذیر شده، به دنبال خود احساس بی اعتمادی به همراه می‌آورد، مقوله بی تفاوتی اجتماعی را به میزان درونی سازی سه هنجار اجتماعی "تقابل"، "انصاف" و "مسئولیت پذیری" نسبت داده شده است و بیانگر آن است که هر قدر هنجارهای تقابل و انصاف که در ذات خود مستلزم نوعی تحلیل هزینه-فایده هستند در افراد بیشتر درونی شوند باعث گرایش بیشتر به بی تفاوتی در مشارکت خواهند شد و درونی سازی هر چه بیشتر هنجار مسئولیت پذیری گرایش بیشتری را به نועدوستی باعث می‌شود. در انزواگرایی که گونه سوم از کنش ورزی غیراستاندارد و انحرافی مورد نظر نظریه بی هنجاری یا فشار ساختاری را تشکیل می‌دهد، افراد نه اهداف مورد قبول جامعه و نه وسایل نیل به آنها را نمی‌پذیرند و از آنجا

که هیچ جایگزینی را نیز مدنظر ندارند رفتار توأم با بی تفاوتی اجتماعی را از خود نشان خواهند داد و از هرگونه مشارکت در فعالیت های گوناگون بویژه کاهش خشونت ها پرهیز می کنند.

بی تفاوتی اجتماعی در حل و فصل نزاعها، مبتنی بر نقش انواع نارضایتی اجتماعی به عنوان عامل محرک در وقوع این پدیده است. جامعه ای که در آن بخش بزرگی از جمعیت بی تفاوت، بی علاقه، و ناآگاه باشد جایی است که در آن، رضایت را نمی توان یافت."

از طرف دیگر محرومیت نسبی، مبنای کار خود را بر مفهوم مقایسه موقعیت فرد با موقعیت افرادی دیگر در سایر گروه ها و دسته های انسانی داده اند. محرومیت به سرخوردگی مربوط است و از آن برای تبیین نرخ آسیب های اجتماعی استفاده می شود.

راهکارها:

چندین مولفه در این بخش تاثیرگذار است: اعتماد اجتماعی، اعتماد بین مردم و حکام، اعتماد بین مردم و نهادهای اجتماعی، اجرای کارهای فرهنگی. جامعه باید تلاش کند تا فرزندان خود را از کودکی مسئولیت پذیر تربیت کند. به جای تقویت فردگرایی، باید توجه به سمت منافع جمعی در سبک زندگی و الگوهای تربیتی جایگزین شود. اگر مسئولیت پذیری در جامعه تقویت شود، مشارکت و همدلی به تبع آن بیشتر می شود. در جامعه ای که سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، مسئولیت پذیری هم بیشتر دیده می شود به همین دلیل مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های جدی سرمایه اجتماعی در جامعه است. سرمایه اجتماعی با قانون و بخشنامه در جامعه افزایش پیدا نمی کند و تمامی اجزای جامعه باید در این زمینه فعال باشند. برای ارتقای همدلی اجتماعی در جامعه باید هم دولت و هم مردم وارد عرصه شوند. روحانیون، صاحب نظران، معتمدین، ورزشکاران، اساتید و ... همه می توانند موثر باشند اما شرط اول این حرکت این است که بپذیریم ما جامعه ای هستیم که داریم به سمت بی تفاوتی اجتماعی و فردگرایی بیشتر گرایش پیدا می کنیم.

۱۴- مصاحبه با: آقای ریاحی حقوق دان

عرض سلام و احترام دارم برای شما دوستان گرامی برای پاسخ این سوال که چرا در روزگاران گذشته مردم نقش یک میانجی را برای دعوی اجرا می کردند و لیکن امروز متأسفانه این نقش خیلی کم رنگ شده برای پاسخ به این پرسش می توانیم دلایل مختلف و متعددی از دیدگاه جامعه شناسی و هم از دیدگاه حقوقی و قضایی بیان نمایم برای بررسی این پرسش شایسته و بایسته است که یک نگاهی به قوانین مصوب قبل از انقلاب اسلامی بیندازیم تا دلیل چنین اتفاقی برای ما روشن بشود قبل از انقلاب اسلامی ما قانونی داشتیم به نام قانون خانه های انصاف و قانون دادگاه های سیار که برای حل اختلافات مردم خود این قانون یک سری از افراد را از قبل معین می نمود و به عنوان کدخدا و ریش سفیدی هر محل و نقش ریش سفیدی و نهاد حقوقی مثل دادگستری امروز را در استان های دور دست و استان های که از پایتخت فاصله زیادی داشتند ایفا می نمودند دادگاه های سیار هم قبلاً به مناطق عشایری و عشایر نشین مراجع می نمودند و یکی الی دو نفر قاضی

هم به همراه این افراد می آمد و به مدت هر شش یا هفت ماهی به استان های مختلف مراجع می کردند این تیم ها و در قالب کدخدا منشی این گروه هم اختلافات را حل و فصل نمودند. نه اینکه از یک قانون خاص و از یک آیین دادرسی خاص و..... استفاده بکند با ایجاد انقلاب اسلامی در کشورمان ایران قانون خانه های انصاف که کلا منسوخ شد و این نهاد مردم محور برچیده شد به تبع آن قانون دادگاه های سیار هم بر چیده شد که یک سری مشکلاتی را از جامع ما زدود و یک سری مشکلاتی را متاسفانه به جامعه ما اضافه کرد مثلا در مناطقی دور افتاده و عشایر نشینی که در سطح کشور موجود هست هیچگونه مرجع قضایی برای رسیدگی و اختلافات اون ها وجود ندارد ایشان مکلف هستند یک مسیر طولانی شاید به مدت ۷ الی ۸ ساعت راهپیمایی کنند تا بتوانند خودشان را به یک نهاد قضایی برسانند و اقامه دعوا بنمایند و در محاکم با یک سری مشکلات مواجه هستند که محل اقامت مشخصی ندارند و آدرس خاصی ندارند که ابلاغیه ها برای آن برود مشکل دیگری هم که در این زمینه این افراد و این قبیل اشخاص دارند اینکه اطلاعات حقوقی بسیار ضعیف یا اطلاعات حقوقی در این زمینه ندارند که بخواهند یک شکایت جزئی مثلا در مورد جرم و سرقت و ضرب و جرح اختلافات عادی برای خودشان بنویسند پس قانون خانه های انصاف که به صورت کدامنشی مشکلات این افراد را حل می کرد برای این قشر از جامعه خیلی مثر ثمر و کارا بود علاوه بر این و در کنار قانون خانه های انصاف دادگاه های سیار از طریق کدا خدا ها و بزرگان طوایف حل و فصل می شد این افراد با توجه به اطلاعات حقوقی که داشتن پرونده را جمع آوری می کردند ادله را بررسی می کردند و به مرکز شهرستان منتقل می نمودند و رای مورد نظر را صادر می کردند و در فرجه بعدی همان رای را به آن افراد ابلاغ می نمودند یکی دیگر از دلایلی که اکثر افراد دیگر داخل دعوای افراد دیگر از قبیل خانواده فامیل همسایه هم روستایی هم محله ای خودشان دخالت نمی کنند اینه که خود افرادی که از لحاظ حقوقی و کیفری صدمه دیده اند راضی به این کار نیستند یک شخص ثالث بخواهد بیاید در این زمینه به عنوان یک میانجی گر و یک داور ایفای نقش بکند مثلا در مورد جرائم منافی عفت که در شهرهای کوچک در روستاهای کوچک و محلات کوچک که افراد همدیگر را می شناسند و به گفته خودشان حیثیت و آبروی آن ها مهم تر است از قانون و اجرای عدالت هست و سعی می کنند دو خانواده به هر طریق ممکن و شاید ناشایسته ای تن به این مشکلات بدهند و از جانب دیگر با توسعه تکنولوژی یک سری جرائم جدید هم در کشور به وجود آمد مثلا قبل از اینکه اینترنت وارد کشور ما بشود ما چیزی به عنوان سرقت اینترنتی نداشتیم با ورود اینترنت کشور و به روز شدن سیستم ها و سامانه بانکی کشور ما یک سری افراد آمدند در این زمینه سوء استفاده نمودند و اقدام به کلاهبرداری اینترنتی و سرقت های اینترنتی و این قبیل مسائل نمودند در این زمینه افراد ریش سفید و مومن هم مورد اعتماد مردم نه سواد کافی دارند نه اینکه این افراد بخواهند به این افراد مراجع کنند و اینکه ممکن است مجرم از یک استان دیگر بصورت اینترنتی از یک استان دیگر و از یک شخص دیگر در همان استان مقصد کلاهبرداری بکند در این زمینه این گونه افراد نمی توانند نقشی ایفا کنند ولیکن در سایر جرائم و بالاخص دعوای حقوقی در استان های کوچک که بیشتر داوری و میانجیگری کدخدا منشی از ایام گذشته نقش ایفا می کرده می تواند یک راهکار مناسب در حل مشکلات حقوقی مردم باشد مثلا در تقسیم ماترک و میراث در دعوای خانوادگی مثل تفقه و طلاق در دعوای کیفری همانند نزاع های دسته جمعی سرقت تخریب اموال این سری افراد واقعا از لحاظ نفوذ در بین مردم با

توجه به اعتمادی که این ها بین مردم داشتند و جایگاهی که مردم به این افراد داده بودند مکلف بودند از نظر من این افراد باز تبعیت کنند که از اوایل انقلاب تا الان خوشبختانه قانون شوراهای حل اختلاف را داریم افرادی به عنوان سفیر سرخ در این زمینه دارند که یک سری اقداماتی شبیه به اقدامات خانه های انصاف در دادگاه نقش آفرینی می کنند و یک سری مشکلات را که واقعا از طریق دستگاه قضایی حل و فصل نمی شود که براحتی این افراد می توانند حل و فصلش کنند یکی دیگر از دلایل عدم مشارکت مردم در حل اختلافات موجود عدم اعتماد درونی مردم به ضابطین قوه قضائیه و دستگاه قضایی مثلا یک اختلافی بوجود آمد ما بین دو نفر و یک شخص ثالث از آنجا در حال عبور است اگر بخواهد بیاید توسط پیدا بکند به حربه داوری و بخواهد این اختلاف را این اختلاف را فیصله بدهد فردا روز نهاد قضایی بنده را به عنوان مطلع می خواهد به عنوان شاهد می خواهد

دوم اینکه در سیستم قضایی ما با توجه به تورم قضایی و حجم زیاد پرونده های که در کشور داریم متاسفانه معضله تورم قضایی و دادرسی مزید این علت شده که اشخاص راغب به این کار نیستند چرا که بعضی مواقع نه یک جلسه نه دو جلسه نه سه جلسه این نهاد قضائیه و ضابطین می آیند دنبال افراد و با رسوم ضمانت این ها کیفری است جلع را برای این شاهد از قبل پیش بینی نموده بخاطر همین خیلی از افراد داخل این قضایا دخالت نمی کنند و یا یک سری از افرادی که دخالت قبلا کردند این مشکلات دامن گیرشان شده به بقیه و توصیه و پیشنهاد می کنند که اصلا درون کار خیر شرکت نکنید عاقبت خوبی نخواهد داشت و هر روز و هر روز باید در محاکم قضایی و حقوقی و کیفری پاسخ گوی قضات دادگستری و ضابطین قضایی باشیم یکی دیگر از دلایلی که افراد حالا بگیم متاسفانه یا خوشبختانه این جای سوال دارد که مورد حل اختلافات دیگر نظارت بر حل کار دیگران نمی کنند یا به تعبیر دیگر دخالت بر کار دیگران نمی کنند عدم فرهنگ سازی در این زمینه باشد چرا که در درون هر خانواده حتی خانواده های فرهنگی که خودشان مجرب این امر هستند برای مردم ولیکن فرزندان خود را از دخالت در امور مردم منع می کنند می گویند که به فکر زندگی خودت باش دنبال کار مردم رفتن عاقبت خوبی ندارد تورم در جامعه به کسی رحم ندارد که بیفتد دنبال کار مردم هر کسی یک اشتباهی کرد باید خودش تاوانش را پس بدهد و این نگرش به قوله تحمیلی که همیشه در صد صد آن هستند که یک کیفر را بر یک شخص تحمیل بکنند تقریبا دارت از این حربه بیشتر استقبال می کنند اینکه متاسفانه نهاد آموزش و پرورش کشور ما که مهمترین نهاد تربیتی و بعد از خانواده می باشد در این زمینه واقعا بصورت صد در صد رسوخ کرده است و این که ما اصلا یک واحد درسی در دوان ابتدای، دوران دبیرستان، و حتی در دوران دانشگاه بالاخص افرادی که رشته حقوق خوانده اند یک واحد در زمینه شیوه داوری کردن در بین افراد بصورت خارج از دستگاه قضا را ارائه ننموده اند که دانشجو بتواند یک اختلاف را از آن طریق خل و فصل بنماید ولیکن برای حل این معضل و مشکل تشویق نمودن افراد برای حل امور دیگران و شرکت دادن آن ها در امر خیر راهای مختلفی را به عنوان یک حقوق دادن ارائه نموده اند اولین راهکار فرهنگ سازی و نهاد داوری و میانجیگری در بین خانواده ها از طریق آموزش و پرورش کشور و دانشگاه کشور می باشد بدین صورت که در قالب چند واحد درسی اول به افراد آموزش بدهند و برای کاهش حل پرونده های قضایی و جلوگیری از آن اشتباهات سرسام آوری از دستگاه قضا که شاهد آن هستیم میبایم از این نهادهای مردمی استقبال

کنیم و دقت بیشتر و با از بین بردن کلیه کینه ها و کدورت ها یک اختلاف چندین سال را می توانیم حل و فصل کنیم و در همین راهکار ایجاد موسسات حقوقی داوری توسط دستگاه قضا متأسفانه دستگاه قضا در این زمینه هیچگونه راهکاری ارائه نداده است حتی تا جایی که بنده اطلاع دارم قوانین مختلفی هم در این زمینه ما داریم که مصوب شده و برخی قضاات در برخی شهرستان های بزرگ تر نسبت به شهرستان ما و شهرستان های که مردم شناخت کافی به همدیگه ندارند موسسات داوری ایجاد کردند و افراد را در دعوای مختلف بالاخص دعوای خانوادگی اول به این نهاد ارجاع می دهند اگر این نهاد نتوانست ایفای نقش بکند پرونده وارد دستگاه قضا می شود سوق دادن مردم و دستگاه قضا به سمت نهادهای داوری و میانجیگری و کدخدانمشی قبل از اقامه دعوا می باشد یعنی اینکه ما یک قانون در این زمینه مصوب نماییم و به عنوان یک قانون ضمانت دار یعنی اینکه ضمانت اجرا داشته باشد از لحاظ ماهوی و هم از لحاظ شکلی یعنی اینکه قضاات اول بگن به نهاد داوری و میانجیگری مراجع کنند و اگر مراجع نکردند ما از پذیرش پرونده در نهاد قضایی خودداری می نماییم و یکی دیگر از راهکارهای که ما می توانیم ارائه بدهیم پیشنهاد تخفیف مجازات به افرادی می باشد و به دنبال یک راهکار مردمی در این زمینه هستند شناسایی افراد معتمد و اهل فن در حل اختلافات هر منطقه جغرافیایی در هر شهرستان و شهر و روستا و ... می باشد که با شناسایی افراد و تداعی نمودن یک سری امتیازات مادی و معنوی برای افراد که مشوق آن ها بشویم و به صورت خود جوش کار را اتوماتیک وار وارد دعوای مردم بشوند و این دعوای را حل و فصل بکنند و همین صلح نامه ای را تنظیم می کنند در مرحله بعد اگر کار به دستگاه قضایی کشید روی پرونده ضمیمه کنند و از همین صلح نامه به عنوان یک برگ برنده و برگ تخفیف دار مجازات استفاده نمایند.

۱۵- مصاحبه با: وحید یوسفی زاده دانشجوی دکتری بیوتکنولوژی

در باره این موضوع در خصوص ایل بختیاری، عرض می کنم یکی از دلایل عمده این مسله بر می گردد به اینکه نظام سنتی خانواده در ایل بختیاری از بین رفته با توجه به تغییراتی که در طول پنجاه سال گذشته در نظام در ایل بختیاری رخ داده و بیشتر نظام ایلی در حال فروپاشی است و مردم بیشتر به سمت شهرنشینی دارن میرن و زندگی شهرنشینی هم بیشتر در مردم محدود به همان زندگی شخصی خودشان هستند و همچنین نظام خانوادگی محدود به خانواده و چند فامیل نزدیک می شود زندگی مردم هم کلاً در طول چهل سال گذشته، پنجاه سال گذشته به سمت تجمل گرایی و اشرافی گری رفته و بیشتر مردم درگیر زندگی شخصی و تجمل گرایی خودشان شدند و بیشتر به سمت مال و ثروت و ثروت اندوزی رفتن و دیگر برایشان مهم نیست خیلی از مسائل مهر و محبت برایشان مهم نیست در طول چهل سال یا پنجاه سال گذشته با توجه به اینکه زندگی به سمت شهرنشینی تجمل گرایی و اشرافی گری رفته و زندگی سنتی از بین رفته چه راهکاری دارید در زمینه برون رفت این مسئله خدمتون عرض کنم در مورد برون رفت این مسئله ما باید در سطح کلان نگاه کنیم باید

یک مقداری از آموزش کشور تغییرات عمده در آن بوجود بیاید ما باید این منطقه اشرافی گری و این ها را یک مقداری از طریق آموزش از همان مدارس ابتدایی این ها را با نگاه سوء بهش نگاه کنیم و این را از بین ببریم همچنین مردم کلاً باید نظام ایلی و خانوادگی که بودند را احیا کنند

۱۶- مصاحبه با: نعمت الله عزیزی فعال اجتماعی

مشکلات اقتصادی، مشکلات اجتماعی باعث شده که اکثر مردم یا فرهنگ مردم جوری باشد که دیگر تمایل به بزرگ منشی و استفاده از ریش سفیدان نشود بحث دیگر بحثی است اکثر مردم دیگه باسواد شدن و جوری باسواد اونا باعث شده که پیر و پیرمردها مسن سال ها را وارد کارهاشون دخالت ندهند این یکی از علت هاش هست علت های دیگری هم هست به نظر من راه و روشی که می شود استفاده کرد به قول دور هم نشینی ها از ریش سفیدان تقدیر بشه تحسین بشه در مدارس که بتوانیم این روش یک روش باشد که بتوانند صحبت یا یادآوری از آن ها بشود در زندگی ما تاثیر داره و بتوانند مشکل را حل کنند

۱۷- مصاحبه با: غلامحسین جمالی یک شهروند

خدمت شما با توجه به این که قبلاً حضرات بزرگ تر می نشستند کارها مشکلات مردم را به راحتی حل می کردند ولی امروز حقیقتاً این جور نیست بخاطر همین فضای مجازی بچه های کوچک هم گوش نمی گیرند و این باعث شده بزرگی و کوچکی در بین بختیاری ها از بین برود خصوصاً توقعات مثلاً کرد نشین یا مثلاً بختیاری یک بحث اساسی بود از بین رفت این ها باید فرهنگ سازی بشود و داخل مجالس جایی که مردم تجمع می کنند بنشینند صحبت کنند همان بزرگتر شاید بهتر از چهارتا رئیس دادگاه چهارتا قاضی باشه خداهشده هم سردی و گرمی را چشیده هم سرازیر سربالایی را چشیده به قول خودشان بهتر می توانند کار مردم را انجام دهد ما در خدمتیم یک فرهنگ سازی و اطلاعات مردم را بالا ببریم و مشکلات مردم که با یک ماشین شاسی بلند و چهارکلاس سواد کار انجام نمی شود تجربه کار را انجام می دهد ما در خدمت هستیم دست شما درد نکند خودتان را معرفی کنید غلامحسین جمالی در خدمت شما هستم

۱۸- مصاحبه با: مهدی حیدری یک شهروند

جواب: من که به شخصاً اصلاً مشارکت نمی کنم که بخواهم بروم جدا کنم پا در میانی کنم چون ممکن است بحث شخصی باشد بحث خانوادگی باشد همیشه بعضی ها می ترسن قبول داری خیلی ها می ترسن بیشتری ها می ترسن فرض کن می گن مشکلات برامون ایجاد می شه. مثلاً یک سلاح سرد مثل چاقو یا چیزی داشته باشند تو دعوا همه عصبانی هستند می زنند بهت دیگه یعنی از دردسرش می ترسند آره درد سر داره حالا کار را قبول می کنی کار خوبه یا بد دعوا نه اینکه بری صلح ایجاد کنی کارش خوب یا بد هست نه بستگی به محیطش دارد مثلاً آشنا باشد سر یک چیز الکی بحث میکنند بریم جدانشون کنیم مثلاً درگیری بالا گرفت همیشه رفت به درگیری بود که سپاه او مد بله درگیری های که لردگان صورت می گیره اصلاً همیشه بری اونجا اونا با تفنگ هستند بخاطر ترس از جان خودت بخاطر ترس از وقتت بیشتر به محیط بستگی دارد محیطش

چطور باشد بعضی وقتها ترس هست بعضی وقتها می گن خانوادگی شخصی حریم شخصی به نظر شما چیکار میشه کرد که مردم بیشتر در قضیه دلسوزی کنند به نظر شما راهکاری هست که شما اطمینان پیدا کنی مشکلی برایت پیش نمی آید اگر اطمینان پیدا کنم مشکلی پیش نمی آید می روم جلو جداشون می کنم مشکلی نداره میروم حل و فصل می کنم اون اطمینانه باید بیاد.

۱۹- مصاحبه هفتم: آقای صیفوری یک شهروند

در مورد اینکه چیکار بکنیم که این نقش پر رنگ تر بشه من فکر می کنم که به احیای نقش ریش سفیدی در طایف ها و خانواده ها فامیل می تواند آرام آرام این مسئله را یک مقداری مدیریت بکنه البته من به این فکر می کنم که با گسترش نهادهای مدنی در جامعه آیا واقعا نیاز هست که ساختار قبلی مثل همین بزرگتر فامیل ریش سفیدها دوباره نقش داشته باشند این را من یک مقدار باید با تردید بهش نگاه می کنم که آیا اصلا لازم هست چنین کاری بشه حالا اگر واقعا لازم هست که من نمی دانم اجرای نقش ریش سفیدها می تواند خیلی موثر باشد فکر می کنم که تشکیل و گسترش سمن ها ی که کارشون همین مسئله باشد میانجیگری کمک به کاهش تنش های فامیلی این ها می تواند خیلی کمک کننده باشد بعضی از خانواده ها ممکن است که خودشان یه جمع های فامیلی تشکیل داده باشند که هفتگی دور هم جمع می شوند گاهاً صندوق های مالی درست کردن شاید از این ها بشه برای تقویت نقش میانجیگری هم استفاده کرد حالا اگر توی احیای نقش ریش سفیدها دنبال یک راهکار بگردیم که این نقش ها در جامعه مدنی هم نهادینه بشه و یک ماهیت قانونی و قضایی هم برخورد بشه شاید یک مقداری با توجه به تحولات جامعه شناختی و مشکلات دنیای امروز اثرشون بیشتر باشد ریش سفیدها به صورت رسمی و رسمیت شناخته بشن و نوشته و نامه شان این ها خیلی بتواند موثر باشد. توی روستاها دهیارها می توانند به نظر من کمک بکنند به گسترش نقش این افراد و مردم در حل این مسائل خودشان شاید اونا هم بتوانند موثر باشند و نکته آخر هم من به ذهنم می آید به هر حال در دنیای پیچیده امروز میانجیگری یک مهارت است و آموزش مهارت های میانجیگری می تواند خیلی خیلی موثر باشد انشاءالله موفق باشید و نظرات من به کارتون کمک کرده باشد

مصاحبه: خانم طوبی نجفی یک شهروند

سوال: تا حالا در دعوا شرکت کردین یا نه؟ دعوا که شرکت نکردم

سوال: سعی کردید نزاع و دعوا را حل کنید؟

پاسخ: بله بیشتر اختلافات و نزاع ها و این های که بیشتر خانوادگی بودن یعنی مال فامیل

سوال: اگر تو خیابان دو تا خانم را ببینی که با هم دعوا می کنند سعی می کنی که حل کنی؟

پاسخ: تا حد توانم آره چون میگم این کارها تو خیابان بده تا جایی که برام مشکل پیش نیاد باهاشون

صحبت می کنم

سوال: چه مشکلی؟

پاسخ: بپرن به خودم (با خودم دعوا کنند) یعنی ترس اینکه با خودم دعوا کنند تو خیابان که هست. یک بار بر می گردن به خود آدم فحشی میدن، ناسزا میگن، تا اونجایی که برای خودم مشکلی پیش نیاد مشارکت می کنم. تو بحث های خانوادگی زیاد شرکت میکنم. بخصوص بحث طلاق.

سوال: قبول داری مردم کمتر وارد می شوند کمتر این کار را می کنند نسبت به گذشته که خیلی مشارکت مردم کم شده؟

پاسخ: اون هم دلایلش بیشتر همون مشکلاتی هست که براشون پیش میاد بعضی دعواها که شرکت می کنی به نیروی انتظامی و این ها پاشون کشیده می شه بخاطر همین مشارکت نمی کنند

سوال: چکار کنند که مردم مشارکت بیشتری داشته باشند؟

پاسخ: به نظر من اول باید سعی کنند مردم را توجیه کنند که از این کارها نکنند آموزش مثلا از لحاظ روانشناسی، آموزش، برنامه سینما، فیلم های تلویزیون و فضای مجازی و اینا یک جور آموزش بدن که این کار را انجام ندن بیشرتر سعی کنند بین خودشان حل کنند تا جایی که به نزاع و درگیری اتفاق بیفتد بین خودشان حل کنند

سوال: چکار کنیم که مردم خودشان حل کنند دادگاه نروند؟ پاسخ: بیشتر آموزش بهشون بدیم یاد بگیرند مثلا از لحاظ روانشناسی، مددکاری، جامعه‌شناسی روی مردم بیشتر کار بشه مردم یاد بگیرن که خودشان مشکلاتشان را حل کنند. دولت هم که صد در صد میتواند کاری کند. مثلا دولت کاری بکنه دولت هم صد در صد به نظر من باید یک قانون تصویب بکنند یک چیزی تو مجلس تصویب کنند آموزش را باید از پایه شروع کنند بخصوص در دبستان و دبیرستان از اونجا شروع کنند بچه ها را آموزش بدن. از لحاظ روان شناسی از لحاظ شخصیت شناسی اینا را بررسی کنند مثلا بیشتر تو منطقه ما دعوا بیشتر اتفاق می افتد. خیلی پیش می آید بخاطر اینکه مزاج مردمش خیلی تند هست درسته یک جاهای مردم را آرام کنند بله یعنی یک جورای روشون کار کنند از لحاظ روانشناسی از پایه شروع کنند آموزش بدن بعضی جاها مردم خودشان گروه تشکیل دادند آره میرن انجمن صلح و سازش این راهکار را شما خوب می دانید بله صد در صد به نظر من در هر فامیل و طایفه ای بگردند کسی که قابل اعتماد تر هست نسبت به بقیه را پیدا کنند بیشتر دلسوزی کنند همین گروه را تشکیل دادند خیلی خوبه راهکار قانونی بدهند اگر قانون اجازه بده شرکت کنند دخالت کنند خیلی بهتر. مثلا بیایند گروهی تشکیل بدن از خانم های منطقه خودمان که مثلاً تحصیل کرده باشه هم اینکه قابل اعتماد باشد بقیه مثلاً یکی مثل من حرف خانم را گوش بدهم بگن مثلاً این مشکل را پیدا کردیم بزار حل و فصل کنیم قابل اعتماد باشند اگر از این گروهها تشکیل بدهند قانون هم بهشون اجازه بده دخالت کنند نزارن بحث بشه نزاع بشه بکشونشون دادگاه و پاسگاه که مشکل ایجاد بشه براشون بگه چرا شما دخالت کردید.

البته ورود زنان در چنین موضوعاتی به دلیل جنسیت یا زن بودن، تحت فرماندهی پدر یا شوهر و برادر بودن و اجازه گرفتن از آنها و عواقبی که برای زنان دارد، مشکل است.

۲۰- مصاحبه با: حاج صفر اسدی از بزرگان و فعال مدنی در حوزه کاهش خشونت ها

سوال: عزیز و بزرگوار شهر فارسان که بحث صلح و اصلاح رفع نزاع ها و کاهش خشونت ها در فارسان فعالیت دارد خدمت شما رسیدیم که مثلاً در مورد فعالیت‌های نظراتش را بشنویم و مشکلاتش که باهاشون روبرو است جناب اسدی عزیز ما خدمت شما رسیدیم که لری صحبت بکنی یا فارسی خواستیم درد و دل شما را بشنویم بفرمایید چه مشکلی وجود دارد که مردم میان مشارکت کنند میان مشکل را حل کنند اول یک خورده از فعالیت های خودتان هم می توانید توضیح دهید که چه فعالیت های دارید انجام می دهید ممنون خواهشی میکنم

پاسخ: صفر علی اسدی فارسانی ۳۱ سال فرهنگی بودم معلم بازنشسته هستم

مدیر مدرسه جلوه حق بودم خدمات زیادی را انجام می دادم اون موقع که اصلاً نه مدرسه ای بود با دیدن بقیه همکاران عزیز توانستیم به کارهای عام المنفعه را برای مناطق انجام دهیم و از سال ۸۲ که حدوداً شورای حل اختلاف تقریباً بوجود آمد از ما همکاری خواستن آقای شمس یادش بخیر و جاش خالی دوستان از ما خواستن که بیاید با ما همکاری کنند مخصوصاً آقای جعفر خلجی که کارمند دادگستری به ما لطف کرد که بیا و همکاری کن گفتیم که والا ما نمی توانیم بیایم همکاری بکنیم گرفتاری داریم مشکلاتی هست گفت نه باید حتماً بیاید حتی خدا شاهده من دوبار سه بار تقاضا کردن قبول نکردم آخر باز تشریف آوردن آقای خلجی گفت باید حتماً بیاید و آقای شمس از ما خواست و با ما صحبت کرد و ما از سال ۸۲ بود یعنی اگر نمی آمدند سراغتان شما وارد قضیه نمی شدید

نه بخاطر این که گفتم از ما بهتر هست از ما باسواد تر هست از ما داناتر هست ولی بزرگوار بودند و ما را می خواستن ما کوچک همه هستیم ما فرمانبر همه هستیم و افراد بزرگ بیایند جای ما را بگیرند ما دیگه بازنشسته هستیم ما دیگه کاری ازمون بر نمی آید ولی باز هم از ما خواستن و ما هم افتخار کردیم که خدمت بکنیم به دادگستری و از اون موقع تا به حال هم در حدود ۱۵-۱۰ سال ۱۷ ساله که الانه ما همکاری نزدیک داریم باهاشون آقای شمس که اینجا بود بعد رفت شهر کرد ما را به عنوان سفیر صلح و سازش شما باشید

حکم به ما داد و در خدمتتون بودیم و تونستیم در حدود دو هزار پرونده چه خانوادگی چه ارثی چه زمین زراعی و چه چک و غیر چک تونستیم رضایت بگیریم که گویای مدارک آن هم هست الانه این ۳ تا پرونده سال ۹۷ و ۹۸ و تا حالا ۱۸ تا قتل را تونستیم به لطف خدا با همکاری بزرگان که ما کوچک و فرمانبرش هستیم تونستیم حل و فصل کنیم حاجی بعضی ها میگن که جامعه مردم خشن تر شدند این را قبول دارید یعنی زیاد اهل دعوا و خشونت و کتک کاری و حالا چه در خانواده چه در خیابان چه در فامیل قبول دارید که مردم به کم خشن تر شدند مردم خشن تر نشدند اجتماع طوری شده که بیکاری جوانان وقتی بیکاری هست دور هم

جمع می شوند مخصوصاً هر چی قلبانی ها به پا شدند مشکلات مردم بیشتر شده حتی بعضی وقت ها موبایل خانواده ها را از بین برده ما سراغ داریم بودن موبایل و همین طوری آزاد یه مشکلات زیادی را فراهم کرده بچه ها بیکار هستند اگر دولت دستگاه ها مسولین لطف کنند برای جوانان فکری بکنند بچه ها جوانان چی میخوان یه کاری میخوان اگه کارشون فراهم بشه و یک سر پناهی داشته باشند زندگی را اداره کنند اصلاً خشونت جنگ و دعوا وجود ندارد این بر اثر بیکاری هست ما سراغ داریم از این جا چهار تا جوان با هم میرن تو پارک بعد که بر می گردن یا چاقو خوردن یا یک ناراحتی اتفاق افتاده این یک اجتماع هست دولت باید نظارت کند ما از دولت می خواهیم که فقط از دولت می خواهیم بیکاری را بردارد ولی حرف نزنه عمل عمل مسولین ما عمل نمی کنند امروز میگن درسته امشب اگر اعلام کردن فردا مرغ بیست هزار رفته روش پنجاه هزار رفته روش یا گفته بیست هزار اومده پایین نیامده پس شما یکی از دلایل اینکه که خود دولت ایجاد کرده دولت ما اگه لطف کنه نسبت به جوانان بخدا مردم ایران جوانان ایران تمام جان فشان هستند مردم ایران تمام شیعه هستند

دلشان میخواهد کار پیشرفت کند شما معتقد هستید بیشتر مردم نارضایتی دارن تا خشونت نارضایتی از کی دارن از مسولین دارن که جوانانشون بیکار هستند من الان خودم بچه ام بیکار هست چیکار کنم لیسانس معماری داره هر کس هم می بینه میگه آقای اسدی تو خودت خیلی دستت بازه دوست و آشنا داری خوب برو یه کاری بکن به کی برم رو بزنم خواهش می کنم به کی رو بزنم اگه دولت لطف بکنه برای جوانان کار پیدا کند قبلاً همین سپاه دانش سپاه تبعید بعد هم استخدام میشدن و مشکلاتی ما نداشتیم امروزه هفته ای که مثلاً چند تا دعوا بچه ها نداشته باشند وجود ندارد

شما برید پرونده های دادگستری را ببینید طلاق ها را ببینید طلاق ها چرا طلاق می دهند فرد معتاد است آقا من آخه معتاد را از این طرف می گیرند از آن طرف آزادش می کنند معتاد اگر معتاد باید بگذارندش گوشه دیوار تماشا بکنند یا خوب می شود یا اون طرفی شود از همه جا بدتر کمیته امداد هست کمیته امداد گدا پرور هست یک سرمایه به این بدن برن کار بکنند تولید بکنند آقا در اول سال که می شود ۵ مرغ به اینا بدن و بگن آخر سال ما می خواهیم بیایم مرغ ها را تحویل بگیریم مثل شما که وارد مشکلات مردم بشوند کم هستند برای چه مردم وارد نمی شوند مثل شما مشکلات را حل بکنند بخاطر این که پشتیبان ندارند ما قبلاً می گفتیم آموزش و پرورش خدمت و خیانت یکی هست زحمت می کشند فقط به معلمان ما ششصد تا محصل در مدرسه داشتیم در حدود ۴۰ تا معلم داشتیم می گفتیم آقا وجدانا فقط به خاطر این که حقوقتان هلال باشد کار بکنید زحمت بکشید متأسفانه قدر نمی دانند اگر دستگاه ها قدر بدانند من الان زحمت می کشم برای دادگستری هر پروندی دو هزار تا پروند هست همین الان سیصد تا پرونده و چهارصد تا پروند حل کردم روزی ۲ تا ۳ تا نیان اینجا مراجعه کنند و مشکلسون را حل کنند وجود ندارد چرا بخاطر این که میگم خدا فقط ولی باید یکی پشتیبانی بده پشتیبانی چطور می تواند بگه دستت درد نکنه تقدیر بکنه پول تلفن خوبه من در ماه چقدر بدم حداقل بگه دستت درد نکنه یک بخشی از هزینه های که خودتان باید پرداخت بکنید یک قرون به ما نمی دهند هیچی نمی دهند من هم توقعی ازشون ندارم خدا کمک می کند ولی یک راه هایی داره پشتیبان بده توقع داریم ما الان اگر با دو سه تا کمک کنم با آقای صداقتی با آقای کریمی اگر شما نباشید ما کاری نیستیم شما هر طور که لطف می

کنید نسبت به ما محبت می کنید پرونده ها را ما رضایت می گیریم می دهیم خدمتتان شما لطف می کنید اگر به ما پشتیبانی ندهید ما کاری نیستیم هیچ کس تا حالا از شما تقدیری کرد چرا دادگستری دو سه بار تقدیر کرده اگر می خواهی تا نشان بدهم بله جناب اسدی الان در خیابان دعوا باشد مردم کمتر می روند حل بکند چرا مردم نمیرن بخاطر اینکه که می گه اگر رفتم فرض اوادم یک چوب هم خوردم بعد فردا برای خودمان هم یک پرونده درست می کنند دیگه نمیگن آقا این شاهد اومد ولش کنیم

حالا اگه یک تصادفی بشه ما تا چشم باز کنیم در تصادف کسی مرده ول می کنیم می روم می ترسم ریش خودم را هم بگیرم مشکل ایجاد می کننده باید دستگاه دولتی افرادی که اطلاع رسانی می کنند پشتیبانی کند و احترامشون را داشته باشند خانواده ها چی مردم هم یکم بی خیال شدند مردم تمام باعثش بی کاری هست الان عشایر ما بدبخت رفتن شما فکر می کنید عسلویه ما خیلی کار کردیم درآمد خیلی خوب هم داریم عسلویه باعث بیشتر بدبختی های ماست جوانان ما تمام معتاد شدند عشایر ما بدبخت و بی چاره هستند ما اینجا هستیم اطلاع داریم میان میگن جامدادی ندارید میگیم برای چی میخوای میگه سی بافور میخوام باید به اینا برسند معتادان را اگه گرفتن یا باید خوبش کنند یا این طرفی یا اون طرفی نه این طرف رهانش بکنند الان ما چند تا محله داریم تو فارسان بیاید ببینید چیکار می کنند داخل زندان ما چرا مواد گیر می آید

سوال: حجتی اگر بخواهیم به استاندار بگید که آقا مثل شما مردم را حمایت بکنند یه کاری بکنند یه دستوری بده که مردن بیشتر جمع بشوند برای حل مشکلات دعواها و این ها چه دستوری می دهید

پاسخ: شاید من بگم آقا به فرمانداری دستور بده یک موسسه یا انجمنی راه بندازد که این مردم را جمع بکنند مردم اگر پشتیبانی بهشون بده اختیار بهشون بده افراد شناخته شده نه منظوری داشته باشد را جمع بکنند و پشتیبانی بهشون بدن و بگن آقا شما برید این کار را انجام بدید کاری داشتید ما بهتون پشتیبانی می دهیم نه شخصی کاری که عمومی هست اجتماعی هست مشکلات بهتر حل میشه.

از مسولین تقاضا دارم حرفی که میزنند عمل کنند خواهشا عمل عمل بهترین مردم ایران هستند بهترین افراد جوانان ایران هستند خودگذشتگی جان فشانی معلوم هست که در هشت سال دفاع مقدس اومدن فکر نکن ما از خانواده شهید هستیم خودم من دو تا از پسر برادرهام هر دو شهید شدند ایثار شدند پسر خواهرم همین طور پسر عموهام همین طور شهید شدند

از روز اول هم ما فرهنگی بودیم خانواده ما از هر کس از شهر کرد تا اینجا بررسی منزل صفرعلی اسدی کی هست پدرش کی هست ما مکتب دار بودیم بله حالا هم در خدمت همه هستیم ما پشتیبانی دلگرمی باشد نه اینکه دلسردی باشد یه کاری که می کند از اون طرف بزند زیرش شما از تمام فارسان پرسید در این ۱۰ و ۱۵ سال آقای اسدی که در شورا بود رضایت گرفت یک یه قرونی بهش دارید پروندی ما داشتیم سه میلیارد پول به حساب ما بوده آقای منصور شیروانی، آقای قربانی یادش بخیر گفت تو چیکار بکنه قتل را گفت سه میلیارد بریز به این حساب ما رفتیم روز آخرش هم دویست و خوردی هم سودش بود که من تقدیمش کردم مدارکش هست حجتی در زمان گذشته ما بچه بودیم و شما اطلاع دارید بزرگان همه می دانند بیشتر به فکر هم

بودن همکاری می کردن با همدیگر الان مردم خیلی گریزان شده اند به فکر همدیگر نیستند مردم سرد هستند بخاطر این که وضع معیشتی خراب است فرصت نمی کنند به این کارها برسند آقا ما امروز رغبت نمی کنیم یک مهمون بیاد برای یکی چون میگه هزینه داره ما هزینه ها را چیکار کنیم بخاطر مشکلات اقتصادی امروز اگر به کارمندان ده میلیون حقوق بدهند دست کم می توانند زندگیشان را اداره کنند حجی ممنون از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتی هم تشکر به عنوان یک شهروند که جنابعالی وارد این قضایا می شوی آقا ما فرمانبر هستیم دست شما درد نکنه ما هر روز ۲ یا ۳ تا از این کارهای خیرانجام می دهیم دوست داریم که فرمان مردم را ببریم ولی از دولت و مسولین امر مخصوصاً استاندار می خواهیم که به این منطقه برسد خواسته های مردم را انجام بدهند کارهای عمرانی الان مانده اند که یکی باباحیدر مثلاً تونل الان بیش از ۱۰ یا ۱۵ سال مونده تونل هنوز باز نشده شما لطف کردید زحمت کشید تشریف آوردید.

از این رو برقراری ارتباط بین افراد صلح طلب و دستگاههای دیربخت و سازوکاری برای پذیرش این افراد در ادارات مربوطه مثل دادگستری و فرمانداری ها و نگهداشتن حرمت آنان و ارزش گذاری فعالیت های افراد میانجی در مشارکت بیشتر آنها در کاهش خشونت ها موثر است.

اقدام در جهت کاهش هزینه های (مادی و معنوی) و ارزش دادن به فعالیت این دسته افراد در مشارکت بیشتر آنان موثر است. ما پول نمی خواهیم هرچند پول لازم است، ما احترام و ارزش کارمان را می خواهیم.

۲۲- مصاحبه با: آقای صفی پور شهروند کوهرنگی

نسبت به درگیری ها و جوسازی در محلات بختیاری که فرمودید ما بختیاری ها اصالتاً یعنی تو خونمون و تو اصالتمون این را نشان می دهد که ما کلا باید ریش سفید یا کدخدا یا بزرگی در محله داشته باشیم درگیری های که گوناگون پیش می آید و فاجعه های که بر پا می شوند بر اساس جوسازی قوم گرای و طایفه گرایی است یعنی فرضاً طایفه ها یکی یک بزرگ تشکیل بدهیم بزرگ ها بنشینند تصمیم نهایی بگیرند و دیگران هم توجیح بشند در این راستا ممکن است که تمامی درگیری های بختیاری ها از صد در صد به بیست درصد کاهش پیدا کند و ما وقتی یک طایفه داریم به قولی عشایر داریم رعیت دارن شون دارن عابرین پیاده دارن در مراسمات عروسی رسم و رسومات بختیاری ها با چوب بازی های شروع می شوند که این چوب بازی ها یک سری جو سازی هست قوم گرایی به همدیگر کمک می کنند ولی اگر ما اینا را یک به یک هر طایفه چند بزرگ تشکیل بدهیم خیلی راحت اینا کاهش پیدا می کند دست شما درد نکنه زحمت کشیدید

۲۳- مصاحبه با: کمال انصاری یک شهروند

میزان تحصیلات: کاردانی سن: ۳۲ شغل: آزاد

۱- به نظر شما آیا خشونت در جامعه افزایش پیدا کرد؟ بله قبول داریم که افزایش پیدا کرده

۲- مشارکت مردم منطقه شما در صلح سازش و حل مشکلات به چه میزان است؟ میانجیگری در صلح

سازش و کاهش خشونت زیاد می باشد

۳- شما چه میزان در این زمینه مشارکت دارید در درگیری های فیزیکی، درگیری ها بین فامیل و آشنا و یا غریبه؟ زیاد مهم نیست که این مشکل بین فامیل و یا غریبه باشند هر کاری از دستم برآید انجام می دهم

۴- در چه صورت بیشتر مشارکت می کنند اگر درگیری با صلاح باشد کمتر دخالت می کنم ولی اگر بین دو تا ده نفر باشد میان آنها میانجیگری میکنم

۲۴- مصاحبه با علیرضا محمودی

مشخصات: شغل: آزاد سن: ۲۱ سال مدرک: سیکل

سؤالات

۱- نظر شما در مورد اینکه جامعه ما به سمت خشونت رفته و در جامعه و خانواده ها خشونت بیشتر شده است چیست؟

به نظر من خشونت ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

۲- به نظر شما مردم منطقه شما به چه میزان (به صورت خود جوش) در صلح و سازش و حل مشکلات مشارکت دارند

به نظر من مشارکت نسبتاً خوبی را دارند

۳- اگر شما با چنین مشکلاتی مواجه شوید چه میزان مشارکت دارید.

تا حد توان مشارکت می کنم.

۴- تا چه حدی (آیا داخل نزاع فیزیکی هم) مشارکت دارید مثلاً فقط جای که منافع شخصی تان یا فامیل تان درگیر باشد یا اینکه سودی به شما برسد؟ مشارکت دارند در نزاع دست جمعی اصلاً شرکت نمی کنم نه بخاطر منافع و سود فامیلی نیست تا جایی که توان داشته باشم مشارکت می کنم

۲۵- مصاحبه با خانم مرتضوی مددکار اجتماعی

با سلام جواب سوال اول در مورد میانجی گری کم تر؟ چون سلسله مراتب قدرت تغییر کرده خانواده

ها از پدر سالاری به فرزند سالاری روی آوردن احترام بزرگترها و ریش سفیدان کم تر شده و تغییر در ساختار مدیریتی به وجود آمده. در گذشته فرزندان بسیار مطیع و حرف شنو بودن اما امروزه پدر اقتدارش رو از دست داده و فرزند قدرت گرفته جواب سوال دوم به نظرم باید از خانواده و شیوه تربیت شروع کرد آموزش خانواده ها، برگزاری کلاس و کارگاه ها

من خودم برای چند تا پرونده از چند تا ریش سفید و بزرگ فامیل درخواست کمک کردم جواب که دادن این بود که این جوان ها احترام بزرگ رو ندارن و یه حرفی میزنن ما خجالت زده میشیم. باید مشکل از ریشه درست بشه که اونم خانواده هست.

بنابراین عدم نگهداشت احترام و ارزش بزرگترها و هزینه های مادی و معنوی مترتب بر این فعالیت ها سبب کاهش مشارکت مردم شده است.

۲۶- مصاحبه با خانم محمدی یک شهروند

متاهل - خانه دار - لیسانس ۳۸ سال شهریور ۹۹

به دلایل زیر در بحث دعوا ها و نزاع ها مشارکت ندارم

نمی خواهم سر زبان ها بیفتم

مخالفت خانواده از بچه گی جهت ورود به این مسائل

عدم آموزش و آمادگی در مواجهه با چنین مسائلی از کودکی.

ترس از آبرو ریزی و مشکلات بعدی یا عواقب بعدی آن (ممکن است جبران کنند)

جو بدبینی محل نسبت به زن و ورود زن به این مباحث

نداشتن وقت و مهارت کافی برای این کارها

نبودن یک انجمن یا محلی که چنین فعالیت ها را ساماندهی و حمایت کند. (منظور نهاد دولتی یا مردمی)

ندیدن آموزش کافی (چه رسمی و در کتاب ها و چه غیر رسمی) به منظور ورود در چنین فعالیت هایی.

مثلا نحوه ورود چگونه باشد.

عدم وجود بستر لازم اداری و دولتی برای این کار. یا حداقل من نمی شناسم. اگر هست عدم اطلاع

رسانی درست این مراکز.

خیال می کنم وظیفه من نیست. وظیفه ادارات مربوطه است

البته در مسائل خانوادگی نزدیک سعی می کنم مشارکت کنم

۲۷- مصاحبه با خانم ۶۷ ساله - بی سواد خانه دار شهریور ۹۹

من در مشکلات و دعوای آشنایان و حتی دیگرانی که بتوانم شرکت می کنم در دعوای خانوادگی و

فامیلی بیشتر مشارکت دارم چون فرزندان و وابستگان من هستند

به دلیل فامیلی و نسبی

احساس مسولیت نسبت به آن دارم (نسبت به وابستگان)

دوست دار زندگی بدون مساله هستم و انتظار از من دارند (انتظار از بزرگان)

هر جا کمکی از دستم بر بیاید انجام می دهم چون همه خواهر برادریم

هر جا نتوانم و کار داشته باشم و مشکل برایم پیش بیاید شرکت نمی کنم، مثلا بدگویی کنند تهمت بزنند

اگر دعوای بیرونی مردانه باشد شرکت نمی کنم سن من اقتضا نمی کند که همه جا مشارکت کنم

(محدودیت سن و توان و جنسیت)

کارها زیاد شده و خانواده خودم زیاد شدند دیگر به کارهای زندگی نمی رسم مثل این کارها.

۴-۴-۴- یافته های کیفی:

روش انجام بخش دوم تحقیقی کیفی است، اساس روش کیفی، بر تفسیر یافته ها و درک معنی و منظور

واقعی متن و نظر پاسخگویان مبتنی است. در این روش فرصت هست تا اعماق نهفته معنی ها بدون

ملاحظات جانبی دریافت گردد.

برای تحلیل مصاحبه ها از روش تحلیل محتوی و تکنیک کلایزی استفاده شده است. بنابراین تحقیق

حاضر، در مجموعه پدیدارشناسی توصیفی قرار می گیرد. این روش بر عمق تجربیات تاکید دارد و درک ما را

از تجربیات زندگی افزایش می دهد (ادیب حاج باقری و همکاران، 1386) برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز، از

روش هفت مرحله ای کلایزی استفاده شد. تکنیک کلایزی دارای هفت مرحله به شرح زیر است

روش کلایزی و دیکلمن که عموماً به تکنیک کلایزی معروف است شامل ۷ مرحله است که در این

پژوهش این مراحل انجام شد.

۱- تمام توصیف های ارائه شده توسط شرکت کننده در مطالعه را که به طور مرسوم پروتکل نامیده می

شود، به منظور به دست آوردن یک احساس و مانوس شدن با آنها مطالعه شد.

۲- به هر یک از پروتکل ها مراجعه و جمالت و عباراتی را که مستقیماً به پدیده مورد مطالعه مرتبط است،

استخراج شدند. این مرحله تحت عنوان استخراج جمالت مهم شناخته شده است.

۳- تلاش شد تا به معنای هر یک از جمالت مهم پی برده شود. این مرحله تحت عنوان فرموله کردن

معانی شناخته شده است.

۴- مراحل فوق را برای هر پروتکل تکرار نموده و معانی فرموله شده و مرتبط به هم را در خوشه‌هایی

از تم ها (مقوله‌ها) قرار داده شد.

الف) از طریق مراجعه به پروتکل‌های اصلی، اعتبار خوشه‌ها را مورد بررسی قرار گرفت.

ب) در این مرحله ممکن است تناقضاتی در بین و یا درون خوشه‌های متعدد مورد توجه قرار گیرند. پژوهشگر نباید از این داده‌ها یا تم‌های به ظاهر نامناسب، چشم پوشی کند.

۵- تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامع از موضوع مورد پژوهش.

۶- فرموله کردن توصیف جامع پدیده تحت مطالعه به صورت یک بیانیه صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه که اغلب تحت عنوان ساختار ذاتی پدیده نام گذاری می‌شود.

۷- از طریق مراجعه مجدد به هر یک از شرکت کنندگان و انجام یک مصاحبه منفرد و یا انجام جلسات متعدد مصاحبه، می‌توان نظر شرکت کنندگان را در مورد یافته‌ها پرسید و نسبت به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها، اقدام نمود

برای این منظور به دلیل مشکلات و محدودیت‌ها و از آنجا که محقق خود مصاحبه را انجام داد و به نیت مصاحبه شونده‌ها واقف بود مجدد به متن رجوع شد و اطلاعات با توجه به گفتگوی انجام شده و اطلاع از منظور پاسخگویان واریسی و ویرایش گردید. مواردی که در مصاحبه ثبت شده (کرجه نیاز به ویرایش مجدد دارد) ولی سعی شده که دقیقاً بر موضوع تحقیق متمرکز شده و اطلاعات مورد نیاز دریافت شود. یکی دیگر از امور مهم در روش کیفی، دستیابی به اشباع نظری است یعنی دستیابی به همه نظرات ممکن. در این راستا محقق با تیپ‌های مختلفی از مردم شامل اساتید دانشگاه، جامعه‌شناس، روان‌شناس، حقوق دان، مدیر و مردم عادی (زن و مرد) و حتی نمونه‌ای از افرادی که در حل و فصل دعاوی مشارکت دارند و هم اکنون نیز فعال هستند، گفتگو کند. و به نظر می‌رسد توانسته باشد به همه نظرات دست یابد. براساس این روش، ابتدا با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه‌ها و توصیف پاسخگویان سعی شد که با آنها هم‌احساس شده و در مرحله‌ی دوم جملات و واژه‌های مهم از متن مصاحبه‌ها استخراج شدند. سپس این معانی استخراج شده، مفهوم‌سازی و کدبندی شدند. در مرحله‌ی بعدی، پس از بازخوانی مکرر کدها، مفاهیم فرموله شده و در درون دسته‌ها و خوشه‌های موضوعی قرار گرفته و تم‌های اصلی به دست آمد و در آخر با ترکیب کردن کلیه‌ی عقاید استنتاج شده به درون یک توصیف جامع و کامل از همه‌ی جزئیات پدیده‌ی مورد نظر، تم‌های به دست آمده در چهار مفهوم کلی و محوری قرار داده شدند.

جدول ۴- ۵۰ کلمات و گویه ای استخراج شده از مصاحبه

ردیف	هسته مفاهیم	جملات علل	تم های راهکارها
۱.	تبعات	واگذاری برخی نقش های سنتی به سازمانها در جامعه مدرن	نیاز به مشارکت مردم در فضای عمومی (پارک ها، خیابان ها،،،،)
۲.	تجارب	تاسیس شورای حل اختلاف	توجه به جایگاه اجتماعی مشارکت کنندگان
۳.	تعارض	عدم احساس نیاز	رسمیت بخشی به فعالیت آنان و پذیرش آنان توسط دستگاه قضا
۴.	نهادهای مدنی	واگذاری وظایف نهاد خانواده به بیرون	توجه به مشارکت جویی و مشارکت پذیری شهروندان
۵.	خانواد-اعتماد	-ورود نهادی مدنی (شوراهای حل اختلاف)	حمایت قضایی
۶.	احساس امنیت	برخورد سیستم قضایی و رسیدگی به امور	افزایش احساس مسولیت و تعلق اجتماعی
۷.	بی تفاوتی	کاهش رحم و مروت و احساس مسئولیت در جامعه جدید	کاهش دغدغه های اجتماعی
۸.	شکاف ها	ضعف مراکز مشاوره در دسترس خانواده	نیازها دسته بندی و راهکارها متناسب باشد
۹.	ضعف نهادی	ضعف دحضور روانشناسان و کارشناسان	آشنایی با راهکارهای مشارکت
۱۰.	ضعف سازمانی	مشخص بودن و تقسیم وظایف مردم و بخش ها و سازمانها و کاهش احساس مداخله مردم	مردم احساس امنیت کافی کنند
۱۱.	خشونت خانگی	ترس از درگیر شدن در نزاع	مردم اعتماد کافی داشته باشند
۱۲.	فرهنگ مردسالار	- وظایف خیلی توزیع شده اند وبلا تکلیفی ایجاد شده	مردم احساس کنند جایی برای رسیدگی به ظلم و نابرابری هست
۱۳.	اشکال خشونت	ترس:۱- درگیری ۲- پیگیری و مجازاست ۳-دردسرهای بعدی ۴- ابهامت قانونی ۵-بی فایده بودن اقدام	نهاد های مدنی می توانند خلاهای نهاد های رسمی را دراین زمینه پر کنند.

۱۴.	حساس بودن	امید نداشتن ه جبران خسارات مادی - فیزیکی و سایر مداخله ها	خشونت در زمینه زنان بیشتر نمود دارد
۱۵.	احساس وظیفه	ترس از اتهام و ابهام قانونی، صدمه، آبرو، تبعات بعدی، درگیری فردی و اداری	آموزش و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی
۱۶.	ترس از جان	- افراد نمی دانند مداخله کنند یا نه؟ بلا تکلیفی	عدم آشنایی زنان یا حقوق خود
۱۷.	مشکلات زندگی	وجود مشکلات زندگی فردی و عدم توان در مداخله	خشونت بسته به نوع جامعه (شهری _روستایی و عشایری) متفاوت است راهکار هم متناسب باشد
۱۸.	سود و فایده	امید نداشتن ه جبران خسارات مادی - فیزیکی و سایر مداخله ها	خشونت خیابانی راهکار متناسب با آن
۱۹.	کمبود وقت	هرکس صلاح خودش می داند. مردم نسبت به همدیگر بی تفاوت شده اند	جلب توجه جامعه به خشونت یا تحریک افکار عمومی نسبت به آن
۲۰.	مشارکت ذهنی	مخاطرات تجدد و افزایش فردگرایی	_توجه به خشونت به دلیل پخش تصاویر در فضای مجازی و کسب نام
۲۱.	عافیت طلبی افراد	ترس از برچسب حمایت یا جانبداری	داشتن برنامه برای افزایش عصبيت ناموسی
۲۲.	ذهنیت مثبت	عدم بسترهای قانونی مدنی مانع مشارکت های (نهادی رسمی وانجمن ها و غیر آن)	وجود مراکز وانجمن های مشاوره
۲۳.	دانش مداخله	عدم مهارت مداخله	_آموزش _رسمی و غیر رسمی _ (مطالب)
۲۴.	آمادگی ذهنی	ناتوانی در کلام و گفتگو	_حمایت قضایی
۲۵.	دوران گذار	احساس تاثیر نداشتن مداخله	_ارتقای کیفیت اعتقادات ومبانی دینی _
۲۶.	سلامت خانواده	ضعف حس مشارکت و بی تفاوتی	_آموزش نحوه مداخله _آموزش نیاز به مداخله وآموزش قوانین مداخله
۲۷.	نهاد های غیردولتی	تبعات قضایی و هزینه فردی در پیگیری قضایی	احساس تعهد در حوزه عمومی
۲۸.	رشد بی تفاوتی	طبیعی دانست نزاع برای نزاع کنندگان نتیجه عمل نزاع کنندگان	_آموزش حقوق شهروندی شهروندی گری
۲۹.	مشکلات میانجیگری	نداشتن فرصت مداخله به دلیل مشغله های زندگی	_آموزش انجمن ها در راستای بکارگیری مشارکت مردم و اعضا در مداخلات و مسائل مدنی
۳۰.	ترس از مداخله	بی اعتنایی مردم به فضای عمومی جامعه	_آموزش احساس تعلق اجتماعی
۳۱.	آموزش همگانی	ترس از احضار قضایی	راهکارهای متناسب با نوع جامعه (ایلی _عشایری_ و روستایی شهروندی) دیده شود

۳۲. مداخله	دلخوری هر یک از طرفین	به ظرفیت های اجتماعی و راهکارهای قبلی در عشایر و مناطق _ توجه شود مثل خون بس
۳۳. فرهنگ سازی	عدم احساس سرنوشت مشترک	تقویت زمینه ای فرهنگی سنتی (خون بس، ریش سفیدان)
۳۴. صنعتی شدن	عدم مهارت مشارکت	صدا _ و رسانه ها _ (تهیه _ و کلیپ آگاهی بخشی)
۳۵. فاصله طبقاتی	مهتم به طرفداری از کسی شدن	تشکل انجمن جهت تهیه کلیپ های تصویری و علمی کوتاه در جهت مشارکت کردن در ۱- نحوه مشارکت ۲- قوانین مشارکت ۳- مزایای مشارکت ۴- مزایای همیاری
۳۶. کاهش اعتماد	ناهماهنگی انتظارات (فزاینده) به پاسخ های مردم	تربیت و آموزش انجمنهای ویژه مشارکت
۳۷. تهاجم فرهنگی	عدم تعادل با ناهماهنگی جامعه مدرن یا سنتی (جامعه سنتی سریع تر صنعتی شده)	افزایش تاب آوری اجتماعی در مقابل با خشونت ها
۳۸. افزایش فساد	عدم آرامش ذهنی مردم به دلیل فشارهای متعدد	کاهش هزینه های مداخله و مشارکت (هزینه های مالی، جانی و وقت)
۳۹. سردرگمی	مشکلات بعد از مشارکت	استفاده از رسانه ها در جهت آموزش
۴۰. تفاوت نسل ها	رشد سریع تر _ از رشد اجتماعی تاخیر اجتماعی	_ حضور و رسیدگی بموقع و سریع نیروی امنیتی انتظامی و قضایی
۴۱. فردگرایی	مشارکت همه مشکل آفرین است	_ آموزش دسترسی سریع به نیروهای فوق
۴۲. کاهش روابط	افراد ویژه ای مشارکت کنند	_ تشکیل انجمن های همیاری در (دهیاری ها و شورای شهر و روستا)
۴۳. رشد بی تفاوتی	احتیاط در میانجی گری	بازنگری قوانین دست و پا گیر
۴۴. اتلاف وقت	مشکلات میانجی گری	شایسته سالاری در مدیریت ها
۴۵. فردگرایی	خواست و اراده در مشارکت	_ تقویت جایگاه بزرگان ورزش سفیدان
۴۶. فشار اقتصادی	کاهش احساس مسئولیت	_ تنظیم و تصویب ساز و کار های رسمی و قانونی برای تاکید تشویق حمایت مشارکت کنندگان و ارتباط آنها با ارگان های دولتی

۴۷.	ایجاد مسولیت	عدم پاسخگویی سریع و ساده نهادها (چه قضایی چه میزان) به مشکلات و دعاها	_ تقویت مبانی دینی و اقدام عملی در جهت تقویت فکری و الگوهای علمی مشارکت دینی
۴۸.	تبعات قضایی	عدم دخالت در حریم خصوصی	_ ارزش گذاری به افراد مشارکت کننده
۴۹.	کاهش انگیزه	اجازه مشارکت مثلا قانون اجازه بدهد	_ تقویت ساختارهای اقتصادی و تقویت بنیه مالی مردم و بویژه مشارکت کنندگان
۵۰.	احساس تعهد	همگون بودن مشارکت کنندگان	تقویت شورای های حل اختلاف و بدیل های آن
۵۱.	احساس مسولیت		_ هزینه بر بودن مشارکت ها و وجود نگاه ((دیه ای)) یا پرداخت خون بها
۵۲.	افکار عمومی	عدم حمایت، تشویق و تاکید کسانی که مشارکت می کنند ۰ (ی کارت هدیه، معنوی و یا مادی)	_ تقویت بردباری _ تاب آوری اجتماعی
۵۳.	صبر و تحمل	کاهش روحیه مشارکت جویی	_ تقویت اعتماد به میانجی گران
۵۴.	اعتماد به میانجی	ترس از عواقب مشارکت	پذیرش ویا اصلاح ودر نظر داشتن مجازاتی که بزرگان مشخص میکنند یا قراردادهای آنان
۵۵.	خودجوش بودن	ترس از قانون شکنی	_ بزرگی وریخت وپاش (تقویت بنیه مالی میانجی گران)
۵۶.	تعیین شروط	دانستن حریم های مشارکت	_ برنامه ریزی جهت تقویت ارزش های مثبت و کاهش ارزش های منفی
۵۷.	تشویق	ضعف مشارکت زنان در کاهش خشونت ها به دلایل جنسیتی و فرهنگی	_ احترام و تایید گروههای مردمی و تقویت گروه های صلح و سازش
۵۸.	تلافی	بی تفاوتی نظام سیاسی نسبت به مردم	ارج نهادن به بخشش و گذشت و مشکلات میانجی گران
۵۹.	ریش سفیدان	وظیفه دولت دانستن	_ کاهش حس درگیر شدن و ضرر میانجی
۶۰.	شناخت محله	سازماندهی انسانهای آموزش دیده	کوتاه کردن رسیدگی به پرونده های قضایی مرتبط
۶۱.	برنامه ریزی	لازم بودن مقداری خشونت	اصلاح ورسوم خشن _ از عروسی ها. عزاداری ها. (تیر اندازی و...)
۶۲.	اطلاع از قوانین	نا آشنایی مردم به شهروندی و حقوق شهروندی	برگزاری به حضور میانجی گران _ (دور همی ها و همایش ها)
۶۳.	تخصصی شدن	واگذاری میانجی گری به دیگر نهادها	_ عمل کردن به وعده های سیاسی و نظارت بر وعده های جهت کاهش انتظارات.

۶۴.	تغییر نگرش	خشونت علیه زنان در استان	_اصلاح رفتارها سازمانی و کاهش ناراضایتی سازمانی
۶۵.	فضای مجازی	ضعف فرهنگ میانجی گری	_نظارت بهتر، سریعتر، در دسترس بودن ناظران بر کالاهای ضروری
۶۶.	مداخله سالم	میانجی خویش پای خودش است (صدمه دیدن)	_برنامه ریزی جهت تقویت سرمایه های اجتماعی در حضور جشن ها، شادی ها
۶۷.	عصبیت	خشونت با وسایل سرد و گرم	_ مداخله غیر مستقیم (ساز و کارها اطلاع دادن ب نهاد های ذیصلاح)
۶۸.	کمیابی منابع	خشونت در فضای مجازی به دلایل مختلف	_اصلاح و نگرش نسبت به مشارکت کنندگان تا کار آنها فضولی تلقی نشود
۶۹.	نهادهای قانونی	شکار لحظه خشونت و انتشار در فضای مجازی	تقویت احساس مسولیت
۷۰.	اعتماد	انگیزه اضافه نمودن فالوور	آموزش فرهنگ میانجی گری و گنجاندن آنان دروس
۷۱.	تجمل گرایی	فیلم برداری از خشونت	_پوشش رسانه ای مشارکت ها در افکار عمومی و منابر و سخنرانی ها
۷۲.	قانونی نمودن	بی اهمیتی شهروندان به خشونت	توجه به آئین های بومی و قومی (فولکلورهای مثبت) و شادی بخش
۷۳.	ریش سفید	نا آشنایی با قواعد گفتگو	احیای خاطره گویی ها _داستانهای قومی و محلی
۷۴.	خانواده	انتظار حضور نیروی انتظامی	_احساس بی قدرتی و فاصله قدرت و کاهش آن
۷۵.	وقت و هزینه	ترس از مشارکت در خشونت های با اسلحه	کاهش سر خوردگی ها
۷۶.	مزد یا پاداش	طبیعی بودن مقداری خشونت	توجه به ابزار و وسایل مداخلات و مردمی و لوازم آن
۷۷.	ارزش گذاری	ضرورت گروههای آموزش دیده محلی	_پذیرش جایگاه قانونی میانجی گری
۷۸.	آموزش	تقویت تعهد نسبت به دیگران یا آموزش تعهد	اصلاح جو بد بینی . نسبت به حضور زنان
۷۹.	مهارت	خشونت و دعوا را امری مهم برای برخی افراد دانستن	سازکارهای برای شکستن تابو های مشارکت زنان مثلا تشکیل انجمن های زنانه صلح و دوستی
۸۰.	فقر و بیکاری	استفاده از تخصص های علمی مرتبط	برنامه ریزی برای کاهش ترس خانم ها از عواقب آن

۸۱	سستی روابط	اصلاح قوانین دست و پا گیر که مشارکت مردم را کم می کند	_ دعوت دستگاه قضا از _بذار و تشکیل انجمن آنان
۸۲	فردگرایی	مداخله زیاد دولت در عرصه ها	_ اعطا حکم قانونی یا داشتن حمایت قانونی مشارکت
۸۳	شخصیت میانجی گران		_ سر گرم نمودن و اشتغال مردم
۸۴	محیط جغرافیایی	عدم سازوکار درست مشارکت	_ کاهش مشکلات شاهد نزاع در دستگاه قضا
۸۵	احساس بی قدرتی	عدم احساس شهروندان، نیاز به میانجگری با وجود نهادها	_ در نظر گرفتن یا روش های مالی و معنوی
۸۶	بی تفاوتی حکومت	فقدان سند مکتوب برای راهنمایی مردم جهت مشارکت	۱
۸۷	ذهنیت سود نگرانه	فقدان سازوکار حمایتی از مداخله کنندگان	ساده تر رسیدگی کردن به نزاع ها در سازمانهای جدید
۸۸	ضعف احساس تعلق داشتن	فقدان سازوکار تشویقی رسمی از مشارکت کنندگان	توجه به ارزش های مثبت مثل صله رحم
۸۹	کاهش احساس مسئولیت	فقدان سازوکار ارتباطی رسمیت بخش به مشارکت کنندگان در خشونت ها	حضور مداخله گران و گروههای صلح و سازش در نشست های علمی توجه به معیشت
۹۰	تاثیر کلیپ ها و رسانه	ضعف نهادهای مردمی یا مدنی مثل انجمن ها	مداخله غیر مستقیم مثل اطلاع دادن به نهادهای دیربط
۹۱	یا دولتی شدن خیلی امور	تصور قانونی شدن امور و عدم احساس نیاز به مداخله مردم	دایر نمودن دفتری در دستگاه قضا برای مشارکت های مردمی
۹۲	سرمایه اجتماعی	سلب اختیارات مشارکتی نهادهای مردمی مثل شوراهای	عدم حمایت و ضمانت قانونی برای مداخله
۹۳	آسیب جانی	کاهش اعتبار بزرگان در جامعه جدید	احیا و به روز نمودن سازوکارهای سنتی
۹۴	شناخت خشونت	کاهش مشارکت خودجوش	مشکلات حضور میانجی در نزاع های که به آبروی افراد مرتبط است کاهش یابد
۹۵	محافظه کاری	واگذاری قدرت به مردم	حل ناتوانی مردم و بزرگان در مداخله در جرایم اینترنتی و شبیه آن
۹۶	شناخت واقعی خشونت	سلب اختیارات اجتماعی توسط نهادهای جدید	پذیرش مجازاتی که بزرگان مشخص می کردند
۹۷	توزیع ناعادلانه درآمدها	تاثیر منفی رسانه ها و فضای مجازی	رفع مشکلات ناشی از خستگی از پیگیری اداری (بروکراسی)

توجه به طایفه ای بودن برخی نزاع ها و ممانعت از حضور میانجی ناشناس	طرد سنت ها و عدم برنامه ریزی	فساد اداری و کاهش اعتماد	۹۸.
رفع ترس از مداخله بخاطر ضربه پذیر بودن زنان	فزایش بی بندوباری و کاهش امید	سست شدن باورها	۹۹.
تخفیف مجازات نزاعهای که به میانجیگری مردم انجامیده و حمایت قانونی از آنها	از بین رفتن بافت سنتی	تغییر ساختار جامعه	۱۰۰.
تقویت احترام بزرگان	درگیری در امور قضایی	کاهش حرمت ها	۱۰۱.
تقویت جایگاه بزرگان در افکار عمومی	میانجی خویش پای خودش است (ضرب المثل)(هزینه)	هسته ای شدن خانواده	۱۰۲.
قدر دانی از زحمات مداخله گران	ضعف اعتقادات دینی	مشکلات (فقر، بیکاری...)	۱۰۳.
تقویت شوراهای حل اختلاف	رسیدگی به خشونت ها را وظیفه قانون و دیگر دستگاهها دانستن	کاهش ظرفیت مردم	۱۰۴.
احیای خانه های انصاف و مشابه وجود افراد و بزرگان در جامعه سنتی	ارزش نهادن به نقش بزرگان	افزایش مشکلات زندگی	۱۰۵.
	ایجاد انگیزه برای مداخله	نگاه دیه ای(خون بها گرفتن	۱۰۶.
ارزش نهادن به میانجی گر	تشکیل و تقویت تشکل های اجتماعی	بزرگی و ریخت و پاش	۱۰۷.
همکاری با نهادهای نظامی و قضایی	کاهش رفت و آمدهای فامیلی	کاهش صداقت در جامعه جدید	۱۰۸.
افزایش توان مالی میانجی گران	کاهش حس درگیر شدن و ضرر میانجی	کاهش دینداری	۱۰۹.
ایجاد گروه صلح و سازش	دردسرهای قضایی برای میانجی گرها	افزایش عافیت طلبی	۱۱۰.
حمایت قضایی از گروههای صلح و سازش	ترس از تشکیل پرونده قضایی برای میانجی گر	ترس از تبعات میانجی گری	۱۱۱.
اعتماد به گروه خودجوش	طولانی شدن رسیدگی به پروندههای ذریبط	کمک به دستگاه قضا	۱۱۲.
احترام و تایید گروههای مردمی در دستگاه قضا	ایجاد تردید در قانونی بودن مداخله یا حقوقی شدن رفتارهای مداخله ای	پایین بودن دستمزدها	۱۱۳.
حمایت سازمانی از گروههای مشارکت و سازش	قانونی نبودن و ترس از خلاف شناختن مداخله	هزینه رفتارها	۱۱۴.
حمایت دستگاههای حاکمیتی	ضعف در اطلاع رسانی امور دینی و اعتقادی مرتبط	کاهش قدرت بزرگان	۱۱۵.
تعیین جایگاه قانونی	ترس از فضولی دانستن میانجی گری	فرزند سالاری	۱۱۶.

انگیزه ایجاد کردن و فرهنگ سازی از مدرسه	ترس از فیلم برداری و سوژه شدن در	۱۱۷. تربیت از بچگی
تقویت روحیه بخشش	تصویر برداری بجای مشارکت مستقیم	۱۱۸. کاهش ارزش بزرگان
رفتار انسان دوستانه حمایت قضایی	حضور زیاد نهادهای رسمی و احساس عدم نیاز به مداخله خود	۱۱۹. حس مسولیت
حرف شنوی از بزرگان	ترجیح منافع خود بجای مداخله	۱۲۰. انتظار و توقع مشارکت
عمل به وظایف سازمانی	ذهنیت های ناخوشایند مداخله	۱۲۱. احساس همکاری
توجه به موضوعات در مطالب درسی	ترس از نپذیرفتن نظر بزرگان	۱۲۲. عدم فرصت مداخله
آگاهی از قواعد زندگی جمعی	ترس از سر زبان افتادن برای خانم ها	۱۲۳. بدگویی تهمت
کاهش تعصب های بی دلیل قومی	مخالفت خانواده از بچگی	۱۲۴. محدودیت سنی و جنسی
آگاهی از مجازات های خشونت	عدم اطلاع از نحوه درست ورود به میانجی گری	۱۲۵. مشغله های زندگی شخصی
رفع مشکلات قومی قبیله ای	ترس خانها از عواقب بعدی	۱۲۶. نداشتن مهارت ورود
حمایت های بیمه ای از خسارت دیدگان و فقیرا	ترس خانمها از اینکه یکی از طرفین بعدا سراغش بره	۱۲۷. ضعف بستر اداری و دولتی
عمل نمودن به وعده های سیاسی	جو بدبینی نسبت به حضور زنان	۱۲۸. مشارکت برحسب فامیل
جمع آوری سلاح های غیر مجاز	نبودن انجمن های رسمی و مورد تایید	۱۲۹. بی تفاوتی نسبت به دیگران
کاهش تبعیض و فساد	کمبود آموزش رسمی در کتب مدارس در این خصوص	۱۳۰. اقدام تلافی جویانه در اقوام
کاهش زمان رسیدگی به درخواست های سازمانی	احساس اینکه وظیف من نیست	۱۳۱. ضعف بازدارندگی بیرونی (پلیس)
اصلاح رفتار کارکنان در سازمان ها	عدم مشارکت به دلیل نگرش منفی دیگران	۱۳۲. فقدان وسایل و ابزار مداخله
اعمال نظارت های رسمی	زنانه بودن نزاع نیاز به مشارکت زنان دارد	۱۳۳. کاهش مداخله بزرگان
نظارت بر قیمت های کالای اساسی	عدم دسترسی سریع به نهاد قانونی و فقدان اطلاع بزرگان از جرایم جدید و ناتوانی در مداخله	۱۳۴. سرخوردگی از مداخله
نشاط و شادی و برگزاری جشن های عمومی	بالا بودن پروند های قضایی و به تبع آن کاهش رغبت مردم در مداخله	۱۳۵. آموزش در خانه ها و مدارس
کاهش مداخله فیزیکی	مشکلات و تبعات قضایی قبلی	۱۳۶. درگیری زندگی شخصی
ارجاع امور به متخصصان و واگذاری میانجی گری به دستگاههای تخصصی	وقت گیر بودن و حضور مکرر در دستگاه قضایی	۱۳۷. گرایش به مال اندوزی

۱۳۸	منع خانواده ها از مداخله	فقدان سند مکتوب و قانونی جهت آموزش شیوه مداخله	گزارش به مداخله دستکاهای تخصصی
۱۳۹	دستگاه مسوولیت دارد	کاهش ارزش های انساندوستانه	استفاده از هنر و رسانه در ترویج و آموزش
۱۴۰	تجارب هزینه بر قبلی از مداخله	کاهش تمایل به قدرت ریش سفیدان	تشویق و پوشش رسانه ای و اطلاع رسانی
۱۴۱	عدم احساس نیاز به دیگران	فضای مجازی و تاثیر آن بر کاهش اقتدار بزرگان	اصلاح قوانین در جهت تسهیل مداخله
۱۴۲	ارزش گذاری میانجی گری	شخصی یا محرمانه بودن موضوع خشونت مانع مداخله است	ایجاد فرهنگ میانجی گری
۱۴۳	توان انجام کار میانجی گری	مداخله در نزاعهای آشنایان راحت تره	همایش ها با حضور میانجی گران برای نشر این فرهنگ
۱۴۴	توان و امکان میانجی گری	خشونت هایی که اسلحه دارند مشکل تره	اصلاح الگوی ذهنی افراد (نگرشنسبت به روابط قومی قبیله ای)
۱۴۵	کمبود حوصله	آموزش مهارت میانجی گری	توجه به موضوع در سخنرانی ها و منابع
۱۴۶	نداشتن دانش	مشکلات مداخله بخاطر زن بودن	راه حل های عرفی و آیین های بومی و محلی
۱۴۷	آسیب جانی	مشارکت بخاطر آشنایی و فامیل بودن	قانونی های که در گذشته بوده
۱۴۸	روحیه مشارکت	ترس جانی و حیثیتی بیشتر زنان	وجه به راهکارهای عرفی بجای تشریفات
۱۴۹	تعامل داشتن	ترس از پیامدهای مداخله و انگ حضور در نیروی انتظامی	تقویت اعتماد و نهادهای مدنی
۱۵۰	فیلم برداری از خشونت	ممانعت خانواده ها از حضور زنان	توجه به ساختارهای قانونی مشارکت مردمی
۱۵۱		مشکلات رفع نیازها ی مردم باعث خشونت شده	ورود نحوه داوری و قضاوت در دروس آموزشی
۱۵۲		ایجاد مشکل برای شاهد در دادگاه	ایجاد موسسات و انجمن های حقوقی داوری مردمی
۱۵۳		تغییر سلسه مراتب قدرت در جامعه	تصویب قانون های حمایتی و قانون های نحوه داوری و میانجی گری
۱۵۴		پذیرش مشارکت کنندگان در کاهش خشونت ها توسط ادارات مرتبط	اعطای امتیازات قانونی و مشوق ها به پذیرش جایگاه قانونی میانجی گری
۱۵۵		فقدان مهارت و آموزش مداخله	ارزش قایل شدن به تصمیمات میانجی گران. مثل صلح نامه های مردمی در محاکم
۱۵۶		سود و فایده مشارکت	حضور قضات و مرجع قانونی میان مردم

خانۀ های انصاف. دادگاه سیار	کم شدن احساس مشارکت اجتماعی	۱۵۷
آموزش زندگی انساندوستانه	ناتوانی در حل مشکلات خود	۱۵۸
احیای ارزش های زندگی ایللی و خانواده	سود و فایده داشتن برا مداخله _ نتیجه گرا بودن	۱۵۹
احیای دور هم نشینی ها با بزرگان	برخورد با خشونت به عنوان سرگرمی	۱۶۰
محور قراردادن ریش سفیدان و افزایش اعتبار آنان گوش دادن به تجربیات بزرگترها و زمینه سازی برای احیای خاطره گوییها		۱۶۱
اطمینان بخشی راهکاری برای مداخله		۱۶۲
ایجاد موسسات و انجمن های مردمی سمن ها یا سازمان های مردمی یا ایجاد گروههای فامیلی		۱۶۳
صندوق های مالی خانوادگی		۱۶۴
قانونی نمودن نقش ریش سفیدان اهمیت دادن دستگاه قضا به تصمیمات بزرگان		۱۶۵
ایجاد قانونی انجمن های صلح و سازش		۱۶۶
آموزش و استفاده از نهادهای نوین و آموزش های قانونی مداخله		۱۶۷
تشکیل انجمن های زنانه برای مشکلات زنان		۱۶۸
دعوت دستگاه قضا از افراد ذینفوذ در حل خشونت ها یا تشکیل انجمن صلح و دوستی		۱۶۹
اعطای حکم قانونی به افراد ذینفوذ		۱۷۰
ثبات اقتصادی و برنامه های دولت جهت رفع نیازها		۱۷۱
ایجاد موسسه رسمی صلح و دوستی		۱۷۲
پشتیبانی مالی از میانجی گرانی که وقتشان را کلا برای صلح و سازش گذاشتن		۱۷۳
قدرشناسی و حمایت از میانجی گران و عرضه آنان به افکار عمومی		۱۷۴

مشغول کردن به هرکاری بر کاهش خشونت ها موثر است مثل ایجاد اشتغال و کار تولیدی			۱۷۵.
حل دیگر آسیب ها (وجود همه آسیب ها باعث بی خیالی شده.)			۱۷۶.
مسوولین حرف نزنند ولی عمل کنند			۱۷۷.
کاهش هزینه های میانجی گری			۱۷۸.
نظارت بر رسوم			۱۷۹.

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می شود می توان گفت تمام نظرات معطوف به مشارکت و عدم مشارکت در کاهش خشونت ها به تفکیک خلاصه و تجزیه شده است. شامل: کلمات و هسته اصلی مورد نظر، تم ها یا گویه های مربوط به علل مشارکت یا عدم مشارکت در کاهش خشونت ها و تم ها یا گویه های مربوط به راهکارهای ارایه شده در کاهش خشونت ها توزیع شده است. شامل ۱۵۰ هسته اصلی یا کلمه، ۱۶۰ تم یا گویه در مورد علل مشارکت یا عدم مشارکت و ۱۷۹ گویه در مورد راهکارهای مشارکت در کاهش خشونت ها.

نظر محقق بر این است که این تم ها، شیرازه بسیاری از دیدگاهها در خصوص مشارکت در کاهش خشونت هاست و از آنجا که خشونت در جامعه بعنوان یک مساله اجتماعی، مطرح است، می توان از این گویه ها در راستای برنامه ریزی و کاهش برحی آسیب های اجتماعی دیگر نیز بهره برداری کرد. زیرا اعتقاد بر این است که آسیب ها و مسایل اجتماعی مانند کلافی سردرگم، به م تنیده و دارای علل و عوامل مختلفی است و از جنبه دیگر بسیاری از مسایل اجتماعی، ریشه مشترک دارند بنابراین در زمانه حاضر می توان از این علل فوق اشاره استفاده نمود.

در هر صورت کلمات کلیدی و تم های راهکار و تم های علل نشان میدهد که مصاحبه شوندگان معتقدند: جامعه بر اثر تحولات جدید، تغییر کرده و زمینه ها، ساختارها، روحیات افراد و کنش های مردم نیز تغییر کرده است. ساختارهای سازمانی و قانونی و اداری مانند نیروی انتظامی، دادگستری و دیگر ارکان رسمی جامعه بخش عمده وظایف سنتی را از خانواده و سنت، اخذ و بردوش کشیده و مردم نیز احساس میکنند که نیازی به حضور آنها نیست. از طرف دیگر، تبعات بروکراسی خسته کننده اداری، نقش های تکمیلی را نیز از آنان گرفته است. هرکس در موضوعی خشونت آمیز یا دعوایی مداخله کند، درگیر این بروکراسی می شود و این درگیری با سبک زندگی جدید که ارزشی برای مشارکت کنندگان قایل نیست، باعث دلسردی مردم و کم رنگ تر شدن مشارکت آنان می شود. رشد شهری شدن و شهرگرایی، جمعیت و به تعبیر دورکیم تراکم اخلاق جمعیت، باعث رشد فردگرایی، تغییر نگرش و ذهنیت مردم (مادی گرایی) و در نتیجه بی تفاوتی یا بلازه شده است. گرچه در بخش کمی این تحقیق، بلازه مورد تایید قرار نگرفت اما در بخش کیفی، بخصوص اندیشمندان،

بر بی تفاوتی تاکید کردند. شاید بتوان گفت بی تفاوتی در استان چهار محال و بختیاری به دلیل ریشه های سنتی، چندان قابل ملاحظه نیست یا به عبارتی مردم چندان بی تفاوت نیستند و عدم مشارکت آنان ناشی از بی تفاوتی انسانی نیست بلکه این بی تفاوتی با حضور نهاد های مدرن، معنی می یابد که همان احساس بی نیازی به مردم است یا حداقل مردم فکر می کنند نباید دخالت کنند.

همچنین تفسیر تمها نشان می دهد با وجود سختی های زندگی، افراد برای مشارکت نیاز به تایید، تشویق، حمایت (سازمانی، مالی و.....) و انگیزه دارند. کم اند افرادی که کنش آنها معطوف به ارزش ها باشد. اغلب کنش های افراد با توجه به سختی های زندگی، چشم و هم چشمی ها، مادی گرایی موجود و دیگر عوامل، معطوف به هدف یا با عقلانیت ابزاری صورت می پذیرد¹ به عبارتی مردم در کنش هایشان، دارای حساب و کتاب اند و وقتی می بینند کنش یا مشارکت آنها جز دردسر چیزی نیست و فایده ای ندارند، کمتر اقدام می کنند. (اصطلاح: برای ما نون داره؟ آب داره؟ نقل محافل شده است.)

نکته اساسی دیگر مشکل مربوط به حضور و مشارکت زنان است که هنوز مشارکت زنان با انواعی از تابو (ممنوعیت ها) پوشانده شده است. ترس از آبرو ریزی، اسم زن بر سر زبان ها افتادن، ترس از پیگیری های بعدی که ممکن است گریبانگیر زن شود، عدم آموزش و بی اطلاعی از نوع مشارکت و ممانعت خانواده مهمترین دلایل عدم مشارکت زنان است. گرچه زنان در مسایل قومی و قبیله ای مشکل چندان ندارند ولی مشارکت در دیگر زمینه های خشونت در جامعه با مشکل جدی فرهنگی مواجه اند.

در این راستا آموزش گسترده و تغییر افکار عمومی نسبت به حضور زنان و تشکل های زنانه در این راستا می توانست راهگشا باشد.

موضوع بعدی آموزش است که در تم های علل، به عنوان ضعف جدی در مشارکت مردم در کاهش خشونت مطرح شد. آموزش بچه ها و بزرگتر ها. ما در جامعه، حتی در انتقال احترام به بزرگان و ریش سفیدان موفق عمل نکردیم. هردو گروه بچه ها و بزرگان در راستای مشارکت در کاهش خشونت ها با توجه به تغییرات جامعه نیاز به آموزش دارند. آموزش نحوه مشارکت در خشونت ها، نوع مشارکت ها، قوانین مرتبط با مشارکت در کاهش خشونت و مواردی از این قبیل که مردم و بچه ها بدانند کی، کجا و چگونه مشارکت کنند. نکند مشارکت آنها اوضاع را وخیم تر کند و قوانین در این خصوص چه می گوید؟. ضمناً مصاحبه شوندگان به اصلاح قوانین در این راستا نیز اشاره کردند. اصلاح قوانین، رسیدگی سریع به پرونده هایی که مردم در آن مشارکت داشتند، ارتباط صمیمی یا انسانی مشارکت کنندگان و دادگستری ها، از دیگر موارد مورد اشاره بود.

قسمت آخر نظر مصاحبه شوندگان را می توان چنین تفسیر کرد که جامعه تغییر کرده لذا مبنای کنش مردم هم باید متناسب با آن تغییر کند، یا به عبارتی به روز گردد. سرمایه های اجتماعی در راستای ساختارهای موجود به کارگیری شوند. مثلاً با تشکیل انجمن ها و نهادهای مدنی، مشارکت مردم، مطمئن، و هدایت شده می گردد.

¹ instrumental rationality

مردم حتی اگر بخواهند، نمی توانند یا کمتر می شود به شیوه سنتی در کاهش خشونت ها حضور یابند. تاسیس انجمن ها در سطوح خانوادگی، محلی، و شهری و بالاتر از آن می تواند کنش مردم را منظم و هدایت کند و مردم هم مطمئن می شوند که درست اقدام کرده اند. استفاده از انجمن های علمی مرتبط مثل انجمن روانشناسان و مددکاران و روانشناسان و جامعه شناسان و حقوقدانان در کمک رسانی به آنها و مراجعه به آنها جز راهکارها بود.

گویه ها یا تم های علل در چهار دسته عمده تقسیم بندی و خلاصه شده اند که در نمودار بعدی آمده است.



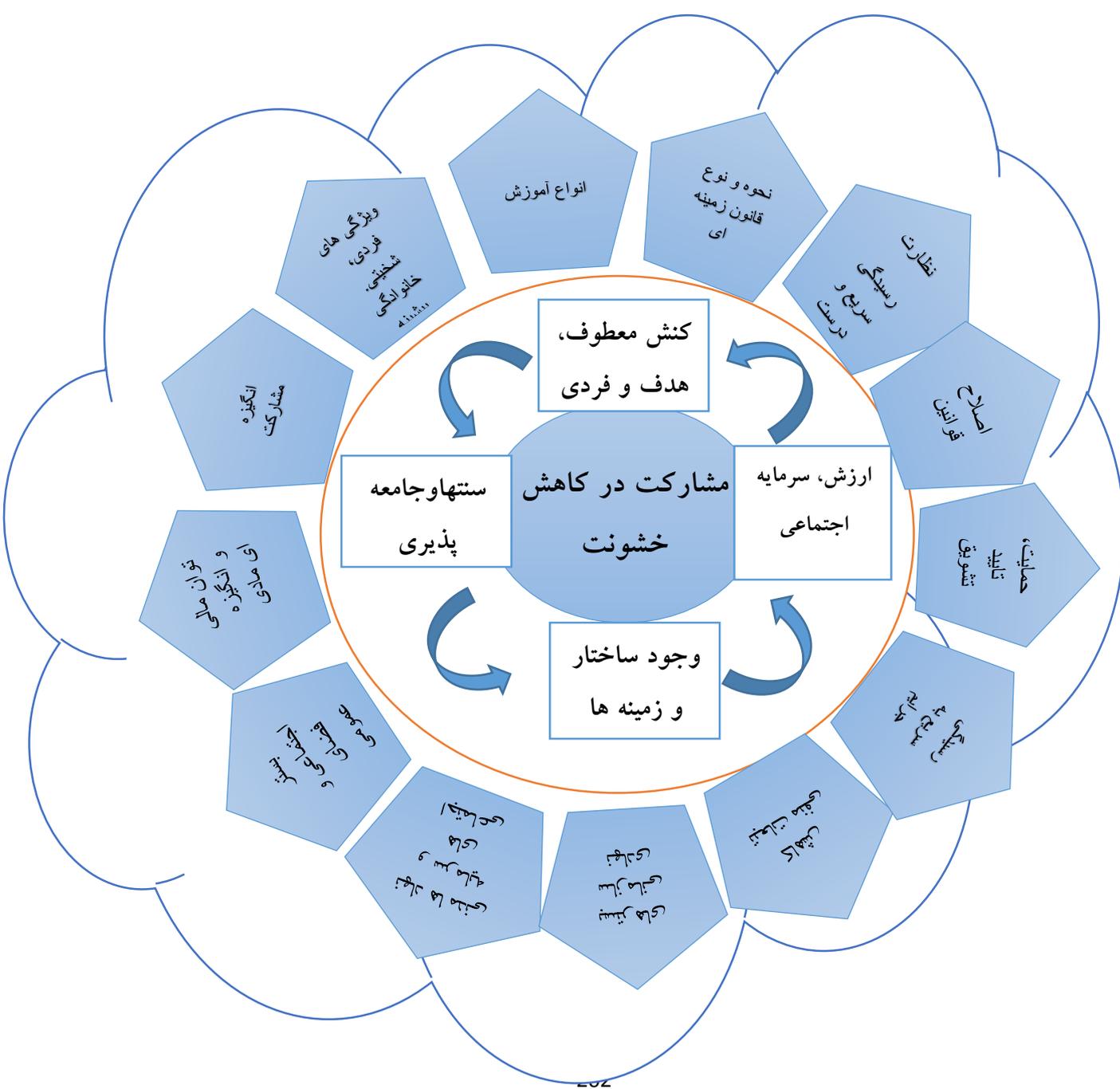
نمودار ۴-۱۳ مشارکت در کاهش خشونت بعنوان کنش معطوف به

همانگونه که در نمودار فوق ملاحظه می شود تم های علل مشارکت یا عدم مشارکت مردم در کاهش خشونت ها بر اساس مصاحبه های انجام شده، در ۱۳ تم نهایی و پنج دسته عمده یا بخش نهایی تقسیم بندی شده اند که خلاصه آن در جدول زیر نیز آمده است. ۴. بخش نهایی شامل:

- وجود ساختارها و زمینه ها و اقدام و اراده دولت و قانون
- سنت ها و جامعه پذیری
- کنش های معطوف به هدف
- ارزش ها و سرمایه های اجتماعی

جدول ۴-۵۱ تم ها یا گویه های نهایی در خصوص مشارکت مردم در کاهش خشونت ها

تم های نهایی	بخش های نهایی
نظارت رسیدگی سریع و درست و ساده	وجود ساختار و زمینه
نحوه و نوع قانون زمینه ای	سنتها و جامعه پذیری
انواع آموزش	کنش معطوف به هدف و انگیزه (مادی و معنوی) و تبعات
ویژگی های فردی، شخصیتی. خانوادگی پیشنهاد	ارزش، سرمایه اجتماعی
انگیزه مشارکت	
توان مالی و انگیزه ای مادی	
بستر اجتماعی و فضای عمومی	
نهاد ها مدنی و سرمایه های اجتماعی	
بسترهای سازمانی نهادی	
کاهش تبعات منفی	
رسیدگی سریع به جرایم	
حمایت، تایید، تشویق	
اصلاح قوانین و رسیدگی سریع در محاکم	



مدل نهایی مشارکت در کاهش خشونت ها بر اساس بخش کیفی

همانطور که در مدل نهایی ملاحظه می شود برای تفسیر و نظریه سازی، مجدد تمام زمینه های مشارکت در کاهش خشونت در ۴ عامل مرکزی و ۱۳ عامل محوری قرار گرفته اند:

- کنش معطوف به هدف و ویژگی های فردی
- وجود ساختارها و زمینه ها
- سرمایه اجتماعی و فضای ارزشی در جامعه
- سنت ها و جامعه پذیری و آموزش

مدل نهایی بخش کیفی، در ۴ عامل مرکزی و ۱۳ عامل محوری مبتنی است. به عبارتی جمع بندی نظری این گویه ها، نشان می دهد، مشارکت یک کنش اجتماعی است که بر بستر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مبتنی است. در این کنش، امر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در امر اجتماعی باز تولید و خودنمایی می کند. در این راستا، مشارکت مردم در کاهش خشونت ها معطوف به ساختارهای جامعه (بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه، سازمانها و نهادهای رسمی مرتبط، مثل دادگستری و نیروی انتظامی و استانداری و نوع برخورد آنها، وجود قوانین و یا اصلاح آن در راستای جلب مشارکت و کاهش تبعات منفی و ایجاد انگیزه و بطور کلی بستر سازی برای کنش و تنظیم اهداف، وسایل و انتظارات)، ویژگی های فردی، شخصیتی و نگرشی در فرد مشارکت کننده (مشارکت جو، مسئولیت پذیر، دارای انگیزه، نفوذ، تمکن مالی، دلداری بودن یا نترس بودن)، سنت ها و جامعه پذیری (احترام به بزرگترها، شخصیت ها و پیروی از آنها، آموزش رسمی و غیر رسمی مشارکت در کاهش خشونت ها) و تلاش در جهت بهبود سرمایه های اجتماعی بویژه اعتماد اجتماعی در همه سطوح شخص و خانوادگی تا اعتماد تعمیم یافته، و در نهایت ایجاد فضای ارزشی معطوف به مشارکت در جامعه و موثر و فایده مند بودن مشارکت مردم، زمینه مشارکت در کاهش خشونت ها را فراهم می کند. این اقدامات باید در بستر سیستم فرهنگی هر جامعه انجام و منطبق گردد.

بنابراین، اگر خواهان مشارکت بیشتر مردم در کاهش خشونت ها هستیم ترکیب دو مدل بخش پیمایش و کیفی به عومل زیر اشاره دارد: اعتماد سازی و بسط فرایند اعتماد اجتماعی در زمینه های مختلف: فردی، نهادی، تعمیم یافته، توجه به انگیزه های فردی و ویژگی های شخصیتی افراد مشارکت کننده، کاهش تبعات منفی مشارکت در کاهش خشونت ها، افزایش انگیزه های فردی و توجه به ویژگی های پیشینه و ویژگی های

شخصیتی افراد (نفوذ، اعتبار، سلامت فکر و وضع مالی و روحیه مشارکت جویی و مسولیت پذیری)، حمایت های قانونی از مشارکت کنندگان، تشکیل انجمن های مدنی در مراتب مختلف، اصلاح ساختارها و توجه به معیشت مردم، مشکلات تابوی حضور زنان، آموزش ها و اطلاع رسانی های مرتبط، رسیدگی سریع به موضوعات و کاهش بروکراسی اداری مرتبط با خشونت ها و تایید و دلگرمی مشارکت کنندگان در کاهش خشونت ها اقدام شود.

می توان برای آزمایش این مدل در قالب یک طرح، دادگستری، فرمانداری و نهادهای قضایی و حاکمیتی شهرستان و محل همایشی با حضور برخی ذینفوذان و مشارکت کنندگان و افراد صلح و دوستی (در یک یا دو روستا یا محل خاص) همایشی برپا و با دادن یک لوح تقدیر برگزیدگان و فعالان عرصه صلح و سازش، مشارکت در کاهش خشونت را فرهنگ سازی و به اقدامات آنها بها داده شود و سپس فرایند تاسیس انجمن های صلح و دوستی و فرایند ارتباط ساده و سهل تر با مراجع قضایی و حاکمیتی، بستر سازی شود. مشارکت خود یک معرف سرمایه اجتماعی است و از این منظر سرمایه است که هزینه کنش ها را کاهش می دهد، کنش را تسهیل می کند، توان انجام کارها را مضاعف، به کنش ها سرعت و زمان را کاهش می دهد، ... چنین کنشی که داوطلبانه و مجانی انجام پذیرد، نیاز به هزینه کرد سرمایه مالی را کاهش و به اقدامات سرعت می بخشد. بنابراین چنین کنش هایی، نیازمند به بسترسازی، ایجاد اطمینان و اعتماد، و کاهش تبعات منفی و ایجاد انگیزه است و مسلما با بروکراسی عریض و طویل سازگاری ندارد.

کنش های داوطلبانه نیازمند، تایید، تشویق، حمایت و توجه است. مردم تصور می کنند حضور نهادهای جدید در عرصه نظم اجتماعی و مقابله با بی سازمانی و خشونت، وظیفه مشارکت را از آنان سلب کرده است و از طرف دیگر هزینه های نیز بر آن مترتب شده مثل وقت گیری، درگیری و تبعات منفی و بدون فایده ای که در اثر پیگیری در نیروی انتظامی و دادگستری در پی دارد. کنش انسانی، معقول و معظوف به حساب و کتاب شده و البته فرایند تجدد و شهری شدن به این پدیده شدت بخشیده و باعث شده که مردم در کنش های خود بیشتر بدان بیندیشند.

مسلما اقدام در جهت آموزش رسانه ای و همگانی در جهت کاهش خشونت بیشتر مورد تاکید است.

به مردم مراجعه کنیم و به آنان بها دهیم و احساس نیاز به مشارکت مردم داشته باشیم

نهایت اینکه حضور آنان را قانونمند و بستر سازی کنیم.

به تعبیر مولوی:

تا ابد صوفی اگر هی کند تا ننوشد باده مستی کی کند

و تا به مردم احساس نیاز نشود، سراغ آنها نرویم و مشارکت آنان را ساده و دوستانه تر نکنیم، به حضور آن قدر ننهیم، می توان گفت مشارکت مردم چندان نخواهد بود. بستر حضور مردم را فراهم و به کنش آنان بها دهیم.

فصل پنجم

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری

این پژوهش به منظور بررسی وضعیت مشارکت مردم در کاهش آسیب های اجتماعی با تاکید بر خشونت در استان چهار محال و بختیاری انجام شده است. استان چهار محال و بختیاری بعنوان یک استان کوچک با جمعیتی حدود یک میلیون نفر در جنوب غربی ایران قرار دارد. از لحاظ ترکیب قومی عموماً شامل قومیت های فارس، بختیاری و ترک می باشد که به شیوه مسالمت آمیز در کنار هم زندگی می کنند. گرچه در این استان میزان شهرنشینی در سالهای اخیر افزایش یافته، اما زندگی و روابط اجتماعی در این استان، هنوز دارای زمینه های قومی قبیله ای است. از این رو در تبیین زندگی اجتماعی مردمان این استان زمینه های قومی و قبیله ای و روابط سنتی به تعبیر تونیس (جامعه شناس آلمانی) روابط گمنشافتی است، توجه می شود.

بر اساس مساله شناسی دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری چهارمحال و بختیاری میزان و انواع خشونت ها در این استان افزایش یافته و از طرف دیگر با توجه سازمان اجتماعی و قوانین موجود و همچنین تغییراتی که در سبک و زندگی مردم این استان روی داده است، به نظر رسید که مشارکت مردم در حل این مساله کاهش و در نتیجه خشونت ها، افزایش یافته و این مساله، نظم و سلامت اجتماعی شهروندان در این استان را با مخاطره مواجه می سازد. از این رو از طرف این دفتر مذکور، تدابیر و برنامه هایی برای حل این مساله مهم اندیشیده شد که یکی از این برنامه ها، اقدام در جهت مشارکت مردم در کاهش و یا حل این معضل اجتماعی است. در این راستا ابتدا تصمیم براین گرفته شد که این موضوع بعنوان یکی از اولویت های پژوهشی استان، مطرح و به تصویب برسد. همچنین با تدابیر این دفتر، موضوع در کارگروه مربوطه و هیات اندیشه ورزان امور اجتماعی و فرهنگی استان نیز مطرح شد. این روند، نشان از سیر معقول مواجهه و حل مسایل اجتماعی دارد که توسط استانداری در کارگروه ذیربط اتخاذ گردید تا دلایل و موانع امتناع یا تشویق مردم در حل معضل خشونت ها شناسایی گردد.

روی مقابل خشونت در جامعه، وفاق و نظم اجتماعی است، که نظم و وفاق اجتماعی، بیشتر از دو طریق در جامعه برقرار می گردد: ۱- نظم و فاقی که مبتنی بر انسجام، همدلی، برقراری دوستی ها، انسجام مکانیکی و ارگانیکی (به تعبیر دورکیم جامعه شناس فرانسوی) و افزایش مشارکت مردم در زندگی خود است ۲- نظم دستوری، که این نظم را می توان نظم پلیسی هم دانست که بیشتر مبتنی بر زور، اجبار، دستور و اعمال خشونت های دستوری است. این نظم بیشتر از طریق نیروهای انتظامی اعمال می گردد. مسلماً ممکن است در برخی شرایط (بحران، شورش و...) نظم دستوری، عقلانی باشد. البته سیاست ها در هر جامعه بسته به نوع مدیریت ها و ایدئولوژی های حاکم متفاوت می شود و ممکن است در شرایطی، هردو شیوه برقراری نظم و مدیریت اجتماعی، اعمال شود. در تعریف و دسته بندی خشونت ها، انواع خشونت های فردی و جمعی، خشونت خانگی، خشونت خیابانی و دیگر انواع خشونت، مطرح می شود. در این پژوهش منظور از خشونت ها، همه زد و خوردهای بین دوفرد و بیشتر است که بصورت مشهود در جامعه اتفاق می افتد و ممکن است موجب جرح و صدمه روحی و جسمی فرد مقابل یا جمعی از افراد و یا روح جمعی گردد به گونه ای که

افراد نسب به آن نگران باشند و خواهان حل آن شوند. شامل: دعوای با سلاح و گرم و سرد بین دونفر و بیشتر، نزاع های دسته جمعی، خشونت های خانوادگی مشهود و یا خشونت هایی که افراد نسب به آن مطلع می شوند و نظایر آن که می تواند در عرصه های: خانه، خیابان، کوی و برزن، محله و مانند آن اتفاق بیفتد.

به هر حال بررسی و شناخت زمینه های مشارکت مردم در کاهش خشونت ها، خود بعنوان رویکرد توجه به نظم وفاقی و بهره گیری از سرمایه های اجتماعی در ساماندهی اجتماعی است که با توجه به رویکردهای اجتماع محوری که در سیاست گذاری های اجتماعی در دوران مدرن مطرح شده است، امری معقول است.

جامعه ای موفق و از سلامت اجتماعی برخوردار است که مردمش در اتخاذ سیاست ها و اداره زندگی خود، مشارکت فعال داشته باشند و شهروندان در آن از احساس تعلق و تعهد لازم برخوردار باشند. و حاکمیت نیز به حضور مردم بها داده و احساس نیاز کند.

به راستی باید چنین باشد:

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

بنابراین مساله این پژوهش این بوده که علیرغم افزایش میزان و انواع خشونت ها، میزان مشارکت مردم در کاهش خشونت ها کمتر شده است. بدنبال این مساله، این سوالات مطرح شده که میزان مشارکت مردم در چه حدی است؟ مهمترین علل کاهش مشارکت ها کدامند؟ و چه راهکارهایی برای افزایش مشارکت مردم در کاهش خشونت ها وجود دارد؟

برای انجام این پژوهش از دو روش پیمایشی و کیفی استفاده شد. زیرا معتقدیم روش کمی و پیمایشی به بخش خاص و محدودی از علل دست پیدا می کند و نمی تواند فهم جامعی از مساله، دلایل و راهکارها را ارائه نماید بنابراین در بخش پیمایشی پس از مرور تجربیات، پیشینه پژوهش های انجام شده و مبانی نظری، پرسشنامه ای محقق ساخته طراحی و اطلاعات از طریق نمونه ای از جمعیت استان، گردآوری و بوسیله نرم افزار *spss, amos* وبا استفاده از تحلیل های آماری لازم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش کیفی، از آنجا که پرسشنامه نمی تواند همه خواسته های پژوهش را جمع آوری کند، از طریق مصاحبه عمیق با نمونه ای هدفمند شامل ۲۷ نفر (متخصصین و صاحب نظران جامعه شناس، حقوقدان، روان شناس، مشاوره، اساتید فلسفه تعلیم و تربیت، آینده پژوه همچنین مدیران ذیربط انتظامی، اداری و تعدادی از شهروندان عادی و همچنین افرادی که بعنوان مصلح) شناخته شده اند، انتخاب گردید، و با آنان مصاحبه انجام شد و مصاحبه آنان ضبط و سپس از طریق تحلیل محتوی و تکنیک ها و نرم افزار مرتبط، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برآیند این پژوهش نشان داد:

خلاصه ای از نتایج به شرح زیر است:

- میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (۳) برآورد شده است. این مقدار به لحاظ آماری معنادار است ($\text{Sig} < 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه میانگین مشارکت در کاهش خشونت در استان چهارمحال و بختیاری بالاتر از حد متوسط است تأیید می‌شود.

- بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در بین مردان و زنان به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} < 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین مردان و زنان به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

- بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در بین افراد مجرد و متأهل به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} < 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین افراد مجرد و متأهل به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میانگین مشارکت افراد متأهل در کاهش خشونت در جامعه آماری پژوهش (استان چهارمحال و بختیاری) به طور معناداری بالاتر از مشارکت افراد مجرد است.

- بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل در بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید نمی‌شود. به عبارت دیگر مقدار تفاوت اندک بین افراد ساکن در شهر و روستا به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش (استان چهارمحال و بختیاری) را ندارد.

- برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان دهنده این است که بین گروه‌های سنی به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). بنابراین به منظور بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر تفاوت بین گروه‌های سنی از آزمون تعقیبی شفه^۱ استفاده شده است

مقادیر مربوط به برآورد آزمون تعقیبی شفه، بیانگر این است بین گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال با گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا، همچنین بین گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال با گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال به بالا و گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال با گروه سنی ۵۰ سال به بالا به لحاظ میانگین متغیر مشارکت

^۱. Scheffe

در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین گروه‌های سنی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، نشان دهنده این است که بین گروه‌های تحصیلی به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). بنابراین به منظور بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر تفاوت بین گروه‌های تحصیلی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است.

-مقادیر مربوط به برآورد آزمون تعقیبی شفه، بیانگر این است بین افراد دارای تحصیلات دیپلم با افراد دارای تحصیلات دکتری و حوزوی و بین افراد دارای تحصیلات کارشناسی با افراد دارای تحصیلات دکتری به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین گروه‌های تحصیلی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود

- بر حسب مقادیر مربوط به برآورد آزمون تی مستقل، بین افراد بیکار و شاغل به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} < 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین افراد بیکار و شاغل به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، نشان دهنده این است که بین مشاغل مختلف به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). بنابراین به منظور بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر تفاوت بین گروه‌های شغلی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است.

-مقادیر مربوط به برآورد آزمون تعقیبی شفه، بیانگر این است بین افراد دارای شغل دولتی و افراد دارای شغل آزادی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین گروه‌های شغلی به لحاظ میانگین مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود

- برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، بیانگر این است که بین قومیت‌های مختلف به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین قومیت‌های مختلف به لحاظ میزان مشارکت در کاهش خشونت تفاوت وجود دارد، تأیید نمی‌شود.

- برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، نشان دهنده این است که بین افراد با تعلق طبقاتی متفاوت به لحاظ میانگین متغیر مشارکت در کاهش خشونت تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > 0/05$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین تعلق طبقاتی افراد و میزان مشارکت در کاهش خشونت رابطه وجود دارد، تأیید نمی‌شود.

- در مجموع: مقادیر برآورد شده متغیرهای مستقل بیانگر این است: الف. بین متغیرهای سودمندی، داشتن انگیزه، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های مثبت و نگرش نسبت به مشارکت‌کنندگان با متغیر مشارکت در کاهش خشونت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). با توجه به مقادیر ضریب پیرسون می‌توان گفت شدت رابطه بین متغیرهای سودمندی، ارزش‌های مثبت و نگرش نسبت به مشارکت‌کنندگان با متغیر مشارکت در کاهش خشونت ضعیف و شدت رابطه متغیرهای داشتن انگیزه و اعتماد اجتماعی با این متغیر در حد متوسط برآورد شده است.

ب. رابطه بین متغیرهای ارزش‌های منفی، بی‌تفاوتی و احساس نابرابری با متغیر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار نیست ($\text{Sig} > 0/05$). به عبارت دیگر مقدار ضریب همبستگی بین این متغیرها با متغیر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه-گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

مدل معادلات ساختاری برای مجموعه متغیرها نشان می‌دهد: الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = 0/37$) است. به بیان دیگر ۳۷ درصد از تغییرات متغیر مشارکت در کاهش خشونت بر حسب متغیرهای مستقل پژوهش قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بالایی برآورد می‌شود. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل پژوهش در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر مشارکت در کاهش خشونت را دارند. ب. اثر متغیرهای سودمندی، انگیزه، اعتماد اجتماعی، بی‌تفاوتی و احساس نابرابری بر متغیر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/05$). با توجه به مقادیر مربوط به ضرایب تأثیر این متغیرها می‌توان گفت اثر متغیرهای سودمندی، انگیزه و احساس نابرابری بر مشارکت در کاهش خشونت مستقیم و در حد ضعیف و اثر متغیر اعتماد اجتماعی مستقیم و در حد متوسط به بالاست. اثر متغیر بی‌تفاوتی معکوس و در حد ضعیف برآورد شده است. ج. اثر متغیرهای ارزش‌های مثبت، ارزش‌های منفی و نگرش نسبت به مشارکت‌کنندگان بر مشارکت در کاهش خشونت به لحاظ آماری معنادار نیست ($P > 0/05$). به عبارت دیگر مقدار اثر ضعیف این متغیرها بر مشارکت در کاهش خشونت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

با توجه به نتایج تحقیق: تمایل به مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها بالاتر از میانگین است و بین اعتماد، سودمندی و ضرر نکردن یا تامین نیازها (مادی یا غیرمادی) و داشتن انگیزه برای مشارکت و برخورد دستگاه‌های متولی، رابطه وجود داشت.

بنابراین بسترسازی و رفع مشکلات مشارکت مردم می‌تواند موجبات مشارکت را فراهم کند. بخش کیفی تحقیق نیز نشان داد، تم‌های علل مشارکت یا عدم مشارکت مردم در کاهش خشونت‌ها بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، در ۱۳ تم نهایی و پنج دسته عمده یا بخش نهایی تقسیم بندی شده‌اند. ۴ بخش نهایی شامل:

- وجود ساختارها و زمینه‌ها و اقدام و اراده دولت و قانون

- سنت ها و جامعه پذیری
- کنش های معطوف به هدف
- ارزش ها و سرمایه های اجتماعی

اصلاح ساختار اجتماعی و قانونی، کاهش بعات منفی مشارکت مردم، سودمندی در کنش ها و مشارکت، ویژگی های فردی و شخصیتی افراد، آموزش در گروه های مختلف اجتماعی، کاهش بروکراسی اداری در رسیدگی به جرایم مرتبط، تشکیل انجمن ها و افزایش سرمایه های اجتماعی با تاکید بر بهبود اعتماد اجتماعی، بستر سازی مشارکت ها مهمترین زمینه های افزایش مشارکت ها در کاهش خشونت ها بوده است.

بیتعارف

باید گفت: زمینه اجتماعی مشکل چندانی ندارد (مهمترین مشکل در این زمینه فرسایش سرمایه اجتماعی بویژه اعتماد است) نیازمند برنامه ریزی درست دولت است که بستر سازی کند.

مردم را بخوانید..... می آیند

۴-۳-۳-پیشنهادات:

برآیند کلی پژوهش در بخش کمی و کیفی، نشان داد. که: از آنجا که جامعه تغییر کرده است و همه نهادهای سنتی در روستاها دستخوش تغییر شده اند، از سنتی به مدرن، لذا رویکردهای جدید جامعه نیز باید متناسب با تغییرات انجام شده باشد. به تعبیر گیدنز جامعه دچار یک از جا کنده شدن شده است و اتفاقاً تغییرات انجام شده در چند دهه اخیر چند برابر کل تغییرات تاریخ بشر است و حتی می توان گفت همه تغییراتی که می بینیم مربوط به چند دهه اخیر است. بشر جدید با مطالبات و انگیزه ها و خواست های جدید مواجه است.

در جامعه سنتی به دلیل مشابهت ها و محدودیت ها و علائق و عاطفه ها شناخت متقابل که وجود داشت. مشارکت های اجتماعی هم عاطفی، محدود، مبتنی بر شناخت و دلسوزانه بود. اما امروز جامعه شهری شده و به تعبیر زیمل جامعه شناس معروف، ما شاهد بلازه یا بی تفاوتی شهروندان هستیم لذا رویکرد در جامعه جدید نیز باید عوض شود هر چند دیگر نمی توان جامعه را سنتی کرد ولی می توان راهکارهای سنتی را مدرن کرد. از جمله راهکارهای توجه به داشته های اجتماعی یا خود جامعه است. که جامعه شناسان به جای داشته های اجتماعی، اصطلاح سرمایه اجتماعی را بکار می برند. که از جمله آنها مشارکت است. به تعبیر دورکیم، می توان گفت گفت: گرچه همبستگی سنتی یا مکانیکی در حال کاهش است ولی جامعه نیازمند فرایند همکاری و مشارکت است و این امر می تواند از طریق همبستگی مکانیکی، محقق شود. مردم به هم نیازمند اند و این نیاز می تواند از طریق رسمیت بخشیدن و توجه قانونی و دیگر زمین های نوین، تحقق یابد.

اما چگونه:

نتایج این تحقیق بر آن است که برای ورود به عرصه خشونت در جامعه، باید خشونت را در هر عرصه جدا در نظر گرفت. مثلاً آیا خشونت عام است یعنی همه مردم دچار آن شده اند (که شورش های جمعی از جمله آن است) یا خشونت در عرصه های خاص مثل خیابان، خانواده، سازمان و ...

- در مواجهه با خشونت های عام توجه به زیر ساخت ها از جمله: وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، افزایش درآمد، رفع بیکاری، مسکن، ازدواج، فراغت، تحصیل، تأمین نیازهای اساسی، اعتماد به مردم، مشارکت واقعی مردم در عرصه سیاسی اعمال تغییرات سیاسی متناسب با اراده ملی، توجه و گسترش آزادی نهادی های مدنی و سیاسی، قانون گرایی، رفع تبعیض، گسترش نهادهای فرهنگی (تئاتر، سینما، کتاب و ...) و فضای فرهنگی معماری و شهرسازی درست و در کل رضایت اجتماعی انجام پذیرد.

- به تعاملات و مشارکت های اجتماعی، جنبه رسمی و قانونی داده شود. و هدایت شوند. یا به عبارتی، فرایند مشارکت های اجتماعی باید هدایت شده و دارای پشتوانه های قانونی و رسمی باشد. به دلیل تکرر جمعیت، ناشناختگی و فاصله ها، باید فضاها یا ظرفیت هایی برای جلب مشارکت ها و هدایت آنها تعریف شود. گاهی مشارکت های سنتی در جامعه جدید به دلیل اطلاعات کم مردم فروکش می کند یا حتی مشکل آفرین می شود. مثل حضور بی برنامه و نامنظم مردم در کمک رسانی به زلزله زدهگان که حتی ارایه خدمات دولتی را هم با مشکل مواجه می سازد. تازه مشارکت در کاهش خشونت ها که با ابهام و حتی مشکلات و تردید هایی مواجه است به تعبیر گرامشی، ژلاتینی و شکننده تر هم می باشد.

- رفع مشکلات مردم در همه عرصه ها که به کم شدن دغدغه مردم بینجامد به عنوان راهکار اساسی مطرح است. یکی از دلایل افزایش خشونت ها در عرصه عام، وجود همین مشکلات و افزایش تنگناهای اقتصادی است و از طرف دیگر به تعبیر مرتن (جامعه شناس) اهداف و خواست ها و مطالبات اجتماعی افزایش یافته و راهکار رفع آنها، کم یا وجود ندارد. و این زمینه ای است برای نارضایتی مردم و افزایش میل به خشونت ها.

- عوامل شتابزایی مثل فاصله قدرت (فاصله مردم و مسئولین) و فساد اداری و اختلاسها به این مشکل دامن زده و گسترش فضای مجازی نیز دسترسی به این اطلاعات را افزایش داده و متأسفانه در چنین فضایی برخی با اغراض خاص یا ناآگاهانه با پخش برخی تصاویر و فیلم ها به نارضایتی ها و خشونت ها دامن و مشارکت مردم در کاهش خشونت ها را کم کرده است.

- چنین تصویری شکل گرفته که هر کس دستش می رسد می تواند از بیت المال اختلاس کند و از کشور فرار کند و گیر قانون نیفتد و پخش تصاویری از فرزندان و برخی افرادی که فرار کرده اند (درست یا نادرست) به درگیری ذهنی بیشتر شهروندان منجر شده و این ها زمینه ای شده برای بروز خشونت ها لذا برای کاهش

خشونت باید مراکز تفریحی و فراغتی و بازی و عرصه های برای خالی کردن خشونت های انباشته جوانان باشد که آنجا هیجان‌ها هم فروکش کنند. سرگرم ساختن و مشغول نمودن و کار روزانه نیز مؤثر است.

-تحقیق نشان داد با تغییرات حاصله ارزشهای جدیدی حاصل شده و ارزشها به سمت منفی شدن تغییر کرده اند و ارزشهای مثبت کم رنگ شده اند. دروغ، ریا...افزایش یافته، صداقت، فحش، ناسزا... کاهش یافته و این می طلبد که مدیران مرتبط، برنامه ریزی کنند در جهت تقویت ارزشهای مثبت. در این راستا الگوهای مرجع زندگی‌شان را به مردم نزدیک کنند

-سرمایه اجتماعی، به تعبیر جامعه شناسان، سرمایه هایی برای توسعه جوامع و حل مشکلات عام مطرح و مورد تاکید قرار دارند که برون گرا باشند، گرچه میزان عمومی سرمایه اجتماعی (اعتماد) کاهش یافته ولی مقدار سرمایه اجتماعی مطرح نیز، درون گرا و وابسته به خویشان و اقوام است که آنهم جهت خاصی پیدا کرده است و باید در جهت برونی کردن سرمایه اجتماعی اقدام نمود. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه، محدود می شود به اقوام و خویشان و نزدیکان. و این نوع سرمایه اجتماعی در صورتی که به دیگران و افراد بیرون از خویشان تسری یابد، در خدمت جامعه قرار می گیرد و از اهمیت ویژه ای برخوردار میگردد. به عبارتی سرمایه اجتماعی در صورتی به توسعه اجتماعی می انجامد و در خدمت مشارکت اجتماعی قرار می گیرد که معطوف به غیر خویشان نیز باشد

-گرچه داده های کمی رابطه احساس نابرابری و مشارکت را تایید نکرد اما مصاحبه های عمیق در بخش کیفی بر این رابطه صحنه گذاشت. بنابراین احساس نابرابری در جامعه افزایش یافته و این امر، مشارکت مردم در کلیه کنش های جمعی را کاهش داده است.

- ارزش و اعتبار بزرگان که زمانی منبعی برای سرمایه اجتماعی بود، کاهش یافته نهادهای قانونی جایگزین هم، فرصت و همت لازم را برای مداخله ندارند. لذا احیای ارزش و احترام بزرگان و ریش سفیدان تحت هر عنوان (ریش سفید سالاری) (انجمن بزرگان) و یا توجه به اهمیت بزرگان در مطالب آموزشی و ... می تواند راهکار مناسبی باشد.

-نکته دیگر خشونت ها در عرصه های خانواده و خیابان و کنش های متقابل و در سطح خرد است. گرچه عوامل ساختاری در بروز این خشونت ها مؤثر است اما در این راستا، رفع مشکلات ساختاری، در کاهش خشونت ها مؤثر است در این بخش می توان راهکارهای سنتی را مدرن و راهکارهای مداخله ای جدید عرضه کرد. ابتدا باید نوع خشونت شناخته شود آیا درگیری خانوادگی است یا خیابانی یا ... باید بعد از اطمینان از این وضعیت، بر آن اساس عمل نمود. مسلماً هر خشونتی، اقدامات خاصی را برای مشارکت می طلبد. خشونت های زبانی و پنهان، نیاز به اقدام فرهنگی و رسانه ای دارد.

-حضور پلیس و یا تشکل هایی که ما آن را مدیریت محله مینامیم و مانند آن در فضاهای شهری و دسترسی سریع به چنین نیروهای رسمی و انتظامی می تواند در این زمینه مؤثر باشد. درخصوص گسترش

چنین نهادها و حضور گسترده تر انتظامی محله، نیاز به نظر کارشنان انتظامی و تصویب قانون و انجام حمایت هاست. (سازوکار مردمی و سازوکار انتظامی در محله، کوی و مانند آن). محله یک کل بهم پیوست کارکردی در سیستم جامعه است به احیا یا تداوم آن اندیشه کنیم.

- در جامعه سنتی اعتقاد بر این بود که در خانواده ها اگر بین زن و شوهر مشکلی رخ می داد. بزرگترها، دعوت به سکوت می کردند یا زن را سنگ صبور معرفی می کردند و به هر طریقی مشکل را برطرف می کردند گرچه با توجه به جامعه مردسالار ما هنوز می توان این زمینه را احیا کرد ولی تغییراتی که در خواست ها و مطالبات جامعه و به تبع آن مطالبات زنان ایجاد شده است این امر را مشکل ساخته از اینرو مداخله و مشارکت دیگران در این امور را هم تحقیر و طرد می کنند، لذا گاهی مشارکت در کاهش خشونت، دعوت طرفین به انفعال است یا دعوت به سکوت، تا انسانها در تعاملشان به هم زخم زبان نزنند و در نتیجه خشونت گسترش نیابد. زیرا زخم زبان، آغاز درگیری ها و خشونت است و تأثیر آن بر خشونت بیش از کتک کاری است اگر کاری کنیم که افراد در تعاملشان (چه خانواده، یا خیابان ...) بین دوستان و اقوام یا زن و مرد و یا فرزندان) در برخوردهای سطحی، کوتاه، بیایند، سکوت کنند... از گسترش آن جلوگیری شده و این اقدام، در کاهش خشونت مؤثر است. لذا مشارکت در این قسمت، باید آگاهانه باشد. به عبارتی کسی که در کاهش خشونت شرکت می کند باید به این ساز و کار آشنا باشد و تمام تلاش خود را در جهت جداسازی، سکوت، و مدارا و عدم انتشار آن به کار گیرد. مصاحبه ها نشان داد چه دعوایها و اختلاف های خانوادگی زن و شوهر، بر سر این بوده که کسی کوتاه نیامد، و این دعوا به بیرون از خانواده (می تواند حتی خانواده پدر و برادران و خواهران همسر باشد) منتشر شده و سبب گسترش خشونت ها و اختلافات شده و چه بسیار خشونت ها و دعوایی که با مشارکت یک نفر عاقل و دعوت آنه به رازداری، خاتمه یافته است.

- از این رو ویژگی های شخصیتی و اجتماعی افرادی که در کاهش خشونت ها مشارکت دارند از اهمیت خاصی برخوردار است. چنین افرادی باید: دارای کاریزمای شخصیتی، رازدار، نفوذ، معتبر، محترم و قابل احترام و از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار باشد. که در این راستا می توان نسبت به آموزش، شناخت و دعوت از چنین شخصیت هایی به همکاری اقدام نمود. گاه ممکن است نیاز به برپایی کارگاه و آموزش و حتی از طریق رسانه ها به این مهم پرداخت.

- رازداری و آگاهی مشارکت جویان و آموزش و معرفی چنین شخصیت ها و استفاده از مراکز مشاوره و روانشناختی با رعایت همه جوانب و معرفی به جامعه می تواند در افزایش مشارکت ها و مراجعه مردم به آنان برای مداخله و مشارکت بیشتر مؤثر باشد.

- پایگاههای سنتی جامعه، محو و یا در حاکم کاهش اند (خانه بزرگان) می توان با دایر نمودن خانه هایی موقتی برای قربانیان خشونت و پناه آوردن به آن ها با رعایت جوانب احتیاط و دیگر زمینه ها اقدام نمود.

- باتوجه به پیشینه فرهنگی ایران و میزان بالای اعتماد بین قومی و خانوادگی می توان بجای قدرت بزرگان و ریش سفیدان گذشته، نسبت به تشکیل گروههای قومی اقدام نمود برای حل و فصل دعاوی خانوادگی،

فامیلی، محلی و شهری. می توان آن را (نهادهای مدنی فامیلی یا محلی) دانست. و اعتماد تعمیمی یافته و نهادی نیز افزایش یابد.

- به فرزندانمان بیاموزیم به هر فحشی پاسخ ندهند و هر ناسزایی به معنی اتمام زندگی نیست در مقابل اینها کوتاه بیایند. (آموزش دور شدن از خشونت ها و داشتن زندگی سالم). مدارس هم این امور را آموزش دهند. مجتوهای علمی باید در این راستا تهیه شود.

-مصاحبه های عمیق نشان داد افرادی که در حل نزاع ها و خشونت های فامیلی و قبیله ای و ... شرکت می کنند، نیازمند توجه دستگاه های ذیربط اند، دادگستری، استانداری ها و فرمانداری مثلاً دادن (نشان مشارکت) در کاهش خشونت یا نشان صلح جو بودن در سطح محلی، استانی و ملی می تواند یک راهکار باشد و دستگاهها آنها را به عنوان مصلح، بشناسند و برایشان اعتبار و حرمت قائل شوند. نوشته ها و قراردادهای محلی آنها را به رسمیت بشناسند و برایشان ارزش قایل شوند. (ایجاد انگیزه نهادی برای مشارکت کنندگان) گرچه بسیاری از آنها، درآمد آنچنانی ندارند و قصدشان درآمد نیست ولی توجه به این نکته و در نظر گرفتن آن و حمایت ها می تواند در مشارکت بیشتر آنان، مؤثر باشد مشارکت باید انگیزه داشته باشد. تأیید و تشویق مشارکت کنندگان به افزایش مشارکت بیشتر می انجامد.

-درگیری و مشارکت در کاهش خشونت ها، سبب تلف شدن وقت و هزینه ای برای مشارکت کنندگان و مواجه شدن، یا بررکراسی اداری در نیروی انتظامی و دادگستری و دستگاههای زیربط می شود. برای این هزینه ها و جبران آن و کاهش مشکلاتی که برای افراد بیمار می شود باید تدابیری در نظر گرفت.

-نتایج تحقیق نشان داد سرمایه اجتماعی درونی است یعنی در میان اقوام و فامیل ها و آشنایان خلاصه می شود. باید از طریق آموزش و تغییر برنامه های کلان، به این نکته توجه داشت که شیب سرمایه اجتماعی به سمت مردم نیز باشد به گونه ای که هر غریبه ای دشمن تصور نشود گسترش تشکل های انسان دوستانه و توجه و محتوای درسی در این رابطه مؤثر است. و یا همانطور که قبلاً آمد، از اعتماد درونی برای تشکل های مدنی درونی و حل منازعات درون قومی استفاده شود.

- جامعه، مجموعه بهم پیوسته ای است که همه اجزای آن نیز در راستای اهداف مطلوب و ارزش ها و هنجارهای مقبول اجتماعی، دارای کارکرد باشد. هر جامعه ای دارای حد معقولی از جمعیت، وفاق، نظم، همدردی مردم، انتظارات، توقعات، احترام متقابل، اهداف و وسایل مورد نیاز جهت رفع نیازهاست. حد معقولی از فضای کنش که با ارزش ها و هنجارهای مورد توافق شکل بگیرد و مردم در آن دارای احساس تعلق و تعهد و مسئولیت نسبت به آنها باشند تا در صورت لزوم مشارکت لازم را هم داشته باشند.

-یکی از مواردی که در پژوهش به آن پرداخته شد بحث خشونت نمادین مورد نظر بوردیو، نظریه نیازها و پاسخ سریع و بموقع به درخواست های مردم بویژه از طرف نهاد ها و ارگانهای دولتی است که زمینه خشم مردم را فراهم می کند. برای مثال: محقق (نویسنده این مطالب) ساعت ها مطلب نوشته بودم (اتفاقاً در

خصوص همین گزارش)، ولی متأسفانه ضبط نکرده بودم که به یکباره بدون اطلاع قبلی، برق قطع شد و ساعت ها تلاش من برباد رفت با اداره برق تماس گرفتم، (گرچه ارتباط با سازمان ها به دلیل تاخیر در پاسخ، خشونت زاست) پاسخ دادند که: قطع میشه بالاخره. ای کاش می توانستیم فرهنگ عذرخواهی در نهادها را نهادینه کنیم. برخی رفتارهای سازمانی آسیب زا را اصلاح کنیم بخصوص: غیبت یا عدم حضور کارشناس و انتخاب جایگزین در سازمان ها (ممکن است فردی ساعت ها طول کشیده حضور یافته و امکان حضور مجدد، مشکل است)، بروکراسی های عریض و طویل، مثل تشکیل پرونده و... که باعث می شود دستیابی به هدف اصلی فراموش شود، برقراری ارتباط خشن و از سر بی مسئولیتی با ارباب رجوع و دگر رفتار هایی که زمینه های خشونت بیشتر را سبب می شود که با اصلاح آنها و تدوین سیاست اداری در هر بخش، زمینه های رفع خشم منبعث از سازمان را رفع کنیم.

-باور کنیم، ارتباط، مهم است و راضی نمودن ارباب رجوع نیاز به مهارت و آموزش دارد. ارباب رجوع راضی کنیم حتی اگر کارش انجام نشده باشد. و در بالابردن انتظارات اجتماعی، احساس نیاز دقت کنیم. وسایل و ابزار برطرف سازی آنها نیز فراهم شود.

نتیجه: هرچه در جامعه نیازها و انتظارات افزایش یابند و ابزار و وسایل پاسخ به آنها کمتر باشند، هم خشونت ها افزایش می یابند و هم تمایل مردم به مشارکت در کاهش خشونت ها کمتر می شود.

در صورتی که نتوانیم مشکل مردم را حل کنیم، با گفتگو و جلب اعتماد صادقانه، نسبت به قانع کردن آنها اقدام کنیم.

-احساس نابرابری هم در بروز خشونت موثر است و هم در کاهش مشارکت مردم در خشونت ها. وقتی افراد احساس نابرابری کنند، کمتر تمایل به مشارکت در بسیاری از فعالیت ها ندارند چه برسد به حل و فصل دعاوی و خشونت ها. این موضوع در نظریه نظام کنش، مربوط به فضای کنش است. فضای کنش (در این جا منظور نظام اجتماعی یا جامعه مورد نظر است که دارای خواست ها، علایق، علائم و نمادها، ارزش ها، تعاملات و اهداف و وسایل نیل به آنهاست که) باید در جامعه تامین باشد. انتظارات و توقعات، متناسب با وضعیت جامعه است. در صورتی که فضای ناامیدی و احساس تبعیض در فضای کنش وجود داشته باشد تمایل به کنش (مشارکت) کاهش می یابد.

-اطاله دعوای بویژه در خصوص موضوعات جزئی: مانند تخلفات سازمانی، اداری با ارباب رجوع، تخلفات فروشگاهها با مردم که می تواند در جا رفع و رجوع شود، زمینه افزایش بسیاری از خشونت های مقطعی را فراهم کرده که با تدابیری که مشکلات و تخلفات خرد، سریع رفع و رجوع شوند. ایجاد انجمن های محلی با موضوعات مرتبط و استفاده از این نوع سرمایه های اجتماعی موثر است. همچنین تدابیر پلیس راهنمایی و رانندگی کشور در سالهای اخیر، حضور نیروهای مرتبط و دفتر رسیدگی به شکایات و مشکلات شغلی و صنفی، از این دسته اقدامات است. در اینخصوص راهکارها باید برحسب قانون، کارشناسی شوند.

-پخش تصاویر خشن، بازی های رایانه ای خشن، فیلم های جنگی و... ذائقه اجتماعی را خشن می سازد. مواظب فضای فرهنگی، نمادها، سمبل ها، ارزشها باشیم. مدیریت فضای فرهنگی بخصوص در دوران دبیرستان نیاز به کارگروه خاص خود دارد. یکی از پیشنهادات می تواند، تشکیل کارگروه کنترل فضای فرهنگی در آموزش و پرورش است. بخصوص الان که استفاده از فضای مجازی گسترش یافته. ذایقه فرزندان در دوران ابتدایی و راهنمایی باید مشارکت جویان، همدلانه و باکارگروهی شکل بگیرد.

-پیشنهادمیگردد کمیته ای متشکل از جامعه شناسان، روانشناسان، مشاورین تعلیم و تربیت، حقوقدانان، عوامل انتظامی، اساتید و دیگر کارشناسان و فعالان، تشکیل و نسبت به تهیه و توزیع فیلم ها و کلیپ هایی با موضوع مشارکت در کاهش خشونت ها، مهارت کنترل خشم و عصبانیت، نحوه مصالحه و توافق، نحوه ورود (خانم و آقا) و مهارت های ورود و حل خشونت ها و قوانین مربوطه، و تشکیل سمن های مربوطه اقدام نمایند.

محدودیت های پژوهش

کنترل تمام متغیرهای احتمالی تقریباً عملی و غیرممکن است لذا علی رغم تلاش های که یک محقق در به وجود آوردن شرایط مناسب تحقیق فراهم می آورد، بعضی عوامل تهدید کننده روایی درونی و بیرونی همچنان وجود دارد قابل ذکر است اما با رفع بعضی محدودیت ها و رعایت آن در پژوهش در آتی امکان توسعه تحقیقات بیشتری را در این زمینه فراهم می آورد اکنون تعدادی از محدودیت های موجود این پژوهش را به ترتیب زیر بر می شمیریم:

- ✓ با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش محدود به استان چهار محال وبختیاری بوده است لذا در تعمیم نتایج به سایر استان ها باید احتیاط کرد.
- ✓ انجام این پژوهش دقیقاً مواجه شد با شیوع ویروس کرونا، که انجام مصاحبه، دسترسی به پاسخگویان و تکمیل پرسشنامه را با مشکل مواجه می ساخت. بسیاری از مردم نه حال و هوای کافی و نه تمایل کافی به تکمیل پرسشنامه داشتند.
- ✓ امکان مسافرت نیز با محدودیت مواجه گردید.
- ✓ آلودگی میدان پژوهش یا مراجعه زیاد پژوهشگران به مردم برای تکمیل پرسشنامه، باعث بی انگیزگی پاسخگویان برای تکمیل پرسشنامه ها شده بود، پاسخگویان از این بابت به تکمیل دقیق پرسشنامه مبادرت نمی ورزیدند و این کار چندان مهم نبود.
- ✓ مشکل دسترسی به قضات و برخی مدیران که مشغله کاری داشتند از دیگر مشکلات پژوهش شد. حتی با یکی از مدیران قضایی چند بار هماهنگی شد ولی امکان مصاحبه فراهم نشد

منابع فارسی

- احمدی، حبیب (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت، تهران
- ادریسی، افسانه؛ شجاعی، مرجان. (۱۳۹۱). مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقیق طرح‌های توسعه شهری، نمونه موردی: پیاده‌راه‌سازی فیلمنامه، حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۷۳ برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۷.
- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی. چاپ اول، تهران: نشر و تبلیغ شریف.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، بهار و تابستان، ص ۳۱-۳.
- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). به سوی پارادایم توسعه، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات.
- ایران زاده، اسلیمان (۱۳۷۵) ابعاد مشارکت در نظام فرهنگی ایران تعاون، شماره ۵۸، مشارکت در نظام فرهنگی ایران.
- الوانی، سیدمهدی؛ سیدنقوی، میرعلی (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مطالعات، تهران
- انصاری، حمید (۱۳۷۵). نظریه‌های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- اوکلی، پیترو؛ مارسدن، دیوید (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه: منصور محمدنژاد، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: کویر.
- آبراهامز، جی، اچ (۱۳۹۶). مبانی رشد جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن پویا، جلد اول، تهران: انتشارات یاپخش.

آریانپور کاشانی، عباس؛ آریانپور کاشانی منوچهر (۱۳۷۴). فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی، تهران: سپهر.

آقاعلیان دستجردی، زهرا (۱۳۹۲). تاثیر اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرم، پایان نامه کارشناسی دانشگاه کاشان.

آلموند، گابریل؛ پاول بینگهام، جونیور؛ مونت، رابرت جی (۱۳۸۱). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

بورديو، پیر (۱۳۸۷). درباره تلویزیون واسلطه ژورنالیسم، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: آشیان، چاپ اول.

بوستانی، داریوش (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی و رفتار پرخطر دانش آموزان دبیرستان شهر کرمان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۹، شماره ۱، ص ۱-۳۱.

بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.

پا تمام، روز را (۱۳۸۴) جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی ذکر شده در سرمایه اجتماعی اعتماد دموکراسی و توسعه ترجمه: افشین خاکباز بویان، تهران .

پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه اسلام.

پاتنام، روبرت. (۱۳۸۴). جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، به کوشش: کیان تاجبخش.

مبارکی، محمد؛ چلبی، مسعود (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، مجله جامعه شناسی ایران ۶ (۲)، ص ۳۳-۴۴.

بگرضایی پرویز؛ زنجانی، حبیب الله؛ سیف اللهی، سیف الله (۱۳۹۶). فرا تحلیل مطالعات خشونت شوهران علیه زنان در ایران، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۱، شماره ۳۸، زمستان، ص ۷۱-۹۷ .

زنجانی، حبیب الله؛ سیف الله، سیف اللهی؛ بگر رضایی، پرویز (۱۳۹۸). تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت علیه زنان در خانواده های شهر ایلام مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام سال بیست و هفتم شماره ۲، پیاپی ۱۱۵.

پیران، پرویز (۱۳۷۶). شهروند مدار قسمت اول تا پنجم اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۱۲۱۱، تهران .

پیمایش نگرشها و ارزشهای ایرانیان. (۱۳۸۰). تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۲). در آمدی بر نظریه های جامعه شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات خردمند.

بوالهری، جعفر؛ امیری، تینا؛ کریمی کیسیمی، عیسی؛ محسنی کبیر، معصومه (۱۳۹۷). پیشگیری از خشونت خانگی، اجرای برنامه آزمایشی جلب حمایت در یک منطقه شهری، دوره ۲۴، شماره ۲، تابستان.

جهانبخش، کیان. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی اعتماد دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیراز.

جهانگیری رسا، رسول (۱۳۹۰). مبانی و جلوه های مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم، تهران: نشرنی.

چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.

حبیب پور گتابی، کرم؛ موسوی خورشیدی، سید حمیدرضا (۱۳۹۵). رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۶، پاییز، شماره ۶
حسینی، سیدمحمد؛ مصطفی پور، مسعود (۱۳۹۶). جرم شناسی عصب رویکردی نوین در تحلیل جرایم خشونت آمیز اطفال و نوجوانان (با تأکید بر منحنی سن - جرم)، پژوهش حقوق کیفری، سال ۵، شماره ۱۵، تابستان ص ۱۹۶-۱۶۵.

حق نظری محمد رضا؛ شایگان فریبا (۱۳۹۵). نقش مشارکت نهاد های مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، ۱۱ (۴۴) ص ۳۳-۵۲

عنایت، حلیمه؛ دهقانی، عبدالرحیم (۱۳۹۱). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان شهرستان کهگیلویه، علوم اجتماعی (آزاد شوشتر) سال ۶ پاییز شماره ۱۸.

خوش فر، غلامرضا؛ جانعلی زاده، حیدر؛ اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید (۱۳۹۲). تاثیر سرمایه اجتماعی بر شادی جوانان شهر بابلسر، فصلنامه رفاه اجتماعی سال سیزدهم، شماره ۵۱، ص ۲۵۳-

۳۱۴

- دست مرد مادح صفایی مقدم، مسعود؛ پاک سرشت، محمدجعفر، شهنی ییلاق منیجه (۱۳۹۱). مطالعات تربیتی و روان شناسی مشهد دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار، ترجمه: باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
- رحمت الهی، حسین؛ آقای، آقا محمد (۱۳۹۲). درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت پذیری مردم، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۵ شماره ۳، زمستان.
- رسول زاده اقدام، محمد (۱۳۸۷) مطالعه جامعه شناسی رابط سرمایه اجتماعی با کجروی فرهنگی، مورد مطالعه دانشجویان کارشناس شهید مدنی آذر، دو فصلنامه پژوهشی های جامعه شناختی، معاصر سال ۷ شماره دوره ۱۴، ص ۲۳-۴۳.
- رسول کردنوقایی، شهریار؛ مرادی، آرزو؛ دلفان، بیرانوند (۱۳۹۶). خشونت در مدرسه نقش توانایی همدلی مهارتهای ارتباطی و حل تعارض در کاهش رفتارهای خشونت آمیز نوجوانان، دو فصلنامه روان شناسی معاصر دوره ۱۲، شماره ۲، پاییز، ص ۱۷۲-۱۸۴
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی هدف یا وسیله توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۹-۱۱۰، تهران: موسسه اطلاعات.
- رضویان، محمد نقی؛ آقائی، پرویز (۱۳۹۳). بررسی کارایی احساس امنیت اجتماعی در محلات جماران فاطمی، فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، دوره ۶، شماره ۲۰، ص ۴۳-۵۷
- رفیع پور فرامرز (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش های اجتماعی، تهران: انتشارات کتاب فرا.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷) آناتومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان به جهاد کشاورزی، تهران: نشر ارغنون.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ پنجم.
- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲). کلان شهر و حیات ذهنی، ترجمه: یوسفعلی اباذری، تهران: نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). جامعه شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سیف زاده، حسین (۱۳۷۳). مشارکت منفعلانه و علل تداوم آن، جلد اول، تهران: انتشارات یاپخش.

- شارع پور، محمود. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، تهران: نامه انجمن جامعه شناسی، شماره ۳.
- شبابی، محسن؛ باقری عبدالرضا (۱۳۹۶). مشارکت شهروندان در کاهش آسیب های اجتماعی شهری، سومین کنفرانس توانمند سازی جامعه در حوزه علوم انسانی مطالعه فرهنگ.
- شیری، منصور؛ حیدری، کمال؛ امید، راضیه؛ آبتین، زهرا (۱۳۹۶). بررسی وضعیت خشونت در بین دانش آموزان مقطع دبیرستان در استان اصفهان؛ دومین کنگره ملی روان شناسی و آسیب های روانی-اجتماعی.
- صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۸۸). سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در مراکز شهرستان های استان چهار محال و بختیاری، دانشگاه اصفهان، گروه علوم اجتماعی.
- صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۹۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی مسایل اجتماعی، گرگان، انتشارات: نوروزی.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۸). آسیب شناسی اجتماعی، (جامعه شناسی) تهران: انتشارات ست .
- عامری پردیس (۱۳۶۹). امنیت و مشارکت اجتماعی زنان در مواجهه با ناهنجاری های محله ای (مطالعه وضعیت زندگی ساکنان برج های نواب و اطراف)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال یازدهم مشاوره ۴ (۴۰) ص ۱۲۲-۱۴۷.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران: نشر نی.
- علوی تبار، علی رضا (۱۳۷۹). راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در اداره امور شهر، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۶) مدیریت روستایی در ایران، انتشارات: دانشگاه تهران.
- علوی تبار، علی رضا (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها، تهران وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری - چاپ ۱ .
- علیزاده، محمد باقر (۱۳۹۶). مطالعه نقش تعدیل کننده سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در ارتباط با قوم گرایی در جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله مشهد- تبریز، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد سال ۱۴.
- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۳). مشارکت، تعاون و توسعه روستایی، تعاون شماره ۴۰
- غفاری غلامرضا (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه شناسان

غفاری، سید رامین؛ ترکی هرچگانی، معصومه (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی، استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی: روستاهای بخش فارسان)، جامعه‌شناسی مطالعات سیاسی جوانان، سال دوم، شماره ۳ ص ۱۰۹-۱۳۰.

غفاری، غلامرضا؛ تاج‌الدین محمدباقر، (۱۳۸۴). شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماع، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۷، ص ۳۳-۵۵.

غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۱). مجموعه مقالات مشارکت اجتماعی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۶، ص ۲۷-۴۲.

غلام، عباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آمدن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران . فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس سال ششم شماره ۲۰، ص ۴۳-۵۷.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و تحول تکنولوژیک در عصر اطلاعات، ترجمه: علی بختیاریزاده، تهران: نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۲ و ۱۱.

فیروزآبادی، سیداحمد. (۱۳۸۴). بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و راههای ارتقاء آن، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی ترجمه: غلام رضا غفاری و حسین رضانی تهران: انتشارات کویر

قاندامینی هارونی، غلامرضا؛ محقق کمال، سیدحسین؛ کریمی، صلاح الدین؛ جرجان شوشتری، زهرا (۱۳۹۴). بررسی اکولوژیک خشونت علیه کودکان در استان های ایران، یک تحلیل خوشه ای، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۵ شماره ۱۳۰ آبان سال ۹۹-۸۷.

قربانی، مهدی (۱۳۹۴). تحلیل پیوندهای اعتماد و مشارکت در شبکه بهره برداران در راستای مدیریت مشارکتی مراتع، منطقه مورد مطالعه منطقه کریمی نورالدین وند، معصومه (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد و دانشگاه تهران .

کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

کمالی، علی (۱۳۷۹). مقدمه ای بر جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.

- گلچین ، مسعود؛ حیدرعلی (۱۳۹۱). خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در پسرانه نورآباد (لرستان) ، مسائل اجتماعی ایران، سال ۳، تابستان، ص ۲۱۲-۱۷۷.
- گلی، رونه (۱۳۷۶). توسعه نقش زنان در روشنگران و مطالعات زنان .
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن(۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نی، چاپ اول، ص ۴۶۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). سیاست جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- مارشال، گوردون(۱۳۸۸) فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان.
- محبوبی منش، حسین (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی ارزش‌ها (با تاکید بر نظم و امنیت)، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- حاجی تبار فیروزجائی، محسن؛ خوشبخت، نازنین؛ مذبحی سعید (۱۳۹۴). نقش خشونت خانواده علیه دانش آموزان در بزهکاری آنان، فصلنامه خانواده و پژوهش شماره، ۲۴، ص ۲۵-۳۶
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در توسعه پایدار کشاورزی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- مرا می، حمید؛ سرابی، علی (۱۳۹۷). رویکرد اجتماعی کاهش تقاضای مواد مخدر و روان گردان ها و پیشگیری از وابستگی به مواد با تاکید بر نقش مشارکت اجتماعی، فصلنامه سلامت اجتماعی، سال ۵ شماره ۲۰.
- مرادی و همکاران (۱۳۸۴) بررسی و نقش سرمایه اجتماعی بر گرایش نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله شهر یاسوج به اعتیاد، فصلنامه علمی و تخصصی دانش انتظامی کهگلویه و بویراحمد دوره هشتم .
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی سیاسی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸، ص ۱۶۵-۱۵۲.
- معصومه، زهرا؛ رحیمی محمد (۱۳۹۶) بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل موثر بر آن در میان شهروندان شهر تهران، پژوهش‌های جامعه‌شناسی سال ۱۱ شماره ۱، ص ۳۵-۶۵
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی شهری، شرکت سهامی انتشار.

مهدی و همکاران (۱۳۹۱) بررسی مقایسه سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و نیز حاشیه نشین شهر شیراز از چهارمین اجلاس برنامه ریزی مدیریت شهری

صادقی، مهرداد (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر مشارکت در انتخابات شورایان دوره سوم محلات، مطالعه موردی دانشکده مدیریت واحد علوم و تحقیقات تهران مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه و اجتماعی ایران سال دوم ۸۳-۱۱۸

میرشکاری، مهدیه (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ادراک کارکنان ستادی از عدالت سازمانی و میزان بروز رفتارهای انحرافی کاری آنان در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه سیستان و بلوچستان.

میکنی، آنتونی (۱۳۷۸). تشخیص جامعه و هدایت مشخص در عصر جدید ترجمه: موتقیان، تهران.

نادری، احمد (۱۳۹۲). بررسی حس تعلق محله ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی محله نعمت آباد)، مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران دوره ۶ شماره .

ناصر پیر سرایی، آرش (۱۳۹۷). رابطه سرمایه اجتماعی با پیشگیری از جرم شهرستان ملارد مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ، شماره : ۲۵_۴۲

شرافتی پور، جعفر (۱۳۷۸). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ، ۱۰۸، ص ۸۷-۱۰

نیازی، محسن (۱۳۸۱). تبیین موانع مشارکت اجتماعی شهر کاشان پایان نامه ی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم .

هدایت الله، ستوده (۱۳۷۹). آسیب شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور، ص ۱۴ و ۱۵.

هدایت الله، نیکخواه؛ ظهیری نیا، مصطفی؛ اعلم کمالی، سیده مهدیه (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت مصرف آب در شهرستان میناب، دوره ۲۸، شماره ۳، پاییز، ص ۹۹-۱۲۲.

لارنس، پروین (۱۳۷۲). روان شناس شخصیت نظریه و تحقیق ترجمه: محمد جعفر جوادی، پروین کدیور، ناشر: رسا.

آزاد ارمکی، تقی؛ کمالی، افسانه (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دوجنس اعتماد اجتماع و جنسیت، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹). نظریه های جامعه شناسی، انتشارات: سمت ستاری فر، محمد (۱۳۷۴). درآمدی بر سرمایه و توسعه، نشر: تهران.

نویمان، فرانتش (۱۳۷۳). آزادی و قدرت و قانون، ترجمه: عزت اله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی. گای، درام، (۱۳۷۱). توسعه مشارکتی، چشم اندازهایی از تجربه های روستا، نشریه روستا و توسعه، شماره ۴.

علاقه بند، مهدی (۱۳۸۴). درآمدی بر سرمایه اجتماعی، مجله جامعه شناسی معرفت، شماره ۱۴، ص ۱۱-۱۴.

ابراهیمی مقدمیان، محمود (۱۳۸۱). بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر انزوای اجتماعی جوانان شهر همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

روشه، گی (۱۳۷۶). «جامعه شناسی تالکوت پارسونز»، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی انتشارات: تیان.

روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه شناسی، ترجمه: دکتر عبدالحسین نیک گهر چاپ اول تهران: موسسه فرهنگی انتشارات تیان.

بیکر، واین (۱۳۸۲). مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه: محمد الوانی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

حضرتی صومعه، زهرا؛ ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۹۶). بررسی نظری پژوهش های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران، فصلنامه علوم رفتاری، ص ۲۹-۵۲.

کریمی نورالدین، معصومه (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

محمودی، امیر؛ نیکخواه، زهرا (۱۳۹۱). بررسی مقایسه ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیرحاشیه نشین شیراز، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.

مرادی فرد، طاهره؛ جوادی نیک، آمنه؛ صفرپور، مینا (۱۳۹۴). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر گرایش نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال شهر یاسوج به اعتیاد، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی کهگلویه و بویراحمد، زمستان، شماره ۶، ص ۱۱۱-۱۲۱.

صرامی، حمید؛ سرابی، علی بقلی (۱۳۹۷). رویکرد اجتماعی به کاهش تقاضای مواد مخدر و روان گردان ها و پیشگیری از وابستگی به مواد با تاکید بر نقش مشارکت اجتماعی، سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال ۵، شماره ۲، ص ۲۵-۶۲.

زارعی، مصطفی؛ منظمی تبار، جواد؛ اسدبگی، مهدی (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی در بین جوانان پسر ۳۰ تا ۱۸ سال منطقه خضر و اسلام شهر همدان، فصلنامه علمی دانش انتظامی همدان، دوره ۵، شماره ۲، ص ۴۱-۶۶.

صداقت، زادگان، شهناز؛ پنجستونی، بهرام؛ ملکشاهی، مالک (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و نزاع فردی در بین جوانان شهر ایلام، فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام، دوره ۱۹، شماره ۶۰-۶۱، ص ۷۰-۱۰۱.

گرچی کرسامی، علی؛ سیاه چشم، مهری؛ سید جعفر موسوی، حجت الله (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سرمایه ی اجتماعی و مشارکت شهروندان در پیشگیری از اعتیاد، فصلنامه علمی پیشگیری از جرم، شماره ۴۶، دوره ۴، ص ۸۱-۱۰۳.

فعلی، جواد؛ گرچی کرسامی، علی؛ سیاه چشم، مهری (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی شهروندان محلات حاشیه نشین شهر ساری، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز، ص ۲۹-۵۶.

طلوعی، اشقلی، عباس؛ کاووسی، اسماعیل (۱۳۸۵). منطق فازی به مثابه روش نوین در محاسبه سرمایه اجتماعی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰.

کلدی، علی رضا؛ شعبانی، عین الله (۱۳۸۲). بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق شهر تبریز طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۱۹-۱۳۸، ص ۴۷-۴۸.

مقنی زاده، محمد حسن (۱۳۷۵). بررسی مشارکت دانش آموزان در فعالیت های فوق برنامه با تاکید بر مطالعه در دبیرستان های مناطق ۳ و ۱۶ شهر تهران، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران.

انصاری، اسماعیل (۱۳۷۹). فرهنگ عمومیمشارک اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی، مجله آزما، شماره ۶ فروردین، ص ۳۶-۳۹.

کونتز، هرونند؛ ویریچ، اچ؛ اودانل، سیریل (۱۳۷۴). اصول مدیریت (جلد ۲)، مترجمان: سیدامین الله علوی، محمدعلی طوسی، اکبر مهدویان، ناشر: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی. طوسی، محمدعلی، (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت و حاکمیت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

امیری، مجتبی (۱۳۷۴). پایان نامه تاریخ و بحران اعتماد بازشناسی اندیشه های تازه فوکویاما، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، تهران.

شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان، مجله زن در توسعه و سیاست، شماره ۷، ص ۱۴۱-۱۷۶.

پروین، ستار؛ مصطفی پور، کامبیز؛ فلاحی گیلان، روح الله؛ احمدزاده، مریم (۱۳۹۴). بررسی عملکرد شهرداری تهران و نقش مشارکت اجتماعی در حوزه ی مدیریت آسیب های اجتماعی شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، معاونت مطالعات و برنامه ریزی مدیریت، امور اجتماعی و اقتصادی.

کوئن، بروس (۱۳۷۱). درآمدی به جامعه شناسی، تهران: انتشارات: فرهنگ معاصر. حامد مقدم، احمد (۱۳۷۳). مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی، تهران: سمت. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت شیراز، انتشارات: نوید شیراز. علفیان، مسعود (۱۳۷۸). مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری تبریز، شهرداری تبریز. آرون، ریمون. (۱۳۷۱). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نیازی، محسن (۱۳۸۰). تبیین موانع مشارکت اجتماعی شهرستان کاشان، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

اخلاق پور، منصور (۱۳۷۹). بررسی نگرش بومیان نسبت به غیر بومیان و تاثیر آن بر میزان مشارکت اجتماعی در شهر بندرعباس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

شهینی بیلاق، منیجه؛ دست مرد، مادح؛ پاک سرشت، محمد جعفر (۱۳۹۱). بررسی مبانی نظری ایده خودکارآمدی به عنوان هدفی تربیتی، پاییز و زمستان، سال ۲، شماره ۲.

کوثری، مسعود. (۱۳۷۵). بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیتهای عمرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران.

باقری بنجار، عبدالرضا؛ شبانی، محسن (۱۳۹۶). نقش مشارکت شهروندان در کاهش آسیب های اجتماعی شهری، سومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

طالب، مهدی (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران، انتشارات: دانشگاه تهران.

رجب زاده، احمد (۱۳۷۶). جامعه شناسی توسعه بررسی تطبیقی تاریخی ایران و ژاپن، تهران: مرکز پژوهشهای بنیادی، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیراز.

دهقان، علیرضا؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴) تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱، بهار، ص ۶۷ - ۹۸.
دوبنوا، آلن (۱۳۷۳)، مسأله دموکراسی، ترجمه: بزرگ نادر زاده، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۷-۷۸.

تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۸۲). مشارکت سیاسی جوانان: ابعاد و پویایی ها، مطالعات جوانان، سال اول، شماره ۵، زمستان.

- آتال، یوگش (۱۳۷۹). درگیر ساختن مردم فقیر: پرسشهای فراوان فقر و مشارکت در جامعه مدنی، ترجمه: ایرج پاد، تهران، سروش.
- تقی لو، فرامرز (۱۳۸۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۵، شماره ۳۲، ص ۲۳۹-۲۵۸.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴). جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی در زندگی عمومی، به کوشش: کیان
- تاجبخش، ترجمه، افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه.
- عیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیردولتی، تهران: انتشارات سمت، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۷). بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در برنامه های توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای گرمسار، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- خدمتگذار خوشدل، موسی (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر عزت نفس (باتأکید بر حمایت اجتماعی) مطالعه موردی دانشجویان کارشناسی روزانه دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- فانی، علی اصغر (۱۳۷۸). تقریب نگرشها، فصلنامه مدیریت، شماره ۲۱، تهران: معاونت برنامه ریزی و نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش. ص: ۴۵-۵۰.
- مرادی فرد، طاهره؛ جوادی نیک، آمنه؛ صفرپور، مینا (۱۳۹۴). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر گرایش نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله شهر یاسوج به اعتیاد، فصلنامه علمی و تخصصی دانش انتظامی کهگیلویه و بویراحمد دوره ۸، شماره ۲۰، زمستان، ص ۱۱۱-۱۲۱.
- نادری، احمد؛ شیرعلی، ابراهیم؛ قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۲). بررسی حس تعلق محله ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی محله نعمت آباد، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۳، تابستان، ص ۷-۲۰.
- نوابخش، مهرداد؛ صادقی، احمد (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در انتخابات شورا دوره سوم محلات با مطالعه موردی دانشکده مدیریت واحد علوم تحقیقات تهران، مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۲، ص ۸۳-۱۱۸.

قربانی، محمد (۱۳۹۴). تحلیل پیوندهای اعتماد و مشارکت اجتماعی در شبکه بهره برداری در راستای مدیریت مشارکتی مراتع منطقه مورد مطالعه گرگو در استان کهگیلویه و بویراحمد، سال ۹، شماره ۲، ص ۱۱۸۱-۱۹۴.

میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا؛ دریکوندی، هدایت الله (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل موثر بر آن، تازه های علوم شناختی، سال ۴، شماره ۴۹، ۳-۵۸ سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، تهران. قادری، حاتم. (۱۳۷۸). اندیشه های دیگر. تهران: نشر بقیعه .

منابع لاتین

- 1) Zimmerman, A. (۱۹۹۶) Public Participation in Planing, Common Questions about Planing in Arizona Issus ۶, February.
- 2) Trentacosti, F. (2011), social capital, happiness and social networking sites. Surfing Alone: do countries with higher number of users in online communities have higher happiness levels?. university of Sussex, master of in development economics, 1-88
- 3) Austin SB, Street NW, McCormick MC, Slope N, Habre R, Molnar BE. Sleep Duration and Risk of Physical Aggression against Peers in Urban Youth. Sleep Health. 2016
- 4) Coleman. J, s. (1990). *Foundation of social theory*, Cambridge. MA. HarUniversity Press. Belknap. Press
- 5) Cook, K. S. (2001). *Trust in Society*. New York: Russell Sage.
- 6) Ess. (2005). *European social surrey In the Research of social capital*.
- 7) Fukuyama. F. (1999). *Social Capital and Civil Society*. Conference on Second Ge n rali zati on Reform. (www.imf.org/pubs/ft/seminar/1999)..
- 8) Lewis, J. D. and A. Weigert, (1985) "Trust as a Social Reality". *Social Forces*, 63 (4): 967-985.
- 9) Putnam, Robert. (1995). *Tuning in, Tuning out: the Strang Disappearance of Social Capital in America*. Ps: Political Science and Politics.
- 10) Salmi, Venla; Kivivuori, Janne (2006) " *The Association between Social Capital and Juvenile Crime*", European Society of Criminology, Vol. 3 (2): 123-148.
- 11) Allen, T & .Rush, M. (1998). The effect of organizational citizenship behavior on performance. *Journal of Applied psychology*, Vol 83.
- 12) Wang A moderated mediation model of anger rumination and moral disengagement *Journal: Personality and Individual Differences*, Volume ۱۲۵, ۱۵ April, Pages ۴۹-۴۴
- 13) Colaizzi, P. F. (1969). The descriptive methods and the types of subject-matter of a
14) phenomenologically based psychology exemplified by the phenomenon of learning (Doctoral dissertation, ProQuest Information & Learning).
- 15) Colaizzi, P. F., Valle, R. S., & King, M. (1978). Existential phenomenological alternatives for psychology. *Psychological research*

16) Zimmerman, A. (1996) Public Participation in Planning, Common Questions about Planning in Arizona Issues 6, February.

17) Trentacosti, F. (2011), social capital, happiness and social networking sites. Surfing Alone: do countries with higher number of users in online communities have higher happiness levels?. university of Sussex, master of in development economics, 1-88

18) Austin SB, Street NW, McCormick MC, Slope N, Habre R, Molnar BE. Sleep Duration and Risk of Physical Aggression against Peers in Urban Youth. Sleep Health. 2016

19) Coleman. J.s. (1990). Foundation of social theory, Cambridge. MA. Harvard University Press.

20) Cook, K. S. (2001). Trust in Society. New York: Russell Sage .

Ess. (2005). European social survey In the Research of social capital.

21) Fukuyama. F. (1999). Social Capital and Civil Society. Conference on Second Generation Reform. (www.imf.org/pubs/ft/seminar.

22) Lewis, J. D. and A. Weigert, (1985) "Trust as a Social Reality". Social Forces, 63 (4): 967-985.

23) Putnam, Robert. (1995). Tuning in, Tuning out: the Strange Disappearance of Social Capital in America. Ps: Political Science and Politics.

24) Salmi, Venla; Kivivuori, Janne (2006) " The Association between Social Capital and Juvenile Crime", European Society of Criminology, Vol. 3 (2): 123-148..

پیوست

بسمه تعالی
پاسخگوی محترم
سلام علیکم

هدف پرسشنامه حاضر، (ارائه راهکارهای جلب و توسعه مشارکت های مردمی در حوزه کاهش خشونت های اجتماعی) می باشد لطفاً با پاسخ های صادقانه ما را در انجام این تحقیق علمی یاری فرمایید. از همکاری شما سپاسگزارم.

جنسیت: مرد (1) زن (2)

وضع تاهل: متاهل (2) مجرد (1) مطلقه (3) همسر فوت شده (4)

محل سکونت شهر: شهر (1) روستا (2) عشایری (3)

سن: ۱۸-۲۹ ۳۰-۳۹ ۴۰-۴۹ ۵۰-۵۹ ۶۰ به بالا

میزان تحصیلات: بی سواد اول ابتدایی تا دیپلم کاردانی کارشناسی کارشناسی ارشد دکتری حوزوی

وضعیت اشتغال: بیکار شاغل اگر شاغل شغل دولتی آزاد سایر

قومیت: لر (بختیاری) فارس ترک سایر

نوع مسکن شما: مالک و منزل شخصی دارم فاقد مسکن و اجاره و رهن هستم سایر

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
1	در حل مسائل خانوادگی مشارکت می‌کنم					
2	در حل مسائل محله زندگی مشارکت می‌کنم					
3	تلاش می‌کنم درگیرهای خانواده های اطرافم کم شود					
4	همشهری‌ام برایم خیلی مهم‌اند					
5	بنظر من شرکت در راهپیمایی مناسبت‌های ملی (۲۲ بهمن، ۱۳ آبان و...) موجب احساس غرور ملی می‌شود.					
6	در حل و فصل دعوای مردم همکاری دارم					
7	من از سیاست‌های دولت (دفعندی یارانه‌ها و...) حمایت کرده و در حد توان خود با دولت همکاری می‌کنم.					
8	اعتقاد دارم اگر کسی وظیفه‌اش را درست انجام ندهد، در هر پست و مقامی که باشد باید به او تذکر داد.					
	در صورتی که در خیابان و محل خود شاهد دعوا باشید تا چه حد سعی می‌کنید در حل آن مشارکت کنید					

تا چه حد موافق یا مخالف هستید

سوالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی نظر	موافق	کاملاً موافقم
1					
2					
3					
4					
5					
6					
7					
8					
9					

فکر می‌کنید جزو کدامیک از طبقات اجتماعی و اقتصادی هستید: بالا متوسط پایین

خواهشمند است بهترین گزینه‌ای که توصیف کننده احساس شما در خصوص هر یک از سوالات است را با گذاردن علامت ✓ در خانه‌های روبروی هر سوال مشخص کنید.

با توجه به گویه های زیر میزان مشارکت خود را معلوم نمایید

به هر یک از موارد زیر تا حدی اعتماد دارید؟

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	اعتماد به اهل خانواده (نزدیکان و خویشاوندان)					
۲	اعتماد به هم محله ای ها					
۳	اعتماد به دوستان					
۴	اعتماد به همشهریان					
۵	اعتماد به همه مردم					
۶	اعتماد به اصناف و بازار					
۷	اعتماد به سازمانها و ادارات					
۸	اعتماد به صدا و سیما					
۹	اعتماد به دادگستری					
۱۰	اعتقاد به موثر بودن نهادهای مدنی					
۱۱	اعتماد به نیروی انتظامی					

سرمایه
اجتماعی

به نظر شما تا چه حد ارزشهای و ضد ارزشها زیر در جامعه رواج دارد

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	صداقت و راستگویی					
۲	وفای به عهد					
۳	پایبندی به قسم					
۴	غیرت و جوانمردی					
۵	فحش و ناسزا گویی					
۶	بدگویی و غیبت					
۷	پشت پا زدن					
۸	انسان دوستی					

ارزش ها

با هریک از گزینه ها زیر تا چه حدی موافق و یا مخالف هستید

ردیف	سوالات	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
دلزدگی بلازه	۱ مردم دیگر نمی تواند برای هر اتفاقی دل بسوزند					
	۲ مردم نسبت به همدیگر بی تفاوت شده اند					
	۳ اگر به دیگران فکر کنی از زندگی خودت عقب میفتی					
	۴ مشکلات هر کسی به خودش مربوطه					
	۵ کمک کردن به دیگران کار دولته					
	۶ مردم اگر تصادف یا اتفاقی را می بینند و سریع میگذرند					
	۷ کرونا هم یک اتفاقه که میگذره و زیاد نگران آن نیستند					
	۸ معمولاً آدم ها بیشتر به تنهایی علاقمند شده اند					

تا چه حد با جملات زیر موافق هستید؟

ردیف	سوالات	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
احساس نابرابری	۹ وضع، فرق نمی کند همیشه همین خواهد بود					
	۱۰ دنیا بکام ثروتمندان است					
	۱۱ بعضی-ها راحت تر به قدرت و پست و مقام می رسند					
	۱۲ درآمدها بین مردم عادلانه توزیع نمی شوند					
	۱۳ بعضی ره صدساله را یک شبه می روند					
	۱۴ ثروتمندان هر روز ثروتمندتر و فقرا فقیر تر می شوند					
	۱۵ در جامعه فرقی بین اقوام ترک، لر، عرب و عجم وجود ندارد					
	۱۶ هر کس به جایی رسیده با پارتی بوده					
	۱۷ امکان اشتغال برای همه یکسان است					
	۱۸ امکان دسترسی به خدمات دولتی برای همه یکسان است					
۱۹ امکانات آموزشی و تحصیلی برای همه برابر توزیع شده						

در ذیل راهکارهایی برای کاهش خشونت ها در جامعه ، ارائه شده است شما تا چه حد با این موارد مخالف یا موافق هستید؟

ردیف	سوالات	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
راهکارهای کاهش خشونت	۱ حضور پلیس برای کاهش خشونت ها					
	۲ دستگیری و خشونت با خشونت طلبان					
	۳ رسیدگی سریع به پرونده هایی که به دلیل خشونت در مراجع قضایی وجود دارد					
	۴ تنظیم برنامه های دولت در کاهش مشکلات					
	۵ استفاده از باورهای مردم					
	۶ استفاده از بزرگان و ریش سفیدان و مشارکت بیشتر آنها					
	۷ مشارکت خود مردم مردم در کاهش خشونت ها					
	۸ توجه به دین و باورهای اصیل دینی					
	۹ مجازات آدمای دو رو و فریبکار					
	۱۰ ساده زندگی کردن مسنولین و الگوهای دینی					
	۱۱ پاسخ سریع به مشکلات مردم					
	۱۲ توجه به نظر و دیدگاه مردم					

					تشکیل انجمن ها و تشکل مردمی مرتبط	۱۳
					حضور بیشتر مسولین میان مردم	۱۴
					اطلاع رسانی درست و دقیق به مردم	۱۵
					توجه به معیشت مردم	۱۶
					برخورد سریع و قانونی با خشونت طلبان در جامعه	۱۷
					توجه به دستورات دینی و برخورد سریع با حرمت شکنان	۱۸
					افزایش حرمت و احترام مشارکت کنندگان و بزرگان	۱۹
					اعطای مجوز قانونی به افراد مشارکت کننده	۲۰

فکر می کنید افرادی که در کاهش خشونت مشارکت می کنند ویژگیهای زیر در آنان به چه میزان است؟

ردیف	سوالات	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	قابل اعتماد					
۲	مسئولیت پذیر					
۳	دلسوز مردم و خانواده					
۴	دانا و کاردان					
۵	دیندار و خدا ترس					
۶	مشارکت جو					
۷	با غیرت و متعصب					
۸	اهل خیر و خوبی					
۹	دارای اعتماد بنفس					
۱۰	جزء خانواده مرفه					
۱۱	پرخاشگر و زورگو					
۱۲	بیکار و علاف					
۱۳	سودجو و منفعت طلب					

نگرش نسبت به مشارکت کنندگان در کاهش خشونت

-در صورتی که در خصوص مشارکت در کاهش خشونت ها در جامعه نظرات و پیشنهادات تکمیلی دارید ارائه فرمائید.